شکر بجناب الهی که کتاب فواید انتساب مشهور [illegible] ۱۲۶۳

ذکالی سنه ۱۲۶۵ هجری

بفرمایش محسن الاخلاق معتمد الآفاق شیخ احمد علی کتاب فروش ساکن

اندر کابلی دروازه باهتمام سید اشرف علی واسطی در مطبع العلوم دهلی منطبع شد

بسم الله الرحمن الرحیم

ستایش و سپاس مر خدای را سزد که در ضمن پیدایش هر موجودی از موجودات چندین هزار
حکمت تعبیه فرموده و ستایش بی نهایت صانعی را زیبد که جمیع مصنوعات با مر کن فکان
شاهد عدول وجود و اثبات کرده حکیمی که مبدعات عالم را بوجه احسن و طریقه اتقن
آفریده و علیمی که شفا بخش هر مرض بنی آدم منوط و مربوط با دویه و عقاقیر نموده جلت
نعمائه و عمت آلائه و درود نامحدود و تحیات بی معدود بر طبیب نفوس جلیله و حکیم نسیم علیله را
که قانون اشارات او راه نجات بیان کرده و منهج قویم صراط مستقیم و شفای اسقام و
رفع آلام از اجساد و اجسام محجوبه عصیان و طغیان نموده وحیدیکه خلقت جمیع کائنات
پای نام نامی او و فریدیکه آفرینش جمله مخلوقات مختتم بنام سامی او یعنی محمد مصطفی
و احمد مجتبی علیه من الصلوة افضلها و التحیات اکملها و بر آل و اصحاب او که رهروان
جاده دین و رهنمایان اهل یقین اند باد اما بعد این عجاله ایست نافع که کمترین گوشه گزینان

گزین بنده مسکین ذکاء الله ابن اسحاق ابن اسمعیل الطبیب المشهور فی دیار الهند طبیب
خاقان محمد بقاخان غفر الله له و لهما و احسن الله الیه و الیهما در قید جمع و تالیف و حیز
تهذیب و ترتیب درآمده نسخهای مجربه جد بزرگوار و والد نامدار که در قرابادینات
جسیمه و مطولات عظیمه و بیاضهای متفرقه بود و از یاد برباد رسیده بود درین سفینه
خالی از حشو نهاد و نام این به ملتقطه ذکائیه منتخب از مجموعه بقائیه بر طبق الهام
خداوند علام بافواه خاص و عام رسید و مامول از نقادان بصیر و مرجو از دیده وران
خبیر است که بنظر قبول مقبول شود و خطائی و لغزشی اگر جائی رفته باشد بذیل عفو
و صفح معفو گردد و جمعی که متمتع از آن شوند و بهره ور از آن باشند بدعای خیر این روسیه
گنهگار و تبه کار بیمقدار را یاد نمایند که غیر از این حسنی ندارد و عقبی را بهتر از اولی میداند
و نعیم مقیم آنجا را بالعجل اینجا که الدنیا مزرعة الآخرة واقع است میخواند انه قریب مجیب
و علی کل شیء قدیر و بالاجابت جدیر **حرف الالف** مشتمل هشت باب **باب اول**
در ذکر اسهالهای منضج و غیر منضج **باب دوم** در آبزنها و آبتنها که روشوی
گویند **باب سوم** در بیان ارکبه‌ها **باب چهارم** در ذکر نسخهای
اغبساده و لولوی **باب پنجم** در اطریفلات ذی الاسم و غیر ذی الاسم **باب**
ششم در اقسام انوشداروها و این باب مشتمل است بر دو فصل فصل اول در
اقسام انوشدارو ساده فصل دوم در بیان انوشدارهای لولوی قابض و غیر قابض
باب هفتم در انکبابها **باب هشتم** در ایارجها **باب اول** در اسهالها
سوفندی بارد موافق گرم مزاجان است تفریح و نشاط تمام آورد و صحاب خفقان
و مراقیان و مالیخولیا و سودای محترقه را نافع است **صفت** سناباه بست و چهار
بوست سفیلان سه من تبریز در خم کنند بعد یک ثلث خم خالی ماند پس خم را در سرگین

دفن کنند و بگذارند که جوش خورد و از جوش فرو ماند پس عرق کشند و در عرق
صندل سفید سوهان کرده کشنیز خشک هر یک بیست مثقال گل نیلوفر چهل مثقال پوست
هلیله آمله منقی از هر یک صد مثقال تخم کاهو مقشر گل گاوزبان هر یک صد و بیست مثقال
مغز تخم کدو نیم کوفته دو صد مثقال تخم کاسنی نیم کوفته تخم خرفه مقشر مغز تخم خیارین نیم کوفته
از هر یک دو صد و چهل مثقال پوست هلیله کابلی برگ بید بهار سده زرشک اصلی هر یک
سه صد مثقال گل سرخ چهار صد مثقال تر نیک شبانه روز بخیسانند و عرق کشند و قدری
عنبر اشهب بدان بچه به بندند اسو مسکر صداع را مفید است و مقوی دل و دماغ
و خمار ندارد دیگر قند سیاه یک من پوست مغیلان هفت سیر پوست هلیله حبش
گل سرخ هر یک یکسیر آمله یکرطل اصل السوس ربع رطل شیرکا و دو سیر عنبر اشهب
یکدرم بدستور عرق کشند اسو دیگر بجهت استسقا بسیار نافع است دیگر
دیگر مغز کوار چهار آثار درک دو آثار هلیله زرد نیم پاو زنجبیل
دارفلفل آمله براده آهن فلفل دراز هر یک نیم پاو قند سیاه کهنه چهار آثار
قند را شربت نموده باقی ادویه که قابل جوکوب کردنست جوکوب نموده همه ادویه
را با شربت در یک سبوی که اندرون سبوی روغن تلخ یا روغن زرد
داشته باشند جمع نموده آن سبو را در جای خنک دفن کنند که جوش خورد و
آن جوش فرو نشیند گل کشند و گرد اگرد سبو و زیر آن لید اسپ
دهند تا یک هفته بگذرد و اخبر میگرفته باشند که از جوش و اضایع نشود پس صاف نموده
در شیشه نگاه دارند و قدر خوراک این اسو یک پیاله قهوه خوری غذا این دوا
دال مونگ را در آب خوب پزد که مهرا شود و نمک نه اندازد و مانند شوربا کرده بخورد
و موافق اشتها دو سه بار غذا بیفزاید و اگر تشنگی زیاده شود در یک پیاله قهوه

قهوه خوری عرق بادیان دو سه قطره سرکه انگوری داخل کرده بنوشند تا تشنگی دفع شود
اسهو دیگر صاحب جامع الجوامع آنرا بدل پهره کهیکوار نامیده و اجزای آنرا بالفاظ
عربی نگاشته نافع است برای استسقا و امراض کبد و معده و انثیین و جمیع
امراض بلغمی و سوداوی ص سنبل الطیب تا کیسر کبابه چینی مقل ازرق دو قوقطراسا
هر یک سه توله اسارون سلیخه سیاه حب بلسان عود بلسان اسطوخودوس بادرنجبویه
بسفایج فستقی افسنتین رومی مصطکی رومی انیسون دارچینی رازیانه زعفران برگ
نارنج برگ ترنج هر یک چهار توله چوب چینی تیشه تراشیده غاریقون کلیسیخ مقروع
الاقماع پوست بلیله پوست بلیله زرد پوست هلیله کابلی هلیله سیاه آمله هر یک
پنج توله برگ صبر یعنی کهیکوار که خارهای آنرا دور کرده باشند دو سیر پوست
مغیلان پنج سیر شاهجهانی اجزا همه نیمکوفته قند سیاه برابر همه اجزا یا پوست
مغیلان درخم کرده آب بدستور در آن بخته زیر سرگین اسپ دفن کنند تا جوش
خورد و آن جوش فرو نشیند چون تهه برسد صاف نموده در شیشه پر کرده نگاهدارند
و هر صبح و شام چهار پیالی قهوه خوری بنوشند اگر خواسته باشند از آن عرق
کشیده استعمال آرند اما بغیر عرق کشیدن بهتر است اسهو دیگر در همین باب ص
اجواین پوست بلیله هر یک بست دام کیت یعنی منبت الحدیدی دام هر سه را نیمکوفته
کرده در ظرف چوبی کهنه که آب از آن تمام تراوش نشود کنند و آب شیرین ده آثار برابر
آن انداخته و دهن ظرف محکم بسته در کوهی سرگین خشک در آن انداخته باشند
بنهند و تمام کوه را از سرگین پر کنند و سه هفته برآرند پس بیرون آرند و صاف
نموده در شیشه کنند و صبح و شام یکدام یا نیم دام و یا زیاده حسب حال
بنوشانند و بعضی قند سیاه کهنه برابر همه اجزا در اول داخل میکنند و بعضی شیره

ورق تمام مرزنگوش حرمل بابونه گل خطمی اکلیل الملک ورق اترج سداب طبیخ قیصوم
نخنکشت هر یک یک جزو حنبه بید بیشتر نصف جزو در آب بسیار بپزند تا نصف بماند روغن
زیت نصف آب مضاف ساخته در آن بیمار را بنشانند گرم گرم آبزن دیگر
که همان منفعت دارد ص برگ اترج بابونه شبت حاشا تمام مرزنجوش مجموع را
در آب بجوشانند و علیل را در آن بنشانند و بعد از خروج از آبزن جانب ناف را
بمسیح نمایند به روغن قسط یا روغن کرد کان کنند آبزن مخترع حکیم معتمد الملوک مرحوم
مجرب برای فالج و استرخا ص آنکه نبست من اگر نباشد آب خالص بجوشانند و در وی
و در آن بابونه اکلیل الملک مرزنگوش ورق تمام اذخر مکی برگ بارنج اقاقیا اسطوخودوس
بیخ سوسن تمام گل یاسمین سفید وج ترکی قوة الصباغین پودینه بری پودینه جبلی برگ
صنوبر عشبه مغربی برگ سداب هر واحد دو کف تا ثلث آب برود لیکن صاف نموده
در آن آب روغن زیت ثلث وزن آب داخل کرده ارنب یا ثعلب یا ضبع یا دلق
هر کدام که باشد زنده آنرا بسته در عین جوش در آن اندازند و بجوشانند که مهرا شود
پس علیل در آن نشیند چون گرم باشد صبر کنند تا سرد شود و بیرون برآید آبزن
که صاحب مفاصل را بعد استفراغ بکار آید ص بگیرند گفتار پیر شده را بکشند
و در مرجلش آب کنند و بسیار بجوشانند پس گفتار در آن نهند پوست نا کنده و نا شکافته
شبت و نمک در آن افکنند و آنقدر بجوشانند که مهرا شود لیکن صاف کرده در آبزن
نمایند سه روز متصل در اول ماه هر روز دو دو مرتبه هر بار دو ساعت در آن
نشینند و چون از آبزن بیرون آیند بدن را از آب گرم بشویند و به پوشند و از
هوا سرد ملاحظه کنند و همچنین سه روز در وسط ماه و سه روز آخر ماه و باید که هر
روز تازه بسازند و اگر گفتار نباشد روباه و خرگوش و گوشت خر وحشی بدل است

بدل ولیست. آبزن که سنگ کرده بیرون آرد و درد زهار و مثانه را زایل کند
ص بابونه اکلیل الملک پرسیاوشان تخم قلت نیمکوفته هر یک ده درم پوست بیخ بادیان
تخم خربزه نیمکوفته پوست بیخ خطمی هر یک هفت درم خارخسک شش درم بنفشه برگ نیلوفر
هر یک چهار درم اشنان سه درم همه را در ده من آب بجوشانند تا نصف بماند صاف نموده
بعمل آرند آبزن مختص جهت ورم رحم که در وقت انحطاط و انتهاء مناسب است عمل
ص گل خطمی سفید گل نیلوفر برگ خطمی تازه جو مقشر نیمکوفته سبوس گندم تخم خربزه نیمکوفته
اکلیل الملک گل بابونه تخم خطمی برگ کرنب تازه عنب الثعلب تازه برگ کاسنی تازه برگ
بارتنگ تازه شلغم خشک یا تر هیچ برگ در سی یا چهل آثار آب بجوشانند تا مهرا شود پس
بدست بمالند صاف کرده در آب آن نیم گرم بنشینند و از همین آب بمقداری در افتابه
توته دار گرفته از مکان دور بموضع علت تطول نمایند و در ایام انحطاط تخم کتان و حلبه
سلق و شبت نیز افزایند و بعد برآمدن آبزن روغن حنا یا روغن شبت بشرط عدم
سوء التدهین کنند آبزن دیگر که اورام کلیه و مثانه را سود دهد بابونه تخم کتان
سبوس گندم همه را در آب بجوشانند و روغن بید انجیر آمیخته آبزن کنند آبزن که اورام
کلیه و مثانه را سودمند بود ص لعاب بزرکتان لعاب حلبه لعاب تخم مرو نیمکوفته آبزن
کنند آبزن که سنگ مثانه را پاک کند و عسر البول را دفع کند مفید بود ص بابونه
اکلیل الملک گل سرخ گل خطمی خشک هر یک ده درم پوست خربزه خشک تخم قلت نیمکوفته
پرسیاوشان هر یک هفت درم اشنان بیخ سوسن نیمکوفته پوست بیخ بادیان هر یک
پنج درم کاکنج حلبه هر یک چهار درم قیصوم بنفشه هر یک سه درم و برگ نیلوفر
هر یک دو مثقال همه را در ده من آب بجوشانند تا پنج من بماند در طشتی بریزند و در آن
نشینند و چون از آب بیرون آید دو سه قطره روغن عقرب در احلیل چکانند آبزن که

بول الدم کلو باشد دارد صص برگ مورد تر تازه و گلنار جوز السرو پوست انار گل سرخ
جوشانیده در آن نشینند آبزن که ورم حار و بارد کلیه را سود دهد صص اکلیل الملک
بابونه سبوس گندم کشنک جو نیمکوفته جوشانیده آبزن نمایند آبزن که سرعت انزال
که بسبب تیزی و حدت منی بود سودمند است صص برگ مورد گلنار گل سماق ثمرة الطرفا
لحیة التیس پوست انار جوشیده در آبزن نمایند آبزن که سنگ گرده و مثانه را
سود دهد صص بابونه درمنه ترکی نمام مرزنجوش برگ کرنب سرگین کبوتر بچه مساوی
همه جوشیده در آن نشانند و ثفل آنرا بر عانه و حوالی ناف نهند آبزن که بجروح
مقعد نفع دهد صص عدس مقشر گل سرخ پوست انار جفت بلوط جوشانیده صاف کرده
در آن نشینند و ثفل آنرا گرفته با روغن گل درهم آمیخته ضماد نمایند ایضاً آهن پاره
که زنگار گرفته باشد یک شبانه روز بشراب خیسانیده یک ساعت در آن نشینند و
بعده بمقعد روغن زردآلو یا شفتالو یا روغن بیضه قرص ودع سوخته بر آن پاشند
آبزن که خروج مقعد و رحم را مفید است صص گلنار جفت بلوط مازو ورق آس بقدر
حاجت بجوشانند و در آن نشینند آبزن که نافع است بدرد بواسیر و قرحه آن صص
برگ خرفه برگ خبازی برگ خطمی برگ بنفشه برگ بارتنگ هر یک یک دسته در بیست
رطل آب بجوشانند و در ظرف کلان عمیق شب گرم نشانند آبزن که ادرار طمث
کند صص نعناع خشک سداب اشکیطرا اشیح قنطوریون سنبل الطیب مرزنجوش
ابهل هر یک بیست درم کوفتنی را نیمکوفته در آب جوشانیده تا ناف بنشینند آبزن
مدر حیض صص مر سلیخه مرزنجوش پودینه اذخر قسط اکلیل الملک شونیز کرنب
سداب فودنج کرفس حاشا بنجاسف قردمانا هر یک جزوی بپزند و در آن نشانند
آبزن که حابس حیض بلیغ است صص جوز السرو ثمرة الطرفا پوست انار نیمکوفته

نیمکوفته کلنار هر یک پنج درم گل سرخ برگ مورد هر یک ده درم در ده من آب بجوشانند
تا پنج من بماند در طشتی بریزند و در آن نشینند و بر پشت زهار همین آب را چند مرتبه
بریزند و حجامت بی شرط زیر پستان کنند که تا جذب ماده بدان طرف کند لیکن
پیش از این آبزن قرص کهربا و رب مورد خورده باشند آبزن که معاونت
حمل کند و فرزند را با حتیاط تمام نگهدارد مازو پوست انار هر یک سه درم برگ مورد
خشک چهار درم کلنار گزمازج هر یک پنج درم گل سرخ هر یک هفت درم در ده من
آب بجوشانند تا نصف بماند پس صاف نموده در طشتی کرده بیمار را در آن نشانند
آبزن که بجهت زنان حامله که حیض بینند و عادت ایشان نباشد سودمند است
ص عدس پوست انار کلنار مازو جفت بلوط در آب پخته در آن نشینند آبزن
قابض حیض که اگر در شبی و سن چون رفته باشد آنرا نافع است ص اول قرص کهربا
و رب مورد بخورند بعد از آن بگیرند ثمرة الطرفا جوز السرو پوست انار نیمکوفته هر یک
سه درم شب یمانی مازو نیمکوفته کلنار هر یک پنج درم گل سرخ برگ مورد هر یک ده درم
در ده من آب بجوشانند تا پنج من بماند در طشتی ریزند و در آن نشینند و بر پشت زهار
چند مرتبه ریزند و همین آب را چند مرتبه تکرار کنند و حجامت بی شرط زیر پستان بکار
برند آبزن که چون خصیه بر بار و مراق بالا رفته باشد در آنوقت بکار برند
ص بابونه مرزنجوش حاشا تمام زوفا خشک عنب الثعلب برگ زیتون اکلیل الملک
تخم کتان جوشانیده روغن قسط روغن باردین داخل کرده در طشتی کنند و مریضه را
در آب بنشانند و مکرر با قتابه تطول بر پشت زهار کنند و از اعلی باسفل بمالند آبزن
که سنگ گرده و مثانه را با بول برآرد ص بابونه اکلیل الملک خطمی گاوزبان خشک
پرسیاوشان تخم قلت هر یک چهار درم بنفشه بنجاسف هر یک دو درم

بجوشانند و در میان حمام در این آب نشینند و وقت بر آمدن از حمام دو قطره روغن
عقرب در احلیل چکانند **فصل دوم** در ابتنه ابتنه جهت مرکی ص سرسون زرد
بیخ مهک تخم کرنجوه دیودار مجیته تر پهلکه کهو مرسند بیج پیپل پهول پرنکه
پوست سرس هلد دار هلد کوفته بیخته در بول خر سرخ رنگ یا سیاه رنگ یا در بول گوساله
یک رنگ تر کرده بر اندام بمالند ابتنه جهت دور کردن نشان آبله و روشن کردن
رخساره از مجربات حکیم گیلانی ص آرد جو استخوان پوسیده بیخ نی ارو تخم
مغز تخم خربزه حب البان قسط شیرین کوفته بیخته بلعاب تخم کتان سرشته طلا کنند
و صبح بآبی که بابونه و بنفشه دران جوشداده باشند بشویند ابتنه جهت مهاسه که
ایام جوانی بر روی پدید آید ص برگ نیم بیخ سوسن پوست سرس بهم سائیده
طلا نمایند ایضا مغز کهو پچی سفید نمک سنگ سائیده شب بر روی بمالند و صباح
بشویند ابتنه مجرب جهت مهاسه ص زراوند مدحرج تخم ترب هر یک یکتوله اهلیل
یک توله افسنتین نیم توله بیخ سوسن آسمان گونی نیم توله کوفته بیخته با آب قرص سازند
و با آب سوده بر رو بمالند ابتنه جهت مهاسه ص کف دریا یک جزو بادام تلخ
مقشر دو جزو هر دو را نرم کوبیده هر شب بمالند و صبح از آب گرم بشویند ابتنه
جهت کلف و برش و نمش از ایلکه و رنگ را جلا دهد و روشن کند و آزموده است
ص سرشف زرد کلان نبات درم و در نیم رطل شیر گاو با آتش ملایم بجوشانند
تا تمام شیر در خورد پس سرشف را خشک کنند و بسایند و نگهدارند و وقت حاجت
قدری در آب حل کرده بر رو بمالند و ساعتی نگهدارند پس همچنین خشک مالیده دور
کنند بکرر بعمل آرند و اگر خواهند با آب فاتر بشویند و اگر در آب سبوس گندم جوش
داده بشویند بهتر باشد ابتنه جهت کلف ص تخم ترب تخم خربزه آرد باقلا نسبه

بسد که تر کرده مغز بادام اکلیل الملک کتیرا برابر کوفته بشیر میش آمیخته کلف
بمالند ایضاً جهت کلف و روشن کردن رنگ رخساره صص بیخ بنفشه یمنی
سفید نیم پاو حسن یوسف مغز تخم تربوز انزروت سفید مغز تخم خیار رشکوک مروارید
مغز تخم خربزه هر واحد سه دام کف دریا نیم پاو فوفل را او ند یکدام خیر لوا یکدام
کوفته باریک سائیده در گلاب محلول ساخته قدری روغن چنبیلی مخلوط کرده
استعمال نمایند باب سیوم در ارگجه ها ارگجه که در ساعت میشود فرح بخش
نسخه ها است صص عنبر عود غرقی مشک عود غرقی را با گلاب سائیده آن را اده
را العد سحق بلیغ با آن مخلوط کرده استعمال نمایند ارگجه دیگر که بسیار تحفه است
صص صندل سفید یک توله پاو بالا نکهه یکماشه کهیله یکماشه بیخ بنفشه یکماشه جو
قسم اول دو ماشه کافور ریکرقی اگر غرقی سه ماشه شاخ سنبل یکماشه تیل چنبیلی
پاو دام مشک دو ماشه عنبر اشهب عود هر یک دو ماشه عرق بهار پاو سیر گلاب
یک شیشه جوتری سه سرخ الاچی سه سرخ ارگجه جهت تقویت رحم و خوشبو
کردن و تحلیل اورام و تفتیح سده و سیلان اکثر امراض رحم را مفید صص قرنفل
دارچینی گل سرخ هر یک یکجزو سنبل الطیب باسه عود غرقی هر یک نیم جزو اظفار الطیب
یک نیم جزو کوفته باریک سائیده باده وزن آن جزا گلاب سه روز خیسانیده آنرا
سوی در انجوشانند تا به ربع رسد سیوم وزن دوید آنها آب اضافه کرده باتش
ملایم همه را بجوشانند تا بربع رسد صاف نموده بوزن آن روغن بان مخلوط کرده در
شیشه نموده یکهفته در سرگین اسپ دفن کنند تا غلیظ شود مثل عسل لیس نکند رحم از آن
با یک حبه مشک و یکجز عنبر ممزوج نموده بکار برند باب چهارم در اغذیه ها
لولوی جهت قروح عین مفید است صص صدف سوخته مروارید نا سفته اقلیمیا

ذهبی اقلیمیای فضی هر یکی یکدرم و نیم توتیه سرمه هر یکی سه درم کوفته بیخته صلایه کرده
اکتحال نمایند اغبره ساده که تقویت چشم و تجدید بصر کند و جرب و سبل و شرناق و قروح
چشم را مفید بود صفت توتیا کرمانی پرورده بآب باران مغسول بدان صدف سوخته
هر یکی ده درم شکر طبرزد سفید پنج درم همه را صلایه کرده مثل غبار ساخته در سرمه
دان نگهدارند

باب ۵

باب پنجم در اطریفلات اطریفیل اسطوخودوس مالیخولیا و صرع و
امراض بلغمی و سوداویه را سود دهد و دماغ و معده را از اخلاط غلیظ پاک کند و برص و
بهق را نافع است و مداومت آن مانع سفید شدن موی و دافع رطوبات صفت پوست هلیله
زرد پوست هلیله کابلی پوست هلیله سیاه پوست بلیله اسطوخودوس آمله منقی سنا
مکی تربد سفید بسفایج فستقی مصطکی افتیمون کشمش مویز از هر یک پنجمثقال کوفته و
بیخته به بست و پنجمثقال روغن بادام چرب نموده بعسل مصفی سه وزن ادویه بسرشند
بعد از چهل روز استعمال نمایند شربتی قدر خوراک چهار مثقال اطریفل اسطوخودوس
مفید به نسیان بارد و مقوی دماغ بارد است و حافظه را قوت میدهد صفت عاقرقرحا
قرنفل بادرنجبویه دشتی از هر یک نیم مثقال عود صلیب زنجبیل اسارون شامی گل بابونه اذخر
مکی دارچینی فلفل [illegible] مصطکی کندر دارفلفل از هر یک سه مثقال پوست هلیله زرد
پوست هلیله کابلی پوست بلیله [illegible] اسطوخودوس سعد کوفی بادرنجبویه از هر یک
پنجمثقال هلیله سیاه آمله [illegible] پوست از هر یک ده مثقال مویز منقی گلقند کهنه از
هر یک نود مثقال عسل سفید یکصد و هفتاد مثقال مویز را خسته دور کرده شب
در عرق عود قماری نیم رطل و عرق گل مشکی که گل سیوتی را میگویند نیم رطل عرق صعتر
نیم رطل عرق اذخر نیم رطل عرق بیاز نیم رطل عرق فرنجمشک نیم رطل بخیسانند صبحی
با گلقند در دیگ بجوشانند تا مهرا شود فرود آورده بگذارند تا سرد شود بقوام

بقوام آورده پس ادویه کوفته بیخته بروغن بادام چرب کرده بآن بسرشند و بعد چهل روز
استعمال نمایند شربت دو مثقال اطریفل افتیمون ص نمک هندی دو درم
غاریقون درم تربد سفید هر یک پنجدرم پوست هلیله کابلی پوست هلیله زرد پوست
هلیله سیاه پوست بلیله آمله مقشر اسطوخودوس بسفایج فستقی تربد سفید هر یک
هفت درم ایارج فیقرا ده درم کوفته بیخته بروغن بادام شیرین چرب کرده بعسل سه
چند بسرشند شربتی سه درم یا پنجدرم اطریفل افتیمون نافع مالیخولیا و جمیع
امراض سوداوی و تنقیه دماغ و خون و امراض بارده دماغی مینماید قدر شربت از دو
مثقال تا پنجدرم ص هلیله کابلی آمله مقشر بلیله هر یک دو مثقال تربد سفید پنجمثقال
افتیمون سنا مکی هر یک پنج مثقال شیطرج بسفایج اسطوخودوس گل سرخ هر واحد سه
مثقال انیسون نمک هندی هر یک دو مثقال روغن بادام یک توله عسل سه وزن
ادویه بدستور بسرشند اطریفل جهت بهق و برص و نمش نافع است ص پوست
هلیله کابلی بلیله آمله منقی افتیمون ولایتی هر واحد پنجدرم عاقرقرحا شیطرج هندی
هر واحد دو درم دارفلفل قرفه هر واحد چهار درم اجزا را کوفته بیخته با سه حصه
عسل خالص آمیخته بسرشند شربتی از دو درم تا سه درم از مجربات حکیم علی اطریفل
مسهل جهت برص و بهق و جذام و داء الفیل و غیره امراض بلغمی ص انیسون یکدرم
هلیله کابلی بلیله آمله منقی افتیمون غاریقون صبر سقوطری ایارج فیقرا شاهتره هر یک
دو درم حاشا سه درم سقمونیا مشوی اسطوخودوس هر یک پنجدرم بسفایج سنا
مکی هر یک هفت درم تربد سفید پانزده درم با عسل معجون کنند مقدار شربت از
پنجدرم تا پنجمثقال اطریفل خبث الحدید تقویت دماغ و اصلاح سودا کند و نفع معده
و ریاح بواسیر و برص و بهق را سود دهد ص نوشادر نیم درم دارچینی دو درم سنبل

حماما هیل قرنفل هر یک سه درم فلفل سفید فلفل سیاه نارمشک هلیله هندی هر یک نیم
اوقیه پوست هلیله کابلی پوست بلیله آمله مقشر تخم کرفس جبلی هر یک شش درم خردل
یک اوقیه کوفته بیخته بروغن بادام چرب کرده با عسل سه وزن ادویه بسرشند
منقول از تحفة المومنین اطریفل دیگر جهت طنین گوش و تقویت معده نافع است و دیگر فواید
بسیار دارد صص دار فلفل فلفل دراز دانه هیل هر یک پانزده ماشه آهن کشته یکنیم
دام تخم کشنیز مقشر سه دام آمله مقشر شش دام دارچینی پانزده دام اصل السوس
مقشر سه دام سنا و سه دام بلیله کابلی سه دام طباشیر سفید پانزده ماشه نمک
لاهوری پانزده ماشه نبات یک پا و عسل مصفی یکپا سیر همه ادویه را بروغن گاو
چرب نموده و برای گرمی هوا بجای یک سیر شهد نبات باید انداخت و بجای نبات
یک پاو شهد اندازند اطریفل دیدان کرم های خورد و بزرگ و حب القرع را بکشد
صص برنک کابلی پوست هلیله کابلی پوست بلیله آمله منقی هر یک ده درم تربد
موصوف منضج حب النیل قسط تلخ هر یک شش درم قنبیل ترمس افسنتین رومی درمنه ترکی
افتیمون شامی نمک نفطی خردل تخم حنظل سعد کوفی راسن هر یک سه درم کوفته
بیخته بروغن چرب کرده با دو مقدار عسل مصفی یا زیاده بسرشند شربتی از دو
مثقال تا چهار مثقال اطریفل یافی جهت اقسام مالیخولیا خصوصا مراقی و قولنج
نافع و اخراج اخلاط ثلاثه و تنقیه معده و دماغ کند و مانع صعود ابخره و مداومت او
نزله را قاطع است و بجمیع امزجه موافق و قوت آن تا دو سال باقی است و شربت آن
جهت اسهال چهار مثقال تا شش مثقال و برای مداومت هر روز یک مثقال تا دو
مثقال کافی است و این اطریفل از مولفات صاحب تحفة المومنین است که بنام پدر خود
منسوب کرده صص صندل سفید کتیرا هر یک سه مثقال پوست بلیله آمله مقشر کل

گل سرخ طباشیر گل نیلوفر هر یک پنج مثقال پوست هلیله کابلی پوست هلیله زرد هلیله سیاه
گل بنفشه تخم کدو کشوثی هر یک ده درم تربد مجوف کشنیز خشک هر یک بست مثقال
روغن بادام شیرین سی مثقال ادویه کوفته بیخته بروغن شیرین چرب کرده گل بنفشه
بار کرده مثقال عناب سپستان هر یک صد عدد جوشانده صاف نموده با یک
وزن عسل کف گرفته و یک نیم وزن شیره مربای هلیله بقوام آرند و ادویه دیگر
بسرشند اطریفل سنا مکی مجرب برای حکه و سعفه ص ریوند چینی پنج مثقال بست
هلیله آمله منقی سنا مکی هر یک ده مثقال پوست هلیله زرد پانزده مثقال کوفته
بیخته بروغن بادام شیرین چرب کرده با عسل مصفی سه وزن ادویه معجون سازند
اطریفل شاهتره جهت حکه و جرب و سعفه نافع است و آبله فرنگ را نیز زایل کند
ص گل سرخ شش درم سنا مکی ده درم پوست هلیله آمله منقی هر یک بست درم
هلیله کابلی سی درم شاهتره پنجاه درم کوفته بیخته با مویز منقی بسرشند دیگر
ریوند چینی چوب کادی یعنی کندر هر یک دو درم هلیله سیاه آمله سنا مکی هر یک ده درم
هلیله کابلی شاهتره هر یک سی درم هلیله زرد چهل درم کوفته بیخته بروغن
بادام چرب کرده با کشمش منقی بسرشند شربتی از دو درم تا چهار درم با
طبیخ عناب اطریفل شاهتره بسباسه افتیمون مصطکی برانیانه هر یک یک درم
تخم کشنیز خشک گل سرخ بنفشه هر یک دو درم و نیم تخم کاسنی سه درم هلیله زرد
هلیله کابلی بلیله آمله تربد مجوف هر یک ده درم روغن بادام یا روغن گل بقدر کفایت
دو استار شاهتره بست درم عسل قدر حاجت شربتی دو مثقال دیگر که خارش
و سعفه را سود دارد ص هلیله زرد چهل درم هلیله کابلی سی درم بلیله آمله منقی
هر واحد بست درم سنا مکی بست درم شاهتره سی درم ریوند چینی دو درم تربد

کوفته بیخته بروغن بادام چرب کرده به کشمش بسرشند شربتی چهار درم تا پنج درم
اطریفل که عرق مدنی را نفع دارد و مسهل قالع ماده این علت است هر که ده
روز متواتر بخورد از علت سالم ماند صفت پوست هلیله کابلی پوست بلیله آمله منقی
تربد موصوف زنجبیل فلفل جمله برابر کوفته بیخته بروغن بادام چرب نموده بعسل
بسرشند شربتی سه درم اطریفل صغیر جهت تقویت دماغ و حواس و منع
بخار صعودی بدماغ و رفع نسیان و تصفیه ذهن و لون نافع و باسترخای معده و
بواسیر نیز مفید است صفت پوست هلیله کابلی پوست هلیله زرد پوست بلیله هلیله سیاه
آمله مقشر مساوی کوفته بیخته با روغن بادام چرب کرده با عسل یا قند مقوم یا
سویز یا کشمش بدو فوق بسرشند مقدار شربتی اگر دو چند باشد فعل دوا کامل‌تر و
اگر سه چند باشد قلیل الساعه میشود و آنچه با سویز ساخته میشود به تقویت جگر مخصوص
است اطریفل زعفرانی جهت تقویت دماغ و صداع حار و منع بخار و صدر و گرا
مجرب است صفت کافور قیصوری زعفران بادام شیرین ترنج کشنیز پوست هلیله
پوست هلیله کابلی هلیله سیاه بلیله آمله منقی نبات سفید یکی چند ادویه عسل مصفی
دو چند بطریق معروف اطریفل سازند اطریفل کشمش جهت سرعت انزال و کشادگی
مجرای بول و بینی مجرب است صفت پوست هلیله زرد هلیله سیاه پوست بلیله آمله منقی
هر یک دو درم کشنیز خشک چهار درم کوفته بیخته بروغن بادام شیرین چرب کرده
کشمش دوازده درم نبات بست و چهار درم بقوام آرند شربتی سه درم اطریفل
مقل جهت قطع خون بواسیر مجرب است صفت پوست هلیله کابلی پوست بلیله
آمله منقی از هر یک دو مثقال کهربا شمعی لبسد سوخته هر یک پنج مثقال زاج سفید
نانخواه هر یک دو مثقال مقل ازرق بست مثقال مقل را در آب کنند تا یا سیر حل

حل کرده باقی ادویه کوفته بیخته با هفتاد مثقال عسل سفید بقوام آورده معجون سازند
شربتی دو مثقال اطریفل کشنیزی تالیف ناچیز در دفع خفقان حار و منع بخار صاعد
از معده و مراق و تقویت معده و دل نافع و مجرب است صح پوست هلیله زرد پوست
هلیله کابلی هلیله سیاه آمله منقی غنچه گل سرخ تخم خشخاش سفید گل گاوزبان از هر
واحد دو توله تخم کشنیز مقشر برابر اجزاء هلیلجات را کوفته بیخته بروغن بادام چرب
کرده با قند سفید دو چند و ترنجبین یک چند بقوام آورده مشک و زعفران یک ماشه
حل کرده بیامیزند و بقدر سه ماشه یا یک توله با عرق گاوزبان اکثر آخر نهار و گاهی
اول نهار تناول نمایند اطریفل کشنیزی متعارف جهت بخار و رطوبت معده و هضم
طعام و منع صعود بخار معده بدماغ و تقویت و تسخین معده و امعا و مثانه و حواس و
تصفیه خون و حدت فهم و ذکا و تقویت اعصاب و اعانت باه و دفع نسیان و بلادت
و جمیع علل بارده رطبه دماغی و سرعت پیری و دفع بواسیر ریحی و تحسین لون و تسمین
بدن نافع است و به محرور المزاج مناسب نیست و بجز سرما نتوان استعمال کرد مگر
بضرورت صح شقاقل زنجبیل تودری لسان العصافیر بهمنین حب فلفل گشنیز مقشر
شکر طبرزد خشخاش سفید هر یک دو درم پوست هلیله کابلی هلیله سیاه پوست هلیله
آمله مقشر فلفل دارفلفل هر یک شش درم بکوبند و بروغن بادام یا روغن
گاو که چهار حصه او الوده چرب کرده و سه چند آن عسل منزوع الرغوه بسرشند
و بعد سه ماه استعمال کنند قوتش تا سه سال باقیست اطریفل کشنیز صغیر صداع
و دوار و خفقان حار را نافع و مجرب است صح پوست هلیله زرد پوست هلیله کابلی
پوست هلیله سیاه پوست بلیله پوست آمله از هر یک ده درم تخم کشنیز نیم کوب
روغن بادام شیرین دو درم مشک یک ماشه کافور سه ماشه زعفران خوشبو دو ماشه

شهد دو چند باشد یک چند گلاب چهار شیشه علی الرسم بقوام آرند اطریفل مقل جهت
بواسیر عظیم النفع است صص مقل سی درم پوست هلیله زرد آمله پوست بلیله هر یک ده درم
مقل را در آب کنند تا حل نمایند و شصت مثقال عسل اضافه کرده بقوام آرند ادویه دیگر
کوفته بیخته با آن بسرشند اطریفل مقل ملین جهت بواسیر گرم است در وسط درجه
دوم و خشک در اول درجه سوم طبیعت را نرم کند و بواسیر را سود دهد صص پوست
هلیله کابلی پوست بلیله هلیله سیاه آمله مقشر سطوخودوس افتیمون از هر یک دو درم
و در بعضی نسخها بسفایج هم ده درم داخل است فلوس خیارشنبر مقل هر یک سی درم
مقل و خیارشنبر را در آب حل کرده بعسل بقوام آرند و ادویه کوفته بیخته بروغن بادام
چرب کرده بدان بسرشند اطریفل فولادی که بطریق حلوا ساخته میشود برای
صداع و شقیقه و ربو و اکثر امراض چشم و سبل و نزول الماء مفید است صص نک
سنگ سوده منقی فلفل دراز یکدام پوست هلیله زرد فولاد کشته یکدو دام
سنا و سه دام اصل السوس چهار دام آمله منقی نیم پاو روغن گاو نبات مصری
شهد خالص از هر واحد بیست و هفت دام بطریق حلوا ساخته نگهدارند قدر خوراک
یکدام صبح و یکدام شب وقت خواب بخورند اطریفل که وسواس مالیخولیا را مفید است
صص مصطکی سنبل جوزبوا هر یک دو درم تخم کرفس انیسون هر یک سه درم گاوزبان
فرنجمشک حجر لاجورد حجر ارمنی مغسول بادرنجبویه هر یک چهار درم افسنتین سنا مکی
شیطرج افتیمون بسفایج تربد موصوف سطوخودوس هر یک پنج درم پوست هلیله
کابلی پوست بلیله آمله مقشر هر یک ده درم کوفته بیخته بروغن بادام چرب کرده
با عسل مصفی یا مویز منقی بسرشند اطریفل معمول برای اقسام مالیخولیا پوست
هلیله کابلی پوست هلیله زرد و هلیله سیاه پوست بلیله آمله مقشر از هر یک چهار درم

ابریشم مقرض سه درم شاهتره دو درم گل گاوزبان بادرنجبویه هر یک یک درم برگ
سنامکی بست و چهار درم اسطوخودوس بسفایج فستقی هر یک یک درم مصطکی
دو درم لاجورد مغسول دو درم کشمش خشک بست و چهار درم عسل صاف سه وزن
سنامکی را در آب بجوشانند و با عسل بقوام آرند و ادویه دیگر کوفته بیخته بروغن
چرب کرده اطریفل سازند قدر خوراک یک توله اطریفل که همیشه معمول حکیم شاه
محمد اکبرآبادی مرحوم بوده نافع اقسام جنون مصلح فساد خون و رفع نزله و فضول
و مانع بخار معده و اعضا دیگر حب قرفه شاهتره الایچی خورد سلیخه مصطکی هر یک
سه و نیم ماشه گل سرخ اصل السوس هر یک نه ماشه بلیله سیاه پوست بلیله آمله
هر یک یک و نیم توله پوست بلیله زرد تربد موصوف هر یک سه توله کوفته و بیخته بروغن
گاو چرب کرده با عسل نیم سیر عالمگیری قوام گرفته سرشته شوند قدر خوراک یکتوله
یا دو توله باب ششم در انوشدارو و این باب مشتمل است بر دو فصل فصل
اول در انوشدارو هاء ساده قابض و غیر قابض انوشدارو ساده گل سرخ
دو توله و دو ماشه سعد کوفی دو توله مشک یک توله اسارون زعفران هر یک یکتوله
دانه هیل خورد دانه هیل کلان هر یک دو نیم ماشه جوزبویه نه ماشه مصطکی رومی
یک توله بسباسه قرفه سنبل زرنب هر یک نه ماشه آمله سبز نیم سیر و چهار درم
آمله را در نیم سیر شیر ماده گاو یک شبانروز تر کنند که رخصتی دور شود بعد ازان
در غربال آهنی قلعی دار مالیده که مغزش بر آید و تفلش دور کنند بعد ازان مغز آمله را با
در خریطه کرباس انداخته بیاویزند که آب برود و چکه بماند بعد ازان دو آثار قند را با
بقوام آورده چکه آمله را در عین جوش داخل قند کنند و کفگیر زنند تا بقوام آید بعد ازان
زده و ادویه کوبیده اندک اندک بیخته بهم زنند تا معجون شود دیگر حب گل سرخ

ششده رم سعد پنج درم قرنفل سه درم مصطکی سنبل اسارون هر یک سه درم قرفه
زرنب زعفران قاقله کبار هیل دانه جوز بوا بسباسه دارچینی هر یک دو درم آمله
مقشر یک رطل در نه رطل آب بجوشانند که سه رطل بماند و دست مالیده صاف نمایند
و با دو رطل قانید بقوام آرند و دارو ها نرم کوبیده بدان بسرشند اگر قانید نباشد
یک رطل قند و یکرطل عسل بدان کنند و اگر آمله را نیم رطل کنند خوشمزه تر شود و مراد
از رطل تخمیناً بیست و چهار توله است و از درهم سه و نیم ماشه انوشدارو با
قلیل الاجزا سهل التیسیر و معمول حقیر نافع بمنفعت کثیر ص آمله ده توله در شیر [illegible]
پارچه بیز کرده بگلاب نیم سیر قند سفید یکرطل بقوام آورده سنبل الطیب گل سرخ
هر یک نیم توله سعد کوفی جدوار بسفایجی اصل مصطکی دانه الایچی خورد هر یک سه و نیم
ماشه طباشیر سفید پوست ترنج هر یک چهار و نیم ماشه تخم کاسنی تخم خرفه زرشک سماقی
کوفته بیخته هر یک هفت ماشه شیره زرشک در قدری گلاب برآورده داخل نمایند و اگر خواهند
قدری عنبر و زعفران هم بر هند و این نسخه در تقویت معده و جگر مفید است فصل
دوم در انوشدارو های لولوی قابض و غیر قابض انوشدارو لولو منقول از
حکیم علی گیلانی که جهت خفقان حار نافع و موافق صفراوی مزاج است و نشاط آورد
و مقوی قلب و رنگ رو را نیکو کند و مقوی معده است ص گل سرخ سعد کوفی هر یک
پنج درم قرنفل زرنب مصطکی اسارون تخم خرفه زعفران هر یک سه درم هیل دانه
بسباسه جوز بوا قرفه سنبل الطیب تخم کاسنی صندل سفید مروارید ناسفته
طباشیر گاوزبان مشک هر یک دو درم ورق نقره یک درم آمله یک سیر جهانگیری
قند سفید یک سیر عسل سفید یک سیر در بعضی نسخه فرنجمشک دو ماشه نیلوفر ابریشم
قاقله هر یک سه درم اضافه ساخته اند آمله را یک شبانه روز در پنج سیر شیر باده کاو

کاو خیسانیده و پس بکر بشویند و بعد از ان در هشت سیر آب بجوشانند تا مهرا شود و پس از
پارچه گذرانیده آب آن بگیرند چنانچه جرم آن اصلا نگذرد و بعد از ان آب العسل و
قند بقوام آورند اجزا را کوفته بیخته در آن بخته معجون سازند شربتی یک توله و دیگر
منقول از تحفه معمول جهت تقویت معده و برانگیختن اشتها و تقویت اعضای رئیسه
و بدن و ازاله نقاهت مجرب ص یاقوت ریوند اسارون سعد عود هندی ذرخ
صندل سفید پوست ترنج ساذج هندی بسد یشب سنبل تخم بادرنجبویه درونج
هیل زرشک بهدانه عنبر اشهب ورق طلا ورق نقره هر یک دو مثقال طباشیر سفید
ابریشم مقرض مصطکی زعفران سنبل الطیب مروارید ناسفته کهربا گل سرخ
هر یک سه مثقال آمله نه مثقال آمله را با شهد پخته یک وزن ادویه شکر سفید و مثل آن
عسل کف گرفته بسرشند انوشدارو لولوی جهت تقویت معده و قلب
ص عنبر اشهب یک مثقال سعد کوفی زرنب هیل اسارون رومی درونج عقربی
سنبل الطیب بهمنین قرنفل مروارید ناسفته ورق نقره هر یک سه مثقال ورق
گل سرخ تخم کشنیز هر یک پنج مثقال شیر امله سی مثقال شربت فواکه چهل مثقال عسل
و قند سفید بالمناصفه سه وزن ادویه بعضی پوست بیرون پسته سه مثقال اضافه
کرده اند انوشدارو معتدل لولوی بانسخه مولانا جلال ص قرفه سنبل الطیب
جوزبوا زرنب بسباسه زعفران هر یک دو درم سعد کوفی قرنفل پوست بیرون
پسته قاقلین زرشک بهدانه مصطکی رومی اسارون تخم ترنج تخم کاسنی
گل گاوزبان کشنیز خشک بریان طباشیر گل نیلوفر و دالچینی هر یک سه درم گل سرخ
صندل سفید مقاصری ساییده هر یک شش درم مروارید ناسفته ساذج هندی
فرنجمشک هر یک دو درم شیر آمله یک رطل در نه رطل آب بجوشانند تا سه رطل آید

فرود آرند وصاف نمایند و با یکمن قند بقوام آرند و دارو ها را کوفته بیخته بسرشند و
قدری مشک اضافه کنند شربتی دو مثقال نوشدارو حبی لولو عجیب النفع
و باکثر امزجه موافق و بارها بتجربه در آمده و از تالیف ذره بیمقدار است و در اسهال
و غیره اسهال بعمل می آید ص شیره آمله منقی ده مثقال با قند سفید و چند شربت
زرشک یکچند گلاب با نیم سیر بقوام آورده عود هندی پوست بیرون پسته مصطکی
رومی هر یک سه نیم ماشه گل سرخ گل گاوزبان کبود پوست ترنج طباشیر سفید
کهربا شمعی یشب سفید هر یک چهار و نیم ماشه تخم خرفه مقشر هفت ماشه مروارید
ناسفته چهار و نیم ماشه صندل سفید بگلاب سوده سه نیم ماشه آب سماق آب لیمون
هر یک پنج دام عنبر اشهب پاو کم دو ماشه ورق نقره چهار و نیم ماشه بطریق معلوم
اضافه نمایند و در ظرف چینی نگهدارند سه درم تا چهار درم با بدرقه مناسب
بعمل آرند نوشدارو قابض ص سعد کوفی دو توله و نیم پوست بیرون پسته
زرشک بهدانه اسارون صندل سفید تخم خرفه گاوزبان گیلانی کشنیز خشک
طباشیر سفید قرنفل هر واحد یکنیم توله گل سرخ مصطکی هر یک سه توله دارچینی
سنبل الطیب زرنب قاقله صغار هشته مشک و زعفران عنبر اشهب کلنار فانیذ
اقاقیا هر یک توله صدف سافج تخم خشخاش مغز بیل صمغ عربی نشاسته
دانه سونیز هر یک پنج توله آمله منقی چهل توله بسد یکنیم توله جوزبویه زراوند بسباسه
قاقله کبار هر یک دو ماشه عسل سفید یکنیم آثار گلاب خوشبوی یک شیشه نبات
سفید یکنیم آثار باب هفتم در انکباب ها انکباب نافع لقوه امتلائیه بعد
تنقیه عامه و خاصه بعد استعمال غراغر و عطوسات جهت تحلیل و تلطیف بقایای
فضول دماغی و اعصاب مفترع و مخترع حکیم معتمد الملوک ص اکلیل الملک شبیم

شیح ارمنی اجزاء اطریفل از بیخ و برگ و ثمر برگ سداب قیصوم مرزنجوش مرماحوز عاقرقرحا
صعتر فارسی برگ غار حب الغار عشبه مغربی از هر یک کفی نیم کوفته بست کوفته بهمه را
در آفتابه سر بسته بپزند تا مهرا شود جند بیدستر یک مثقال داخل کرده روغن یاسمین روغن
ناردین حل کرده سر در دن آن بخار بدارند و آب از انطول نمایند و ثفل از او بموضع
علت ضماد نمایند دیگر از ابو سهیل مسیحی ص صعتر عاقرقرحا شیح ارمنی برگ غار
بابونه اکلیل الملک مرزنجوش جوشانیده سر بخار آن دارند انکباب نافع مجرب
دسوی دیگر منتهی که رد و با صلاح آورده باشد ص برگ خبازی کشنیز سبز برگ بیدی
بنفشه اکلیل الملک عنب الثعلب از هر واحد مساوی در قمقمه جوشانیده دهن را در محاذ
دو و آن کشاده بدارند که بخار بحلق رسد و ورم تحلیل یابد دیگر در همین باب خصوصا
وقتیکه بعد تدهین رقبه بروغنی که در روغنها در این باب نوشته شده بعمل آرند بنفع
کلی باشد ص ورق خبازی ورق بنفشه گل بنفشه جوشانیده بطریق معمول
بعمل آرند باب هشتم در ایارجها ایارج الفاظی به تشنج و صداع و دوار و درد سر کهنه
و قرح سوداوی و ارتعاش مفاصل نافع ص جعده سنبل زعفران دارچینی از هر واحد
سه درم زراوند طویل قطر اسالیون فلفل سفید سکبینج جاوشیر از هر یکی پنج درم کمادر
یوس فراسیون غاریقون اسطوخودوس از هر یک ده درم شحم حنظل بست درم عسل بقدر
کفایت بدستور معلوم ساخته بعد شش ماه بعمل آرند ایارج جالینوس نسخه این
نیز افیون منفعت با یارج لوغازیا است که می آید ص هر سه فلفل مر دارچینی
زعفران جاوشیر سکبینج جند بیدستر قطر اسالیون زراوند مدحرج جنطیانا فربیون
هر یکی نصف درم افتیمون جعده مقل کمافیطوس فراسیون صبر سلیخه بسفایج تا یکی
یک درم و نصف کمادریوس بصل الفار مشوی غاریقون سقمونیا خربق سیاه

اسطوخودوس اشق و غاریقون هر یکی سه درم و یکدانگ شحم حنظل چهار دانگ در عسل سرشته مقدار
شربت او مثل ایارج فیقرا است ایارج فیقرا نافع است صداع و شقیقه و فالج
لقوه و استرخای زبان و ثقل آذان و وجع مفاصل و تنقیه فضول دماغ و طبقات معده می کند و حل
قولنج و دفع قی قولنجی نماید و تغرغر بدان بعد اسهال در جلب رطوبات و زایل ساختن لقوه مفید
و پیه مرغ بروغن چرب کرده بشهد آلوده و با ایارج گردانیده در حلق در آوردن
هیچ قوی تر از آن نیست و گویند اگر چه ضرر دارد و مصلح او عناب است و گویند حق ایارج
آنست که در آب افتیمون حل کرده استعمال نمایند و نسخه ایارج فیقرا که بقراط تالیف کرده
مقدم بر تراکیب فیقرا است اینست سنبل دارچینی سلیخه حب البلسان مصطکی
اسارون زعفران هر یکی جزوی صبر سقوطری دو چند یا سه چند شربتی دو درم
بعسل و آب گرم وقت خواب در حالتی که معده ممتلی نبود و اطبا حسب تقاضای حاجت
و وقت تصرفها در این نسخه کرده اند چنانچه در صداع حار و غثیان ورق گل سرخ
بدل زعفران نموده اند و نیز در حاجت شدید به تلطیف عوض اسارون کبابه مقرر کرده
و برای منع سحج که لازم صبر است جهت غالب او از اسهال در بعضی بلا اسهال افزودن
دارچینی را واجب دانسته اند و بعضی بهمین غرض مقل یک جزو داخل کرده اند و برای
تنقیه کبد عصاره غافث زیاده نموده اند و بعضی برای تلطیف خلط غلیظ قرنفل جوزبوا
بسباسه و جهت تنقیه دماغ از سودا اسطوخودوس مضاف ساخته اند و نیز جهت
باخراج بلغم کشنیز شحم حنظل ممزوج میسازند و ایارج شحم میخوانند و باید دانست
که ایارج بطی العمل است مگر آنکه با عسل ممزوج باشد و آنچه صبر او مغسول بود ضعیف
الاثر است اما بگرم مزاج مفید خاصه که با آب کاسنی مغسول باشد و طریق داشتن ایارج
سه گونه است یکی همچنان خشک مثل سفوف بدارند و قوت او زیاده تر بر سه ماه نگی

نخیانند دوم آنکه بد و چندان عسل با آن بیامیزند و وی در سه سال اقوی قوتش تا چهار
سال باقی میماند سیوم آنکه با آب بمقل بپزند و اقراص بندند و در سایه خشک
سازند و مختار شیخ همین است و اسلم از غالیه و قوت قرص او تا شش ماه باقی کیفیه
ایارج کبیر تنقیه دماغ کنند و جمیع اوجاع راس را که از صفرا و بلغم و سودا بود
نافع و معتدل در مزاج و منقول از الفضل محمد العلایی است صفت کبیر آنکه [illegible]
دو درم و نیم ورد احمر زنجبیل هر یک سه درم شحم حنظل سه درم و نیم سقمونیا چهار
درم هلیله کابلی پنج درم افتیمون اسطوخودوس هر یک شش درم هلیله زرد هفت
درم ایارج فیقرا تربد هر یک ده درم قند سفید راک چهار درم بارزد یا شکر
ایارج لوغاذیا که صاحب ذخیره از مخترعات استاد ابوالفرج شمرده نوشته
کرده [illegible] ساذج هندی حب دفو فرفیون حماما هر یکی دو درم جندبیدستر
زراوند طویل زنجبیل سنبل ناهری یکی سه درم هر سه فلفل زعفران مر یکی قنطوریون
هر یکی چهار درم اسقوردیون جاوشیر سکبینج عصاره افسنتین اسطوخودوس هر یکی
پنج درم کمادریوس فراسیون هر یکی هفت درم بصل الفار مشوی مقل هیوفاریقون
بسفایج فستقی هر یک هشت درم غاریقون خربق سیاه اشق افتیمون هر یکی ده
درم شحم حنظل سقمونیا صبر سقوطری هر یکی پانزده درم عسل مقدار کفایت شربت
تا سه چهار مثقال با آب فاتر و عسل یا با طبیخ افتیمون ایارج فیقرا بارد نافع است
بعلل حاده راس مثل صداع و سدر و اوجاع اذن و اسنان صفت هلیله زرد منزوع النوا
تربد سفید مقشر روغن بادام چرب نموده بنفشه خشک هر یک دوازده درم ایارج فیقرا
ده درم گل سرخ تخم کاسنی از هر یک پنج درم کتیرا مجموع مشوی هر یک سه درم کوفته
بیخته در ظرف شیشه نگاه دارند شربتی سه درم با آبی که ترنجبین در آن حل کرده باشند

حرف البا مشتمل بر سه باب باب اول مشتمل بر دو فصل فصل اول
در بخورات که مقصود از ان تطییب و تفریح و تعطیر مجلس است بخور که مجلس را معطر
سازد و دل و دماغ را قوت دهد ص صندل سفید یک مثقال عنبر اشهب دو مثقال
عود هندی نبات سفید هر یک پنج مثقال عود و صندل و عنبر را بگلاب سوده نبات کوفته
داخل کرده فتیله سازند وقت حاجت آتش بر ان نهند تا بتدریج بسوزد و در نسخه
بجای عنبر خصی لبان است بخور دیگر کافور قیصوری هفت مثقال مشک خالص
ده مثقال عود غرقی خام پنجاه و پنج مثقال عنبر اشهب شصت و پنج مثقال ادویه
کوفته بگلاب سرشته عجین کرده قطعهای کوچک ببرند و در سایه خشک کنند
و وقت حاجت بخور کنند بخور که مسمی است به ند بفتح و تشدید دال و بفارسی گشته
میگویند و فایده دیر ماندن بوی خوش است بآتش و اگر در شمع گذارند تا دوام شمع
در مجلس رایحه آن باشد و گاهی در مجمره النقل میسوزند و در فرش و ثیاب میگذارند
فرش و لباس معطر سازد و اهل البصره ازین قرصها میسازند و بلیله مینامند مخترع
آن بحاشعه است برای بعضی خلفا بهر حال مقوی دماغ و ذکی فکر و مفتح ارواح و مقوی
قلب و محرک باه است و طریق ساختن انست که مشک و عنبر و مصطکی را در گلابی که
قدری صمغ در ان حل کرده باشند حل کنند و عود کوفته بیخته در آن آمیزند و خمیر کرده
فتیلهای دقیق بسازند و بکار برند فصل دوم در بخورات که با مراض
اعضا تعلق دارد و مقصود از ان تطییب و التطلیب نیست بخور که تقویت ذهن
و دماغ و تزکیه حواس و ازاله خفقان و غشی کند ص عود هندی قسط شیرین
صندل سفید جزو مشک کافور هر یک نیم جزو کوفته بیخته بگلاب سرشته
حبها سازند و تبخیر کنند و دیگر لیبس غسل را سود دهد و باید که زو سیوم بر ان بخور

تبخیر کنند ص حاشا و فودنج هر دو برابر در سرکه بپزند و نزدیک بینی دارند قطع خلا
کنند بخور که بخاصیت ازاله طرفه کند ص سنگ آسیا با آتش خوب گرم کرده
واز آتش برآورده ربا و پاک کرده شراب چند بران پاشند و سر وقت عطسه بگشا
بخار آن بگیرد و تا وقتیکه سایل شود و طرفه در عمل یکبار یا دو بار زایل شود بخور دیگر
بنفشه بابونه گل سرخ برگ نیلوفر برگ بید تخم خطمی برگ خرفه جوشانیده سر
بخار آن دارند و آب آن نطول نمایند دیگر عطسه را دفع کند ص صبر سقوطری
سداب صعتر در سرکه جوشانند و بخار آن در بینی دارند و از آب آن نیم گرم نطول
فرمایند دیگر جهت عطسه که از سده مسقات باشند نافع است ص زرنیخ احمر
شونیز فودنج جبلی فرادار و مجموعا بر آتش انداخته دود بگیرند دیگر که سده
بینی بگشاید ص باقلا بسرکه تر کنند و بر آتش انداخته دود بگیرند و شراب گرم کرده
همین حکم دارد و تبخیر صندل سفید و دخان در دیابیس و دخان ورق آس نیز
هر واحد مفید است دیگر جهت نقصان و بطلان شامه که سوء مزاج حار باشد
نافع است ص سفالی گرم کنند و سرکه بران پاشند و بخار آن به بینی رسانند
و تا دو سه بار تکرار نفع ظاهر میشود دیگر جهت نقصان و بطلان شم که از برد بود
نافع است ص سعتر سداب پودینه بسرکه جوشانیده بخار بگیرند دیگر که نافع
بسیلان انف و زکام که از گرمی باشد ص کافور ربع درم نخاله دقیق جو ار
دقیق شعیر دقیق باقلا صندل سفید ورد بنفشه خشک ثمر طرفه هر یک نیم درم
کوفته در خل ثقیف بخیسانند و خشک کرده بگلاب بسرشته قرصها سازند و وقت حاجت بجا
بگیرند بخور دیگر جهت حبس میکند زکام را و تبخیر بلادن هم نافع است بر زکام
و دار چینی نافع است بر زکام رطب و تبخیر بسکر قطع میکند زکام را و تبخیر [illegible]

سفوف سکینه نوازل را و استسقای زرد و فالج رطب باشد به نفع میکند نزلات عظیمه دیگر
جهت سده منخرین و جالی بخور دن فضول در زکام صفراوی ص قرطاس مصری
عنبر اشهب کشنیز خشک بر آتش ریخته و دود آن بگیرند دیگر جهت زکام سوداوی
ص سنبل الطیب سندروس نبات سفید قرطاس مصری کشنیز خشک عنبر اشهب
دیگر جهت تفتیح سده منخرین در زکام بلغمی ص شکر سرخ کاغذ خطائی نواله کهنه
هلیله با رجه سوف سندروس سنبل الطیب مجموعه را یکجا کرده بر آتش اخگر ریخته
بخار دود آن بگیرند دیگر مفتح سده منخرین در زکام سوداوی ص شکر
طبرزد مصطکی سندروس مجموعه را یکجا کرده بخور نمایند دیگر که کرم دندانرا
بسیار نافع است ص بگیرند چوب درخت خرزهره تازه و درا نبوبه قصب کنند
و یک سر آن چوب بیرون گذارند و در آتش دارند سر انبوبه قصب را که طرف دوم
است بر ضرس دارند تا دود برسد بخور که درد دندانرا نفع کند و کرم آن را
بکشد و برآرد ص تخم کندنا کوفته بقطران شمع سرخ کرده بر آتش اندازند و به
طریق معلوم دود بگیرند دیگر که کرم دندان را بکشد ص تخم کندنا تخم پیاز تخم بنج
بزر البنج مساوی کوفته با پیه بز و موم سرشته بر آتش گذاشته و دود آن بدندان
رسانند دیگر بول بسته کودکان بگشاید ص کشنیز سرشته موی گربه سیاه
گربه بر آتش بسوزند که دود به بینی رسد دیگر که در اسقاط حبل و تسهیل ولادت
عجیب است ص حنظل ازرق مرابهل با پیه سوسمار کوفته بیخته با دق سازند و بخور
کنند اگر لادن و برگ آن بخور کنند همین نفع دهد بخور که در اخراج جنین حی و میت
نافع است ص سرگین اسپ در زیر رحم بسوزند و بخور پوست انار شیرین نفع
دارد بخور مجرب جهت عقر ص دار شیشعان تشم ارشب سداب خشک با به

بآب سویه کوفته بیخته با موم قرصها سازند وتبخیر کنند بخور در دبواسیر وآماس وخارش
آن سودمند است ص مثقال استخوان ماهی بیخ بادنجان بیخ کنیر کوهان شتر همه را
بر آتش نهند وبخور سازند بخور جهت بواسیر بسیار مجرب است ص برگ قنب را
در شیر گاو بپزند تا مهرا شود پس اول بخار آن بگیرند وبرگ قنب را سائیده بر مخرج
ببندند بخور جهت وجع بواسیر بیخی مجرب است کمال الدین حسین شیرازی
ص پوست مار که مسلوخ باشد جرم فیل سوهان کرده مثقال ازرق بیخ کنیر سفید
پوست تخم مرغ پوست انار شیرین اقماع بادنجان فرفیون شاخ گوزن شاخ گاو خر ظهر
خشک سر موی آدمی خار خسک پنبه دانه مجموع را بکوبند وقدری بر آتش اخگر نهاده دود
بخور بگیرند بخور که در دباسور بنشانند خوب کلان تخم کشنیز خشک با لبسویه در
ظرفی بسوزند ودود آن بمقعد رسانند بخور که حبس خون بواسیر کند ص انزروت
راتینج پوست خرنوب مازو اجزا را برابر کوفته بیخته اقراص سازند وبر آتش اشکل شتر
دود کنند بخور جهت بواسیر نفع تمام بخشد ص کدو را بدفعات بر سر آتش که از
پشکل شتر باشد انداخته دود بگیرند بخور که تبخیر بدان مجفف جدری است اگر ما
باشد ص صندل کلسرخ برگ مورد بسوزند واگر سر ما بود دیگ طرفه سوزند
بخور جهت بواسیر که عبارت از شقاق جلد است ص پوست مغیلان پوست درخت
آمله هریک پنج آثار در دو آثار آب در دیگی که سر آن محکم گرفته باشند بجوشانند بعد
لحاف را پوشیده بخار آن بدست وپا رسانند وبآب نیمگرم آن دست وپا را بشویند
پس کاو بمالند بخور جهت زخم آتشک وبواسیر ونواحی آن مجرب است آصف
وبعد بیل ص اسپند دو تانک اجواین خراسانی یکنیم تانک نانخواه یکنیم تانک شکر
دو نیم تانک زغال دو نیم تانک همه را کوفته بیخته چون سفوف سازند واز مجموع

چهار ده پوری بندند جهت زخم بر کرسی نشسته خود را بچادری پوشیده یک پوری
سفوف بر آتش انگر نهاده بر زخم رسانند اگر بواسیر و نواصیر باشد باید که حقه ی
خورد بکنند و ازین سفوف بالای انگر در آن حقه گذاشته مقعد بران نهاده دود بنشانند
واگر بواسطه بیماری آتشک و زکام سوراخی بهم رسیده باشد باید که دود این سفوف
بطریق تنباکو بکشند نافع است بخور ریثا (?) موافق نسخه معمول صـ فلفل سفید
فلفل سیاه بزر البنج هر یک بیست مثقال افیون خالص ده زعفران پنج سنبل الطیب
عاقرقرحا فرفیون هر واحد یکجزو عسل سه جزو و بدستور مقرر بترتیب سازند هر قدر
که کهنه شود بهتر است باب دوم از حرف الباء در برودات برود که حفظ
چشم و تقویت بصر و قطع دمع کند صـ مشک یک دانگ کافور دو دانگ زعفران
سادج هندی برنج (?) هر یکی یکدرم مروارید دو درم مارقشیشا هشت درم توتیا
اخضر مرقلیمیای ذهب هر یک دوازده درم اثمد مغسول در آب باران یا آب
چاه مقطر بیست درم توتیا و اثمد و مروارید و مارقشیشا را سه روز با هم سحق کنند
و خشک نمایند و دیگر دواها را کوفته باریک بیخته بیامیزند و بکار برند برود که
دمعه و سیلان اشک و تر بودن چشم را سود دهد صـ استخوان هلیله کابلی سوخته
سه درم ماز و نمک اندرانی هر یک یکدرم و نیم برود در زمان جلا رعین (?) کند
و بالغ النفع است در این امر بگیرند پوست انار شیرین و ترش صادق الحموضت
هر یکی را علیحده بیفشارند و در دو ظرف انداخته سر بسته در آفتاب اول حزیران
در آخر تا شب بدارند و هر ماه از ثفل صاف کنند پس بالسویه جمع کرده سه رطل
ازان صبر و فلفل و دارفلفل و توتیا یک یک درم سائیده انداخته بدارند هر چند
کهنه میشود بهتر میشود و هم بتقطیر و هم به تکحیل بسبیل استعمال آرند و حاجی جلال نوشته

که اگر قدری هلیله زرد کوفته بیخته تنها و همچنین نبات تنها در این آب کنند بهم سود
دارد برود قریع که از جهت ردع حار بغایت نافع است صفت توتیای کرمانی را
کوفته و بحریر بیخته در آب کدو و برگ تازه هشت روز پرورده خشک کرده دیگر بار
سحق بلیغ کرده استعمال نمایند برود که بیاض چشم و دمعه و ظلمت و ابتدای
نزول نافع است و تقویت چشم و نشف رطوبت آن کند ساذج هندی نصف درم توتیا
یکدرم نشاسته دو درم کحل اصفهانی شش درم همه مثل غبار سحق کرده استعمال
کنند برود که جهت بثور دهان و قلاع حار مفید است صفت گل سرخ عدس مقشر
تخم کشنیز از هر یک یکدرم بذر بقله صاف ماسیتا طین قیمولیا هر یک نیم درم کافور زعفران
هر یک دانگی برود که در قلاع و قروح دهان وقت حدت بکار آید و تبرید نماید
صفت کافور ربع جزو ورق عنب الثعلب خشک تخم کشنیز خشک سوخته سماق سنبق
هر یک یک جزو گل سرخ طباشیر بذر بقله کرسنه نشاسته هر یک دو جزو مغز بادام
شیرین مقشر سه جزو شب و روز اگر بپاشند برود جهت خناق صفت گل سرخ
عفص عدس مقشر سماق گلنار تخم الطرفا شکر طبرزد لودینه هر یک یک جزو عاقرقرحا
کبابه قاقله زعفران هر واحد نصف جزو کوفته بیخته در حلق دمند باب سیوم در
بنادق و این باب احتوا دارد بر دو فصل فصل اول در اقسام بنادق که با مراض کلیه و
مثانه و دیگر اعضاء تناسل تعلق دارد فصل دوم در مرکبات که بلفظ بندقه نوشته
شد و در امراض غیر اعضاء مذکوره مستعمل میشود فصل اول در بنادق البزور
در قروح مجاری بول نافع است صفت مغز تخم کدو دو درم مغز تخم خربوزه نشاسته درم
مغز تخم خیارین پنجدرم بزرالبنج سفید تخم خرفه مقشر هر یک دو درم تخم خطمی سفید کتیرا
نشاسته رب السوس تخم خشخاش سفید گل ارمنی تخم کرفس از هر یک دو درم کوفته

وپخته بنادق سازند دیگر مجرب میرزا باقر ولد حکیم عماد الدین محمود مغز تخم خیارین
بادرنگ مغز تخم خرفه مقشر از هر یک پنج درم خشخاش سفید خشخاش سیاه هر یک پنج درم
تخم کرفس بادیان هر یک چهار درم عنب الثعلب شش درم مغز تخم خربزه ده درم کتیرا صمغ عربی از
هر یک پنج درم گل ارمنی مغسول دو درم نبات سفید دو صد درم کوفته بیخته با شیره
بنادق سازند دیگر که ادرار آلات بول قبل از ظهور تقیح و تنقیح دهند ص مغز تخم خیارین
مغز تخم کدو شیرین تخم خرفه تخم کاسنی تخم خطمی اسپغول تخم بارتنگ جمله برابر غیر از
اسپغول اجزا را بکوبند و بنادق سازند شربتی سه درم و بدانند که در ورم کلیه عوض
آب آب خیار یا آب کدو پخته یا آب تربز بدهند که نفع تمام دارد دیگر جهت حرقه
بول و قروح و جرب کلیه و مثانه و عسر بول نافع و مجرب است ص مغز تخم کدو شیرین
بزر البنج سفید تخم خرفه تخم خطمی مغز بادام مقشر کتیرا السباسه رب السوس خشخاش
گل ارمنی تخم کرفس هر یک دو درم مغز تخم خیار پنج درم مغز تخم خربزه ده درم ادویه
نرم کوفته بلعاب بهدانه بنادق سازند هر بندقه قدر یک درم شربتی خوراک سه بندقه
با شربت خشخاش یا شربت بنفشه و اگر بنفشه خشک یا تخم خشخاش سفید یا بیخ [illegible]
با آب سائیده با نبات شیرین کرده بنادق همراه وی دهند روا است و اگر شیر خشک
در آب [illegible] شب تر نمایند و صباح صاف کرده بشربت بنفشه بدهند در تسکین وجع
جروح و قرحه فایده تمام دارد و صاحب قرابادین قادری میگوید که من در این نسخه
طباشیر سفید سه درم کاکنج پنج درم اضافه نموده بعمل آورده ام و [illegible] یافته ام
دیگر جهت جمود دم در مثانه مفید است منقول از قانون ص ابهل حلتیت
اشق فوه اجزا مساوی کوفته بیخته بنادق سازند شربتی چهار بندقه بکار [illegible]
فصل دوم در بندقها بندقه که خوردن آن از [illegible] خوردن کند تا دور

دور کنند بکبیرند اطراف اس طبع با بهم وزن آن عود هندی از تخم بکوبند و چهار برابر جوزه
بسازند و یکی ناشتا و یکی بوقت خواب بکار برند نسخهٔ بندقهٔ مضاعف منقول از بیاض
علوی خان مرحوم دوا رهندی است حب تالمکهانه تخم اسکن بیخ بند سروالی تخم کونچ پهلی
جوز بوا بسباسه دانه هیل قاقله کبابه سنبل الطیب شقاقل ساذج هندی زرنباد موصلی
سیاه موصلی سفید بهمن گلان گل سپاری گل پسته گل داوه منڈهی سبک گندی
گل کیکر گل خرزهره پوست کیکر پوست درخت مولسری سپاری چهالیه اندر جو شیرین
فلفل دار فلفل زنجبیل دارچینی سمندر سوکهه صمغ پلاس پانز و پهل جوز السرو سمندر
پهل سنگهاره ثعلب مصری صمغ ناهجند صمغ سینبهل زعفران مغز ناریل خرما
خارک مغز کدو کان مغز بادام شیرین صمغ ببول زنجبیل مغز پسته مشک خالص
مغز چلغوزه کهلی کهیلا سنا و کوکهرو اسکند ناگوری بیخ کوفته بیخته اگر خواهند بهمین
قسم استعمال کنند و اگر خواهند شربت بهد و قند سفید بقوام آورده معجون سازند بندقه که
در عرف مستعمل است بکهلوری حب کهته باید یا خوب هر قدر که باشد موافق وزن
آن با این مصالح خمیر کنند صندل سفید صاف طباشیر سفید دانه الایچی خورد آب
ملٹهی شیره بادام مقشر کافور بهمین هر قدر که خرج شود گلاب در عرق بید مشک بحج
بندقها بندند حرف التاء باب التاء مشتمل بر دو فصل فصل اول در تریاقها
که با امراض اعضا تعلق دارد فصل دوم در تریاق که بسموم مشروبه و ملذوعه نافع
است فصل اول در تریاقات امراض اعضا تریاق اربعه یعنی چهار دارو
حار در ثلثه و یابس در ثانیه نفع میکند با امراض بارده خصوصا الصرع و تفتیح سدد میکند
را و خفقان بارد و اوجاع کبد و طحال را نفع میکند و کسر میکند ریاح را که در معده است
ذرعا و مقادم لسع عقارب و حیات و عناکب و سموم هوام است و ادرار میکند فضول را

حرف التاء

که محتبس از سرد شده باشد و جهت عسر ولادت و اخراج جنین نیز نافع و در معالجات امراض
جلدی در ادویه جلدیه نیز واقع است شربت این یکمثقال و بقاء قوت این را دو سال است
ص حب الغار جنطیانا زراوند طویل مر سیه را کوفته بیخته بعسل منزوع الرغوه بقدر
کفایت بسرشند و باب گرم بدهند تریاق الاسنان از تالیف قدما و از غایت
مجربات تسکین درد دندان کند ص زنجبیل فلفل کرد طلیت جند بیدستر افیون بالسویه
یا عسل سرشته بر دندان دردناک قدری گذارند و مولف شفاء الاسقام ادویه
دیگر بر آن مضاف نموده زرواند دحرج سیعه سایله هر یک نصف اجزاء سابق
من تحفة المومنین تریاق ثمانیه یعنی تریاق هشت دارو معمول شده و منافع
این زیاده از منافع تریاق اربعه است برای صرع و لقوه سود دهند یا دیگر باشد کند و دفع
ادویه سموم و لسع جانوران سموم کند ص زراوند طویل ریوند چینی پوست بیخ کبر حب
الغار مر مکی صاف قسط تلخ زردچوبه جنطیانا رومی کوفته بیخته بعسل مصفی معجون سازند
شربتی یکمثقال و بقاء قوت تا دو سال تریاق جهت ذرب ضعف معده و امعا
و قبض شکم و تقویت اعضای رئیسه بی عدیل است ص ورق نقره یکدرم عود خام
بزر البنج هر یک چهار درم مروارید ناسفته کهربا مرجان عقیق یشب یاقوت طباشیر
طراثیث کشنیز خشک بریان صندل سفید بهمنین فوفل سعد زیره کرمانی ترنجبین مصطکی کرویا
مازوی سبز گل ارمنی پوست بیرون پسته هر یک سه درم تخم خرفه بریان پنجدرم خشخاش
سفید پنجدرم شادنه عدس مقشر صمغ عربی آرد کنار پنجدرم حب الآس خسته عناب
بریان نموده خسته مویز هر یک سه درم خسته انگور بزرگ پنجدرم آب به شیرین
آب سیب شیرین آب امرود بالسویه دو چند قند سفید سه چند ادویه تریاق نزله
تام لعوقی است که در منع ریختن مواد نزله و رفع سرفه از مجربات است چون این دوا

این دوا سریع النفع است در اندک زمان و کثیر المنفعت تریاق مسمی شده ص سطوخودوس
پنجدرم گل گاوزبان گیلانی تخم مورد کشنیز خشک هر یک ده درم تخم کاهو بست
درم بزرالبنج کوکنار هر یک سه درم تخم خشخاش سفید چهل درم خیسانیده بجوشانند
و قند سفید سه صد درم اضافه نموده بقوام آرند و در آخر قوام گل سرخ رب السوس
نشاسته صمغ عربی کتیرا مر صاف هر یک پنجدرم نرم سائیده در آن ریزند شربتی
سه مثقال نوشته اند اما آنچه معمول تا یکمثقال است **فصل دوم** در تریاقها
بسموم مشروبه و ملدوغه نافع است **تریاق** بلیغ النفع که جماعتی از اطبا آنرا
در لدغ افاعی مساوی بتریاق کبیر یافته اند ص زراوند دحرج جندبیدستر از
واحد یکدرم و نیم فلفل سه درم انیسون ده درم کوفته بیخته بمیبختج بسرشند
شربتی جوزه **تریاق** حب الاترج جهت سموم مشروبه و ملدوغه مشترک النفع است
ص نمک طعام برگ سداب خشک هر یک پنج مثقال تخم اترج مقشر ده مثقال
مغز گردکان سی مثقال انجیر کوبیده قدری که دواها بآن سرشته شود ادویه
را جدا جدا کوفته وزن کرده با انجیر کوبیده سرشته دهند شربتی ده مثقال **تریاق**
گزیدن کلب الکلب انافع است ص جنطیانا کندر هر یک پنجدرم سرطان محرق ده درم
بعسل بسرشند شربتی یکمثقال چند روز مداومت نمایند **تریاق الطین** جهت
سموم نافع و خاصیه اوست که چون بخورد تا که از سم پاک نشود قی ننماید اگر
قی بیارد دلیل آن باشد که سم نخورده ص گل مختوم حب الغار ایرسا مساوی
کوفته بیخته بروغن گاو چرب کنند و بعسل بسرشند شربتی یک فندقه **تریاق**
عقرب جهت لدغ عقرب نفع بلیغ دارد ص جنطیانا زراوند حب الغار قسط
تلخ شهدانج سداب جندبیدستر عاقرقرحا شونیز زنجبیل فلفل حلتیت مساوی

بجمل لیس سنند شربتی یک جوز دیگر همین عمل دارد صفت زراوند دحرج پوست کنیز
بالسویه کوفته بیخته یکدرم باشراب بخورد تریاق مرداسنگ صفت تخم کرفس مر
مساوی کوفته بیخته دو مثقال با یک وقیه شراب و یک وقیه طبیخ کرفس بدهند وطبیخ
شبت و بوره یکبار قی فرمایند و بجوارش سفرجل مسهل الطبع را نرم دارند و حقنهای تند
بکار برند و شراب صرف کهنه و زنجبیل مربی بدهند و اگر کسی سفیداب خورده باشد
بماء العسل و طبیخ انجیر قی فرمایند و برابع درم سقمونیا بماء العسل بدهند بعد از ان عصاره
افسنتین و سایر مدرات با ماء العسل حرف الجیم مشتمل بر سه باب باب اول در جوارشها
باب دوم در جواهر مهرها باب سیوم در جلابها و جلنجبین ها مشتمل بر دو فصل

حرف الجیم

باب ا

باب اول در اقسام جوارشها جوارش آمله مقوی معده و موافق محروری
مزاج از مجربات حکیم علویخان صاحب مرحوم صفت آمله منقی پانزده توله در نیم آثار
گلاب و نیم آثار عرق بید مشک بخیسانند صبح خوب جوشانید مهرا ساخته از پارچه
گذرانیده بعده نبات نیم آثار و عسل خالص پانزده توله داخل نموده بقوام آرند
و مروارید ناسفته دو توله صندل سفید ابریشم مقرض غنچه گل سرخ گل گاوزبان
دانه هیل خورد از هر یک یک توله عنبر سه ماشه ورق طلا سه ماشه ورق نقره نه ماشه
پوست بیرون پسته دارچینی از هر یک توله کوفته بیخته با آن سرشته معجون سازند
جوارش آمله دیگر جهت عالیجاه برادر نادرشاه که عرصه قدیم ضعف معده و دماغ
وضعف باه داشت و از خوردن این جوارش در امراض مذکوره تخفیف کلی شد صفت
شیره آمله پانزده مثقال زرشک بیدانه پنج مثقال فادزهر معدنی کهربا شمعی گل داودی
گل ارمنی مغسول طباشیر سفید صندل سفید کزمازج صمغ عربی بزر البنج سفید تخم هلیون
غنچه گل سرخ طراثیث شیرین عنبر اشهب از هر یک یک مثقال خساسی مربی دو مثقال تخم

تخم کشنیز خشک تخم خرفه مقشر مغز تخم خیارین مغز تخم خربزه از هر یک شش مثقال باشیر
اعرابی نیم مثقال نبات سفید یکصد و ده مثقال رب به شیرین گلاب عرق بیدمشک
از هر یک بست مثقال بدستور مرتب سازند جوارش آمله نسخه معمول مقوی معده
و مشتهی خوش ذائقه و اسهال بواسیر را دافع و نافع ص آمله منقی بشیر پرورده
ده توله تخم کشنیز مقشر شش ماشه غنچه گل سرخ صدف سوخته هر یک چهار ماشه مصطگی
طباشیر سفید دانه هیل خورد هندی سماق هر یک سه ماشه آب لیموی کاغذی چهار توله
قند سفید نیم آثار بقوام آرند جوارش آمله ص آمله در سرکه خیسانیده ده توله عود
مصطکی از هر یک یک توله پوست ترنج پوست بیرون پسته از هر یک هفت ماشه
قند سفید نگمین بدستور مرتب سازند جوارش آمله قابض که تقویت معده کند
و خلفه را سود دارد ص آمله درو پاک کرده یک رطل همه را در سرکه تند بپزند و بکوبند
و با دو رطل عسل برفق بپزند تا منعقد شود و پس از آتش فرود آورده طباشیر یک
اوقیه زرشک دو اوقیه اندازند و حرکت دهند تا که مستوی گردد جوارش آمله جار
در طب است مقوی معده و مشتهی و مسکن حرارت کبد و مقوی قلب و مفرح آن و دافع اسهال
مراری ص عنبر اشهب ورق طلا ورق نقره هر یک دو دانگ مروارید ناسفته چهار دانگ
طباشیر سفید صندل سفید سماق منقی زرشک منقی غنچه گل سرخ منزوع الاقماع بادرنجبویه
پوست بیرون پسته هر یک یک مثقال کشنیز خشک مقشر مغز تخم خرفه مقشر هر یک دو مثقال
شیر آمله منقی دوازده مثقال نبات سفید رب به شیرین دو وزن ادویه جوارش که
مسمی بجوارش شاهی است تالیف سید علویخان رحمة الله علیه مالیخولیای مراقی را بی نظیر
است و مقوی قلب و معده و تفریح آرد ص زرشک منقی بست و پنجه مثقال آمله
مربی هلیله مربی خسته بیرون کرده بگلاب عرق بیدمشک هر یک هفتاد و ... مثقال ...

بپزند تا مطہر شود و بپالایند پس شربت انار ترش شربت انار شیرین نبات سفید ہر یک بست
و پنج مثقال سکنجبین سی مثقال شربت نارنج شربت لیمو شربت آلو ہر یک چہل و پنج
مثقال داخل کردہ بقوام آرند پس عنبر اشہب و مثقال ابریشم مقرض ورق طلا ورق
نقرہ مروارید ناسفتہ ہر یک سہ مثقال گل گاوزبان گیلانی غنچہ گل سرخ ہر یک پنج مثقال
کوفتہ بیختہ آمیختہ شربتی دو درم جوارش آملہ لولوی مقوی قلب و معدہ ص
شیرہ آملہ زرشک بہدانہ در آب خالص و گلاب و عرق گاوزبان و آب انارین عرق بید مشک
عرق بادرنجبویہ از پارچہ بیختہ بپالایند و با شیرہ نبات سفید بقوام آرند پس ورق
طلا ورق نقرہ عنبر اشہب ہر یک سہ ماشہ مروارید ناسفتہ یاقوت رمانی کہربا شمعی
دارچینی مصطکی ہر یک شش ماشہ پوست زرد اترج نہ ماشہ دانہ ہیل طباشیر
ابریشم مقرض صندل سفید گل گاوزبان کشنیز خشک مقشر ہر یک تولہ بدستور
بآن بیامیزند شربتی شش ماشہ جوارش اترج نافع برای لقوہ و فالج و استرخا
و مقوی دماغ و اعصاب و معدہ تالیف حکیم معتمد الملک ص شیر آملہ سہ مثقال یک
شب در عرق بہار نارنج و گلاب از ہر یک یکصد و پنجاہ مثقال بخیسانند روز دیگر
بجوشانند کہ مہرا شود و از صافی بگذرانند پس بگیرند پوست زرد اترج پنج مثقال
اذخر مکی اسارون انیسون نانخواہ بہمن سفید دارچینی سعد کوفی طالیسفر فوفل
فلیجہ غنچہ گل سرخ قاقلہ ہیل کلان اقرفہ خوشبو کاشم کندر مصطکی رومی از ہر یک سہ
مثقال جوزبوا دارفلفل فلفل سیاہ سنبل الطیب عود ہندی قرنفل از ہر یک
دو مثقال زعفران عنبر اشہب مشک تبتی از ہر یک یک مثقال کوفتہ بیختہ عسل
مصفی سہ صد مثقال در ابلیح مذکور داخل کردہ بقوام آرند و ادویہ را بدستور
بیامیزند شربتی دو درم و گاہی جند بیدستر و جدوار خطائی از ہر یک یک مثقال اضافہ

داخل میکنند جوارش سفف که بلغم خام را از معده و امعا بر آرد و از قی باز دارد
و قولنج را بکشاید و ریاح بواسیر و وجع خاصره و پشت را نفع دهد منقول از قرابادین
ص دارچینی آمله منقی بسباسه مصطکی قرنفل جوز بوا از هر یک دو درم فلفل زنجبیل
هر یک چهار درم تربد موصوف سقمونیا هر یک هفت درم و نیم قند سفید بست درم کوفته
بیخته بعسل بسرشند شربتی برای اسهال شش درم جوارش سفف بقوه بمرتبه
و قولنج بکشاید و ریاح معده و بواسیر دفع کند و وجع خاصره و ظهر را نیز دفع
قی را مانع قدر خوراک جهت گوارش دو درم و جهت اسهال شش درم ص زنجبیل
دارچینی آمله سقمونیا قرنفل بسباسه جوز بوا هر یکی دو درم و نیم فلفل قاقله هر یکی
درم سقمونیا تربد سفید هر یکی پنج درم قند سفید نود درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند
جوارش انارین جهت تقویت معده و جگر محرور و غریب و جهت بهم رسانیدن اشتهای
مفقود عجیب است ص آب انارین قند سفید هر یک یک سیر آب نعناع سبز گلاب
هر یک هفت دام سنبل الطیب مصطکی هر یک دو درم الایچی کلان پوست ترنج
هر یک چهار ماشه پوست بیرون پسته یک درم الایچی خورد سه ماشه جوارش انارین
قابض نیز معمول ص قند سفید پاو سیر آب لیمو هشت دام شربت حب الاس هفت
دام آب انارین هفت دام شربت لیمو آب پودینه سبز شیره مربی آمله هر یک چهار
دام گلاب دو دام مصطکی دانه الایچی زهر مهره هر یک سه ماشه گل سرخ حج ترکی جوز بوا
طباشیر هر یک ده ماشه معجون سازند و باید دانست که سیر و دام در این هر دو جوارش
بوزن عالمگیری معتبر است جوارش انبرباریس مقوی معده و جگر و احشا و مسکن
حرارت معده و جگر و مانع ریختن مواد بمعده و قاطع صفرا و تشنگی و غلیان خون
ص بگیرند آب زرشک تازه و اگر تازه نباشد خشک سرخ که بغایت خوب بود بجوشانند

و صاف کنند و قند را بقوام آورده بدستور جوارش انار بسازند و گاهی گل سرخ و طباشیر سفید و دانه
الایچی هر واحد دو درم اضافه کرده میشود و درین صورت زیاده مفید می افتد دیگر ضعف معده
و اسهال را نافع است حب لسد مروارید ناسفته دو درم طباشیر کهربا مصطکی هر یک
سه درم تخم خرفه پنج درم زرشک سماق منقی حب الاس لسان کلنار نانخواه زنجبیل تخم خیار هر یک
شش درم باترنگ هفت درم کوفته بیخته بسیب و یا آب حماض بسرشند شربتی تا سه
درم و گاهی برعایت حرارت نانخواه و زنجبیل را موقوف ساخته قدری مصطکی و کندر
و کلنار اضافه کرده میشود و اسهال را سفید می آید جوارش سویق نسخه به بند حلل
مصطکی کلنار هر یکی پنج درم حب الاس سماق هر یکی ده درم تخم سویق صمغ عربی هر یکی بیست
درم بعسل بسرشند جوارش بارد اسهال باز دارد و در حمیات نیز می توان داد کافور
سه درم طباشیر کهربا دقیق الخبز فوفل هر یکی چهار درم شاه بلوط زعفران نیلوفر هر یک
پنج درم گل سرخ حب الاس هر یک شش درم تخم حماض ریباس هفت درم سماق هشت درم
زرشک عنبر اشهب سیب هر یک ده درم حب الرمان پانزده درم رب ترنج یا رب سیب
بسرشند جوارش جاودانی معده را قوت دهد و طعام هضم کند و حفظ زیاده و بواسیر
را نافع بود و رنگ صاف کند و بوی دهان خوش گرداند جوز بوا بسباسه قرنفل دارچینی
سنبل الطیب سعد آمله منقی اهلیلج از هر یک جزوی کوفته بیخته با عسل سه چند و نبات
سه چند بسرشند مقدار شربتی دو درم جوارش جالینوس تالیف جلال الدین طبیب معده
را قوی کند و شهوای طعام آورد و ضعف جگر دور کند و فرحی بفزاید و مجامعت را قوت
دهد حب مشک دارکی انیسون تخم کرفس هر یک یک مثقال سک یک مثقال و نیم فلفل دو مثقال
زیره کرمانی بهمن سرخ مصطکی عود بلسان خشک عود هندی هر یک چهار مثقال سنبل الطیب
قرنفل دارچینی قاقله هر یکی دو مثقال قند سفید بوزن همه کوفته بیخته بعسل کف گرفته

کاف کرفته اند شربتی یک مثقال تا دو مثقال جوارش جالینوس نافع معده و با هضم
طعام و دافع نفخ و مقوی معده و امعا و جگر بود و سیاهی موی نگهدارد و بسبو دا و صفرا
نافع و گرده را گرم کند و سرفه بلغمی و صداع رطوبی قدیم و جدید را سود دهد و روشنی چشم را
بیفزاید و خلط خام را از مفاصل دور کند و ثقل جماع زیاده کند و آواز قوی گرداند
وزن مرد را فربه کند و بوی دهن خوش کند و بواسیر را نیکو بود و رنگ را صاف
کند و قروح گرده را نیک باشد و جهت جذام قوبا و نقرس و بهق و درد گلو و کثرت
بول شب را مفید است و سنگ گرده و مثانه را بریزاند و هر که بست و یکروز بران مداومت
کند از جمیع امراض ایمن بود و جهت دمامیل و زحیر و خلفه هم مفید است و بمنزله تریاق
است عدیل ندارد و محتاج بپرهیز نباشد صفت سنبل الطیب قرنفل قاقله سلیخه دارچینی
خولنجان زنجبیل زعفران فلفل سفید دارفلفل قسط بحری سفید عود بلسان اسارون
قصب الذریره هر یک جزوی مصطکی پنج جزو شکر بوزن همه بعسل وجیه معجون سازند
و بعد هفت روز بعمل آرند و هر قدر کهنه شود بهتر است شربتی دو مثقال تا سه مثقال
پیش از طعام و بعد از طعام بیک ساعت توان داد و در بعضی نسخ جنطیانا سه مثقال اضافه
کرده اند و در بعضی نسخ بجای قرنفل قرفه است و شکر نیست و قدر شربت درین صورت
یک مثقال است جوارش جوزی طعام را هضم کند و اسهال باز دارد و سپرز بگدازد
و هم استسقا را نافع و ادرار بول کند صفت بسباسه درونج هر یک سه درم قاقله کبار
قرنفل انیسون اکلیل الملک شیطرج هندی نارمشک هر یک چهار درم ریوند چینی زرنباد
مدحرج اشنه هر یک پنج درم قسط قرفه سنبل الطیب حب بلسان سلیخه هر یک ده درم
هلیله سیاه پوست هلیله کابلی بروغن زیت بریان کرده هر یک بست درم جوز بوا پنج عدد
حب الآس برابر همه ادویه نبات دو وزن ادویه در گلاب بگدازند و بقوام آورده دوا ها

کوفته بیخته بسرشند و بعد دو ماه بعمل آرند جوارش جوزی بنسخه محمد ذکریا رازی شکم
به بندد و ملاست معده و حشا و قراقر را نافع بود و ماسکه را قوت دهد ص دانه سوز
در سرکه تر کرده تف داده سی درم حب الآس شصت درم خرنوب نبطی گلنار گزمازج تا هر یک
ده درم کنند را نخواه مصطکی سعد سنبل هر واحد پنج درم کوفته بیخته بگلاب با قند بسرشند
شربتی سه درم جوارش زیره که آب رفتن دهان که از غلبه بلغم بود نافع است ص
بوره ارمنی یکمثقال فلفل سه مثقال زنجبیل چهار مثقال زیره یکشبانروز در سرکه کنده آغشته
برآورده در سایه خشک کرده تف داده ده مثقال کوفته بیخته با قند سفید یا نبات صاف
صد مثقال بقوام آرند جوارش سفرجلی مسهل معمول در افرجه جاره و بارها حتی
درجهی بتجربه آمده و اسهال نیک نمود ص دارچینی زنجبیل دارفلفل زعفران هر یک
دو درم تربد موصوف با وسیر عالمگیری عرق نعناع قطعات به پاک کرده هر یک نیم سیر
عسل یکپا سیر قطعات به را در عرق نعناع عرقی که عبارت از سرکه و قدری برگ نعناع است
که آنرا مقطر کرده عرق میگیرند بپزند تا که مهرا شود و پس بکوبند و با عسل بقوام بسرشند
و در هم کنند که یکسان شود و پس تر دواها دیگر سوا از زعفران کوفته و بیخته بیامیزند و زعفران
را در گلاب سوده کم کم اندازند و حل کنند و معجون سازند قدر خوراک دو توله است و هر گاه
موسم به تازه نباشد بجای به ساخته بعمل آرند جوارش سفرجلی ممسکه معمول حضر
به ولایتی عسل هر یک یکپا سیر عرق نعناع نیم سیر زنجبیل قرنفل عود قماری دارچینی
دارفلفل فلفل سفید هر یک یکتوله عنبر اشهب مشک هر یک یکماشه جوارش سفرجلی
تفاحی برای بطلان اشتها که در حمیات بهم رسد نافع است ص شربت سیب
شربت به از هر یک یک رطل آمله مقشر هلیله مقشر عود قماری صندل سفید طباشیر هر یک
پنج درم آب لیمون دوازده توله جوارش سماق اسهال صفراوی باز دارد و

و اجشار اقوت دهد ص گلنار صمغ عربی انار دانه هر یک پنج درم حب الاس ده درم سماق
بست درم خرنوب سی درم کوفته بیخته با مویز منقی دیگر باره بکوبند شربتی سه درم
جوارش صندل که نافع است برای سوء هضمی که از حرارت باشد ص گل سرخ طباشیر
سفید صندل هر یک پنج توله مصطکی سنبل هندی عود خام هر یک یکنیم توله زرشک
چهار توله مشک یکنیم توله شربت به شیرین سه وزن ادویه بدستور ترتیب دهند من شفاء
الاسقام جوارش صندل نسخه حکیم اکبرآبادی معده و جگر گرم و خفقان حار را نافع
بود و اسهال صفراوی باز دارد ص صندل سفید بگلاب سوده پنج درم طباشیر سفید
تخم خرفه کشنیز بریان پوست بیرون پسته هر یک دو درم مصطکی عود قرنفل تخم فرنجمشک
زعفران مروارید مرجان هر یک درمی مشک نیم درم آب سیب پنجاه درم گلاب سی درم
کافور دانگی قند سفید یکمن شربت دو درم تا پنج درم جوارش مقوی مبهی که مجرب بنظر
خصوصا که ضعف باه از ضعف قوی طبیعی باشد ص مشک خالص یکنیم دانگ قاقله کبار
هر یک یک مثقال قرنفل سنبل الطیب جوز بوا بسباسه لسان العصافیر اصل اذخر دارچینی
مصطکی عود هندی زعفران قند سفید گلاب از هر واحد ده مثقال قند را بگلاب حل نمایند
و شهد خالص سه چند ادویه اضافه نمایند و بقوام آرند و باقی ادویه را بعد کوفتن
بیختن داخل نمایند و بقدر یک مثقال یا زیاده استعمال کنند جوارش طباشیر ص
صندل سفید آمله منقی طباشیر سفید کشنیز خشک مقشر حب الاس پوست اترج سماق منقی
مصطکی رومی کافور قیصوری موافق مقدار هر یک رب به شیرین سه وزن ادویه یا عرق
گاوزبان و عرق کیوره جوارش سازند جوارش طباشیر سیلان منی و ودی و مذی
و ادرار بول که از گرمی افتد سود دارد و تیهار را باصلاح آرد ص قصب الذریره صندل
زرشک منقی هر یک سه درم صمغ عربی تخم حماض طباشیر زعفران هر یک پنج درم گلسرخ

پنجدرم کوفته بیخته با انگبین صافی و شکر طبرزد سرشته شربتی دو درم تا پنج زرشک
جوارش عنبر معده را گرم کند و ریاح غلیظ آنرا تحلیل نماید و بلغم قطع کند و دل و دماغ
را قوت دهد و حواس تیز سازد ص مشک و عنبر هر یک دو دانگ اسارون قرنفل زعفران
هر یک نیم درم هیل دارچینی دار فلفل زنجبیل جوزبوا هر یک یکدرم نبات سفید یکرطل
جوارش عنبر فالج و لقوه و رعشه را مفید و عقل و حفظ زیاده کند و معده را قوی
گرداند و سیری پیری دو باه را قوت دهد ص نبات یکمن را بقوام آورده فرو گیرند و عنبر
اشهب یکمثقال در آن انداخته به تیز زنند و دست کرده بر سنگ ریزند و بکار برند بریده دارند
جوارش شونیز که حفظ را بیفزاید و نسیان را دور کند مجرب است ص شونیز هلیله کابلی
هر یک پنجدرم زنجبیل نانخواه هر یک ده درم عسل سفید دو چند قدر خوراک یکمثقال
جوارش عنبر که مقوی دل و دماغ و حواس و قاطع بلغم و مسخن معده و ریاح بارده
غلیظه را تحلیل میبرد ص هیل دانه دارچینی دار فلفل زنجبیل جوزبوا هر یک نیم توله
اسارون قرنفل زعفران هر یک سه ماشه مشک عنبر اشهب هر یک ده ماشه عسل سفید
هر یک پاؤ سیر بدستور معمول سرشته من شفاء الاسقام جوارش عود معده سرد را
گرم کند و اشتها آرد و هاضمه را قوت دهد ص سنبل یکدرم قرنفل دو درم عود قماری
خام پنجدرم نبات یکمن در گلاب بگدازند و بقوام آرند و ادویه کوفته بیخته بران پاشند
و بتیز زنند و بر روی سنگ تخته ببرند جوارش عود ترش که محروران النسب
و مبردة السوداء رطب بصورت مطبوع معمول ص عنبر اشهب مشک خالص هر یک
یکماشه مصطکی رومی عود غرقی پوست بیرون پسته هر یک دو درم آب لیمو کاغذی
هفت عدد نبات نیم سیر معجون سازند جوارش عود ترش شربت سیب شربت
به هر یک پاؤ سیر آب لیمو کاغذی چهار دام عود مصطکی نیم توله صندل سفید پوست

پوست بیرون پسته هر یک سه ماشه جوارش عود ترش دیگر صص عود ده ماشه سنبل قاقله کبابه زعفران پوست ترنج قرنفل دارچینی بادرنجبویه مصطکی طباشیر یک یک سه ماشه آب سیب ترش پنجاه ماشه گلاب شصت ماشه آب لیمو نود ماشه قند و نبات سه وزن ادویه بدستور بسته شوند جوارش عود ترش صص آب آلو سبز آب سماق بگلاب خیسانیده هر یک ده درم آب لیمو رکاغذی ده درم قند سفید نیم آثار بقوام آورده عنبر اشهب یکمثقال داخل نمایند بعد ازان عود بگلاب سوده مصطکی سوده یک یک نیم درم اضافه نمایند خوراک نه ماشه تا یکتوله با یک ماشه شیره بیل بگلاب کشیده جوارش عطای منفی ابیضر باید و مجامعت را قوت دهد و کرده و منفر را قوی گرداند مجرب است صص بهمنین تودری بین اشپست مغز تخم خربزه مغز تخم جرجیر تخم پیاز تخم حماض گزنه یعنی تخم الجزره کتیرا تخم بلیون تخم شلغم تخم کرفس هر یک سه مثقال شقاقل قاقله صغار دارفلفل خولنجان دارچینی زنجبیل قرفه هر یک پنج مثقال ترنجبین سفید از تخم و خاک پاک کرده سه وزن ادویه ترنجبین را یک شب در شیر گاو خیسانیده و صبح بالید صاف کنند و بر آتش نهند تا غلیظ شود فرود آرند داروها کوفته بیخته بداخل آمیخته شوند و در ظرف کانسی یا چینی کنند شربتی سه مثقال با لبت درم شیر تازه گاو بخورند جوارش کندر را در ابول کودکان را که از سردی باشد گیرد چون با آن حرقت نبود صص دارچینی دو درم کندر خولنجان هر یک سه درم قرفه قاقله هر یک چهار درم قرنفل جوزبوا خرنوب بسباسه سنبل هر یک پنج درم مصطکی یک استار همه را کوفته بیخته بدو وزن عسل کف گرفته بسرشند شربتی دو درم تا سه درم جوارش عود ملین که مخترع مولف است برای تقویت معده و بهم رسانیدن اشتها و طرد ریاح و تجوید هضم و رفع قبض بیعدیل و چندان سخونت ندارد صص بادیان انیسون رومی پودینه خشک مصطکی

دانه الایچی خورد هر یک یکدرم عود غرقی طباشیر بن سلوجن بار و چند دو درم دارچینی یکنیم درم
گل سرخ سنا مکی تربد سفید هر یک دو نیمدرم عسل سفید نیم پاو نبات سفید پاو سیر گلاب
پاو سیر ادویه کوفته بیخته بعسل و نبات بقوام آورده بطریق لوز نگهدارند بقدر دو سه لوز با گلاب
تناول نمایند و گاهی بجهت تبرید سنامکی و گل سرخ را در آب خوب جوشانیده داخل قوام نموده می آید
النسیف تر دیگر دو جوارش لولوی للحبل منقول من القانون زنجبیل چهار درم زرانباد
درونج بزر الکرفس شیطرج قاقله جوز بوا قرفه هر یک دو درم بهمن سرخ بهمن سفید دار فلفل
هر یک سه درم دارچینی پنجدرم شکر سفید برابر ادویه وزن الشربته منه بلعقة فانه تصلح حال
رحمها و معدتها و یحبان یشتد العشا بمعدة الحبالی فیقوی جوارش لولوی نافع است
برای حامله و رفع ریاح رحم میکند و حفظ جنین مینماید و مجرب است صص زرانباد درونج
دو درم مروارید نسبته کهربا هر یک یکدرم دارچینی دو درم ابریشم مقرض دو درم جند بیدستر
یکنیم درم رشنه سنبل هندی هر یک نیمدرم هیل دانه خورد زعفران عود هندی قرنفل
هر یک یکدرم عسل سفید سه برابر ادویه بدستور بسرشند من تدبیر الحبالی جوارش
مصطکی ساده سردی معده و جگر را نافع است و بلغم دفع کند و آب رفتن از دهان باز
دارد صص مصطکی سه مثقال کوفته با گلاب سی درم و یکمن قند بقوام ارند و بر روی
سنگ ریزند و بعد از انکه سنگ ابر و غن بادام یا شیرکاو چرب کرده باشند بریزند و بهتر
انکه مصطکی بعد قوام امیزند تنها یا بگلاب بسائیده و بعضی در وزن مصطکی اختلاف هم
گفته اند جوارش قابض که تقویت معده کند و خلفه را سود دارد صص امرود پاک
کرده ثلث رطل سیب پاک کرده نیم رطل به پاک کرده یکرطل همه را در سرکه تند بپزند
و بکوبند و با دو رطل عسل خالص منقی بپزند تا منعقد شود و پس از آتش فرود آورده
طباشیر یک وقیه شیره زرشک دو اوقیه بپندازند و حرکت دهند تا مستوی گردد جوا

جوارش مفرح بارد از مرکبات شاهی نفع میکند به توحش و تفزع و به سودا که از غلبه
حرارت پیدا شده باشد و دل را قوت دهد و رنگ نیکو کند صفت مشک دو ثلث قیراط
کافور ربع درم زعفران نیم درم ورق اترج دو درم بهمن سفید سه درم کهربا مثقال
بسد مروارید ناسفته تخم خرفه کشنیز خشک هر یک شش درم دانه زرشک گاوزبان از هر یکی
پنج مثقال تخم بادرنجبویه هفت درم گل سرخ کشنیز خشک طباشیر سفید از هر یکی ده درم
تخم خرفه دوازده درم فانید یا شکر طبرزد دو رطل آب سیب یک رطل علی الرسم معجون سازند
شربتی از یک مثقال تا دو مثقال **باب دوم در جواهر مهره ها** جواهر مهره برای
تقویت اعضای رئیسه و افزایش روح و حرارت غریزی و خفقان و جمیع بیماریهای قلب
را نافع است از یاقوتیها در عمل قویست صفت فادزهر شش درم مروارید بسد لاجورد
یاقوت احمر یاقوت کبود یاقوت اصفر یشب زمرد عقیق ورق نقره مصطکی هر یک دو
درم ورق طلا جدوار نارجیل دریایی عنبر اشهب مشک بهمن سیاهی هر یک یک درم همه را
باریک سائیده باز در گلاب سحق کرده بقدر کنار حب بندند و با سنگ نخودی خوب
مهره نمایند و ورق طلا بر وی چسپانند شربتی از دو سرخ تا دانگی جواهر مهره دیگر
مقوی دل و دماغ و جگر و قوت باه و قوت باصره و تریاق سموم و دافع خفقان و بیماری
و بواسیر و جنون و حمی و بائی و حصبه و ...رسی امراض رحم و تحلیل رطوبات و معین حمل و حافظه
و حافظ شباب و ضعف مانع ضرر سموم شربت یکدانگ سوده با گلاب صفت مشک ورق
نقره ورق طلا هر یک سه ماشه عنبر اشهب مو سیاهی دارانی زمرد هر یک نیم توله کهربا
ابریشم سوخته مروارید ناسفته یاقوت رمانی حجر الیشب جدوار خطائی هر یک یک توله یشب
دندان فیل سوخته شاخ گوزن محکوک مرجان سفید هر یک دو توله نارجیل دریایی چهار
توله جدا جدا سائیده سحق بلیغ نمایند و عنبر و مشک داخل کرده صلایه کنند و مهره سازند

و ورقها بیا بپزند و بعد خشک شدن جلا دهند **باب سیوم** در اقسام جلابها و جلنجبین
مشتمل بر دو فصل **فصل اول** در جلابها و جلاب در اصطلاح اطبا عسل یا شکر را گویند
که در سه مثل گلاب یا آب جوشیده مقوم کرده باشند و اگر جوش ندهند جلاب خام نامند و اختلاف
در آنکه او حار است یا بارد یا معتدل میتوانند که بنا بر اختلاف اصناف عسل و شکر باشد
و در بیاض و حمرت و شدت حلاوت و قلت آن یا بنا بر اختلاف انواع گلاب که با آن ممزوج
میشود در مرارت و عفوصت و قفاحت و از این است که اقسام او بسیار شده جلابیکه
صداع گرم را مفید است و تسکین عطش و تلیین طبع و اطفاء حرارت کند صفت شکر لطیف
سفید یکرطل در یک رطل لعاب بهیدانه و در دو رطل آب بپزند و کف بردارند و بقوام
آرند و اگر اسپرزه در عرق بید مشک و گلاب لعاب بگیرند و بجای شکر نبات داخل
کنند الطف و انفع و بدل و معده سفید تر باشد جلابی که جهت مفلوج و ملقو بجای
آب قناعت کردن نفع نمایان بخشند خاصه اگر فصل حار و مزاج گرم باشند و ایضا
سده و طبع را نرم کند صفت شکر سفید یکرطل و در سه رطل آب بپزند و کف بردارند
تا بقوام جلاب آید جلاب دیگر معمول حقیر نافع بنفع کثیر در اکثر امراض و باغیه سوداویه
و بلغمیه با حرارت مزاج جمع شده باشد و چند جا در فالج و لقوه بکار برده العسل
بعمل آمده صفت قند سفید یکرطل و عرق گاوزبان یکرطل عرق بادرنجبویه یکرطل گلاب
یکرطل و گاهی عوض گلاب عرق بهار نارنج داخل نموده بر آتش ملایم بپزند تا استحکامی
حاصل نماید پس گل گاوزبان عود الصلیب اسطوخودوس هر یک دو مثقال در مقدار
از گلاب یا عرقی از عرقهای مناسب مزاج در حال جوشیده صاف نموده ضم نمایند
و بر آتش گذارند که با ثبت تلطف شده قوام معتدل گردد در شیشه نگهدارند و گاهیکه
تطییب تفریح و تقویت منظور میباشد عنبر اشهب دو دانگ زعفران یک نیم دانگ

دانگ اضافه کرده میشود و وقتیکه تسخین زیاده مطلوب می کرد و بعضی افاویه چون دارچینی
وجوزبوا و بسباسه و مصطکی درمیان آن بقدر مناسب افزوده شود جلاب دیگر قند
سفید بکمن در گلاب بجوشانند و کف بردارند و بقوام آرند و اگر گاؤزبان گل گاؤزبان
یا درنجبویه گل سرخ اضافه نمایند جهت امراض سوداوی بلغمی انفع خواهد شد دیگر جهت
تپها و تشنگی و التهاب معده و جگر و حصبه و جدری تپهاکه با سرفه بود نافع است و تقوی
و تنضیج و تلیین و مدر بول و عرق است و اورام احشا را دافع و نافع شکر سفید یکجز و عرق بید
مشک و گلاب هریکی دو جز و آب باران سه جز و بقوام آرند و اگر زیاده سردتر خواهند
عرق بید عرق نیلوفر هریک دو جز و اضافه نمایند ایضاً منقول از قانون و کامل
الصناعة ص شکر سفید یکجز و آب باران دو جز و گلاب سه جز و بقوام آرند فصل
دوم در جلنجبین ها جلنجبین مهتابی خفقان حار را نافع ورق گل چاندنی که در
مشهور است صد عدد و قند سفید صد درم بدستور ساخته قدری گلاب پاشیده در
ماهتاب دارند جلنجبین نسترن جهت خفقان حار و تقویت قلب بی نظیر است ص گل
گل شیوتی صد عدد و قند سفید صد درم بدستور ساخته قدری گلاب پاشیده نگهدارند
جلنجبین نیلوفری صداع و سعال را نافع ص ورق نیلوفر تازه یک رطل قند
سفید بدستور ساخته در آفتاب نهند و هر روز تحریک داده باشند جلنجبین گاؤزبان
دل و دماغ را قوت دهد و غشی و ضعف دل و ماده سوداویرا دفع کند ص گل گاؤزبان
تازه یکمن با دو من قند سفید بدستور سازند و اگر تازه نباشد خشک بگلاب تر کرده
بکار برند جلنجبین گاؤزبانی از قلانسی تپ ربع را نافع و بلغم بر آید ص ترید سفید
موصوف زنجبیل بسفایج هریکی پنج درم کوفته بیخته در گلقند عسلی یا شکر ده درم آمیخته
قوی مزاجانرا یک شربت است جلنجبین مسهل ص زنجبیل نیم درم اسپغول [illegible]

تربد سفید چهار دانگ گلنگبین ده درم جمله یک شربت است سکنجبین معمول که در اکثر اورام
معده و جگر همراه شیر شتر استعمال میشود حب عصاره ریوند چینی بقدر دو دانگ
تربد سفید بموصوف یکدرم انیسون مصطگی نیم درم غاریقون سفید ... یکنیم درم گلقند
بست درم اجزا را کوفته بیخته در گلقند خوب بهم ساخته نگهدارند و بقدر چهار توله همراه شیر شتر
بعمل آرند حرف الحاء مهمله مشتمل بر پنج باب باب اول در مرکباتی که بلفظ حافظ
صحت مقرر شده مثل حافظ الصحت و حافظ الروح و حافظ الجنین و غیر آن باب
دوم در حبوبات و این باب مشتمل بر سه فصل است فصل اول در حبوب ذی اسم و غیر ذی اسم
فصل دوم در حبوب که اختصاص دارد با مراض باشند حب نفث الدم و حب السل و حب عقر
و اسهال و زحیر و ازین قبیل فصل سیوم در حبوبات افیونیه جدواریه و غیر جدواریه
باب سیوم در بیان نسخهای حسوها باب چهارم در اقسام حبوبات باب
پنجم در حمولات باب اول در مرکبات حافظ الصحت و حافظ الروح و جنین و غیر
آن حافظ الصحة از جمله مفرحات بجهت خفقان و مالیخولیا مراقی و سوء مزاج
حار بسی نافع و همین از امراض حاره و حفظ صحت امزجه حاره نماید و مفید مجرب است
صحت مروارید ناسفته که جوهر باشد از هر یک یک مثقال صندل سفید تخم کشنیز گل نیلوفر
گل گاؤزبان مغز تخم کدو مغز شیرین مغز تخم خیارین تخم کاسنی مقشر غنچه گل سرخ از هر یک
دو مثقال ورق طلا ورق نقره عنبر اشهب مشک تبتی از هر یک نیم مثقال اب سیب شیرین
شربت زرشک ساده هر یک بیست و چهار مثقال نبات بدستور مرتب سازند دیگر
مقوی بدن حافظ صحت پیران با مزجه حاده لایق حب مومیائی ... خیر و سی
عنبر اشهب از هر واحد یک قیراط مصطگی رومی یک دانگ همه را در روغن پسته دو مثقال
در قدر سنا عرفه حل کنند پس بگیرند مشک خالص قیراطی فادزهر حیوانی سه قیراط ...

دارچینی قرنفل عود هندی جوز بوا خصیة الثعلب بسباسه عود صلیب بروج عقربی زنجبیل جدوار
خطائی از هر یک یکدانگ همه را کوفته و بیخته به روغن مذکور آمیخته نبات سفید اندازند و بقوام آورده
سه حصه نمایند هر روز یک حصه بخورند بالایش عسل مصفی پنج مثقال تخم فرنجمشک یک مثقال
گلاب ده مثقال **حافظ الروح** مروارید اصیل ورق طلا اصیل یک مثقال روغن پسته
تخم خرفه مقشر از هر یک پنج مثقال عنبر اشهب نیم مثقال مشک خالص جدوار خطائی از
هر یک یکدانگ نیم ترنجبین خراسانی نوزده مثقال رب سیب شیرین رب به شیرین رب
انار شیرین گلاب عرق بهار عرق بیدمشک هر یک نوزده مثقال عسل مصفی چهل مثقال
معجون سازند **حافظ الجنین** طفل را از اسقاط باز دارد و چون در بعضی زنان طفل بعد
از تولد چون شش ماهه رساند موجب هلاک میشود استعمال این معجون در ایام حمل موجب
رفع آن میگردد و مجرب است حب مروارید ناسفته کهربا ابریشم محرق صندل سفید صندل
سرخ طباشیر سفید درونج عقربی عفص پنج الجزء گل ارمنی از هر یک دو مثقال و نیم مغز
تخم بهدانه تخم خرفه مقشر از هر یک پنج مثقال عنبر اشهب دو دانگ و نیم شربت غوره یوسیر
پنج مثقال نبات سفید پنجاه مثقال ورق نقره بست عدد به دستور معجون سازند و در ابتدا
حمل چهل روز هر روز یک مثقال بخورند **حافظ صحت البدن و الروح** نسخه مخترع
مولف حقیر که جهت تا هین مخدومی المزاج تالیف داده و به انعاش قوی ارواح و حرارت
غریزی و تقویت کمال بخشیده مزاج را بجاده اعتدال آورده و در این باده عدیم و مثیل
ندارد نافع و مجرب است حب مروارید ناسفته آبدار طباشیر نیلوچین یاقوت سرخ شفاف
یشب سبز هر واحد یک درم زهر مهره جو اهر مهره اصیل عنبر اشهب مشک خالص زعفران
هر واحد نیم درم گلاب و عرق بیدمشک حل نموده صندل سفید و سرخ بگلاب سوده
هر واحد یک نیم درم غنچه گل سرخ زرنیکی گل گاوزبان کوبیده مغز تخم کدوی شیرین تخم کاهو مقشر

مغز تخم خیار بادرنگ تخم خرفه مقشر هر واحد دو درم آب سیب شیرین آب ناسپاتی آب
انار ولایتی بهی دانه آب به رسیده هر یک بیست و پنج درم گلاب و بید مشک پنجاه پنجاه درم
قند سفید دو چند شربت فواکه یک چند ورق نقره یک درم ورق طلا نیم درم بدستور
مرتب سازند از یک درم تا سه درم شربتی مقرر است **حب حافظ الاحشا** و نسخه صاحب
تحفه که از مولفات خود نوشته جهت سده ماساریقا و جگر و ضعف و برودت جگر و مرارا
معده و سوء القنیه نافع است صـ دارچینی اصیل الکبر هر یک پنج مثقال زعفران دو مثقال
فو چهار مثقال سنبل الطیب شش مثقال انیسون چهار مثقال دوقو چهار مثقال
رب السوس عصاره غافث هر یک سه مثقال مر صاف چهار مثقال تخم روغن بلسان نیم قیراط
مقام است با عسل سرشته قدر شربت یک مثقال **باب دوم در حبوبات** فصل
اول در حبوبات مسهله ذی اسم و غیر ذی اسم **حب ایارج** موافق تسهیل قطع ماده
اکثر اقسام صداع و تنقیه سر و دماغ کند صـ مقل ازرق کتیرا هر یک چهار سرخ تخم حنظل
نمک هندی هر یک یک دانگ و نیم غاریقون سفید نیم درم ایاره فیقرا تربد سفید موصوف
حب النیل هر یک درمی کوفته بیخته با عرق بادیان حبها سازند این یک شربت است
حب ایارج در صرع بکار آید صـ ایاره فیقرا یک درم افتیمون نیم درم شحم حنظل
قنطوریون دقیق مقل انزروت هر واحد دو دانگ ملح نفطی یک دانگ مجموع یک شربت
است **حب ایارج** برای فالج و لقوه و صرع و استرخا و مالیخولیا و درد معده و منضج
اخلاط بلغم و سودا و اخلاط غلیظه لزجه از دماغ و معده و مصطکی و بثور سوداویه صـ
مقل ازرق افتیمون پوست هلیله کابلی هلیله سیاه سنای مکی عود صلیب انیسون هر یک
یک درم زنجبیل یک درم و دو دانگ غاریقون سفید بسفایج فستقی غنچه گل سرخ اسطوخودوس
هر یک دو درم تربد موصوف دو درم و نیم ایارج فیقرا سه درم کوفته به روغن بادام

باب ۲

بادام شیرین چرب نموده حبها ساخته بورق نقره پیچیده دو مثقال با آب گرم وقت خواب
فرو برند حب افتیمون که اعضای سر و معده را از اخلاط سوداوی پاک کند صبر
محموده یک درم تربد سفید مجوف شش درم ایارج فیقرا شحم حنظل غاریقون حجر ارمنی
افتیمون مقل ازرق هر یک دو درم کوفته بیخته حبها سازند خوراک دو نیم درم حب
افتیمون به نسخه دیگر تنقیه سر و بدن از سودا کند و جمیع امراض سوداوی خصوصاً
مالیخولیا و مانیا و سرسام سوداوی را بغایت نافع است صبر پوست هلیله کابلی پوست
هلیله زرد آمله منقی پوست بلیله هر واحد دو درم ورق گل سرخ سنای مکی اسطوخودوس
لاجورد مغسول هر واحد دو درم و نیم غاریقون سفید از موئینه بیز گذرانیده شش
درم افتیمون افریطی ده درم کوفته بیخته بروغن بادام شیرین چرب کرده با آب رازیانج
حبها سازند قدر خوراک چهار درم تا هفت درم حب افتیمون جذام و مالیخولیا
را سود دارد و سودا برآید صبر ورق گل سرخ نمک هندی هر یک دانگی مصطکی نیم درم
بسفایج اسطوخودوس افتیمون پوست هلیله زرد هر یک یک درم کوفته بیخته با آب کتیرا
سرشته حبها بندند حب اصطمخیقون که اخلاط ثلاثه را از سر بدر کند صبر فیقرا حب
النیل صبر هر یک ده درم پوست هلیله زرد افتیمون بسفایج سقمونیا هر یک پنج درم شحم
حنظل سه درم و ثلث درم سنای مکی مقل هر یک دو درم با آب رازیانه حب سازند شربتی
از سه درم تا چهار درم با آب انیسون حب ابی الفضل جهت نقرس ملح هندی صعتر فارسی
هر یک دو درم هلیله زرد و بلیله آمله زنجبیل هر یک چهار درم مقل هفت درم صبر ده درم
شیطرج سیزده درم فانیذ پانزده درم تربد بیست درم سورنجان بیست درم مقل را با
عنب الثعلب یا آب کاسنی حل کنند و ادویه با بدان بسرشند و حبها بندند شربتی سه درم
حب قوقایا درد چشم و درد سر را سود دارد و تن را از فضول پاک کند صبر

ایاره فیقرا ده درم تربد اسطوخودوس هر یک پنج درم شحم حنظل سه درم و دو دانگ
سقمونیا دو درم و نیم و در نسخه دیگر کتیرا یک درم اضافه کرده اند با آبی که مقل در آن
حل کرده باشند حبها سازند این جمله ده شربت است دیگر فضلات بلغمی و صفراوی
از دماغ منقی گرداند و درد سر را نافع آید و روشنی چشم افزاید ص صبر سقوطری سقمونیا
مشوی شحم حنظل عصاره افسنتین مصطکی هر یک یک دانگ و نیم مقل دانگی کتیرا نیم دانگ
این جمله یک شربت است دیگر ایاره فیقرا ده درم تربد اسطوخودوس هر یک پنج درم
شحم حنظل سه درم و دو دانگ سقمونیا دو درم و نیم کتیرا یک درم کوفته بیخته با آب
مقل حبها سازند این جمله ده شربت است حب شبیار مخصوص باخراج سوداوی
محض ص ایارج فیقرا یک جزو و نصف پوست هلیله کابلی افتیمون ولایتی شحم حنظل هر یک
یک جزو اسطوخودوس ثلث جزو مصطکی عود خام بسفایج هر یک نصف جزو حجر ارمنی مغسول
ثلث جزو خربق سیاه ربع جزو با آب سیب شیرین حب سازند شربتی دو درم حب
شبیار در درد سر و تاریکی چشم سبر دو باصره را قوت دهد و درد معده دور کند
منقول از قرابادین شفائی ص صبر سقوطری سه درم گل سرخ هلیله زرد مصطکی هر یک
هر یک درمی سقمونیا مشوی نیم درم و در قرابادین جلالی کتیرا نیم درم داخل است
کوفته بیخته حب سازند شربتی یک مثقال تا سه مثقال حب لاجورد منقی سر و بدن
از سودا و نافع تمامی اقسام امراض سوداویه ص رب السوس کتیرا هر یک ربع جزو و
سقمونیا مشوی نیم جزو پوست هلیله زرد پوست هلیله کابلی هلیله سیاه افتیمون هر یک
یک جزو لاجورد مغسول [illegible] جزو کوفته بیخته با آب حبها سازند دیگر مسهل سودا
و صفرا غلیظ و اخلاط بلغم ص گل سرخ کتیرا هر یک نیم درم اسطوخودوس یک درم حجر
لاجورد مغسول مصطکی رومی پوست هلیله زرد پوست هلیله کابلی گل بنفشه بسفایج فستقی

فستقی غاریقون سفید تربد سفید مجوف خراشیده عود قماری خام سنا مکی چیده افتیمون
هر یک دو درم صبر سقوطری دوازده درم کوفته بیخته با سیب شیرین حب سازند قدر
خوراک دو درم حب ملا جورد نافع از برای قروح اورام سوداویه آتشک و
مفاصل سوداوی صح انیسون کثیرا هر یک دانگی وطسوجی (یعنی دو جو) غاریقون سفید لاجورد
مغسول پوست هلیله زرد سورنجان مصری هر یک نیم درم تربد موصوف یکدرم
ایارج فیقرا یکمثقال کوفته بیخته بروغن بادام شیرین چرب کرده بگلاب سرشته
حبها سازند هر حبی بقدر نخودی بورق نقره پیچیده با آب گرم فرو برند شربتی سه
درم حب تنقیه اسهال صفرا و بلغم کند صح گل بنفشه پوست هلیله زرد تربد سفید
هر یک سه درم رب السوس یکدرم و نیم سقمونیا مشوی نیم درم کثیرا سفید یکدرم
کوفته بیخته برابر نخود حب سازند حب صرع صح افتیمون اسطوخودوس بسفایج
فستقی نمک هندی غاریقون سفید هر یک نیم دانگ تربد سفید هلیله زرد شحم حنظل
کثیرا سفید سقمونیا مشوی هر یک یکدانگ ایارج فیقرا نیم مثقال کوفته بیخته با آب
سرشته حبها سازند حب مشتا سقمونیا مشوی نیم دانگ مقل دانگ گل سرخ
دو دانگ غاریقون پوست هلیله کابلی هر یک نیم درم تربد موصوف یکدرم با آب
حبها سازند و این یک شربت است حب لقوه مجرب و آزموده است صح سقمونیا
مشوی مقل ازرق از هر یک دانگی با شیر بهره زنجبیل هر یک دو دانگ سورنجان
مصری نیم درم ایارج فیقرا افتیمون هر یک چهار دانگ تربد موصوف یکدرم و نیم
کوفته و بیخته با آب سرشته حبها سازند برابر نخود مجموع یک شربت است حب
حیات اخلاط ثلثه را از بدن برآرد و طبع را نرم دارد صح سنا مکی پنج درم پوست
هلیله زرد هلیله سیاه هر یک دو درم زنجبیل یکدرم کوفته و بیخته با مویز منقی حبها سازند

و دو درم شربتی است حب استسقا ایارج فیقرا ترید سفید غاریقون از هر واحد یکدرم
بوزیدان اسطوخودوس عود الصلیب از هر یک نیم درم شحم حنظل مصطکی از هر یک دانگی سقمونیای مشوی
نیم دانگ با بادیان حبها سازند و این حب صرع را نیز نافع است حب اختناق شحم حنظل
سقل ازرق انیسون از هر یک دانگی و نیم افتیمون نیم درم ترید سفید مجوف محکوک یکدرم و چهار
دانگ حب ها سازند و این یک شربت است حب مبارک هر که از مسهل کراهیت و
نفرت دارد و یا بقیه بر آرد و جهت تدارک قصور عمل مسهلات که بسهولت مواد غلیظه
کثیره خارج نماید ابا روز دیگر از استعمال مسهل باید داد و جهت استعمال دوام و دفع قبض
مدام نافعترین اشیا است معمول و مجرب ص قرنفل مدور باشد بادیان انیسون هر یک
سه ماشه گل بنفشه شش ماشه پوست هلیله زرد کشمش تازه هر یک یک توله سنا مکی تازه
چیده ترنجبین چیده گلقند آفتابی هر یک دو توله اجزا کوفتنی کوفته و بیخته بکشمش و گلقند با
بکوبند که حب توان بست جهت قبض و استعمال همیشگی نه ماشه تا یک توله و جهت اسهال دو توله معمول
است حب مبارک مخترع حکیم معتمد الملوک در اسهال صفراوی نظیر ص سقمونیا مشوی
یکمثقال کتیرا دو مثقال پوست هلیله زرد هلیله کابلی هلیله سیاه سنا مکی زرشک منقی گل بنفشه
خالص هر یک چهار مثقال کوفته بیخته بروغن بادام شیرین چرب کرده بعسل خیارشنبر بیست
مثقال سرشته حبها سازند هر حبی بقدر نخودی بورق نقره پیچیده بگذارند شربتی از دو
درم تا دو مثقال است حب جهت حمی سوداویه ص لب حب القرطم یکدرم ترید سفید مجوف
خراشیده یکدرم غاریقون سفید نیم درم تخم کرفس نیم درم انیسون نیم درم ملح هندی
دو دانگ کوفته بیخته با عرق بادیان حبها سازند جمله یک شربت است تفریح الارواح حب
هلیله که حکیم محمد جعفر ولد مولانا حیدر شخصی که حمی ربع داشت باین حب علاج کرده باید که
اول یوم راحت بوقت طلوع آفتاب دو مثقال ازین حب تناول نموده قهوه دارچینی بنوشند

بنوشند و غذا این هر روز نخود آب باشد و روز دوم گلقند آفتابی هفت مثقال سکنجبین
هفت مثقال با عرق گاوزبان بنوشند و غذا در این روز آش ریاحی گوشت بره تناول
نمایند و صاحب این تپ را باید که در جمیع اوقات از حموضات و لبنیات پرهیز نمایند صح
پوست هلیله زرد پوست هلیله کابلی هلیله سیاه ورق سنا چیده از هر یک پنجمثقال ایارج
فیقرا سه مثقال عصاره افسنتین یکمثقال و نیم سقمونیا [illegible] شاهتره از هر یک یکمثقال
نمک هندی یک دانگ کوفته و بیخته بروغن بادام شیرین چرب ساخته حبها بندند و ده
مثقال با قهوه مذکور با گلاب بخورند و روز نوبت حب ذهب یک عدد آخر روز بعمل آرند
حب ذهب موافق این نسخه بسازند صح طلای زر سوخته هلیله کابلی فادزهر حجر و ارخطائی از هر یک
نیم مثقال جوزبوا مصطکی زعفران از هر یک چهار دانگ دارچینی قرنفل از هر یک نیم مثقال
صمغ عربی دو دانگ کتیرا یک دانگ اجزا را کوفته بیخته بگلاب سرشته حبها بقدر نخود سازند
حب هلیله نافع از برای اخراج سودا و صفرا از سر و تمام بدن و مکرر بتجربه در آمده صح
پوست هلیله زرد پوست هلیله کابلی هلیله سیاه پوست بلیله آمله ورق سنا از هر یک
دو دانگ سقمونیا یک دانگ کوفته و بیخته بروغن بادام شیرین چرب کرده بگوشت مغز
حبها سازند و به آب نیم گرم بخورند حب سورنجان کبیر ایارج فیقرا تربد از هر یک ده
درم شحم حنظل قنطوریون سورنجان ماهیزهرج بوزیدان هر کدام پنج درم فرفیون
دو درم زنجبیل شیطرج فلفل خردل جند بیدستر هر کدام یک درم حب سازند شربتی دو و نیم
درم تا سه درم و این حب را عظیم الرمنی گویند و گاهی زیاده میکنند سکبینج و اسطه زیاد
در عمل در این حب محموده حلتیت قنه جاوشیر مقل هر کدام دو درم این در نقرس بارد
عظیم النفع است حب برلوبا که وجع مفاصل را در یک روز بلکه یکساعت تسکین
سبب باصلاح آرد صح انیسون سقمونیا هر یک یک و نیم درم پوست هلیله بوزیدان

سورنجان هر واحد یکدرم تربد صبر سقوطری هر یک بست درم بآب گرم کنند تا حب سازند شربتی
سه درم بآب گرم حب سورنجان که وجع مفاصل بلغمی وصفراوی را بسیار مفید است
صص صبر پوست هلیله یکنیم درم شحم حنظل دو ثلث یکدرم سقمونیا یکدانگ ونیم زعفران
دانگی شربتی دو ونیم درم یا سه درم حب سورنجان من غنی منی مسهلی بحسب مقیم الزمن
صص ایارج فیقرا ده درم فرفیون دو درم تربد سفید ده مثقال زنجبیل خردل شیطرج
فلفل جندبیدستر از هر واحد یک یک درم کوفته بیخته بآب بادیان سرشته حبها بسته
مقدار دو ونیم بآب بعمل آرند واین حب عجیب الفعل است حب سورنجان نافع بوجع
مفاصل بلغمی صص سورنجان مصری ایارج فیقرا پوست هلیله زرد هر یک شش درم
مقل پنج درم تربد سفید بوزیدان ماهیزهرج هر یک سه درم مقل را بآب کنند تا
حل گردد ادویه دیگر با آن خمیر کرده حبها سازند شربتی دو ونیم درم تا سه درم است
حب سورنجان نافع نقرس صص تخم کرفس نمک هندی هر یک دانگی سقمونیا
سورنجان هر یک دانگی ونیم هلیله زرد تربد هر یک نیم درم صبر یکدرم شربت
یکدرم است حب عجیب جهت تسکین درد مفاصل مجرب صص استخوان آدمی سوخته
باریک سائیده بلکا با جبها کنند قدری بدهند و صاحب تحفه گفته که آشامیدن
استخوان انسان سه روز هر روز یک مثقال با مثل آن شکر جهت عرق النسا و مفاصل
وصرع بغایت آزموده است صص کتیرا اطسوخ کلسرخ مصطکی سعن هر یک دانگی
شحم حنظل حب النیل نمک هندی زنجبیل محموده هر یک دانگی ونیم مقل دو دانگ سورنجان
نیم درم ایارج فیقرا یکدرم تربد سفید یکمثقال بآب خالص حب سازند حب نقرس وجع را
بعد فصد و صفراوی را بعد قی بدهند صص زعفران یکدانگ سقمونیا مشوی یکنیم دانگ
شحم حنظل چهار دانگ سورنجان تربد سفید هلیله هر یک یکدرم ونیم شربت سه درم

شربتی سه درم حب جهت نقرس صح هلیله زرد یکدرم صبر چهار دانگ ماهی زهره
بوزیدان هر یک دو دانگ سقمونیا یکدانگ یک شربت است حب جالینوس که من این را
آزموده ام سردی معده و اخلاط فاسد معده دفع میکند و شکم میراند و در هر وقت میتوان
داد صح گل سرخ سه درم مصطکی چهار درم صبر هفت درم تربد سفید دو درم کوفته بیخته
بآب [illegible] سرشند و حب برابر نخود سازند و پانزده حب بآب گرم بدهند وقت خواب حب
بر الساعت مسهل اخلاط غلیظ از مفاصل و اعماق بدن و باوجاع مفاصل و
نقرس و عرق النسا و وجع ورک نافع و بسیار مفید صح صبر سقوطری سورنجان مصری پوست هلیله
زرد سنامکی مصطکی بالسویه کوفته بیخته بروغن بادام شیرین حب سازند شربتی دو درم وقت
خواب بآب نیمگرم حب مسهل که اسهال بلغم و صفرا کند سقمونیا مشوی نیم درم کتیرا
درم رب السوس پوست هلیله زرد نیم درم ریوند خطائی یکدرم تربد سفید مجوف خراشیده
یکمثقال گل نیلوفر گل بنفشه هر یک دو درم گل سرخ دو درم سنامکی دو مثقال کوفته
و بیخته بگلاب سرشته حبها بمقدار نخود بندند و از پنج ماشه تا هفت ماشه بآب گرم بخورانند
حب مسهل صفرا و فضول در حمیات صفراوی نیز استعمال کنند و بکسانیکه از طبع مستقر
باشد این حب مناسب است و تنقیه دماغ هم کند صح سقمونیا مشوی نیم دانگ و دو حبه
کتیرا دانگ رب السوس ا پوست هلیله زرد و بنفشه گل سرخ هر یک دو درم سنامکی دو مثقال
و اگر ربو و ضیق النفس باشد غاریقون نیم درم اضافه کنند کوفته بیخته بآب [illegible] سرشند
و حب سازند و در شربت بنفشه بگردانند و فرو برند و از عقب آن نبات بآب گرم خورند
حبی که جهت درد و از مجرب است با ماء العسل و امثال آن بخورانند صح پوست بیخ کبر ریوند
خطائی هر یک دو درم مرجان سوخته صبر زرد تخم کرفس غاریقون نمک هندی هر یک
درمی با عرق بید حبها سازند قدر شربت یک مثقال حب اشتها جهت صلابت طحال

ص پوست هلیله زرد زنجبیل شیطرج اشخار سفید تنکار بریان زیره سفید نمک سنگ
هر یک برابر کوفته و بیخته بقند کهنه سه مثقال و چند سرشته حبها خورد ساخته تا چهار ماشه
بدهند **فصل دوم** در حبوب که اختصاص دارد بامراض مرض حب سعل که بسبب نزلات
حاره باشد و نفث الدم همراه داشته باشد ص کافور قیصوری نیم دانگ طباشیر
بیخ انجبار دم الاخوین کهربا شمعی شادنج عدسی مقشور گل ارمنی نشاسته غبار رکی
کتیرا رب السوس اقاقیا مغز بادام مقشر تخم خرفه مقشر تخم کاهو مقشر مغز تخم کدو شیرین
غوبی السماک اقاقیا عصاره لحیة التیس هر یک یکدانگ افیون یک سرخ زعفران سوخته
بلعاب اسپغول حبها سازند و هر روز با شیر خر بدهند حب برای سعال رطوبی یا بلغمی و
ضیق النفس از مجربات اهل هند ص بگیرند دار فلفل و در پارچه پیچیده در زیر خاکستر
گرم مقدار یکساعت بگذارند بعد ازان فلفلها را در دست مالیده دانه ها را تنها
جدا نمایند بقدر یک تولہ و این دانه ها گرفته سهاگه بریان کرده یک تولہ نبات قند دو
نیم تولہ همه را کوفته در کهرل انداخته بشیر گهیکوار سه چهار روز متواتر سحق بلیغ نمایند
تا شیر گهیکوار بسیار در خورد چندانکه در سحق و شیره دادن مبالغه نمایند بهتر است مقدار
نخود حب بسته نگهدارند یک حب تا دو حب بخورند مجرب است حب السعال فلفل دار فلفل
انار دانه چوکهار قند سیاه کوفته بیخته با قند سرشته حبها سازند حب سعل که با حرارت
باشد کافور قیصوری نیم دانگ سرطان سوخته صمغ عربی رب السوس کتیرا گل ارمنی
هر یک یکدانگ مغز تخم کدوی شیرین تخم خیارین هر یک دو دانگ کوفته بیخته بلعاب
بهیدانه حبها سازند و با شیر خر بخورانند و این یک مجرب است حب که جهت سرفه و
سعل مجرب است ص نشاسته صمغ عربی کتیرا تخم خشخاش سفید مغز بادام مقشر
افیون مصری هر یک یکماشه بلعاب بهیدانه حبها بندند چنی که مسمی است بنغری

بغری السمک جهت سل و سرفه و نزلات حار سفید و تفرق اتصال و نفث الدم و بدره را
نفع کند مجرب بی بدیل است صفت تخم خشخاش سفید صمغ عربی شکر تیغال کتیرا مغز بادام شیرین
غبار مغز السمک تخم خطمی گل گاوزبان رب السوس درماشه مغز تخم کدو تخم کاهو
مقشر ماشه افیون مصری خالص یکماشه زعفران نیم ماشه کوفته و بیخته بلعاب
بهدانه و اسپغول حبها سازند برابر عدس یک حب تا دو حب وقت شب بدهند حب
سعال جهت سرفه خشک و سرفه مدقوق و مسلول نافع است صفت صمغ عربی کتیرا سفید مغز
بهدانه رب السوس تخم خطمی تخم خشخاش سفید تخم خرفه مقشر قند سفید هر یک سه درم مغز
بادام شیرین مغز باقلا تخم خیار مغز تخم کدو هر یک نیم درم با آب اسپغول حبها سازند
دیگر نشاسته صمغ عربی کتیرا مغز بادام شیرین مغز تخم کدو مغز تخم خیار برابر کوفته بیخته
مساوی همه بلعاب بهدانه حبها سازند حب نزله ثابت حکیم بادی صفت بزرالبنج
سفید مصطگی گل ارمنی مغسول کهربا کتیرا صمغ عربی رب السوس نشاسته گل گاوزبان
تخم خشخاش سفید مغز تخم خیارین افیون کافوری از هر یک دو مثقال بیخ لفاح زعفران
هر یک یکمثقال ریوند خطائی یکمثقال و نیم کوفته و بیخته با آب کوکنار سرشته حبها بقدر
نخود سازند شربتی از یک حب تا دو حب حب البواسیر معمول حقیر مجرب بکرات کثیر
در ازاله قبض دایمی که سودی طبیعت باشند نافع و انواع ریاح بواسیر و معده را
دافع و با وجود آن ریح بواسیر را مثبه بالغ النفع است پوست هلیله کابلی پوست هلیله زرد
پوست بلیله آمله هر واحد دو مثقال بادیان خصفص هندی انیسون هر یک یک مثقال
مقل ازرق تخم کشنیز چهار مثقال عسل خیارشنبر هفت مثقال هلیلها را کوفته بیخته
بروغن چرب کرده با دیگر ادویه بار دیگر بکوبند مقل را بآب کنند تا بشوریند و قلیه
خیارشنبر دران حل نمایند و ادویه مسحوقه دران آمیخته قدری روغن بادام در حل

دست را، و غن یا دام جرب نموده حبها بندند و از سه باشه تا یکتوله بر سبیل دوام با اطریفل
متساویة بعمل آرند و چندین جا در همین نسخه باضافه مویز و انجیر پنجمثقال که داده شد عجیب
و غریب فایده نموده و کسی که از راحه فلوس متنفر باشد موقوف داشتن آن موجب
نقصان فایده نگشته حب مقل معتمد سید جرجانی در امر بواسیر بی نظیر است صفت
صبر هشت درهم تخم اسپند جاوشیر انشق غاریقون عصاره غافت حب النیل از هر واحد
پنج درهم سکبینج مقل از هر واحد دو درم کوفته بیخته با آب کنند تا حب بندند از یکدرم
تا یکمثقال بخورند حب بواسیر مجرب که بواسیر دامیه و رحیه را نافع است صفت
زیره سفید هلیله سیاه کهنه صندل سفید صندل سرخ گل ارمنی مرداسنگ شب یمانی
آمله مقشر پوست هلیله کلان همه را کوفته و بیخته هشت پهر در آب برگ نیم کهرل کنند
پس حبها بسته در سایه خشک نمایند و دو ماشه بخورانند حب بواسیر و اعتقال
طبع که ایذا ده بود مجرب است صفت مقل چهار جزو آمله مقشر پوست هلیله زرد و هلیله
سیاه پوست هلیله کابلی پوست بلیله تخم کنند تا هر یکی پنج جزو مقل را نیم کوب کرده
و در آب گندنا تا نشست بخیسانند و روز دیگر در هاون بکوبند که مثل مرهم شود ادویه
در آن سرشته بقدر نخود حبها سازند هر روز در خلاء معده نه عدد و پانزده عدد
فرو برند و از چیزهای سوداوی پرهیز کنند حب اسهال شکم به بندد و خون آمدن
باز دارد صفت پوست انار یکدرم مازو یکدرم سماق دو درم دانه مویز سه درم حب الآس
ده درم کوفته بیخته با آب حبها بندند و در سایه خشک کنند شربتی دو درم با آب بهیر
از آن بیضه نیمبرشت در سرکه غلطانیده بخورند حب سندروس نافع بواسیر و قامع
مواد آن و بجهت انتعاش شهوت طعام و هضم آن مفید صفت سندروس پوست
بیضه پاک نموده از غشاء رقیق زیر آن شیطرج هندی بزر الکراث یک یک درم نوشادر
تخم گندنا

نوشادر نصف درم خبث الحدید مدبر چهار درم مثقل سقمونیا یکدرم در آب محلول آن حبها
بسته شود و هفت عدد بخورند حبی که جهت اسهال مجرب است ص تخم آس
درم بلیله اسبی هر یک پنج درم نشاسته مقلو اکثیرا تخم خرفه برشته خشخاش سفید برشته
هر یکی سه درم کوبیده و بیخته لعاب بذر قطونا حب بسته هفت حب بخورانند حبی که در
حبس خون بواسیری نظیر است ص کهربا بسد و ربع محرق هر یک دو درم و نیم تخم
کندر تا سه درم بلیله سیاه و بلیله آمله هر یک پنج درم مقل ده درم کوفته بیخته مقل
با آب کنند با برگ آب ورق مورد حبها سازند حب جهت اسهال اقسام اطفال مجرب است
ص کلی غوره دانار یک عدد جوز بوا افیون هر یکی یک ماشه چاکسو سوخته نرکچور
زیره سفید مقشر هلدی خرما شیرینی مغز آن گرفته کونپل شاخ نیم کونپل لکاین کونپل ها
ببول کوفته بیخته حبها سازند بمقدار دانه مونه و یک حب تا دو حب بدهند حب
شفا از برای تسکین حرارت تپهای گرم و قی صفراوی مجرب است ص زهر مهره خطائی
دو جزو مروارید یک جزو مهره و خربزه صلایه کرده با آب حبها بندند دو ماشه با آب
یا گلاب حل کرده بدهند حب لعوب که اندر تبهای گرم و سرفه گرم در دهان گیرند
تشنگی بنشاند خاصه اگر رب غوره یا آب انار و یا مانند آن بسرشند ص مغز تخم خیار
مغز تخم کدو تخم خرفه مقشر هر یک یک جزو تخم کاهو مقشر نیم جزو رب السوس پنج
جزو بکوبند و بلعاب اسبغول بسرشند و با آب برگ خرفه حبها بندند و در سایه خشک
کنند و باز بکوبند و با آب میوه با سرشته حب سازند حب مسهل که جهت شطر الغب
مجرب است ص صبر سقوطری مصطکی پوست هلیله زرد ریوند چینی عصاره افسنتین
گل سرخ هر یک یک جزو زعفران نیم جزو با آب کاسنی تازه حبها سازند شربتی از یک
درم تا دو درم با سکنجبین ساده و ماء الجبن چهار العدد تا به تعجیل گیرند و اگر این عصاره ها

نباشد غافث و فستقین و افعلنا بیند و هر شب در آخر چهار مثقال سویق و دو درم بدهند دیگر
بجهت شعر الثعلب مقل یک دانگ سقمونیا یکدانگ و نیم کتیرا دو دانگ شحم حنظل نیم درم
ایارج فیقرا یک درم حب سازند حبی که جهت تپ دق نافع است و خشونت سینه
و سرفه را دافع ص بزر البنج نیم ماشه افیون یکماشه گل ارمنی گل نیلوفر کتیرا مغز تخم
کدو مغز تخم هندوانه هر یک دو ماشه طباشیر رب السوس تخم خرفه کافور هر دانه هر یک سه ماشه
صمغ عربی چهار ماشه تخم خشخاش سفید تخم خیارین هر یک شش ماشه کوفته بیخته بلعاب
تخم بنگو بمقدار نخود حبها بسته و هر صباح هفت حب با شیره تخم خرفه ده درم
شیره تخم خیارین ده درم آب انار شیرین ده درم بدهند حب کافور جهت حمی قی
که با سهال باشد و دیگر حمیات حاره که شدید الحرارت باشد نافع است ص
کافور قیصوری نیم مثقال گل ارمنی زهر مهره خطایی هر یک یک مثقال طباشیر
سفید مروارید ناسفته تخم کشنیز مقشر خشک صندل سفید هر یک دو توله مغز هندوانه مغز تخم
کدو شیرین هر یک چهار مثقال اول صمغ عربی دو دانگ را در عرق صندل حل کرده باقی دوا
کوفته بیخته سرشته حبها بقدر نخود سازند هر روز یکمثقال بخورند دیگر درین باب ص
کافور قیصوری نیم مثقال طباشیر سفید نشاسته صندل سفید تخم کدو شیرین کتیرا
هر یک یک مثقال کوفته بیخته بلعاب اسبغول حبها سازند شربتی یک مثقال دیگر که در
دهان داشتن نفع تمام میرساند بخناق و اعانت میدهد بر انضاج و انفجار ص سرطان نهری
حضض مکی طباشیر سفید صمغ عربی کتیرا تخم مرو مغز حب سفرجل کوفته بیخته با ب حبها
به بندند و در دهن بگذارند حبی که جهت قرحه حلق معمول از مجربات است ص تخم گل
یکدرم موم کافوری یکدرم و نیم انزروت دو درم روغن گل سه درم و نیم موم روغن ساخته
حبها خرد کرده یا یک را نزد تخم مرغ آلوده فرو برند و اگر بطور لعوق لعق کنند نافع باشد

باشد و در غذا هم زرده تخم مرغ نیم برشت تناول کنند حب مجرب جهت زخم زبان و دهان
گذارند ص آرد کرسنه آرد عدس جو سوخته گلنار برگ گاوزبان گیلانی برگ حنا شاهتره
طباشیر سفید نشاسته گل سفید هر یک یکماشه بسد سوخته هر یک دو ماشه زهر مهره
خطائی سوده صمغ عربی کتیرا تخم خرفه مقشر دم الاخوین هر یک دو ماشه انزروت مربی
یکماشه چوب چینی دو ماشه کوفته بیخته حبها ساخته در دهن بگذارند حب ممسک که برای
اسهال مفرط اطفال و تشنگی ایشان ص زیره سفید بریان تخم رازیانه نشاسته
جو بریان دو ماشه نانخواه یکماشه افیون مصری شش سرخ همه را کوفته بیخته انار خام
کاواک کرده در آن پر کنند و انار را در میان خمیر پیچیده در خاکستر گرم گذارند تا خمیر
پخته شود و بعد سرد شدن خمیر را دور کرده دواها را مع انار سائیده حبها بقدر فرآ
یا چره یا فلفل به بندند و موافق سن و سال اطفال بدهند دیگر شکم به بندد و اسهال
خون باز دارد سماق دو درم مازو ربنیر یکدرم پوست انار نیم درم حب الاس ده درم
سونیز بریان سه درم کوفته بیخته صمغ عربی را به آب حل ساخته دواها باهم سرشته حبها
سازند حب که جهت اسهال کبدی و غیر کبدی مجرب بوعلی است ص مازو گلنار
دو مثقال صمغ عربی کوفته بیخته برابر فلفل حبها سازند خورد سالان را یک حب و سال خورده
را سه چهار و افیونی را تا ده توان داد حب حلتیت که حکیم مصری برای علامی فهامی
ابوالفضل ترتیب داده معده را قوت دهد و تحلیل ریاح و تصفیح قولنج نماید و باه بر افزاید
ص دارچینی دو ماشه قرنفل هشت ماشه کباب چینی قاقله کبار رازیانه تخم کرفس فلفلمویه
هر یک سه ماشه مصطگی کندر زرنگ قاقله صغار سنبل الطیب هر یک یک توله سورنجان
مصری لسان العصافیر هلیله کابلی هر یک دو توله زنجبیل پی لیته دار فلفل بهمن سفید
فلفل گرد هلیله سیاه شقاقل مصری سیاه دانه مقل ازرق هر یک سه توله انگوزه

قسم اول خصیة الثعلب تانخواه هر یک چهار توله مویز منقی سه درم مغز بادام نیمپاو چلغوزه
پاو سیر هر تد و بلیله را در روغن زیتون اینقدر بجوشانند که سرخ نشود لیس ادویه را جدا جدا
کوفته بیخته یکجا کنند و مویز و مغز بادام و چلغوزه را علیحده بر سنگ صلایه کرده باهم کرده
در هاون سنگین دو سه روز بکوبند و برابر فلفل حبها بسته از پنج حب تا ده حب بکار برند
حب حابس صفرا مشتهی رافع قبض نافع معده ص زنجبیل فلفل آمله از هر واحد یک جزو
دار فلفل دو جزو و بلیله زرد تربد سفید مقشر مجوف هر دو سه جزو کوفته بیخته با آب لیمو سحق
نمایند بقدر کنار جنگلی حب بسته نگاه دارند و حب حاجت قبل طعام یا بر طعام بخورده باشند
حب جهت هضم و تقویت معده و طرد ریاح غلیظه و دفع قی شدیده معمول است ص
نمک سانبهر نمک سیاه نمک شور نمک سپید هر یک سه مثقال نعنا زرانباد هر یک پنج مثقال
هلیله زرد و بلیله آمله مقشر فلفل کرد زنجبیل مرچ ترکی هر دو زیره نمک سنگ هر یک نه
مثقال تخم کشنیز نیمپا و بادیان تانخواه هر یک پاو سیر کوفته بیخته با آب لیمو خمیر کرده
در آفتاب خشک کنند باز با آب آمله لیشو بیند سبز اگر بهم رسد خمیر کرده خشک نموده باز
با آب لیمون خمیر کرده حبها برابر جو بسته بخورانند و اگر آمله سبز بهم نرسد آمله خشک در
آب تر کرده بهمان آب خمیر کنند حب برای هضم طعام و درد شکم و تحلیل ریاح ص پوست
بلیله یکدام بادیان یکدام شیطرج هندی هفت ماشه پودینه خشک هفت ماشه کشنیز خشک
هفت ماشه الاچی گجراتی هفت ماشه سونتهه سه ماشه پیپل سه ماشه فلفل سه ماشه سهاکه
تیلیه سه ماشه چوک ترش یک توله نمک لاهوری هفت ماشه نمک سیاه یک توله همه را
کوفته بیخته در رس لیمو اینقدر کنار حبها بندند حب مصطکی سرفه نزله و زکام را
نفع دهد و سیلان منی را منع نماید مصطکی و زعفران هر واحد یک جزو افیون مصری
چهار جزو کوفته بیخته حبها سازند هر حبی بقدر فلفلی شربت یک حب تا دو حب حسب ذهب

ذهبیه جهت نزله و سرفه و تنقیه دماغ مجرب صح یاقوت رمانی مرجان مروارید ناسفته
عنبر ورق طلا سقمونیا برشوی کتیرا زعفران مصطکی گل سرخ پوست هلیله کابلی صبر سقوطری بست
درم ادویه را کوفته و بیخته با گلاب و عرق بید و آب کرفس مرا نیا شده حب سازند شربتی یک مثقال
حب نزله جهت همین فواید که مذکور شد صح بزرالبنج تخم کاهو بنفشه نشاسته تخم خشخاش
صمغ عربی افیون کافوری بیخ لفاح زعفران بقدر دو دانگ کوفته بیخته با آب کوکنار
سرشته حبها بقدر فلفل بندند شربتی ۲ حب حب اقاروسی کثیرالنفع از عمان قاروم
منقول از جهت سرفه و نزله معمول و فواید کثیره دارد و در تقویت معده و اعضای سینه تقویت با
و امساک مشمول صح مشک خالص یکدانه عنبر اشهب سه دانه کهربا بسد هر یک شش دانه
مغز بادام مقشر نشاسته سفید بکو و تخم رقی مروارید ناسفته یاقوت رمانی هر یک یک [illegible]
رب السوس صمغ عربی نبات سفید بیخ بنفشه افیون مصری هر یک دو توله جواهر را بر سنگ سماق
صلایه بگلاب کرده و دواهای دیگر کوفته بیخته یکجا کرده باز در گلاب خمیر کرده حبها مقدار
نخود ببندند حب جهت سرفه و نزله و نفث الدم صح مصطکی گل ارمنی کهربا کتیرا
صمغ عربی رب السوس نشاسته گل کاوزبان تخم خشخاش سفید مغز تخم خیارین بزرالبنج افیون
کافوری هر یک دو مثقال بیخ لفاح زعفران هر یک یک مثقال و پوست خشخاش یک مثقال
کوفته بیخته با آب کوکنار سرشته حبها بقدر فلفل سازند و از یک عدد تا دو عدد بخورند
حب نفث الدم صح گل ارمنی چهار دانگ کهربا دو دانگ دم الاخوین صمغ عربی
اقاقیا هر یک سه درم طباشیر سفید نشاسته عصاره لحیه التیس هر یک دو مثقال کتیرا
سفید گلنار فارسی هر یک چهار دانگ کوفته بیخته با آب بارتنگ سرشته حبها سازند
حب هاضم و مشهی ذوالقیه صح زنجبیل دو درم فلفل سیاه [illegible] قرنفل چهار
نمک سنجد درم چوک ترش دو نیم درم ادویه را کوفته بیخته چوک را در آب لیمو کاغذی حل نموده

چنها بسازند بسیار بخورد یک حب بعد طعام بخورند حب هاضم بسیار معمول خوش
ذائقه ص الایچی خورد دارچینی هر یک پاو دام نمک لون سونچر لون سپید لون
جواکهار لون دهنه پیپلا مول پیپل زیره سیاه زیره سفید سونته شیطرج ناگیسر تالیس
هر یک نیم دام چوک ترش ده دام انار دانه هشت دام کوفته بیخته بآب لیمو خمیر کرده مقدار
کنار حب بندند یکی یا دو حب بخورند حب کهاری بسیار هاضم و تحفه روزگار است ص پیپل
کهاری چوبتری کهار دارچینی کباب چینی جواکهار هر یک دو ماشه دانه الایچی خورد ده ماشه
ماشه همه را شش پهر در آب لیمو کهرل کرده بقدر مرچ سرخ حب بندند و یکی بدهند چینی که
هاضم است ص لونگ دارچینی هر دو الایچی مرچ پیپل دهنه با برنگ اجواین ترپهله
چوک انار دانه نمک سونچر نمک سپیده نمک سانبهر نمک جواکهار مرچ کتول اجمود سونف
سرخ جمله برابر کوفته بیخته بآب لیمون چنها سازند حب ملذذ که باه آرد و هم فاعل را
لذت دهد و هم مفعول را بشرطیکه حدت دوا بمزاج عضو موذی نباید ص عاقرقرحا
سونتهج دارچینی و بعضی کهابه نیز آمیزند جمله برابر کوفته بعسل زنجبیل سرشته و قدر نخود
چنها بندند وقت کار یک حب در دهان گیرند و آب دهان بر ذکر و قبل بمالند الخیر
و من المجرب العجیب المشاهدة الغریب فی الامساک ص جوز بوا بسباسه افیون مصری
مازو اسپند مصطگی زعفران ناگیسر موچرس تخم کوکل سپاری چکنی چهالیه دانه الایچی خورد
طباشیر اجواین خراسانی از هر واحد یکماشه باریک سوده بلعاب اسبغول و بعد از ان حب
بقدر کنار بسته نگاه دارند و بوقت حاجت یک حب بآب تازه بخورند و بعد چهار گهری شیر
تازه گاو یا شیر بز بنوشند و تریاق این حب در تخم تنگ لاهوری است و انند حب
سیماب تا در دهن دارد انزال نشود ص در راج سیر اسه روز گرسنه دارد و بعده
سه نیم درم زیبق در حلق او بندازند تا فرو برد سه روز دیگر گرسنه دارد روز چهارم

برنج در شیر کرده بخوردن دهند هرگاه پیخال خواهد کرد کنگه بیرون خواهد انداخت و دواج
خواهد مرد حب سیماب که حکیم معتمد الملوک اعتماد کلی براین داشت ص افیون بکا فور شنکرف
جوز بوا عاقر قرحا نبات سفید از هر یک یک توله زعفران جند بیدستر هر یک شش ماشه
بیر بهوٹی ده عدد همه را خوب سحق کرده حبها بقدر کنار دشتی ساخته نگهدارند وقت
حاجت یک حب بخورند لیکن بشرطیکه معده خالی باشد و اگر خواهند که انزال شود آب سرد بنوشند
حب سیماب که در امساک باه و برانگیختن شهوت عجیب و غریب است و اگر یک هفته ازین حب
ناشتا بخورند و بالای آن شوربای گوشت گوسفند ممزوج کرده بشیر گاو گرم تناول
کنند هشت روز مجامعت نکنند از قوت باه چیزی مشاهده نمایند که ندیده باشند
از طب فرشته که بدست مؤلف الاطبا معصوم است منقول شده ص سیماب خالص کبریت
کان سرخ قرنفل هر یک پنج ٹانک اول سیماب و گندک را خوب سحق نمایند و در باقی
ادویه که کوفته بیخته باشند داخل کرده با زرده تخم مرغ صلایه بلیغ کنند و مقدار
فلفل حبها سازند و یک یک بخورد حب سیماب که لصاحب باد فرنگ نافع است ص
سیماب سه ماشه نانخواه هشت ماشه اول نانخواه را با قند سیاه بسایند که نرم شود بعد
ازان سیماب انداخته بسایند تا حل شود و اندک آرد گندم انداخته حب سازند هفتده
گولی نمایند هر صباح یک حب با آب سرد بخورند و غذا کهچری نان بی نمک و تیل به بدن
سه سال که بسیار مفید است اگر دهن بجوشد شوربای گوشت نمک دار بدهند و بیخ
جھربیری جوشانده در آب مضمضه کنند و اگر شدت بسیار باشد فصد چهار بند نمایند
و بر زخمها مرهم سیماب از باب مراهم گرفته استعمال نمایند حبی که جهت تقویت باه و
امساک مجرب است بگیرند کنجشک نر و شکمش را چاک کرده پاک کنند و تا توره هندی
کنند و بدوزند و بر روغن کنجد یا روغن گاو بپزند تا خوب پخته شود سه بار بهمین طور بکنند

بعد از آن بگیرند از آن یاقوته یک جزو و مغز پسته کنجشک دو جزو و ثعلب مصری و زعفران هر یک
نیم جزو همه را اصلایه کرده با شکر مقوم لت بشته کنند و حب سازند بقدر نخود و یا کوچک حب
فادزهر حکیم یا فادزهر حکیم عماد الدین محمود که در رساله خود میگوید که چون حکمای سابق در خواص فادزهر
فادزهر اشاره کامل نفرموده اند و هر کس از خود اجتهادی کرده بسیار شده است که از خوردن فادزهر
فادزهر بطرق مختلف آزارهای گوناگون کشیده اند بنابرین ترکیب خاطر خواه فقیر شد
و بارها کرا داده ام نفع تمام او را حاصل شده است ص فادزهر آزموده شش قیراط
مروارید ناسفته یاقوت رمانی لعل جگری لشب از هر یک نه قیراط وزن جواهر زیاده است
اگر هر یک سه قیراط نمایند بهتر است هر یک را جدا جدا بر روی سنگ سماق سایند
بطریقی که اشاره بدان شد مومیائی کانی عنبر اشهب زعفران ورق طلا از هر یک
دو قیراط مشک خالص یک قیراط مجموعه را با شیره نبات بدستور معاجین آمیخته حب
بندند و سه بخش کنند سه روز پی در پی هر روز یک بخش را فرو برند و شربت نبات
کم و گلاب بشیر گرم از عقب آن بنوشند و چند قدم حرکت کنند و شربتی دیگر از نبات و
گلاب بیاشامند و با سایش باشند و تا اشتهای صادق ظاهر شود بعد از آن طعام
لطیف خوشبوی تناول کنند حب فادزهر موافق نسخه حکیم هادی ص فادزهر
حیوانی مجرب یک دانگ مشک ختائی عنبر اشهب مومیائی دارائی از هر یک پنج دانگ
مروارید ناسفته کهربا لسد محرق از هر یک نیم مثقال یاقوت رمانی دو دانگ طباشیر
سفید یک مثقال زعفران صمغ عربی از هر یک دو دانگ مومیائی و عنبر بروغن بلسان
گداخته جواهر را اصلایه کرده با آن بسرشته حبها سازند هر حب بقدر نخودی هفت
حصه سوده بگلاب عرق گاوزبان از هر یک ده مثقال فرو برند طریق دیگر
که در سال دویم و سیوم استعمال کنند ص فادزهر از سوده یکدرم فیروزه نیشاپوری

فیروزه نیشاپوری یاقوت رمانی لعل بدخشانی مروارید ناسفته از هر یک نیم درم مشک چینی ورق
طلا ورق نقره زعفران جدوار از سوده سومیا کانی از هر یک دو دانگ اجزا را جدا جدا چنانچه رسم
است بر روی سنگ سماق بسایند و با شیره نبات بقوام آورده ممزوج نمایند و حبها ساخته یک حب
بمقدار نخودی و مجموعه را سه بخش کنند و در سه روز هر روز یک بخش را بخورند با شربت نبات و
گلاب و در بعضی نسخه ها این را سه شربت مقرر کرده اند و سه روز خوردن آن تعیین ساخته هم
به همین طریق مذکور بکنند تا مقصود حاصل شود و در حاشیه نوشته بود که نه روز غلط است
بلکه سه روز حب **فاذزهر** معدنی در تقویت قلب و رفع سموم و ازاله ضرر هوای سمی و اصلاح
اخلاط فاسده بی نظیر است صـ فاذزهر معدنی خطائی یاقوت رمانی مروارید کهربا شمعی
گل ارمنی مغسول در روغن عقربی حب بلسان شقاقل مصری بهمنین حب الغار طباشیر سفید دارچینی از
هر یک یک مثقال زعفران نیم مثقال عنبر اشهب مشک خالص ورق طلا ورق نقره از هر یک یک دانگ
و نیم جواهر را بگلاب سوده و ورق طلا را با آب صمغ عربی محلول حل نموده مشک و زعفران را بگلاب سوده
و عنبر را بروغن بلسان نیم مثقال حل کرده باقی دواها را کوفته بیخته با هم سرشته حبها سازند
هر حبی بقدر قیراطی هر روز یک حبه از این حبها بگلاب دو مثقال تناول نمایند حب المسک
به نسخه دیگر نزدیک باعتدال مخترع و مجرب یوسف طبیب رحمة الله علیه صـ مشک اذفر نیم مثقال
مصطکی رومی پنج مثقال نبات مصری هفت مثقال همه را جدا جدا کوفته بیخته بهم آمیزند و در
گلاب که کتیرا یا صمغ عربی بقدر نیم مثقال شب گذاشته صباح صاف کرده باشند بسرشند و حبها
کرده در سایه خشک کنند حب المسک بنسخه دیگر صـ مشک دو دانگ پوست ترنج برگ
فرنجمشک قرنفل جوزبوا نارمشک هیل دانه زنجبیل کبابه بسباسه هر یک دو درم کوفته بیخته
بسیب یا رب به سرشته حب سازند حب که مانع آبستن شود و نگذارد که منی قابل انعقاد
شود صـ افیون تخم کرفس رازیانه فودنج جبلی مشکطرامشیع هر یک جزوی سنبل الطیب

دارچینی سلیخه حب بلسان ایهل قسط از هر یک نصف جزو حب سازند هرگاه اراده صحبت نمایند قبل از آن
بخوردن حبی که سیلان لعاب دهن اگر از برد معده و رطوبت آن باشد نفع دهد ص
انیسون نانخواه هر یکی دانگی بلیله هندی ثلث مثقال فیقرا یک مثقال حبها سازند این یک شربت است
هر هفته یک بار بخورند حب جهت استرخای زبان زیر زبان داشتن نفع می بخشد ص علک البطم
دو درم حلتیت یکدرم کوفته با هم سرشته حب سازند حب جهت بحة الصوت که از یبوست و …
و رنج کشیدن بهم رسیده باشد در دهان دارد ص کتیرا نشاسته صمغ عربی رب السوس مغز تخم
کدو مغز بادام شیرین مغز تخم خیارین مساوی حب سازند و اگر خواهند نبات یا فانید هم داخل
کنند حب هندی که بجز معده را نافع است ص مصطکی عود چینی ناگرموتهه جائفل اگر غرشته
لونگ جاوتری برابر کوفته و بیخته با قدری شکر آمیخته با آب حبها سازند و خشک کنند و در
دهان گیرند و آب او بتدریج بلع کنند و نزدیک اهل هند تناول الشیر در این امر نفع بسیار دارد
حبی که جهت مالیخولیا در اثنای خوردن ماء الجبن گاه گاهی بکار آید منقول از منهاج ص افتیمون
دو دانگ ساییده ایارج فیقرا یکدرم اطریفل صغیر دو درم در هم سرشته بخورانند بعد از آن ماء الجبن
و اگر احتمال باشد یک دانگ شحم حنظل اضافه نمایند حبی که داء الثعلب که از صفرا و بلغم باشد سود
دارد ص شحم حنظل سقمونیا نمک هندی افسنتین هر یک دو دانگ انزروت بسفایج فستقی هر یک
سه مثقال افتیمون چهار مثقال صبر سقوطری ده مثقال تربد موصوف دوازده مثقال با آب
خالص حب سازند شربتی دو درم حبی که در شری که سبب آن دم صفراوی باشد بعد از
طلا کردن با آب غوره یا سرکه و گلاب و آب کرفس و روغن گل و خوردن آب غوره و فصد و
حجامت و تلیین طبع با آب تمر هندی و شیرخشت استعمال شود ص کتیرا دانگی ایارج فیقرا
یکدام پوست هلیله زرد دو درم با آب کرفس حبها سازند حب هندی بجهت برص معمول
و مجرب و اگر بی این مرض کسی بخورد گاه گاه مبتلا شود ص بابچی مدبر و مقشر پوست بیخ کیومری

که آن عبارت از انجیر دشتی است پوست بیخ نیم برگ نیم هر یک پاؤ سیر همه را کوفته با بیخ
کهیر شست هر شب دارند بعد از ان جوشانیده هرگاه نصف آب بماند خمیر کرده حبها سازند
هر روز تا یک یا دو دانگ بدهند و غذا نان بی نمک بعد چندی خشکه برنج ساٹھی با روغن
گاو و طریق بدر با بچی اینست که بابچی را در روغن ماده گاو سرخ که هنوز زائیده نباشد
تر کنند هرگاه خشک شود دیگر اندازند بعد از بست دیگر وزیر آورده پوست را دور کنند
و در سایه خشک کنند حب جهت خنازیر و سلعه و جمیع اقسام غدد گلو معمول و مجرب
صمغ الاچی خورد و بهیدانه سونتهه مرچ پیپل هر یک پاؤ کرم پنجماشه کوفته بیخته نگهدارند
نسوت سفید خراشیده دانتون مغز املتاس هر یک دوازده نیم درم همه را جوکوب
کرده در پنج سیر آب شب تر کرده صبح بجوشانند چون سیوم حصه بماند بدست مالیده آب
غلیظ آن برارند و بیست و پنج دام پخته کوکل کوفته در آن حل کرده باز بر آتش گذارند و
بجوشانند چون غلیظ مثل معجون شود دارو دیگر اول کوفته نگهداشته اند داخل کرده
حبها سازند هر روز نیم دام خام یا نیم دام پخته بخورند حب قاطع خون بواسیر منقول
از کناش رازی صص هلیله سیاه بروغن برشته آمله مقشر پوست هلیله زرد هر یک
یک توله گل سرخ نسوت طباشیر سفید گزمازج صدف سوخته کشنیز خشک هر یک نیم توله
کهربا بسد مروارید هر یک یکتوله ریوند چینی نیم توله مقل ازرق محلول بگلاب حب بندند
هر روز پنجماشه با عرق بادرنگ بو یا عرق بید نوشند و آخر روز دو توله گلقند با یکماشه
ونیم ماشه طباشیر تناول نمایند اگر ضعف معده باشد نوشدارو بخورند حب جای خطایی
که بطریق قهوه بخورند تقویت باه و معده و دماغ مینماید و ریاح بلغمی از بدن میراند و نزله
بارده را قطع میکند و گرده و پشت را قوت میدهد صص جای خطایی یا دیان خطایی نعناع خشک کرده
از هر یک یک توله پوست ترنج شش ماشه شب در آب تر کنند صبح سه چهار جوش داده صاف

نبات سفید داخلکرده قوام نمایند و عنبر اشهب یکماشه حلکرده بعد از آن که قریب بسرد شدن
رسد قرنفل دارچینی یکماشه دانه فاقلین مصطگی هریک یکماشه همه را سوده داخلکرده
حبها بطور نوشیرین بسته نگهدارند در آب یا گلاب انداخته بطور قهوه پخته قبل از طعام
و بعد از طعام بخورند حب سرخ باده مجرب است ص دیگر صندل سرخ بهمن ندی نیلوفر
هریک یکماشه برگ بکاین برگ نیم برگ حنا هریک دو ماشه تخم کشنیز نیمکوفته سه ماشه
هو نیز گل کچنال هریک یکماشه ادویه را کوفته در آب برگ حنا و تخم کشنیز که شب در آب خیسانیده
باشند آب صاف آنرا گرفته در آن حب بندند بقدر نخود کلان خشک کم نمک از گوشت و چیزهای
ترشی اجتناب ورزند حبی که جهت بول الدم و سیلان منی و سلسل البول را نافع است
ص طباشیر کتیرا سفید زرشک بهدانه تخم کشنیز خشک تخم حماض گل ارمنی صندل سفید
گلنار صمغ عربی هریک دو توله خارخسک سنگهاره تخم خرفه قلعی کشته تخم خیار هریک
شش توله که با اسبغول را با عرق بید مشک لعاب برآورده بدستور حب نمایند شربتی
یک مثقال حب کنندک جهت بهم رسانیدن اشتها قوی التاثیر است ص کنندک مغسول
یک توله فلفل گرد چهار توله کوفته بیخته با آب لیمو بمقدار کنار کوچک حب سازند و بخورند
و اگر قدری نمک سنگ اضافه نمایند بهتر شود حب سوزاک با نواع حرقة البول و قرحه مجاری
بول نافع و دافع ص کهیان بیذ فلفل دار فلفل الایچی بلیله زرد بلیله آمله هریک پنج درم
سلاجیت سه درم همه را کوفته بیخته با آب ثمر بکاین یا شیره برگ بکاین سحق بلیغ نمایند
و برابر یک درم هر روز بخورند و هرگاه از احلیل چون پرده عنکبوت چیزی آمدن گیرد ترک کنند
الا هم ضرر است حب دیگر ست گلو بهنگری هریک دو توله شوره قلمی الایچی هریک یک توله
کتهه سفید نیم توله در قند سیاه بقدر نخود حبها بندند و از سه حب شروع کنند تا هفت حبه
رسانند هفت روز بخورده باشند حب دیگر مهر دارسنگ پوست بلیله زرد فلفل

آہک آب نادیدہ کات سفید ہر یک یکتولہ نیلہ تھوتھہ نیم تولہ آب حب سازند بوقت حاجت بروغن زرد سائیدہ بکار برند حب آتشک ہلیلہ کلان ہلیلہ خورد نیلہ تھوتھہ لیمون حب دیگر برای آتشک مجرب انفع است ص سیماب بلادر نانخواہ اجمود کوفتہ بیختہ بست وہشت عدد حب سازند بوقت صبح یک حب و دیگر بوقت شام استعمال نمایند بجو رکہ بعد از خوردن حب بگیرند شکوفہ اجواین خراسانی انکشت سمہوکہم ازین ادویہ بجو ربگیرند نافع است حب دیگر کہ از برای آتشک مجرب انفع است ص رسکپور الایچی سفید قرنفل عاقرقرحا کوفتہ بیختہ بآب تہہا برابر دانہ فلفل بستہ بدہند حب آتشک ہلیلہ سیاہ پنجدام نیلہ تھوتھہ دونیم دام فلفل سیاہ دونیم دام کوفتہ بیختہ بآب لیمون کاغذی یکصد و یک عدد کہرل کنند بمقدار کنار حب بستہ نگہدارند حب سم الفار جہت آتشک دوازدہ روز اگر ضعف غالب بود متواتر نتوان خورد درمیان فاصلہ دہند لیکن پرہیز از دست ندہند و از غذا علی الخصوص مولد بلغم باد انگیز احتراز ورزند و نان گندم و روغن گاو مناسب است و اگر بر گوشت رغبت باشد گوشت لوہ و دراج و کبک بخورند و تقلیل غذا بہتر و این دوا مخفی دارند خاصہ از مریض و عوام الناس از ترشی اجتناب کلی دارند کہ درمیان سم الفار و جمیع ترشیات ضدیت است بالخاصیت ص سم الفار الایچی کلان کافور کہری ہمہ مساوی الوزن کوفتہ بیختہ بآب خالص یا بکلاب سحق بلیغ نمایند و بمقدار جوار یا ماش حب سازند و نگہدارند حب آتشک مجرب ہڑ زنگی چہار دام عالمگیری مردار سنگ دو تولہ سنگ جراحت دو فلوس عالمگیری کہنہ کہ مردمان میخورند یک فلوس عالمگیری توتیای بریان شش ماشہ خرمہرہ زرد بریان دو عدد ادویہ را در یکصد و یک عدد لیمو کہرل کردہ بمقدار کنار جنگلی حب بندند و یک حب ہر روز بدہند اول باید کہ جلاب باین حب بدہند ابنک جراحت مردار سنگ یکدہ نیم ماشہ جبال کوٹہ سبز اندرونش دور کردہ باشند نیم جو قند سیاہ کہنہ دو تولہ چہار حب سازند یک حب روز کنند تجربہ

وازسه حب یک تا سه حب گرم هر روز بلا فاصله بخورند و بعد نه نه ده روز این حب را شروع کنند
حب آتشک مجرب است سمندر بهیل سم الفار سهاگه کهته پاره هر چهار برابر با لیمو حب
بسته بقدر دانه مونگ روز اول صبح یک حب آخر روز دو حب تا هفت روز باین نحو اول روز
بخورند و هر روز یک حب اضافه نمایند غذا با شیر یا خشکه بخورند و از برای گرمی غذای دیگر مناسب
است اگر خواهند بخورند حب آتشک دانه الایچی کلان سفید کافور چینی هر یک سه ماشه سم الفار
یک ماشه در آب برگ تنبول یکصد عدد سحق نموده حبها بندند بقدر دانه موتهه یا ماش
و هر روز صبح و شام یک حب با لاتش گلوری تنبول بخورند و پرهیز مشهور است که سابق گذشت
حب عنبر که عقم عقیم دور کند اگر پیر هفتاد ساله باشد بفضل الهی از این دوا حامله شود
حص مشک خالص فرو سرخ افیون زعفران جوز بویه هر یک یکماشه جزو اعظم تخم بهنگ دو ماشه
فوفل گجراتی سه چهار عدد قند سیاه کهنه یک درم همه دوا را کوفته بیخته شهد آمیز کنند حب
بندند بعد از ایام حیض روز اول شروع کنند تا سه روز انشاء الله بار دار گردد

فصل سیوم در حبوبات افیونیه جدواریه و غیر جدواریه

حب جدوار مجرب من مولفات حکیم
علوی خان مرحوم حب بدل الافیون است و نیز مقوی باه چنانکه شخصی که برای او تالیف شده بود بعد
استعمال این حب فکل جدید کرد حص افیون کاذرونی خالص صاف نموده با عنبر و زعفران
و تیمور آن جدوار در میان نارجیل سر آنرا سوراخ کرده بیفکنند و سوراخ را محکم نموده نارجیل
را بخمیر گرفته در سه من شیر بز یا شیر گاو بجوشانند تا تمام شیر جذب شود و بدرجه سوختن برسد لیکن
روغن گاو بران بریزند آنقدر که از روی نارجیل بگذرد و بر آتش ملایم آنرا در روغن بریان
کنند بعد یکه خمیر که بالای نارجیل است سوخته شود و لهذا از روغن بر آورده خمیر از آن جدا
ساخته و پوست سیاه که بر لب نارجیل است جدا کرده نارجیل را با افیونی که در میان است
بسایند تا چون مرهم شود و لهذا بر آن بیست مثقال از آن بسایند بهمن سرخ بهمن سفید بادرنجبویه از

از هر یک یک مثقال مغز بادام شیرین مغز چلغوزه تخم خرفه مقشر از هر یک یک مثقال و نیم کبابه شیر
صمغ عربی کتیرا بزر البنج بیخ لفاح جوز بوا از هر یک چهار دانگ زعفران مشک نبات سفید
از هر یک دو مثقال کوفته بیخته بروغن بلسان چرب نموده مجموع را بگلاب سرشته در هاون
سنگی بدسته بکوبند تا نیکو مخلوط شود حبها سازند بقدر نخودی بورق طلا و نقره پیچیده در
سایه خشک کرده بکار آرند یک حب تا دو حب استعمال نمایند حب جدوار که مفرح است
باه و امساک تمام دارد و نزله مزمنه را مفید است صفت جدوار بنفسجی مایه شتر اعرابی
مصطکی رومی بهمن سفید بهمن سرخ طباشیر بسباسه بزر البنج بیخ لفاح از هر واحد چهار دانگ
شقاقل مصری دارچینی از هر یک یک مثقال و نیم زعفران صمغ عربی از هر یک پنج دانگ نبات
سفید افیون کافوری از هر یک سه مثقال و دو دانگ ورق طلا بست و پنج عدد بقدر نخود
حبها سازند شربتی در شب دیگر نافع نزله و زکام و سرفه و جهت زحیر و اسهال و تسکین
آلام مشکور صفت فلفل سفید یک ماشه دارچینی دار فلفل دو ماشه قرنفل سه ماشه جدوار جوز بوا
زعفران کبابه مصطکی خصیة الثعلب هر یک پنج ماشه افیون خالص دوازده ماشه کوفته بیخته باب صمغ
عربی سرشته حبها سازند بقدر نخود و در سایه خشک کنند و از یک حب تا چهار حب وقت خواب
استعمال نمایند دیگر قلیل الاجزا کثیر المنفعت جهت تقویت معده و دل و دماغ و باه بی نظیر
است صفت جدوار عنبر اشهب زعفران برابر بقدر فلفل حب بندند و از دو حب تا پنج حب
بخورند حب جدوار مجرب خاکسار سعدی و بهمنی شقاقل بمسک سیاه صفت مشک خالص دو دانگ
عنبر اشهب نیم دانگ مرجان جدوار بنفسجی زعفران کشمیری دارچینی قلمی صورنجان جوز بوا مصطکی
صمغ عربی ابریشم مقرض بهمن سفید و هندی رب السوس هر یک یک درم مایه شتر اعرابی یک نیم درم
خصیة الثعلب مغز بادام تخم کاهو مقشر بنفشه قولنجان هر یک دو درم افیون مصری مقطر و مصفا
چهارم ادویه دواها کوفته بیخته بروغن بادام چرب کرده باب گاؤزبان حبها بورق نقره پیچیده

برابر دانه مونگ به بندد و بعد پیچ بار بخورد سازند حب افیون ممسک بهبهی مقوی که شاه
جهان نوش مینمود صحن افیون مصری مصطکی رومی یکدرم و یکتوله و چهار و نیم ماشه عنبر
اشهب سه درم و یکتوله و چهار و نیم ماشه پوست ترنج سه درم و یکتوله شش ماشه دار چینی
یکدرم و یکتوله و چهار و نیم ماشه حب بندند بعد ازان افیون را تیار کرده عنبر را داخل نموده چندان
بسایند که همه یکسان شود حب افیون اعظم شاهی صحن گل گاوزبان بادرنجبویه
ابریشم خام مقرض هر یک دو توله زعفران ده توله ریوند چینی پنج توله افیون مصری مانند دو
توله مجموع را جدا جدا با کلاخ بسایند بعد از دو روز صاف نموده همه را ممزوج کرده در دیگ سنگی
از گرد و غبار امین باشد هوا داده باشند تا بقوام آید بعد ازان ورق طلا ورق نقره عنبر اشهب
هر یک یک توله سائیده داخل نموده چندان بمالند و لت کنند که بقوام خمیر حب آید بعد ازان
بقدر فلفل حبها سازند حب افیون حیله گذاشتن بیار و جای پهل یک حصه کو پهل درخت
ارند دو حصه هر دو را سائیده حبوب سازند بمقدار موازنه که افیون میخورده باشد دیگر
پنج کنیر سفید بطریق صندل سائیده سه درم بابچی آس کرده شش درم اسپند مقوی حبشی
دوازده درم برگ کنار لبت و چهار درم حلبه چهل و هشت درم بقدر یکدرم حب بندند و اگر
کسی یکدرم میخورده باشد سه درم ازان میخورده باشد صاف کردن افیون که در خوردن
کم مضرت و بی بدل میشود افیون اول که نرو باب گرم حل شود و یک سیر و شیر باده گاو
چهار سیر شیر را گرم کرده افیون دران حل کنند بعده از پارچه صاف نمایند چون بقوام
رسد روغن گاو یا روغن بادام پاو سیر داخل قوام نمایند تا همه روغن جذب شود بعده زعفران
یکدرم عود قماری دو دام سائیده داخل ساخته خوب بپزند بمقدار سرخ حبها بندند و
بدارند و اگر بجای عود و عنبر اشهب امیزند بهتر است باید که صد مرتبه آنرا در آب در گل صلایه کنند
دوازده روز تمام می شود بعد قرصها ساخته در ظرف گلی سر پوش پوشیده رو بگستنیه زیر زمین

زیر زمین دفن کرده روز یکشنبه آینده برآورده یکبار برند نفع بلا مضرت بخشد من مجالی شا
اکبریه مجربانه حب افیون ممسک مقوی باه است از مجربات اعتماد الدوله مرحوم صح
مصطکی زعفران سه دام جند بیدستر نیم دام فلفل گرد یکدام عود یکدام پوست اترج دو
دام دارچینی یکدام افیون صاف کرده سه ماشه ادویه اجزا کوفته بیخته با گلاب حبها بندند
طریق صاف نمودن افیون آنست افیون را نیمکوب نموده در آب گرم یا گلاب تر کرده یک
شب نگهدارند صبح در پاتیله کرده بر آتش گذارند و بدست بمالند چون خوب حل شود
بگذارند که چندین جوش خورد و بعد از آن آهسته آهسته در قاشق از آن در صافی میگرفته
باشند تا تمامی افیون در صافی آید بعد از آن آهسته آهسته صافی را بگردانند و در در آ
یکجا میکرده باشند هرچه خلاصه است جدا شده در دیگ ماند در دوراآب بار کرده بجوشانند
تا وقتیکه غلیظ شود و پس نگهدارند و اندکی روغن بادام بر ظرف بمالند که همه حب
خوش کیفیت که در امساک نظیر ندارد صح جوز بوا خولنجان ثعلب هریک دو درم بسباسه
جدوار افیون دارچینی زعفران هریک درم [illegible] برابر کوفته بیخته حب سازند
موافق استعداد بخورند حب جدوار جهت تقویت معده و دل و دماغ و باه مفید است
صح جدوار بهمن سفید عنبر اشهب زعفران همه مساوی الوزن کوفته و بیخته بگلاب سرشته
حبها بقدر فلفل سازند و از دو حب تا پنج حب جهت شربت است حب برای قوت
باه و امساک و از تعب جماع ماندگی نشود مجرب است اگر مردم در تجربه درآورند صح اسپند
پنج درم پوست خشخاش دو درم کنجد سیاه دو درم قند سیاه کهنه بقدر حاجت ادویه کوفته
بیخته در قند سیاه آمیخته باز بکوبند تا همراه قند مخلوط شود و بهفت حصه نمایند هر حصه را
بندقه ساخته نگاهدارند وقت حاجت یک حبه فرو برند باب سیوم در نسخه های حبوب
که برای نزلات نافع صح تخم خرفه منقشر تخم خشخاش تخم کشنیز خشک مقشر مغز بادام

شیرین مقشر هر یک پنج مثقال همه را در عرق بیدمشک عرق گاوزبان شیره کشیده نشاسته
صمغ عربی کتیرا نارمشک تخم ریحان هر یک چهار دانگ تخم مرو کوفته یکمثقال شربت دینارو
شربت نیلوفر هر یک پنج مثقال نبات سفید هفت مثقال و نیم داخل کرده بپزند که بقوام
حریره آید دو حصه کنند هر روز یک حصه بخورند حسو لوز جهت زکام و نزله حار بسیار
مفید است صفت نشاسته مغز بادام آرد باقلا چه مقشر کوفته باب بخته قدری کتیرا صمغ
عربی و فانید سنجری و روغن بادام شیرین داخل کرده گرم بخورند حسو لوز که سرفه را سود
مند و بدن را فربه کند و باه برانگیزد صفت نخاله گندم سه درم مغز تخم کدوی شیرین تخم خشخاش
هر یک سه درم در آب بجوشانند و صاف نموده باقی دواها بعرق بیدمشک سی درم سوده داخل
کرده در آتش ملایم بپزند چون حریره گردد نبات بقدر حاجت اندازند پس از آتش فرود آورده
شیر گرم تحسی نمایند حسو که زیادتی شیر کند و مجرب است صفت آرد سمید آرد نخود آرد باقلا
از هر واحد یکتوله لوز مقشر نیم توله را زیاده تخم شبت تخم جیر ربع توله با شکر پخته تحسی کنند
حریره جهت اسهال دموی صمغ عربی یکمثقال بزرقطونا بزر لسان الحمل هر یک دو
مثقال نشاسته مثقال مرتب سازند و با شراب صندل بدهند دیگر جهت پیچش بیخون
و با خون و بواسیر معمول و مجرب صفت صمغ عربی سه ماشه نشاسته روغن بادام هر یک
نیم توله با تنک بو داده یک توله با قدری نبات حریره کرده بدهند و اگر پیچش بسیار باشد
بغیر نبات بعمل آرند حسو که در ذبول بکار آید و رطوبت افزاید صفت مغز بادام شیرین
مقشر [illegible] درم ماش مقشر تخم خشخاش سفید هر یک هفت درم باقلا ده درم کشک جو با
کرده نیم کوفته بیست درم جمله را در یک و نیم من آب بکد و نیک بپزند و صاف کنند و بیست
درم آب انار شیرین و چهار درم روغن بادام بر جمله رم این کشکاب افکنند و مقدار
ده درم مغز [illegible] البیده بخورند دو ساعت صبر کنند پس به دستور مقرر در آب زن

نشینند باب چهارم در اقسام حلویات حلوا نافع برای جمیع اصناف مالیخولیا و یبوست بدن و
مدقوق و مسلول را تسمین کنند صص شکر سفید مسکه تازه یا روغن بادام شیرین تخم خشخاش سفید
تخم خرفه مقشر مغز تخم کدو شیرین نشاسته از مجموع حلوا سازند و اگر با فرنج نبود و خواهند که
خوشبو شود قدری مشک و عنبر و زعفران اندازند حلوا رجند رقوت جماع دهد و منی
بیفزاید و بدن را فربه سازد صص گندم تراشیده یکمن بپزند و در هاون چوبین نرم کنند
پس مغز بادام مغز گردکان مغز نارجیل مغز فندق مغز پنبه دانه مغز حب الزلم مغز حب قلقل
کنجد مقشر خشخاش سفید هر یک یک استار کبابه زنجبیل دار فلفل دارچینی ثعلب مصری جوز بوا
بسباسه زرانباد هر یک سه درم مجموعه را نرم کوبیده با نیم من عسل و نیم من قند و ربع من
روغن گاو و پنجاه عدد زرده تخم مرغ با آتش ملایم بپزند تا بعد عا پخته شود و اگر خواهند شیرین
زیاده شود مختار اند و یکی مخترع صاحب قادری که در تقویت و تولید منی و تسمین بدن
عدیل ندارد و جهت درد کمر و ضعف گرده و مثانه مجرب است صص زردک سرخ رنگین شیرین را
از پوست و استخوان پاک کنند و یکمن از وی و نیم من از خرمای فربه مغز خسته دور کرده اندر شیر
گاو بپزند تا مهرا شود پس آورده در هاون چوبین بکوبند تا چون مرهم گردد بعده آرد نخود بریان
و سمیده گندم هر یک پانزده درم در قدری روغن گاو بریان سازند و قند یکمن و عسل نیم من را
در آب حل کنند و صاف ساخته بر آن ریزند و بپزند تا بقوام آید پس زردک و خرما مدقوق مخلوط کرده
و سه جوش داده فرود آرند و زرده بیضه مرغ جوشیده در آب بسته عدد و شیر تخم مرغ کرده اندازند
جمله را نیک امتزاج کنند بعد از آن مغز فندق مغز بادام مغز پسته مغز جوز مغز چلغوزه مغز نارجیل
هر یک ده درم خصیة الثعلب کشنیز خرما خشک مربی دارچینی زنجبیل خولنجان هر یک سه درم
زعفران مشک هر یک یک درم باریک ساخته بیامیزند و هر صباح ده درم بخورند حلوای
خرما خرمای منقی از خسته دو سیر با دو سیر آب بجوشانند تا حل شود پس بدست بمالند و بپالایند

و با نیم سیر قند و مثل آن عسل و یکدرم زعفران بجوشانند و کاک خورد کرده آنچه بهر قدر باید بپزند
و با یک سیر روغن کنجد بریان سازند و جوز و بادام و پسته مقشر داخل سازند حلوای چلغوزه
سفوفی مستعمل ص مغز تخم خربزه تخم جرجیر هر یک جزو مغز چلغوزه دو جزو کوفته بیخته
به روغن گاو بریان کنند تا چون یکبار سرخ شود پس اندکی دارفلفل و زنجبیل نیز افکنند و عسل بقوام
آرند و بعضی اوقات شقاقل نیز اندازند حلوای کوکنار از اطبای هند است نشاط آورد
و مانع سرعت انزال کند بگیرند پوست خشخاش یا تخم بکوبند و یک شب در آب بخیسانند پس
بفشارند و ثفل از او دور کنند و دو سیر گندم در آن آب بجوشانند آنقدر که تمام آب جذب کند
پس در سایه خشک کرده آرد کنند و آن آرد را در روغن بریان کرده و دو سیر قند سفید و یک سیر
عسل مصفی با آب مخلوط کرده بجوشانند و کف از گرفته داخل نمایند و با آتش ملایم بپزند تا نشره
به پس دادن روغن نماید از آتش بگیرند مغز بادام شیرین ده درم زنجبیل دو درم زعفران
نیم درم نرم کوبیده داخل نمایند و بطریق حلوا ار لوز بپزند و هر کس بقدر برداشت طبیعت بخورد
حلوای بعضی متاخرین این حلوا را در امراض کلی بجهت تسمین و تغذیه کرده و سایر بدن و تقویت
باه بسیار ستوده اند گفته نه دیده ام من و نه دیده اند دیگران احسن از آن در منفعت بجهت این امر
ص تودری سرخ تودری سفید تخم خشخاش حب الصنوبر بوزیدان جوز حب فلفل زعفران مغز بادام
مقشر مغز فندق جوز هندی دقیق الارز شهد مصفی چهار رطل فانید یک رطل شکر سفید یک رطل
روغن کنجد ده استار روغن گاو ده استار آرد باقلا ده استار آرد حمص ده استار یدق الفانید
ویلقی علیه العسل و هر دو را بر آتش بقوام آورده ادویه دیگر سحق لیوب بیامیزند مگر زعفران که آنرا
بگلاب سوده باشند داخل نمایند و اگر خواهند آردها را به روغن گاو بریان نموده با شهد
و شکر بطریق حلوا پخته سازند و مغزیات را اصلا به ساخته اضافه کنند پس زعفران و مشک و دیگر
ادویه معطره بیفزایند و بقدر پنج درم همراه شیر یا بدون شیر بخورند حلوای سفوفی باه و ممسک

و مسک بیضی و دافع اشتر خار رحم و رطوبت رحم و بهار دیگر تسمین رحم مفید صحـ آرد گندم هفتاد
مثقال به روغن گاو هشتاد مثقال بریان کرده نبات سفید یکصد مثقال حل کرده با آتش ملایم
بجوشانند و کف برگیرند پس فرود آرد و روغن مذکور داخل کرده بجوشانند تا چون شهد غلیظ شود مغز
بادام شیرین مقشر مغز فندق مغز پسته مغز نارجیل مغز گردکان مغز چلغوزه مغز حبة الخضرا
همه را از قشر رقیق آن مقشر کرده هر یک ده مثقال نیم کوفته داخل کرده بپزند تا شبیه حریره بلی دار
روغن نماید زعفران عنبر اشهب مشک تبتی بنگالی سائیده داخل کرده بهم زنند و لقمه صغیر کنند که
کم خفته شود لیس دارچینی بسباسه قرنفل دانه هیل کبار نیج پوست بیرون بسته شاهدانه لسان
العصافیر شیرین حب الآس خصیة الثعلب درونج زنجبیل شقاقل صندل سفید کوفته بیخته در آن داخل کرده
بهم زنند و از آتش فرود آرند و در انگری چینی بهین نمایند و هر روز بقدر گردکانی بخورند
دیگر که سپاری پاک نام دارد و قوت باه را زیاده کند و تقطیر و زن را نفع دهد و حمل نگاهدارد
و زنان را ابقائیه نافع است و فرج زنان را تنگ نماید یا کرده کند و هاضمه را قوت دهد و چهره نرم
و روشن سازد و اندام خوشبو کند و بند گشاد و پیشیو مردان و زنان را دفع کند مجرب است
و همیشه معمول دردمفاصل را نیز نافع است صحـ کافور خالص سپید درم نیم و شتر ناگیسر
فلفل دراز پا برک تج خراسانی الایچی خورد هر یک دو درم تالیس پتر جاوتری کبابه سلوجین صندل
سفید فلفل گرد مغز تخم کنار هر یک سه درم جوز بوا چهار درم زیره سفید شش درم [illegible]
گل نیلوفر مغز پنبه دانه تخم نیلوفر قرنفل کشنیز هر یک هشت درم سنگهاره ستاور هر یک دوازده
درم ناگیسر تخم کهرنی هر یک چهار درم مغز چرونجی یا عوض او بادام بست و هشت درم مغز پسته
چهل و دو درم سوپاری چکنی چهل و چهار درم سپاری کهنی بست و هشت پل اکثر کوفتنی است
علیحده علیحده کوفته جامه بیز کنند و با دام و پسته مقشر باریک بریده نگاهدارند و سوپاری
چکنی را بر سنگ سوده بعسل برگشند و هر سپاری را چهار پاره کنند و در مقدار ده سیر شیر گاو

و یا گاومیش هفت سیر و شکر سفید دوازده سیر بوزن اکبری یکجا کرده جلاب سازند و بقوام آرند
پس روغن گاو یا روغن گاومیش نیم سیر گرم کنند و سنجی سپاری یعنی چمبل دار و یکجا کرده بریان کنند
و در جلاب مذکور اندازند و بقوام حلوا سازند و بعضی میگویند که سنجی مذکور را در روغن گاو بریان
کنند پس شکر تری خلط کرده فرود آرند و سرد کنند و هشت پل شهد خالص بیامیزند و کفچه زنند
و در آوند چرب نگهدارند و هر روز دو نیم دام یا زیاده و کم بخورانند و بالای آن شیر ماده گاو
یا روغن ماده گاو و یا شوربای گوشت بز یا گوشت پرند اللقدر که مناسب دانند بدهند و غذا رقیق
و سبک بدهند دیگر مسمی بکلوای توچری کنده و معروف … بدهوندنی همان است مقوی باه و
پشت و گرده و دماغ و روشنائی چشم و دل و اعضا رئیسه است و جهت سیلان منی و سلس البول
نافع است و رنگ رو تازه و سرخ کند و مردم را قوی و فربه گرداند و موی روشن سیاه گرداند و
و برای زنان نیز مفید است صفت زعفران جوز بوا جوتری هر یک یکدام پخته دارچینی الایچی
خورد و قرنفل هر یک دو دام پخته سونته پیپل دراز هر یک دو نیم دام پوست بیخ اوتت کتاره
تالمکهانه موصلی سیاه چنیته گوند ڈهاک مغز تخم انگن هر یک نیم پاو مغز نارجیل مغز چلغوزه
مغز اخروت مغز پسته مغز بادام هر یک تا پاو سیر آرد و هوچریا آرد و سنگهاره آرد ماش مقشر گوند
سول آرد و مغز تخم کونچ نشاسته گندم شهد هر یک نیم سیر روغن گاو یک سیر شیر ماده گاو بمقدار یک
پنج سیر ورق طلا ورق نقره هر قدر که باشد همه ادویه کوفته بیخته با شیر و شکر و روغن یکجا نموده
مانند حلوا بپزند پس فرود آورده و سرد ساخته در ظرف پاکیزه باحتیاط نگهدارند و هر صبح و شام
بقدر طاقت و توانائی بخورند و بالای آن اگر قدری شیر نیم گرم نموده بخورند بهتر باشد و اگر
ابنه باک نام دارد و قوت باه زیاده کند و هر زنی که فرزندانش نمیرند از خوردن این دوا اگر
مدت چهار ماه یا شش ماه بخورد فرزندانش دراز عمر خوش رنگ خوش چهره بر آیند و زنی را که
بعد از زائیدن کرنک در شکم مانده باشد بر طرف شود و زنی که بار نمیگیرد از ملازمت این دوا تا و

محتوی بر سه فصل فصل اول در اقسام خمیره صندل و مروارید فصل دوم در اصناف خمیرهای
ابریشم فصل سیوم در اقسام خمیرهای خشخاش وغیره باب دوم در ترکیب خضاب باب سیوم
در مرکباتی که بلفظ خبر مصدر شده **فصل اول** از باب اول در بیان خمیره صندل و مروارید
خمیره صندل خفقان حار و سوزش سینه را که بیقرار نماید دفع کند صن صندل سفید
طباشیر سفید نشاسته تخم خرفه مقشر هر یک دو مثقال کافور یک قیراط نبات سفید بیست و
چهار مثقال شربت فواکه شیرین دوازده مثقال بطریق شربت دهند **خمیره صندل** جامع مصطفی
نهوع دقی صفراوی اسهال مراری حمیات صفراوی سوء مزاج حار قلب و خفقان را نافع
است صن کشنیز خشک مقشر پنج درم صندل سفید سوده سی درم در سرکه انگوری ده درم آب
غوره یکصد درم گلاب بید مشک از هر یک نیم من آب باران یک من شب بخیسانند
پس بجوشانند تا بنصف رسد بدست بمالند و از پارچه کتان باریک بگذرانند پس با یک من قند
سفید بقوام آرند پس بگیرند ورق نقره ورق طلا هر یک پنج درم کافور قیصوری نیم مثقال
مروارید ناسفته یشب بسد هر دو صلایه کرده زعفران هر یک یک درم طباشیر سفید پنج
سفید سوده هر یک ده درم کوفته و بیخته همه با آن بسرشند شربتی پنج درم **خمیره مروارید** جهت
تقویت معده و دل و دفع خفقان و وسواس مغز تخم خیارین شش درم مروارید ناسفته دو
درم و نیم مغز تخم کدو سه درم صندل سفید بگلاب سوده تخم خرفه مقشر گل بنفشه گل گاوزبان طباشیر
سفید از هر یک دو درم زعفران یک درم مشک خالص عنبر اشهب هر یک نیم درم ادویه را کوفته
بیخته بشربت انار یا رشکه ساده هر واحد بیست درم قند سفید پنجاه درم عرق بید مشک
گلاب عرق بهار هر یک ده درم بطریق معلوم مرتب سازند اگر گرمی در مزاج غالب باشد قدری
کافور اضافه نمایند **خمیره مروارید** مروارید ناسفته آبدار یشب بسد هر یک نه ماشه
ذهب مهره خطائی چهار ماشه قند سفید پاؤ انار شربت شیرین نیم پاؤ عرق بید مشک گلاب

گلاب نیم آثار عرق صندل عرق گاوزبان هر یک پاو آثار ورق طلا سه ماشه ورق نقره یک توله
خمیره مروارید خفقان و ضعف قلب را بنهایت نافع و اعضا رئیسه را قوت دهد و منافع بسیار
است ص مروارید ناسفته هشت ماشه یاقوت رمانی بسد احمر سوخته مغسول هر یک چهار ماشه
ورق طلا ورق نقره هر یک سه درم لعل بدخشی عقیق یمنی یشب سبز سافج هندی زرانبا درونج
عقربی تخم خرفه مقشر ابریشم مقرض هر یک سه ماشه افیون افریطی شش ماشه لاجورد مغسول
کافور قیصوری عنبر اشهب از هر یک یک ماشه طباشیر سفید صندل سفید از هر یک پنج ماشه کهربا
شمعی زرشک بیدانه تخم کشنیز خشک مقشر صندل سرخ غنچه گل سرخ پوست اترج گل ارمنی گل مختوم
عود هندی گل گاوزبان هر یک دو ماشه مشک خالص پنج ماشه نبات سفید گلاب هر یک پاو آثار
رب سیب شیرین آب انار شیرین از هر یک یک توله آب به شیرین سه توله بدستور معمول خمیره
ساخته بعد چهل روز استعمال نمایند قدر شربت یکمثقال خمیره مروارید مقوی معده و دل
ومفرح بی بدل و رافع انواع خفقان از خوف و فزع سوداوی اکثر امراض قلبی جهت اسهال
مراری دموی ضعف جگر و کرده و حصاة و حرقة بول مفید ص نبات سفید پاو سیر را در عرق
بید مشک و گلاب بقدر کفایت بقوام آرند و مروارید چون غبار صلایه کرده یک توله در ان حل کنند
و خمیره سازند و گاهی جهت نرم داشتن قوام دو سه درم از نبات کم کرده عسل سفید تولا
داخل کرده میشود و گاهی جهت رعایت حال اسهال نبات را در عرق بارتنگ قوام گرفته طباشیر
سفید مروارید هم اضافه کرده می شود و در امراض جگر صندل هم افزوده میکنند خمیره
مروارید ص طباشیر سفید مروارید سفید صندل سفید ابریشم مقرض بهمن سفید از هر یک
پنج مثقال عنبر اشهب ورق طلا ورق نقره از هر یک یکمثقال و یک دانگ نیم مشک خالص نیم مثقال
و سه قیراط شکر سفید گلاب عرق بید مشک از هر یک دو صد مثقال عسل مصفی بیست و پنج مثقال
بدستور خمیره سازند خمیره صندل ص صندل مروارید صندل سفید گلاب سوده طباشیر

سفید هر یک یکتوله گل گاوزبان تخم کشنیز مقشر دو دو توله زرشک بیدانه سه توله تخم خرفه مقشر
چهار توله دانه هیل شش شش ماشه ورق نقره شش ماشه ورق طلا دو ماشه عنبر اشهب دو ماشه اول
مروارید را بگلاب صلایه کرده دواهای دیگر کوفته بیخته با نبات سفید پانزده توله عرق
صندل عرق گاوزبان عرق نیلوفر هر یک پانزده توله بقوام آرند و عنبر و اوراق را بعد فرود
آوردن آهسته آهسته حل نمایند خمیره صندل مقوی قلب و دماغ و نافع است برای خفقان حار
ص صندل سفید بگلاب سوده بست مثقال قند سفید یکصد و شصت مثقال عنبر اشهب نیم مثقال
مشک خالص یک دانگ نیم ورق طلا و ورق نقره هر یک نیم مثقال گلاب یکصد و شصت مثقال
عرق بید مشک هشتاد مثقال قند را بگلاب و عرق بید مشک حل کرده بقوام آورده
باقی دواها انداخته بقوام خمیره آرند فصل دوم از باب اول در اصناف خمیرهای ابریشم
خمیره ابریشم جهت توحش سودا و دیگر اقسام مالیخولیا بارد و بواسیر ریحی اسود و مقوی
دل و دماغ ص عود و مصطکی مشک خالص هر واحد نیم مثقال یاقوت کهربا مرجان یشب هر یک
یک مثقال مروارید ناسفته عنبر اشهب هر یک دو مثقال بادرنجبویه برگ فرنجمشک هر یک بست
مثقال ابریشم زرد خام نود و دو مثقال نبات یکسیره جهانی ابریشم را در آب طلا تاب یا آهن
تاب تیز کرده بجوشانند تا ربع بماند خوب مالیده صاف کرده بگیرند بادرنجبویه فرنجمشک را علیحده
در یک کاسه آب بجوشانند تا النصف بماند صاف کرده با آب مذکور ضم کنند و نبات داخل کرده
بقوام آورده بعده بیفزایند اول عنبر باز جواهر و دواهای دیگر بدستور معمول حل کنند خمیره
ابریشم در تقویت دماغ و قلب و کبد و دفع خفقان و مالیخولیا و التفریح بی عدیل است ص گاوزبان
گیلانی سه درم گل گاوزبان کشنیز خشک مقشر ابریشم مقرض بهمن سفید تخم بالنگو صندل سفید
تخم فرنجمشک سن کل واحد یکتوله عنبر اشهب نیم درم سوای عنبر در دو آثار آب تر کنند صباح
بجوشانند هرگاه سیوم حصه بماند صاف نموده با نبات سفید یک آثار عسل یا دو آثار بقوام آورند

آورند و در آخر عنبر داخل نمایند ورق طلا ورق نقره شش شش ماشه خوب حل نمایند و از عمده تا نه ماشه
قدر خوراک دارد دیگر مروارید ناسفته یاقوت و زمرد و زهر مهره و لیشب کافی اضافه نموده
بعمل آید بسیار نفع ساخته خمیره ابریشم حکیم مسیح الزمان جهت بندگان حضرت اعلی ترتیب
داده بود صفت کهربا صندل سفید عود و عنبر مصطکی نیم مثقال فرنجمشک ابریشم مقرض مروارید
هر یک یک مثقال گل گاوزبان دو مثقال این همه بکوبند و بیزند ابریشم خام ده توله عسل بیست مثقال
نبات هفتاد مثقال گلاب دو سیر ابریشم را در گلاب یک شبانه روز تر کرده بجوشانند تا
نصف باقی ماند صاف کرده با آن ضم کنند عسل و نبات داخل کرده بقوام آرند اول عنبر را
حل کرده خوب لت کنند بعد از آن دواهای دیگر کوفته داشته بیامیزند خمیره ابریشم دو درم
دارچینی زرنباد صندل عود برگ بادرنجبویه گل گاوزبان شاهتره برگ فرنجمشک پوست بیرون
پسته قشر ترنج سنبل هندی هیل دانه مصطکی هر یک نیم توله یاقوت لولو لیشب کهربا بسد
هر یک چهار ماشه گلاب عرق بید مشک عرق گاوزبان بادرنجبویه هر یک نیم سیر عنبر مشک
ورق نقره هر یک دو ماشه عسل سفید پاؤ سیر شربت فواکه پاؤ سیر نبات سفید نیم آثار سیر
معمول خمیره سازند خمیره ابریشم خام پنج مثقال در گلاب نیم سیر عرق نیلوفر نیم سیر عرق
هیل پاؤ سیر یک شبانه روز خیسانیده بجوشانند هرگاه نصف ماند صاف نموده قند
سفید دو صد درم شربت سیب شربت انار شیرین هر یک پنجاه درم داخل کرده بقوام
آرند پس مروارید ناسفته کهربا شمعی مرجان لعل بدخشی هر یک یک مثقال بگلاب بید مشک
حل نموده داخل کنند بعد مغز تخم کدو تخم هندوانه تخم کاهو مقشر تخم خیار بالنگ مغز
تخم خیار مغز بادام شیرین تخم خشخاش سفید بگلاب سوده هر یک دو مثقال بهمنین بوزیدان
هر یک یک مثقال شقاقل مصری دو مثقال سورنجان مصری دو مثقال گل سرخ یک مثقال
گل گاوزبان گیلانی دو مثقال مغز حب الخضرا مغز حب الزلم هر یک یک مثقال دماغ کنجشک نر

دو مثقال عنبر اشهب یکدرم مشک خالص نیمدرم ورق طلا یکدرم ورق نقره یک مثقال اضافه
کنند و بدستور مسطور مرتب سازند و در مزاج گرم کافور قیصوری نیمدرم زیاده کرده میشود
خمیره ابریشم حافظ صحت محرور بعد از امراض حاره جهت تقویت بکار آید ص ابریشم خام
پنجمثقال گاوزبان سادج برگ فرنجمشک پوست بیرون پسته قشر اترج سنبل هندی
هیل دانه مصطکی هر یک نیم توله یاقوت لولو نیتب (؟) کهربا البسد هر یک چهار ماشه گلاب عرق
بید مشک عرق گاوزبان عرق بادرنجبویه هر یک نیم سیر مشک ورق نقره هر یک دو ماشه
عسل سفید پاو سیر شربت فواکه پاو سیر نبات سفید نیم آثار بدستور معمول خمیره سازند خمیره
ابریشم منقول از ریاض عالمگیری ص ورق نقره مصطکی کهربا مرجان یک مثقال ابریشم مقرض صاف
گل گاوزبان طباشیر گل سرخ جوز هندی صندل سفید مروارید مشک خالص هر یک دو مثقال
ورق طلا سه مثقال عنبر اشهب چهار مثقال ابریشم خام پنجاه مثقال عسل مصفی یک رطل
عرق بید مشک نبات هر یک دو رطل ابریشم را در عرق ها شبانروز خیسانیده جواهر را در
گلاب صلایه کرده دواها را دیگر کوفته بیخته بدستور معمول مرتب سازند خمیره ابریشم که منع
بخارات نماید و تقویت دل و معده کند منقول از علاج الامراض ص طباشیر سفید بهمنین
خشک پوست بیرون پسته لولو ناسفته کهربا شمعی گل نیلوفر گل گاوزبان گیلانی ابریشم
مقرض هر یک دو درم یاقوت رمانی چهار دانگ عصاره زرشک پنجدرم عنبر اشهب دو دانگ
آب سیب شیرین آب انار شیرین از هر یک سی مثقال گلاب عرق بید مشک عرق گاوزبان
از هر یک پنجاه درم قند سفید دو من بدستور متعارف مرتب سازند خمیره ابریشم
از حکیم ارشد جهت اقسام امراض سوداوی تقویت اعضای رئیسه بے عدیل است و در طعم
بسیار لذیذ ص عود غرقی چهار ماشه ابریشم مقرض خام که از کوه باشد چهل و دو توله صندل
سفید سائیده نیم توله سنبل الطیب پوست بیرون پسته ترنج مصطکی قرنفل دانه هیل ساده

سافج هندی از هر یک پنج ماشه ادویه را در پارچه کتان چه ابریشم در عرق گاوزبان و بید مشک گلاب و
آب سیب آب انار شیرین آب به شیرین هر یک دوازده دام آب باران دو آثار بجوشانند تا قدر
آب باران برود روز دیگر بسیوده باز بر آرند بعد از آن عسل سفید پاو آثار نبات سفید و قند سفید
هر یک نیم پاو بقوام آرند و در آخر قوام عنبر اشهب شش ماشه حل کرده بعد از آن که قوام سرد شود
ورق طلا ورق نقره هر یک شش ماشه حکاکه مروارید ناسفته یک توله یاقوت رمانی نیم یا سه ماشه
کهربا شمعی مرجان هر یک شش ماشه یشب سفید نه ماشه مشک خالص چهار ماشه داخل کرده
خوب مخلوط نمایند و در ظرف چینی نگهدارند شربتی سه ماشه تا شش ماشه **فصل سیوم**
در اقسام خمیره های خشخاش وغیره **خمیره خشخاش** برای نزله و زکام که بلغمی باشند نافع
است و تقویت معده کند و قبض نمیکند ص تخم خشخاش یا پوست خشخاش مغز بادام شیرین
هر یک بست توله قرنفل یک توله سنبل هندی دار چینی مصطگی خوب بوا هر یک نیم توله زعفران
دو ماشه پوست خشخاش و تخم خشخاش و مغز بادام را نرم سائیده و به آب پوست خشخاش
شیره برآورده و باقی ادویه را جو کوب نموده با پوست خشخاش بجوشانند و صاف نموده
با نبات بقوام آورند و زعفران را بگلاب سائیده در آخر داخل نمایند بهتر خواهد بود و فی الحال
یک پاو خمیره خشخاش ساده داخل کرده شد بعد تیاری خمیره خشخاش نذر کوکناری که
بجهت زکام و نزله و صداع شقیقه بخاری منع صعود بخارات و نزول نوازل دماغی و تقویت
دل بغایت مجرب و مقبول و معمول است و بنابر خوش ذائقی و خوش رنگی لذیذ و مطبوع مینماید بارها
برای جناب اقدس حضرت قدر قدرت رفیع اعلی محمد شاه عالم بادشاه غازی ایده الله بالنصر
التفتیح فی المدرک والمقاری تیار نموده استعمال شده و بغایت نفع آورده و مجرب و مبیع خفیف
است ص پوست خشخاش ده مثقال را در آب باران سه رطل شب نیمکوب نموده نگهدارند
صبح جوشاده بمالند و بفشرند و با نبات سفید یک رطل خوب بقوام آرند بعد قوام تخم خشخاش مقشر

مغز بادام مقشر شیرین تخم کشنیز مغز تخم تربوز باریک ساخته تخم خشخاش هر یک قدر دو توله [illegible]
کتیرا نیم نیم توله صمغ عربی نیم توله علیحده خوب سائیده در آن مخلوط کرده زعفران هفت ماشه مشک
خالص یک ماشه و نیم مشک را بعرق کیوره یا بعرق بید مشک در سنگ سماق حل کرده بیامیزند و
ورق نقره یک توله انداخته بهتر معجون کشتی درهم نمایند و نگهدارند و بقدر یکتوله با عرق گاوزبان
یا قهوه گاوزبان و نبات سفید و دانه الاچی همیده بوده باشند نافع باد بریا العباد خمیره خشخاش
زرد که همیشه معمول است و در ترطیب و تقویت دماغ اثر بین میدارد و خواب خوش می آرد
ص زعفران سه نیم ماشه کوکنار خشخاش مغز بادام مقشر هر یک دو نیم دام شاهجهانی کلاں
نیم پاو نبات سفید یکنیم پاو کوکنار خوب جوکوب نموده در دو سیر آب تر کنند بعد دو شبانه روز
بجوشانند هر گاه نیم سیر آب بماند صاف نموده تخم خشخاش و مغز بادام را علیحده در قدر آب
شیره بگیرند و به آب کوکنار ضم کرده نبات و گلاب را داخل کرده بقوام آرند در قدری کمال
قریب انعقاد داخل نمایند و بهتر بشند که بسیار رنگین بشود خمیره خشخاش ساده کوکنار کلان
با تخم صد عدد نیم کوب سازند یا پوست را جدا نیم کوب کنند و تخم را نرم بسایند بعده با دو نیم من
آب با راه بیشتر بند و بیالایند و یکنیم من قند انداخته قوام دهند و اگر در قوام رقیق دارند بهتر
گفته شود و قرص تشنج تریاقی بسیار نماند خمیره گاوزبان عنبری ص برگ گاوزبان کیلانی
گل گاوزبان بادرنجبویه هر یک بیست و پنج مثقال در گلاب و عرق بید مشک نود نود مثقال
عرق گاوزبان پنجاه مثقال یک شبانه روز بخیسانند پس بجوشانند هر گاه نصف بماند صاف
نموده قند سفید یکیا تار داخل کرده بقوام آرند پس عنبر اشهب مشک خالص دو دو ماشه جدا جدا حل
نمایند خمیره گاوزبان ساده جهت ازاله توحش سوداوی و تقویت دل و رفع خفقان نافع است
ص آب گاوزبان تازه و قند هر یک یکمن گلاب بیست مثقال همه را بجوشانند و کف بر
دارند و بقوام خمیره آرند و اگر خواهند که بقوام نیز [illegible] دارند در این صورت گلاب را عقب قوام

قریب بدر شستن اندازند و جوش سبک داده فرود آرند و اگر آب گاوزبان را مقطر سازند و با
قند بقوام آرند الطف و الذ باشد و گاه گاوزبان تازه بهم نرسد خشک را تر کرده در آب جوشانیده
با قند که سه چند دوا باشد قوام دهند و آنچه از گل او سازند اولی و اقوی بود و بعضی اشتراک بادرنجبویه
را با گاوزبان نافع تر دانسته اند دو حصه گاوزبان یک حصه بادرنجبویه بطریق معمول جوشانیده
با سه چند قند بقوام می رسانند حق اینست که اگر در مزاج گرمی باشد از گاوزبان صرف باید ساخت.
خمیره عنبر مقوی قلب است و بیرا اجزا سوای حصه شکر سفید یک من صاف نموده در عرق
گاوزبان بقوام آورده عنبر اشهب چهار مثقال با نبات سوده اندک اندک داخل کرده خمیره
سازند خمیره عود در نسخ معمول متاخرین مقوی معده و اعضا رئیسه و جهت رفع خفقان
و غثیان و بد هضمی و ریاحات متفرقه نافع است صحت عود قماری نیم پاشه صندل سفید سه ماشه
گل سرخ دو ماشه سنبل اسارون بسباسه هریک یک ماشه بادرنجبویه دو ماشه سماق یک ماشه مشک
و عنبر ورق طلا هر یک نیم ماشه شربت سیب شیرین شربت سیب ترش شربت انار شیرین شربت
انار ترش هر یک شش توله و اگر مزاج صفراوی باشد بجای شش توله آب لیمو داخل نمایند

باب دویم در ترکیب خضاب و سمه که موی را سیاه کند و مو را قوت دهد و سمه
چهار درم حنا پنجدرم کوفته بیخته بروغن گل چرب کنند و به آب گرم سرشته شب بمالند و صباح
بشویند خضاب مجرب است سهل التیسیر و بی مشقت و نسخه مجرب صحت سنگ جراحت چوب سنگ
مرده سنگ نیم پاو مردار سنگ دو درم هرسه را یک سرمه سا کرده بقدر احتیاج در آب حل کرده
بر موی استعمال نمایند و بالای آن برگ پان ببندند در اندک زمانی بیک ساعت یا کم از آن رنگ
خوب می کند دیگر ابن سینا گوید که این خضاب موی را سیاه کند چون برو بمالند صحت حنا
روی سوخته شب نمک اندرانی بازو برشته نیم آهن هریک جزوی و سمه دو جزو همه را نیک
بکوبند و ببیزند و بسایند یک شب بمعجان رها کنند در آن لیمو کاغذی داخل کنند و دیگر با سمه که برگ

بیکه

که این خضاب را تا آز سودیم بسیار نیکو است صص آمله ماز و بر پشته شب کل سر شو کیترا از فلفل
هر یک نیم جزو برگ حنا وسمه مرداسنگ هر یک یک جزو جمله را کوفته بیخته با آب لیمو سرشند و بعد
از سه ساعت بمالند خضاب لا نظیر له ولم یری مثله لوه چون چهار دام آرد میده هشت
دام هر دو را در آب حل نموده در آفتاب گذارند که تمام روز در آفتاب بماند و شب در طاق
گرم که محفوظ باشد و برودت هوا در وی اثر نکند نگهدارند هر گاه منتفخ شده بر آید و مدت
انتفاخ در سرما دو روز و دو شب و در گرما یک روز و یک شب بعد از آن موها را شسته مثل
وسمه به بندند و پهر بعد از آن با آب گرم بشویند بعد از و هلیله سیاه باریک سوده در آب
تر کنند صبح با زیت نموده به بندند یک پهر و بالای آن برگ بید انجیر بگذارند خضاب
مسود الشعر و عجیب فی التسوید والتطویل صص آمله خشک چهار دام ماز و سبز جوز دو نیم دام
فوفل پوست انار هلیله زنگی هلیله زرد برگ مورد مایین و ترنج هر کدام یک یک دام لوه چون
نیم پاو بزرالبنج چهار دام اول لوه چون را با آب نیله تهوتهه تر سازند و در لوتلی بندند که سر پیچ
السحق خواهد شد پس آورده بکوبند وادویه دیگر کوفته بیخته با لوه چون یکجا نموده با آب جمود
داجوایق خراسانی که طبیخ آنها گرفته باشند هشت پهر کهرل نمایند بعد فاصله یا بی فاصله عده
اقراص ساخته نگهدارند و در شیشه نیز کهرل میتوان کرد و عند الحاجت با آب بزرالبنج و کرفس
سائیده بر سر یا ریش طلا نمایند ترکیب خضاب سیماب سیماب بست و پنج دام نیل چهار دام
نیله تهوتهه چهار دام سیماب را در انار نیم پخته سوراخ نموده بیندازند و از موم سوراخ انار
بند نمایند که سیماب نیفتد لیکن انار بر درخت باشد بقدر بیست روز از درخت فرود آورده با نیل
و نیله تهوتهه در کهرل سحق بلیغ نمایند بعده در روغن سیاه پنج آثار و آب انار چهار آثار مع ادویه
دیگر بیندازند و در آوند انداخته در زمین دفن کنند تا زمانیکه جوش کمال خورد و از زمین بر آورده
عرق مثل گلاب بکشند بعد از آن موی سر و ریش بمالند خضاب نوشادر یکدانه سنگ

سنگ رانیج دو ماشه مازو رتا ز ده ماشه مازو را القسمی بریان کنند که نه خام ماند و نه سوخته شود
باز همه را علیحده علیحده سائیده وزن کرده یکجا کنند و هرگاه استعمال کنند با سیطور العجل آرند
اول ریش را یا سر را بآب گرم و آرد نخود خوب بشویند که دسومت در آن نماند بعد شستن بپارچه
تو پاک کنند و خشک سازند بعد از آن در ظرف چینی موافق خمیر کردن دوا آب سرد باندازه و با
آن دوای مذکور را انداخته مثل حنا حل کنند و بر موها و بیخ آن ضماد کنند هرگاه خوب خشک شود
دوا افشانند و به آب گرم بشویند و اگر در جلد سیاهی بماند بعد شستن تیل خوشبو بمالند و بپارچه
پاک کنند و بآب گرم بشویند خضاب بازوی سبز حنا بریان کنند که نه خام ماند و نه پخته سوخته
کرده براده مس چهار دام سیس شش ماشه هلیله سیاه دو دام نیله تهوتهه سه ماشه نوشادر
یکدام هلیله را نیم کوفته شب تر نمایند صبح دواها را باریک کوبیده و پخته در آب هلیله مذکور
سرشته چهها بندند دیگر بازوی سبز چهار دام براده مس یک دام هلیله زنگی چهار دام روغن
سیاه سه دام بریان نموده بدستور چهها سازند خضاب بازوی سوراخ دوازده دام
در روغن کنجد بریان کنند تا سرخ شود پس بر پارچه بمالند تا روغن جذب شود پس هلیله زنگی
ده دام براده مس شش دام پهتکری دو دام نوشادر یکدام همه را کوفته پخته آمله را در
نیم سیر آب شب تر کرده صبح مالیده صاف نموده دواهای مذکور را در این آب کهرل نمایند تا راز ده
مس حل شود پس گولیها بسته نگهدارند وقت حاجت آمله بآب سائیده طلا نمایند بالا لیش
برگ بید انجیر نهاده ببندند مجرب است خضاب عجیب توتیای سبز زاج سفید شوره هر
واحد یا و سیر هر سه را خشک سائیده در قرع و انبیق انداخته بآتش ملایم عرق کشند در هفت
شیشه تمام عرق جمع نمایند بعد از آن سه توله ورق نقره که باریک باشد در این عرق انداخته قرار
کرده نگهدارند تا ورقها حل شود و چهار دام از این عرق در شیشه گلاب داخل کرده رنگ دهند و طریق
رنگ دادن اینست که مسواک را تر کرده بر موهای سفید بمالند هرگاه که خشک شود دیگر بمالند

در دو سه بار بسیار خوب میشود و در بعضی نسخها سنگ کاهی و مازو هر یک پاو سیر نیز مرقوم یافته
شاید این اصوب باشد و در بعضی نسخه بجای ورق نقره ورق طلا بنظر آمده **خضاب عجیب**
الاثر است پیپر اکسیں پهله بهتو بهته یک یک ماشه نمک لاهوری ششین سرخ ماهیله زنگی یکتوله هلیله
را در قدری گائی گهی بجه در ظرف آهنی برشته نمایند قسمیکه نه خام و نه سوخته گردد و پس در خاکستر
گرم زیر کنند بعد از چهار ساعت برآورده در ظرف آهنی خوب بسایند و چندی آب آمله جوشیده
انداخته بسایند بعد از آن ادویه دیگر انداخته بدستهٔ آهنی تا سه گهری خوب حل نمایند پس بر موها
بطریق خضاب بسته ورق انجیر پیچیده ببندند **خضاب** که مو را سیاه کند و بهترین نسخها
که احتیاج بستن نیست و در ساعت بخوبی اثر میکند مازو چهار حصه سنگ ابتج دو حصه توتیا در
یک حصه شب یمانی نیم حصه مازو را در خاکستر گرم بریان کنند تا سوخته و سیاه شود پس هر
واحد را جدا جدا یکبار بسایند و ورق نموده یکجا کنند و در ظرف آهنی نهند پس بطبیخ آمله آمیخته
بدستهٔ آهنی صلایه کنند تا خوب باریک شود پس موها را بآب آمله بشویند و دوا بمالند و بعد دو
گهری بآب آمله بشویند پس بآب گرم بشویند باید که آمله را در آب خوب بجوشانند پس آب وی
داخل دوا سازند و در شستن موی بکار برند **خضاب مروارید** که بجهت تسوید بیاض
برص و از ذهاب داغهای سفید عجیب و بدیع است و سقوط آن بجهت طوبت حادث شده در چشم که از سبب
برص انتشار العین بهم رسیده باشد غریب الفعل حتی که ارسطاطالیس در شان این گفته من
وقف علی صناعة حل الصفار و کبار ه حتی لعربا و حیرا خاتم طلی بالبیاض الذی یکون فی
الابدان من البرص اذهبه فی الاول طلیه و اسقاط ینقطع من الرطوبة العین الحادثة من الانتشار
قال بعض العلماء قد یکون بان یسحق و سب بما حماض الاترج یجعل فی اناء و یجیر بماء حماض الاترج
و یعلق فی دن فیه خل حتی یذوب الدن فی زبل رطب اربعة عشر یوما فانه ینحل **باب سیوم**
در تراکیب چیزهای که بجهت سهولت بسم زجر حجر بین است صح گو کنار یکجند دو کلاه از دو

دور کرده بشکافند و با کفکیر تخم مرا از پانه در ظرفی بریان کنند و هر دو را بسایند و بعد بسایند
در آب حل کنند و ساعتی بگذارند که درد آن فرو نشیند و بهمان آب نیم سیر آرد را خمیر کنند
و خمیر را دو پاره چو سفت بسته در ظرفی که آب بسیار و نهند بنحوی که خمیر در میان آب باشد و بر ته
نشیند و بعد یک پهر بر آورده بر تابه نان تنک بپزند و خورشی مناسب خورند خبز از علویخان
مرحوم جهت کاد و بعد فصد و تنقیه سفید ص آرد جو آرد باقلا سبوس گندم از هر واحد در
شیر کار و لعاب بهدانه و لعاب گل خطمی سفید و آب عنب الثعلب سبز و آب پوست خشخاش و
آب بابونه و روغن گل خمیر کرده نانی بحجم دو انگشت ساخته بر تابه نیم پخته گرم گرم بر موضع
درد گذارند خبز برای وجع معده و قولنج ریحی مجرب است ص کهنه [illegible] با و برنگ سوخته
سونف تخم سوده هینگ نمک سیاه کوفته بیخته با آرد ماش که در آب برگ سوده خمیر کرده با
آمیخته نان بقدر حجم دو انگشت پخته سازند اما از یک طرف خام گذارند و طرف خام را بر روغن
شبت چرب ساخته گرم گرم بندند بر شکم خبز ملینه سوال شکم را دور کند ص آرد ماش
که [illegible] در کوبند یک تا [illegible] هلیله یک یا دو نمک طعام یک یا و انگوزه یکدام از جمله خمیر کرده
بآب دو نان بسازند و یکی از آن بر تابه نهند چون یک روی آن پخته شود فرود آورند و از
جانب خام بر شکم بندند و نان دیگر بر تابه گذارند و چون نان اول سرد شود جدا کرده نان
دویمی بر بندند همچنان میکنند تا که درد فرو شود

حرف الدال

مشتمل چهار باب باب اول
در اقسام دوا المسک حار و بارد و معتدل و غیره باب دویم در بیان نسخهای دیاقوذا
باب سیوم در ذکر نسخه های دوا الکرکم و دبید الورد و دهن مشتمل بر دو فصل باب چهارم
در مرکباتی که بلفظ دوا نگارش یافته مشتمل بر چند فصل فصل اول در ذکر ادویه که تعلق بامراض
دماغی دارد فصل دویم در تفصیل ادویه که علاقه بامراض چشم و بینی و حلق و کام و دهان
دارد فصل سیوم در اقسام ادویه که تعلق بامراض صدر و ریه و معده و قلب مفید است فصل چهارم

در تقویت دادو وبه که با امراض اسحاق وسقوط وغیره مناسبست فصل پنجم در دواها که بسموم مشروبه
و ناکوله و ملسوعه مرالعله دارد باب اول در اقسام دوا المسک دوا المسک حلو جا
که در صداع بیکار دیکار آید صرع وفالج ولقوه وضیق النفس وضعف معده ودل وخفقان وتوحش
برابر مسوددار ده با دهای نان آلیستن دفع کنند ورنگ روی را نیکو گرداند صنعت مشک یک دانگ
ونیم زنجبیل دار فلفل هریک دو دانگ مروارید کهربا بسد ابریشم مقرض هریک نیم درم بهمن
سرخ بهمن سفید بادرنج هندی سنبل الطیب قاقله قرنفل جند بیدستر دو الله هریک چهار دانگ
زرانباد درونج هریک یکدرم کوفته بیخته بعسل آتش ندیده سرشته نگهدارند وبعد از شش ماه
بعمل آرند شربتی یکدرم تا دو درم دوا المسک حلو موافق نسخه ابن البیطار نسخت مروارید
کبار ناسفته کهربا شمعی ابریشم خام مقرض از هریک دو درم مشک تبتی خالص یک مثقال و
نیم تخم فرنجمشک نمام زرنباد مصطکی رومی جوز بوا فلفل دار فلفل دارچینی خیربوا سادج
هندی قرنفل زرد داننج بهمن سفید تخم بادرنجبویه هریک یک درم ونیم ادویه را کوفته بیخته
بعسل بسرشند شربتی یک مثقال دوا المسک حلو مشک خالص سه ماشه جند بیدستر
یکدرم بهمنین سنبل الطیب قاقله قرنفل سادج هندی هریک دو درم مروارید ناسفته
بسد ابریشم مقرض زرنباد هریک نیم مثقال نبات سفید سه چند ادویه صرع وفالج ولقوه خفقان بارد
وضیق النفس وجمیع امراض بارده را مفیدست ایضاً جهت صرع وفالج ولقوه خفقان بارد
و اورام حلق و رطوبت معده و بادهشا صص جند بیدستر یک ونیم درم سنبل مشک سادج
هندی از هریک دو درم نانخواه زعفران تخم کرفس هریک چهار درم ریوند چینی شش درم
افسنتین رومی صبر سقوطری هریک بیست درم عسل خام سه چند شربت تا قویا را یک مثقال
دوا المسک بارد عنبری تالیف میر محمد بادشاهی علوی خان صص مروارید ناسفته کهربا
شمعی از هریک یک مثقال ابریشم خام مقرض طباشیر سفید صندل سفید صندل سرخ غنچه گل سرخ

غنچه گل سرخ شکر(؟) الاقماع کشنیز خشک مقشر تخم کدو شیرین گل گاوزبان گیلانی از هر یک دو
مثقال تخم خرفه مقشر چهار مثقال مشک خالص عنبر اشهب از هر یک نیم مثقال رب سیب شیرین
بست و پنج مثقال قند سفید پنجاه مثقال به دستور معجون سازند شربتی یک مثقال دوا ءالمسک
بارد گل سرخ پنج درم لسید سه درم مروارید سه درم کهربا دو درم کشنیز خشک پنج درم ابریشم خام
مقرض چهار درم مشک یک توله و سه و نیم ماشه نبات سفید چهل توله آب سیب ترش هشتاد
توله موافق معمول بسته شربتی شش ماشه دوا ءالمسک بارد که همیشه معمول [illegible] الفوائد
عجیب مشمول [illegible] مشک عنبر گل گاوزبان از هر یک درمی ابریشم مقرض ورق نقره هر یک دو درم
طباشیر سفید گل سرخ تخم کشنیز صندل سفید هر یک چهار درم شربت سیب لاهیجانی [illegible] نبات و
گلاب هر یک یکمن معجون سازند و سفید [illegible] شش عدد وقت حل کردن کم کم انداخته سفید
کنند دوا ءالمسک بارد مقوی اعضای رئیسه موافق محرور المزاج [illegible] خفقان حار و
ناقهین نافع است [illegible] ابریشم مقرض نیم توله گل گاوزبان تخم کشنیز هر یک یک توله طباشیر
نیم توله مروارید کهربا مرجان هر یک چهار ماشه ورق نقره بیست عدد مشک دو ماشه زر
[illegible] نیم توله شربت سیب شیرین هر سه برابر ادویه به دستور [illegible] دوا ءالمسک
معتدل دارچینی نیم ماشه ورق نقره یک ماشه مروارید ناسفته زیره یاقوت رمانی لسید کهربا
شمعی عنبر اشهب مشک ورق طلا هر یک یک ماشه و نیم زعفران الاچی خورد هر یک دو ماشه ابریشم
محرق سه ماشه صندل سفید سائیده گل سرخ گاوزبان گیلانی گل گاوزبان [illegible] هر یک سه چهار ماشه
کشنیز مقشر طباشیر سفید هر یک شش ماشه و ربع ماشه خرفه مقشر نه ماشه رب سیب شیرین
رب انار رب به شیرین هر یک چهار درم [illegible] گلاب عرق بید مشک یک و نیم پاو عسل نبات
دو چند ادویه معجون سازند دیگر کافور نیم دانک عنبر اشهب یک درم مشک خالص [illegible] درم ورق طلا
زعفران هر یک یک درم دارچینی یک مثقال تخم کاهو [illegible] و نیم لسید احمر ابریشم [illegible]

هر یک دو درم مروارید ناسفته گل گاوزبان گیلانی بسباسه تخم خرفه صندل سفید هر یک نیم درم
ورق گل سرخ گاوزبان هر یک سه درم کهربا طباشیر سفید تخم کشنیز هر یک سه درم و نیم آمله
منقی زرشک باگلاب شیره گرفته هر یک شش درم عسل برابر اجزا نبات سفید دو برابر عرق
بیدمشک گلاب عرق گاوزبان هر یک هفتاد و پنج مثقال دواء المسک خالص عنبری
جهت خفقان و ضعف دل و تقویت معده و جگر و دفع توحش بهم رسانیدن اشتها مجرب
صص مروارید ناسفته کهربا شمعی ورق گل سرخ صندل سفید بگلاب سوده طباشیر ابریشم مقرض
تخم کشنیز خشک گل گاوزبان تخم خرفه منقی هر یک سه مثقال مشک خالص عنبر اشهب از هر یک
دو درم شربت ریباس قند سفید هر یک دو وزن ادویه بقوام آرند اگر حرارت زیاده احساس
نمایند دو دانگ کافور قیصوری اضافه کنند باب دوم در بیان نسخهای یاقوتها مجرب از
برای امراض صدریه و سعال صص خشخاش سفید بی پرده با تخم سی عدد گل بنفشه گل
نیلوفر گاوزبان از هر یک سه مثقال اصل السوس مقشر پنج مثقال عناب سپستان هر یک ده بیست
دانه ادویه را جوشانیده صاف نموده نبات سفید بیست و پنج درم داخل کرده بقوام آرند بعده
یک وقیه و یاقوتها جهت نزله حاره و سرفه که با تپ لازم و نفث الدم و اسهال باشند
نافع است صص پوست خشخاش سفید با تخم و پوست خشخاش سیاه با تخم هر یک پانزده
عدد و هر دو را نیم کوفته بعده نشاسته تخم خطمی سفید رب السوس نیم کوفته هر یک پنج مثقال سپستان
نهری پنج عدد که اطراف از جدا کرده شکم از اشکافته اول مرتبه از انجا کسته پس بگیرند [illegible]
شسته بعده با پوست باشند همه را در یکمن تبریز آب باران بخیسانند روز دیگر بجوشانند
تا بنصف رسد پس خوب بمالیده لعاب اسپغول ده مثقال قند سفید نیم من داخل کرده بقوام
آرند پس اقاقیا عصاره لحیة التیس طباشیر گل ارمنی هر یک یکمثقال زعفران بزر البنج
واحد نیم مثقال کهربا مروارید چهار چهار دانگ داخل کرده مرتب سازند شربت یک مثقال [illegible]

دیاقوزا منقول از خط حکیم احمد و فرموده که این شراب را جهت فرزند خود ساخته بودم مجرب
افتاده و مخترع بنده است ص پوست خشخاش سبز بنفشه گل سرخ اصل السوس هر یکی ده مثقال
عناب بست دانه سپستان سی دانه گل خطمی سفید زوفا خشک هر یک یکمثقال تخم خبازی نیم مثقال
مویز منقی پنج مثقال تخم خشخاش سفید چهار مثقال جوشانیده صاف نموده با قند سفید بقوام
آرند اگر ضرورت باشد شکر تیغال صمغ عربی فی هر یک دو درم کوفته بیخته پاشیده بخورند ۱۲
دیگر خشخاش اصل السوس مقشر از هر یک بست درم خشخاش سیاه تخم خطمی کتیرا صمغ عربی تخم خبازی
بزرقطونا هر یک پنج درم همه را در پنج رطل آب باران بجوشانند تا به نصف رسد صاف نموده
عسل عنب بخته دو رطل فانید یک رطل داخل کرده بقوام آرند باب سیوم در ذکر نسخهای دوا
الکرکم و دبید الورد و دهن مشتمل بر دو فصل فصل اول در ذکر دوا الکرکم و دبید الورد و ۱۲
دوا الکرکم صغیر بار [illegible] تالیف قدوة الحکما سند الشد الماجد علوی خان نافع است
وقتیکه بوده باشد در مزاج مریض گرمی ص زعفران سلیخه سنبل الطیب غنچه گل سرخ
طباشیر سفید زرشک منقی پوست بیخ زرشک قسط مصطکی صافی فقاح اذخر هر یکی دو درم
دارچینی یکدرم پوست بیخ کاسنی چهار درم مر را یک شبانه روز در سرکه انگوری خیسانند
پس جدا کرده باقی ادویه را کوفته بیخته بعسل مصفی بسرشند شربتی یکمثقال باشد دوا الکرکم
صغیر بار جهت ضعف جگر و طحال و معده و صلابت آنها و از مبادی استسقا و جمیع امراض
مزمنه و تحسین لون ص سنبل الطیب مر سلیخه قسط فقاح اذخر دارچینی هر یک یک جزو و در
بعضی نسخها مر فقاح اذخر دارچینی هر یکی یکدرم و باقی اجزا دو درم مرقوم است کوفته بیخته
مر را یک شبانه روز در ثلث تر کنند و باقی دیگر دواها بعسل منزوع الرغوة بسرشند شربتی
یک مثقال تا دو درم دبید الورد و بعضی بی انیست که مثل همه اجزا ادویه [illegible] جهت
انواع استسقا و ضعف جگر و معده و تفتیح سده جگر و تحلیل سایر اورام و دبیلات و [illegible]

سفید و سیاه می گشاید و رنگ را سرخ میگرداند و کسی که در زمستان استعمال نماید محتاج با آتش و
پوستین پوشیدن نمیگردد ص توم مقشر یک جزو فرفیون عاقرقرحا هر یک ثلث جزو فلفل
سداب هر یک ربع جزو مجموع را نیمکوفته و با وزن جمله کی زیت گرفته بپزند تا ثلث بماند پس آن
بکالند و بپالایند و در شیشه نگهدارند باب چهارم در مرکبات که بلفظ دوا الکا رش
یافته محتوی بر چندین فصل فصل اول در ذکر ادویه که تعلق بامراض دماغی دارد دوا
که نافع بفالج و لقوه ص دواء المسک معتدل با حلوا اول خورده بالایش بادیان خطایی عود خام
مصطکی خولنجان قرنفل انیسون هر یک دو ماشه الایچی خرد دارچینی هر واحد چهار ماشه چای
خطایی هشت ماشه در آب جوشانیده صاف نموده نبات سفید دو اوقیه داخل کرده بنوشند
دیگر جهت فالج معجون سورنجان اول خورده بالایش بادیان تخم بادیان سورنجان مصری بوزیدان
هر یک یکمثقال جوشانیده صاف نموده شربت عسل داخل کرده تناول نماید الحکیم برای لقوه و
فالج تریاق فاروق دو دانگ یا مثرودیطوس یا تریاق اربعه اول تناول کرده از عقب آن قرنفل دارچینی
عود هندی عود صلیب انیسون هر یک یکمثقال در گلاب جوشانیده شیره کشنیز خشک شیره بالنگو شربت
اسطوخودوس داخل کرده بنوشند دوا اکسیر نسیان نافع است ص روغن بالکنکنی یک پان که الند
و یک حبه سیماب بران نهاده بالند فی الفور مضمحل خواهد شد آن برگ را با بیره پان چنانچه متعارف
است بخورند و بدارو مت نمایند مجرب است و اگر کفایت نکند مسهل قوی بدهند دیگر جهت فراموشی
نافع است ص هلیله بلیله املی کوشته شیرین تخم بلتهی سندهی زیره سیاه نمک سنگ اجمود هر یک
درمی باریک سائیده هر روز یکدام با شهد در روغن گاو بخورند دیگر در بیناب فلونیا اول خورده
و از عقب آن دارچینی بادیان خطایی عود هندی عود صلیب اسطوخودوس هر یک یکمثقال در گلاب
جوشانیده صاف نموده شیره کشنیز خشک مغز تخم یکمثقال شیره زنجبیل مربی سه مثقال ضم ساخته
بنوشند دیگر جهت فالج تریاق فاروق برابر نخود خورانیده بالای آن عود بلسان عود صلیب دو

که در آبنه بستانی فورا اینجا نصب میکنند هر یک یکدام کوڑی زرد هشت عدد مثل سرمه باریک کهرل
کرده در چشم کشند دوا اینکه پهلی چشم آدمی اسپ فیل قطع کند سونتهه شب تنکار سنک جمله برابر
کوفته بیخته هر روز دو سه نوبت در چشم کشند دوا اینکه قبل انفجار بعد آن مستعمل میشود ص
اظفار الطیب صبر مر ساوی سائیده استعمال نمایند دیگر برای نزول مجرب است شیره برگ
تمر هندی بوزن دو فلوس در جام سیمین یا دسته چوب نیم که فلوس بران دو سائیده باشند حل نمود
چندانکه غلیظ شود بعد از آن در شیر زن که فرزند نرینه داشته باشد حل یا س کهرل نمایند
بکار برند دوا اینکه بیاض چشم را نافع است اگر نو پیدا شود اول تنقیه کنند بعد از آن در سرنجار
گرم دارند یا بحمام در آیند و یکی را امر فرمایند که اورک خاییده چشم را بزبان بلیسد و اگر کهنه و سطبر
باشد و چشم را بپوشد پنبه دانه را بکوبند و مغز آن بگیرند و روغن از آن کشند و یکدرم ازین روغن
باده دانگ کف دریا کوفته بیخته بهم آمیخته در چشم کشند و مداومت نمایند مجرب است دوا
که بروال یعنی شعره زاید را نافع است موی را بکنند و فی الحال کحل یا بروغن استر بران مالیده تکرار
کنند و خون غوک هم همین حکم دارد تنقیه بدفعات باید کرد تا عود نکند دوا جهت بیاض
و دفع کل چشم اگر از چیچک بهم شده باشد بر طرف شود ص کاسنی خوردی سبز یکدام سفیدی تخم
مرغ پوست بیضه مرغ مروارید ناسفته ماسیران چینی هر یک چهار و نیم ماشه زرد چوبه دو و نیم
ماشه اول کاسنی را در سه روز در کهرل آب یا لیساینده بعد ادویه دیگر انداخته یک روز خشک در کهرل
حل نمایند و نگهدارند و در هر روز دو دفع در چشم کشند وقت خواب شب برگ سرس جوشانیده
ببندند ان شاء الله تعالی کل چشم بر طرف شود دوا اینکه سعد را نافع با ثبت شاه صاحب ص
هلدی دار هلد بهتنگری سوت هلیله زرد هلیله سیاه هر یک شش ماشه افیون سه ماشه
زعفران دو ماشه کوفته بیخته جهالسته بر دور چشم طلا سازند دوا اینکه انواع ضعف بصر را
و سرخی چشم و دمعه را سود دارد و بیاض ظفره را دور کند ص شکر سفید شوره قلمی هر یک

هریک چهار درم قرنفل پیپل هریک دو عدد جست شسته یکدام مشک یک ماشه برگ نیم برگ پکاین هریک
پاو دام عفص یکسیر دو درم در گلاب چلپاسایند صافی نمایند و سایر اجزا کوفته بیخته در تهال برنجی
دو شبانروز بسایند و حب را در ظرف آهن به روی آتش بگذارند تا آب بشود و هلیله کلان نیم درم
پوست و تخم جدا کرده اندک اندک داخل نمایند و میل آهن برهم زنند تا گشته شود دوا اینکه اگر به زرد
چشم طلا کنند مفید است حضرت جدری کند ص زعفران نیم دانک حضض شیاف ماسیثا صبر اقاقیا
هریک یکدرم نرم کوفته شیاف سازند و به آب شبنم بسایند طلا نمایند دوا اینکه درزیانیکه بر چشم
آبله برنگ بر آید ص سرمه اصفهانی کافور یا گشنیز تر حل نموده هر ساعت بچکانند و اگر سده
بگلاب سوده سود دارد در فاده بر چشم بنهند و تخته از سرب باندازه چشم بالای چشم دارند دوا
که جهت دهلکه دمعه مجرب معمول بمجرد و تکرر قدیم و اکثر امراض چشم نفع عظیم معروف به کزه
ص سنگ بصری یک توله مرچ شش عدد هر دو را سایده بحریر بیخته در تهالی مس بینداخته
چند روز خوب بسایند تا مثل غبار شود و پس نگهدارند دوا اینکه شب تیرگی و کوری شب نافع
سوخته مرچ دپل تخم کرنجوه هلیدی زرد چوبه نمک سنگ پوست بیخ ارند سنگ یعنی اور قاکوفته
بیخته با شیر گوسفند بسایند و در چشم کشند دوا دماغ خفاش با عسل تجدید بصر کند و نیز جدا
نیز نافع است و مادر انیز نافع است دیگر انتشار آب را بوز بتنقیه خلط موجب مفید است ص
استخوان خرما سوخته سه درم سنبل رومی دو درم نرم بسایند و بکشند دوا اینکه تنقیه
اشعار از قمل کند اول آب به ویلج شسته پس شب بیانی سحق کرده بر اجفان بمالند دوای
مخصوص مجرب صبر سوخته یک جزو نوشادر نیم جزو کوفته بیخته با عسل سرشته استعمال نمایند
دوای جهت دمعه سنگ بصری هلیله زرد هریک دو درم صبر سقوطری فلفل کرد هریک
نیم درم کوفته بیخته در چشم کشند دوای ملایم جهت قطره قلقدیس نوشادر از هریک
درمی صمغ عربی نیم درم کوفته بیخته بشراب کهنه سرشته بطور شیاف ساخته بکار برند دوای

بمالند دوایی جهت ثقل و استرخاء زبان نوشادر را با مقل بمالند تا لعاب بسیار از وی جاری
شود دوا اگر این مرض شدید باشد که مانع کلام شود فصد شهرگ کنند بعد از آن بمالند شقاقل و ترب و ورم حار زبان نفع می‌بخشد
دوائیکه ضفدع لسان اسود شده است نوشادر را نرم باریک ساخته بمالند و بر این مداومت نمایند
تا خالی شود دوا اگر کفایت نکند دواهای حار در اکلة الفم و اللثه و الشفه مستعمل است بکار برده سرکه با
نمک سوده در دهان دارند و اگر غلبه خون باشد رگ آنجا دوائیکه کفایت نکند تا بیخ قطع کنند و در حین
قطع احتیاط کنند که رگهای زیر زبان بریده نشود دوایی مجرب قویست جهت ضفدع زلوح
محرق سورنجان هر دو را با بیاض بیض جمع کرده زیر زبان نگهدارند دوایی جهت ضفدع
صعتر نیم درم زوفا خشک یکدرم صدف بحری ۵ درم همه را سحق کرده با هم مثل شکر طبرزد دو درم
در کرده آمیخته بر موضع ضفدع بمالند تا منسلخ شود و پس از آن مضمضه بسرکه در القدری آب گلنار
و فشار کنند جوشانیده باشند بکنند بعد از آن ذرورات مدمله بکار برند دوائیکه جهت قلاع
اجزاء حمی الیتیم است گل سرخ سماق طباشیر نشاسته تخم خرفه عدس مقشر صندل سفید تخم کشنیز
هر واحد جزو و نیم قلیلی کافور آمیخته در دهن دارند پس بکلاب یا سرکه ممزوج جین بشویند و بکلاب
مرق مضمضه کنند دوائیکه سیلان لعاب دهان خواه از گرمی بود خواه از سردی بسیار نافع است
ملح جوش یکدرم تا به کاسنی بخورند دوائیکه لهات مسترخیه اطفال را بر دارد و بازو
بسرکه ساییده با انگشت سبابه گرفته یا پشت کفچه خورد انداخته ملازه را بان بر دارند و اگر این
دوا بر نیارد گل سرخ نشو خسته با سرکه سرشته بر نهند همین کار کنند دوائیکه لهات
مسترخیه را که با حرارت نباشد سود دهد نوشادر باریک کوفته ملازه را بآن بر دارند دوائیکه
ملازه افتاده را بر داشتن تا بحال معمول افتاده گل دیگدان که آتش رسیده سرخ شده باشد
بستانند و یک فلفل ساییده آمیخته ملازه بان بر دارند دوا که حلق را از آفت جدری نگهدارد
سماق گل سرخ عدس مقشر جوشانیده غرغره کنند یا رب توت غرغره کنند و با آب

و آب سرد نیز مفید است **فصل سیوم** در اقسام ادویه که بعد رفتن سم معده و اعاده جگر و قلب مفید
است دوا اینکه با استسقا نافع بول انسان و بول جمل خصوصا شیر شتر و همچنین دوازده عدد بلیله را اطراف
و سر اینها دور کرده باشند با یک درم سورنجان سیاه سائیده خوردن جهت استسقا مجرب دانسته اند
و ایضا خوردن نیل که وسمه است با فلوس خیار شنبر جهت استسقا از یک قیراط و بجهت غیر اطفال
تا سه درم دوای در استسقا رایج از خوردن شیر شتر اسهال زیاده شود و لیکن آرد خبث
الحدید بریان کرده بیخته یک درم قرط طرائیث نکوفته بیخته یک درم تخم کرفس یک درم همه را در شیر یک شب و دو
ساعت بگذارند پس صاف کرده بخورند دوای شیر که در پستان بسته شده باشد نرم کند
تخم رازیانه بآب رازیانه بنوشند دوا اینکه شیر زنان زیاده کند تخم هلیون در آب بجوشانند
و آب صاف آنرا با شیرینی بنوشند یا هلیون کوفته با شکر آمیخته سفوف سازند قدر شربت از این
دو درم است ایضا یعنی با دو شیر را در آب بجوشانند و آنرا بخورانند زیاده میکند شیر را ایضا
ورق شقایق یعنی لاله با قضبان و همراه گیاه صعتر طبیخ داده خوردن شیر را دار اللبن کند دوا
از سکین جیحندی کنند با پستانی را بسیر که در روغن پخته بخورند بسیار نفع میرساند دوای
که شیر مرضع بیفزاید تخم ریحان تخم بادروج تودری گلگون شیر دار شقاقل تخم جند را انجره مغز
تخم کدو و تخم هندوانه مغز تخم خربزه [illegible] با هر یک یک توله کوفته بیخته هر روز به مثقال بخورند
شیر بالا را آن بنوشند دوا اینکه شیر لبن کند نخود سیاه کابلی در شیر گاو تر کنند پس آنرا نیز بنوشانند
دوا اینکه بخفقان چاره و بار و نافع است عنبر مشک زهر مهره سائیده و عطر و صندل هر یک یکی ماشه
مرجان صلابه کرده ورق طلا هر یک دو و نیم ماشه روغن بادام بیجدام پخته شهد خالص هشت درم
پخته همه را یکجا کرده یک روز و شب علی الاتصال بسایند و از یکماشه شروع نمایند هر روز یکماشه
بیفزایند تا هشت ماشه رسانند دوا اینکه بعلاج خارجی بطریق طلا و ضماد از خارج نفع مثل
پخش لبن در تدبیر و در غلبه کثیر لبن در زوران بتخفیف و تقلیل نفع بین نماید سوم زرد و

خیری یا روغن زیت بطریق موم روغن ساخته بعمل آرند دیگر پودینه تازه یا خشک یا محیص گاو
بپزند چندانکه غلیظ و قوام شود ضماد نمایند ضماد پودینه و آرد جو نفع بسیار میکند دوای دیگر
جاذب جهت اسهال بعمل آرند موم سفید شسته لعاب تخم خطمی لعاب حلبه چیپ سفرجل لعاب بزرقطونا
با روغن گل یا روغن بنفشه و آب عنب الثعلب بقوت با هم مخلوط نموده نفع عظیم مینماید دوا
بجهت اقسام خفقان و ضعف قلب نافع کشنیز تازه سبز کلان چهل عدد بغیر غسل شب در گلاب
صرف ناممزوج باید خشک در پیاله خورد عقیق تر کنند صباح کشنیز را بسوزن بنهایت نرمی
یک یک بر دارند تا گلاب مکدر نشود و گلاب را همچنین با آهستگی تمام بردارند تا درد پائین بماند
کشنیز را بخورند و گلاب را بنوشند تا یکهفته بعمل آرند دوای دوام استشمام نسترین مقوی
قلب است دیگر جهت خفقان لاجورد مغسول دو سرخ ابریشم مقرض [illegible] سرخ عنبر وارید سوده سه
سرخ کهربا صلایه کرده دو سرخ آمله مربی یکعدد پاشیده بخورند بالای آن عرق بید مشک گلاب
و عرق گاوزبان عرق نیلوفر تخم خرفه کشنیز شربت سیب شیرین بنوشند دوا جهت استسقاء
زقی که مستحکم و مایوس العلاج شده باشد حکیم علی گیلانی در شرح قانون برای استسقاء زقی مجرب
مجرب لهذا اهل هند نوشته بشرح بسیط از استوده چون سهل المأخذ و کثیر المنفعت بود درینجا
نوشته که بکار رفته محتاجین که در این مرض قوی محتاج و مایوس العلاج میشوند اجل آرند بیخ درخت
کریل خشک بگیرند و سفوف سازند بقدر [illegible] نیم ماشه از ین تا یکهفته و دو هفته بخورانند و پرهیز از
مشویات و بقلیات واجب دانند که این دوا برای استسقاء ناسینه داده میشود چیزیکه
عاقل قابض باشد مانع عمل آن میگردد دوا اگر بیخ شیر مهیر کرد در کوفته در آب محلول ساخته شیره
اش بگیرند بقدر دو دام تا سه دام بدهند و در صورت صعوبت مرض تا نیم رطل با هم چاییده
و ضماد هم باین اصول تیر بشکم مثل حنا ضماد نافع است و در اخراج مائیه کثیر نوشته که بعد
مضغ ضماد تا شش ساعت بلکه زیاده مصابرت باید کرد و اگر مریض اضطراب نماید که یک دو

یک دو شخص دیگر ویرا ضبط نمایند تا اضطراب ننماید و عمل این دوا باطل نگردد و این دوا غایة المنفعت است
در اخراج سوداء استسقاء زقی من شرح حکیم کیلانی دوای خفقان صاحب خلاصة التجارب در تجربیات
خود نوشته چغندر را در خاکستر گرم پخته پوست باز کرده همچنان گرم گرم را ورق ورق تراشیده و نبات
سفید سوده بر تمام آن ورقها پاشیده گذارند آبی که بغایت شیرین تر خواهد آمد بیاشامند و چند روز مداومت
نمایند بسیار نافع است دوای جهت اورام بدن مفید است پوست درخت سرس چرب شانیده بخور دهند که
در اکبرنامه مسطور است که در قلعه یکی بسبب خوردن غلات کهنه ورم در مردم شروع شده بود و از غرائب
اتفاقات آنکه هر کس این دوا استعمال میکرد صحت می یافت و کار بجایی رسیده بود که یک تولچه پوست درخت
مذکور برابر طلا میخریدند دوای جهت اطفال که جهت حبس اسهال الشبان معمول مجرب است ص صبا
بیل گری خس سوخته دهنه مساوی کوفته بیخته تا سه ماشه برنج سرخ بدهند دیگر جهت ذرب و تقطیع شکم قبض صبا
وصرع و اکثر امراض الشبان مجرب است ص نسوت دوازده ماشه لوبیه خشک چهار ماشه پنج خراسانی
چهار ماشه کوفته بیخته نگهدارند و بحسب سن و سال استعمال نمایند دیگر که بسرفه بلغمی و ضیق النفس اطفال
فایده مند است ص مویز منقی ده درم عسل خالص سه درم فلفل سه ماشه بهارنگی تاکر اسپغول
هر یک شش ماشه انیسون خراسانی چهار چهار ماشه کوفته بیخته با شیره آمیخته نگهدارند وقت حاجت
حسب حال و سن اطفال همراه شیر گاو یا شیر مادر حل کرده بدهند دیگر سرفه حار انسان را نافع است ص
مغز بهدانه مغز تخم کدو مغز بادام شیرین اصل السوس کوفته بیخته صمغ عربی کتیرا ساییده آمیخته نگاهدارند
و دوایکه جهت تهوع وقتی که بهیچ دوائی السبته مجرب این خاکسار و والد بزرگوار و از جمله اسرار است
ص دانه هیل قرنفل مغز خسته کنار مغز خسته آمله دارفلفل صندل سفید تخم کشنیز خشک طباشیر
سفید پوست درخت ببیل که درختی عظیم در هند است پهول سرنگ که هم در اینجا است برنج مصری لیمو
تا فیصد هر یک یک درم مشک خالص دو درم انار دانه چهار درم و بعضی اوقات حسب حاجت کم و زیاد
کرده میشود و بعضی اوقات رعایت گرمی کرده مشک مطروح کرده میشود کوفته بیخته کاهی با ...

شربت انار و گاهی به رب به و گاهی به رب دیگر مناسب حال داده میشود و قدر خوراک از ده مثقال تا شش مثقال
دوائیکه جهت قی و غثیان و تهوع و کرم شکم و بهم رسانیدن اشتها از مجربات است طباسفر علف هندی
فلفل سیاه کمابار قیصور هر یک نیم درم فلفل دراز زیره سیاه صعتر سنبل الطیب سماق دارچینی هر یک یک
درم سعد هیل تخم کشنیز هیل اهل هند زنجبیل هر یک یکدرم و نیم انار دانه نه درم نبات چهار درم کوفته
و بیخته تا دو درم تنها یا با چیزی مناسب بدهند دوائی که قی صفراوی را نافع است طباشیر گل سرخ
غوره خشک هر یک نیم جزو زرشک بیدانه انار دانه ترش سماق پوست بیرون پسته هر یک یک جزو همه را
کوفته بیخته از دو درم تا سه مثقال با آب سیب یا آب انار میخوش یا شربت به و مانند آن بدهند دوائی زیره کرمانی
یکدرم انار دانه ترش سونیز دانه از هر یک نیم مثقال کوفته بیخته بقدر یکمثقال بخورند دوائیکه قی
بلغمی و سوداوی باز دارد زرشک بیدانه سه مثقال گل سرخ چهار مثقال نعنا پوست بیرون پسته
مصطکی عود قرنفل سنبل الطیب نخود خشک زیره کرمانی هر یک ده درم کوفته بیخته دو مثقال
با آب سکنجبین سفرجلی و امثال آن بدهند دوائیکه التهاب معده صفراوی را تشنگی و قی صفراوی و اسهال
بسیار بی بدیل است خمیر آرد جو گذارند تا ترش شود و در دوغ کرده بعد از یکشب از یک وقیه تا یک
رطل از آن بنوشند دوائیکه تهوع را نافع است پر طاوس بسوزند و خاکستر وی با شهد آمیخته در دو
انگشت بلیسند دوائیکه قی الدم را باز دارد آب برگ خشخاش را که آنرا بهندی پالسه گویند
با شهد آمیخته بخورند دوائی سعد کوفی لسان العصافیر اصل السوس صندل سفید هر یک دو درم کوفته
بیخته در سه درم با شهد سرشته بخورند دوائیکه قی مفرط بعد شرب شراب پدید آید منع کند
آب نعنع بیرنج نساتهی بنوشند جهت حبس قی که بهیچ دوا نه ایستد سماق را با زیره نیکو بکوبند و با آب
بخورند و اگر آب با اطراف انگور بخورند بی بدیل است دوائی جهت قی اطفال و دست آنها مجربست
گهیل و هاوی حب الآس پیپلی اصل السوس سابر کوفته بیخته با عسل سرشته قدری بر پستان مرضعه طلا کنند
و اگر طفل کلان باشد یکماشه یا زیاده بلیسانند دوائی جهت فواق ریحی مجربست حب السلاطین

را مثل تنباکو بکشند دیگر فلس در شیر زن حل کرده در بینی چکانند دوای عجیب جهت فواق
عود قماری سوخته و سائیده در عسل سفید حل کرده بلیسند سه لقمه تا چهار لقمه دوای که قی را
و غثیان نافع است کبوتر کیچی قسم خورد که کرم خورده نباشد بسایند و بقدر دانه مونگ حبها سازند
و دو سه حب بدهند دوا آنکه در حبس اسهال صفراوی بخیره که در مانده کرده باشد اطبا را
نافع است و فورا حبس میفرماید برگ درخت کونار نکیده رم مانند غبار سحق کرده در آب شبینه حل کرده
صاف ساخته بنوشند در دو سه روز اثرش مشاهده میشود و از اسرار مجربه است دوای
در یک روز اسهال کودکان که در وقت دندان بیرون آوردن بهم رسانند باز میدارد ص
پنیر مایه خرگوش یا پنیر مایه بز یا پنیر مایه آهو هر کدام باشد نیم جز و دانه مویز سائیده استخوان
سوخته شاه بلوط کشنیز بریان سماق منقی خرنوب تخم کرفس زیره کرمانی بریان قطین خشک
ناتخواه هر یک جزوی کوفته بیخته هر ساعت قدری بخورانند در شش ساعت هشت درم بدهند
دوای مجرب برای درد شکم ص حب القرع برنگ کابلی مقشر خرادانه بیرون کرده مغز
گردکان هر یک ده درم کوفته بیخته در هم سرشته وقت خواب بخورند دوای با بهند
دانگی قنبیل سه خس حب النیل نرخس نیم سبک نیم درم ترید سفید برنگ کابلی مقشر هر یک درمی و نیم
ترکی دو درم کوفته بیخته با شیر و شکر آمیزند و بیاشامند دوای که حیات را بیرون آرد
برنگ مقشر پلیله زرد هر یک پنج درم و نیم ترید سفید ده درم قند سفید پنج درم هر شربتی شش درم
با آب گرم دوای مجربه جهت مطلق دیدان کلهای اهل هند ص مویز منقی الود ده هر دو دانه
که از مویز بر آید برنگ کابلی در آن کنند شخصی کلان سال را بیست منقی خورد را پنج یا ده بدهند
که بخورد بهتر آنست که منقی را بلع کنند تا درست بمعده رود و برم احساس طعم و بوی آن برنگ
نکنند و بشوق طبعی منقی را باعتبار شیرینی بخورند دوای نافع اسهال صفراوی تخم مرغ
در سرکه پخته تا ملح ریختن سواد و قالیفن طبیع یا سماق و ناردو و دانه مویز و انگور ابتدا آن جهت اسهال

مرا رشی نافع ربا مصطکی بمانند آن جهت درد شکم سفید **دوائی** مجرب برای زحیر اطفال است یکدرم
پوست لسان العصافیر در آب جوشانده صاف کرده بکار برند ایضاً تخم ترب کوفته با شهد آمیخته
بلیسند در یکمرتبه یا دو مرتبه انشاء الله تعالی رفع میشود و حاجت بسوم نیفتد **دوائی** که جهت
اسهال و پیچ و زحیر و محص معده ضعیف نافع و مجرب در آمده ص بادیان بریان مشک نیم توله نبات
مدبر دو توله کوفته بیخته سه نیم ماشه با آب سرد بدهند و طریق مدبر نمودن نبات آنست که قند قسم اول
بگیرند و پاک نموده بر اخگر با دام و روغن بنفشه یا روغن گاو چرب نمایند پس بیارند علف سبز که
بهندی دوبا گویند و شیره آن بستانند و قدری از شیره نانخواه بریان ضم کنند و این هر دو شیره
در ظرف نهاده و بدست بمالند و بر بقال آب نادیده از آتش نرم برشته نمایند و فرود آرند و بعد سرد
شدن باز شیره های مسطور بریان کنند همین قسم هفت کرت بریان زنند پس بکار برند **دوائی**
دیگر نافع صمغ عربی ربع ماشه زنجبیل بریان نیم ماشه بهیل تخم گشنیز بریان یکماشه مصطکی انار
دانه کوکنار برشته یکنیم ماشه نبات مدبر چهار ماشه کوفته بیخته با آب بشبینه هر صبح بخورند ماشه
عبارت از چهار نیم ماشه است **دوائی** که در زلق الامعاء و اسهال کودکان که در وقت دندان
بر آوردن پدید آید بکار آید ص تخم خشخاش سفید کند حب الآس هر یک نیم درم کوفته بیخته با زرده
بیضه نیم برشته نموده بدهند **دوائی** قاتل خراطین دیدان حب القرع من مجربات حکیم کمال الدین
شیرازی ص تخم خشخاش قنبیل دارچینی دار فلفل زنجبیل فلفل سیاه کبوی پرنگ کابلی بتر به سفید هموزن
یکیک مثقال مجموعه را کوفته بکالبند آهالی سرشته فرو برند بقدر یکتوله دیگر بجهت خراطین و دیدان
بیخ آزاد درخت مقداری در آب جوشانیده تا از نهشت سیر یک سیر باز آید اول شیرینی قند
خورده این دارو نوشیده بخسپند **دوائی** دافع کرم خورد که در هندی چنچنه گویند شیره برگ
بهنگره سیاه شیره برگ دهتوره سیاه شیره برگ تنبول همه بیامیزند و هر روز دو بار از سر
انگشت در مقعد بکر دانند یا فتیله از جامه کرده بائین دارو آلوده کرده بچه دبگیرند در سه روز

برآرد سنگ سرمه‌ای حجر الیهود حب القلت تخم ترب خار خسک هر یک دو ماشه کوفته بیخته با عنب الثعلب
سبز سرشته حبها ساخته اول بخورانند بالای آن شیرهٔ خسکدانه شیرهٔ مغز خستهٔ آلو هر یک یک توله
شیرهٔ تخم خربوزه ده توله در عرق خار خسک ده توله شربت کشوث دو توله حل کرده بنوشند دوای
حکیم علی سرهندی در شرح اسباب و علامات که تصنیف نموده در مبحث ذیابیطس نوشته که استاد من
ظفر یافته بود و این مرض در نمی‌رفت که آنرا بالکل زایل می‌کند حب طوطه که بهندی دانه رامی گویند صاحب
داراشکوهی هم نوشته قدری ... طوطه هندیه را کوفته در آب تر نمایند و کسب کنند و بعده نیز
و شکر طبرزد در همان آب حل نمایند و در دیگ پاکیزه این آب با شکر بپزند تا به آتش ملایم و هر صبح وقت
نهار ازین استعمال نمایند و بعد یک ساعت بر و حب نمایند گفته که من این بارها دادم و خطا
نکرده مجرب است دوای که بفتت حصاة و سنگ مثانه و تحقیق بول غلیظ حب القلت حب صنوبر
پوست بیخ کبر هر یک ربع جزو تخم کرفس نصف جزو تخم خربزه یک جزو شربتی دو مثقال دوای
تفتیت حصاة هرگاه مزاج حار باشد بکار برند خاکستر بیت خاکستر پوست تخم مرغ که بچه از
وی برآمده باشد حجر الیهود سیاه مساوی شربتی یک ملعقه با شیر یا شراب کهنه دوای جواکهار و سهاگه
هر یک دو ماشه در دوغ بخورد سنگ مثانه و باد گرده را نافع بود دیگر جواکهار با شکر تری بخورانند
هر نوع سنگ را دفع کند دوای برای سوزش بول و برآمدن خون بر آمدن از قضیب سفید شوره
قلمی جواکهار ورق حنا کشنیز خشک یا سبز قاقله کبار ریوند چینی هر یک نیم درم قند سفید دو برابر
مجموع هفت حصه سازند هر روز یک حصه خورند دیگر که برای حبس بول مجرب است شکر سفید نصف
اوقیه بروغن گاو تازه یک اوقیه بهم آمیخته بیمار را چند روز بخورانند که عجیب اثر نماید دیگر در بیا
عروق یا برگ شلغم تازه یا خشک سحق نموده با شهد خالص مخلوط ساخته لعوق نمایند و تضمید بر مثانه
برگ نیل نیز نافع است دوای برای حبس بول انجیلی سفید شوره یک مثقال تا دو مثقال با شکر برابر
آمیخته سفوف سازند و همین قسم شوره نهار در آب حل ساخته بدفعات دادن از مجربات شمرد

شمرده اند و استعمال شوره تا سه تولچه البول آید و مفید افتاد دوائیکه برای بول فی الفراش مجرب
اسرار است چنجره مرغ جوان سوخته بقدر یکدانگ تا دو دانگ در آب نیمگرم آمیخته وقت خواب بنوشند
و جلد سینه آب کبر بیتی در آب شبی نیز نافع است دوای جهت عسر بول کلید و کرم شب تاب که در
عربی صاحب کبید سرا او را دور کرده خشک ساخته با دوازده مثقال نقیع حلبیت چون یک روز می نوشند
جهت حبس البول و اخراج سنگ کرده مفید دوائیکه بوزنش بول نفع تمام دارد درخت سبزی
که در هند می کیلیه گویند قدری از درمیان شق کنند و در آنجا ظرفی وصل نمایند و آبش بگیرند و حسب
حاجت بدهند دوای بخاصیت بول بگشاید زعفران سوده یک شاخ کجری قضیب نهند و
سیوش مرده کجری نهادن نیز نفع دارد و اگر مثانه گوسفند یا گاومیش بسوزند ولیسایند و با
شراب شیرین بدهند سود دارد دو درم سرطان نهری بیان کرده کوفته با عسل یا شکر بدهند
و اگر کبوتر بچه را بشکافند و خون آن بر زهار چکانند و آنرا بگرمی بشکافند و بر زهار بنهند قوت
مثانه را بحرکت آرد و شیاف نمک طبرزد بول بیارد دوای چرک گوش کاوسین [illegible]
یکالند [illegible] البول بیارد کافور ریاحی در احلیل نهادن [illegible] سائیده بر ناف مالیدن شوره
قلمی سائیده بر عانه و زهار و قدری آب بر آن پاشیدن [illegible] جهت سلس البول
[illegible] آرد [illegible] ورق طلا یک دانگ خوردن همین عمل دارد دوای برای بول فی الفراش نافع است
و مجرب تخم شاهسفرم با یکدانه مازو ریزه کوفته بدهند دیگر پوست بالای سنگدانه مرغ شسته
و بریان کرده اگر بکسی بدهند بول در فراش نکند دیگر [illegible] هم منع ادرار [illegible] نماید مجرب است
بلوط با وزن آن کندر با روغن زیتون سرشته مداومت نمایند دوای مجرب بجهت بول در فراش
کرده ادرار خشک کرده تخم شبت [illegible] تخم کرفس [illegible] کوفته
دو سیم درم با یک اوقیه آب [illegible] نافع است و بهتر [illegible] از همه [illegible]
[illegible] باشد در آن [illegible] دوای بخاصیت [illegible]

وتعب بر آید دوای که برای سیلان رحم نافع است قشور کندر جفت بلوط زیره سیاه بارگز عدس
خاکستر جو با کتیرا سنبل الطیب هر یکی را با مجموع حمول کنند نافع است دوای که جهت سیلان رطوبت
از رحم سفید است جوز بوا فوفل هر یک سه عدد دلادن دو مثقال بکوبند و با آب مورد تازه و گلاب
حمولا یه کرده نیم گرم بکار بالند دوای که سیلان رطوبت رحم را خواه در حال جماع خواه در اوقات
دیگر زایل شود بر طرف شود سنگ ابنج سولسری کسیس بلیله سیاه گل سپید دارچینی زنجبیل
هر واحد یکتوله همه را نرم ساییده یکجا کرده نگهدارند و پیش از جماع به دو ساعت بقدر دو ماشه
بطرف اندرون بمالند دوای درد رحم را که در ایام حیض معتاد شده باشد دفع کند ریوند
خطائی کوفته برابر ریشه نبات ساییده آمیخته نیم توله از شروع حیض دو روز پیشتر شروع بخوردن
کنند و تا سه روز بخورد دیگر که همین عمل کند نمک باریک ساییده بران آمیخته سه دارند دیگر درد رحم
را که شدید باشد و بعد از نفاس پدید آید و به دوای دیگر نفع نیابد فوراً ساکن سازد کوکنار بقدر
در آب تر کنند چون قوت او در آب آید اندکی از آن تخمین سیر دیا گرم کرده بنوشانند و اگر خواهند
قدری شکر داخل کنند دوای جا و عسر ولادت را نافع است و اسقاط مشیمه مر و قنه جاوشیر
بالسویه شربتی دو درم با آب کرفس یا آب رازیانه معصور دوائیکه بخاصیت تسهیل ولادت کند
مقناطیس در دست چپ گرفتن و خاکستر سم خر طلا کردن و لبه بران بستن و تعلیق لشب بر ران و سم
خر دود کردن نافع است دیگر مجرب است پوست خیارشنبر چهار مثقال باریک ساییده در آب بجوشانند
و صاف نموده آب آن با شربت بدر بنوشانند رد جوشانده از خشک و پر سیاوشان بیخ خطمی و تخم
الحیوان ابهل خشک طراثیث گل بالبعض با شکر یا عسل حل کرده بدهند دوای بخاصیت مشیمه
بیرون آرد زعفران دو درم ساییده لبسر شهد و مهره میبازند و بران بندند دوای جهت
جریان طمث گل پارسی شکر طبرزد هر یک شش ماشه با هم ممزوج کرده بخورانند دوای قطع خون
بواسیر کند مجرب است گردکان با پوست سوخته یکمثقال با آب مورد دو مثقال بدهند و اگر پوست گردکانی

فصل پنجم در بیان ادویه که بامراض عامه مثل حصبه و جدری و جذام و آتشک و حمیات وغیره
تعلق دارد دوا هر کسیکه فرزند او بعلت سرخ باده مبتلا شده باشد باید که مادر و پدر او قبل
از جماع چند روز بر این دوا ریست نمایند عناب هفت دانه صندل یک ماشه شاهتره هفت
ماشه برگ حنا شش ماشه پوست درخت کچنار چهار ماشه برم ڈنڈی نیل کنٹھی از هر یک سه ماشه
منهدی چهار ماشه چهار ماشه سپرهوکه پنج ماشه شکر سفید دو توله ایضاً مغز فلوس خیارشنبر گل سرخ
عناب سپستان چاکسو نکهو صندل سرخ چکه دانه هلیله زرد هلیله سیاه سونف جوشانده
بعمل آرند ایضاً که شربتی نافع است بزرالحیه یعنی خرب کلان و اسپغول هر یک سه درم با کلاب
بنوشند ایضاً که شراب بلغمی نافع است کبابه چینی یکدرم شکر سه درم سائیده چند کرت
بخورند دوای سهل مجرب که ماده آتشک و جرب و مفاصل و امراض جلد مزمنه دفع کند و
آزموده است بهلی مغیلان پوست کچنال پوست نیم از بیخ بهتر است بیخ حنظل و کٹائی خورد
با بیخ و برگ هر یک بوزن نیم پاؤ اگر ادویه خشک باشند کوفته با قند سیاه نیم پاؤ در سه آثار آب
شب تر نمایند و اگر ادویه تر باشند همان وقت در آب چندان جوش دهند که سه پاؤ آب بماند بعدها
در شیشه نگهدارند هفت روز بخورد مجرب و آزموده است نسخه آتشک لیموکه سیرآب و کلان باشند
یکی کافی است و اگر کوچک باشد دو لیمون گرفته از کارد لنصف نماید و تخم از آن دور سازد و
بعد از آن بنگاه مریض مخفی هفت هشت قطره شیر تهوهر پهلی دار در هر دو پاره لیمو چکانند و
آتشکی در حلق فرو چکانند نوعیکه شیر مذکور بدندان نرسد بالای آن هفت بادام بخورانند مثل
بعد رطوبت از دهن خواهد برآید یا دستی اجابت خواهد شد از تکرار عمل هفت روز بیماری بالکل
دفع شود بالای آن دو پیازه مرغ با نان بخورد و اگر کهجلی و وجع مفاصل باشد بجای شیر تهوهر
پهلی دار خار دار در لیمو بچکانند و بدستور در عمل آرند دیگر گل صد برگ زرد پاؤ سیر در آب
بیخ سوبیه یعنی کسیله تر کرده شب را نگهدارند صبح عرق بکشند و یکدام صبح و یکدام شام بخورند دیگر

دیگر قرص کافور بهتری که حرارت والتهاب داشته باشد بسیار مفید است دوای خارش نسخهٔ علوی خان
صاحب که معمول الشان بوده برای قوبا و جرب فایده بسیار میکند توتیای کرمانی تخم پنواڑ هر یک یک توله
مغز تخم خربوزه مغز تخم خیارین کالی زیره هر یک دو توله در سرکه و روغن گل چهار چهار دام کهرل کنند
تا مثل مرهم شود و بمالند و غسل فرمایند ایضا عجیب الاثر است و مغنی از سایر تدابیر در جرب رطب
و یابس ثابت شده نفع آن خلق کثیر کرده اند چوک مرداسنگ سهاگه کمیله کهت سفید پهتکری هر یک
واحد شش ماشه نیله تهوتهه سه ماشه اول ادویه باریک سائیده و در روغن سرسون یا کوزه حل کنند
و بمالند بعد دو ساعت از آب سرد غسل نمایند ایضا موافق نسخه معمول [illegible] هلدی گندک
آمله سار کمیله [illegible] فلفل گرد هر یک یک توله توتیا سبز سه ماشه روغن چنبیلی نیم پاو داده
کوفته بیخته باریک کهرل نمایند تا رنگ دواها آسمانی گون شود و بعد از آن روغن چنبیلی انداخته سحق
بلیغ نمایند تا مثل مرهم شود ایضا کبریت سیماب [illegible] شنگرف هر واحد یک ماشه کوفته بیخته
چهار حصه سازد و هر روز یک حصه در روغن گاو یک صد و یک بار شسته باشند آمیخته بمالند ۱۹۳
نافع برای خارش بدن و خصوصا قضیب انار ترش یک سیر در سرکه انگوری در ظرف مسی [illegible] بپزند تا مرهم
شود و بس در آن انداخته کبریت زرد و پوست بلیله زرد توتیای کرمانی مغز تخم خربزه بو داده مغز
تخم خیارین مغز تخم کدو بو داده پوست تخم [illegible] سوخته حضض [illegible] هر واحد یک مثقال
کوفته بیخته در [illegible] سازند تا مثل مرهم شود و بر بدن بمالند دوای خارش که پاره و غیره دارد
سیماب دو درم [illegible] روغن زرد گاو [illegible] دانا
ادویه کوفته بیخته [illegible] باشند [illegible] نگهدارند
و بمالند دیگر روغن گاو دو توله [illegible] در آب بشویند [illegible] سیاه مرداسنگ [illegible]
سیماب [illegible] کوفته بیخته [illegible] بمالند و بعد از آن [illegible] غسل
نمایند دوای خارش [illegible] تخم حنظل [illegible] صندل سرخ دو درم [illegible]

کوفته بیخته با روغن گل و سرکه طلا کنند دوای خارش سوم کافوری روغن گل یا چنبیلی مردارسنگ
گلاب خالص اول سوم را بر آتش بنهند تا یک سوم مثل روغن شود و بعد از آن مردارسنگ را سرمه سا
کرده داخل نمایند و هرگاه هر چهار چیز یکسان شود و گلاب داخل کرده باز دست زنند مثل سوم
روغن گردد و در ظرف نگهدارند و درهمین نسخه کاهی کافور سفید اضافه نمایند فایده بسیار میکند
وقت حاجت بکار برند ایضا جهت خارش بدن روغن کنجد چهار دام رال سفید دو درم
نیله تهوتهه سه ماشه اول روغن در ظرف مسی آهنی سوخته فرود آرند و رال ساییده در روغن حل نمایند
در آب بسیار شسته بعده نیله تهوتهه بریان کرده ساییده داخل نمایند دوای خارش سفیده
کاشغری شش ماشه شاهتره هفت ماشه مردارسنگ هر یکی چهار چهار ماشه چوک دو ماشه کافور
یک ماشه همه ادویه خوب ساییده در روغن چنبیلی حل کرده مالش نمایند و معجون شاهتره میخورده باشند
غذا گوشت نمک باشد ایضا برای جرب مجرب است سفیده کاشغری شش ماشه مردارسنگ سه ماشه گندهک
سه ماشه کافور یک نیم ماشه روغن چنبیلی چهار دام سرشته خوب بهم سحق نمایند و بمالند ایضا جهت
خارش تخم خشخاش یکدام در آب لیمون کاغذی در کهرل خوب حل کرده مثل مرهم ساخته جای
خارش بمالند ایضا افیون یکدام سهاگه دو دام نصف بریان و نصف خام هر سه را
با یکدیگر خوب حل کرده مثل حنا در شیشی جمع ساخته نزد خود حاجت بکار آید یک حبه را آب حل کرده
بر موضع خارش خوب بمالند در مالیدن دو سه روز فایده خواهد شد دوای مجرب جهت دفع خارش
از حکیم علو خان شنگرف شش ماشه جو کوب نموده آتش در یک ظرف گرفته نگهدارند جاییکه آبله وغیره
بوده باشند شنگرف را بسوزانند و بالای آنجا دود بر سر گرفته دود آنرا بخوبی بر آبله وغیره
رسانیده سه چهار روز همین قسم مستوار بکنند مجرب است دوای کلف تخم ترب سپید و دار آرد
باقلا گل معصفر هر یک سه ماشه ادویه خوب ساییده سرمه سا نموده در آب لیمو حل کرده وقت
شب در استعمال آرند دیگر برای بهق سهاگه خام یک درم در آب لیمو کاغذی حل کرده بمالند

بمالند و در آفتاب نشینند دوای جذام مجرب بجهت تنقیه ادویت نمایند فایده کلی بخشند
شاهتره و برم ڈنڈی نگهبد پوست هلیله زرد هر یکی دو توله شب در آب تر کرده صبح مالیده صاف نموده
بنوشند ایضا جهت جذام هلیله کابلی چهل عدد و افتیمون هفت درم کوفته و بیخته به
کشمش یا مویز و شکر طبرزد سرشته بخورند هر روز بقدر چهار مثقال ایضا در وقت
استحکام جذام بکار آید هلیله سیاه هلیله زرد و افتیمون هر یک پنج درم کوفته بیخته با شحم حنظل
پانزده درم یکجا کرده هر روز یک توله بخورند و این قرصها را طلا کنند شیطرج هندی زراوند
سرخ هر یک یکنیم درم سیر میده نوره سبز و داس استخوان ماهی تا هو خربق سیاه اطریلال
هر یک دو درم عنصل سه درم کوفته بیخته به سرکه انگوری قرصها سازند و هر روز به سرکه سائیده
طلا نمایند دوای جهت برص و بهق پوست هلیله کابلی اطریلال هفتر شعیر واحد یک وقیه ترنج
سه وقیه بقند سفید یک رطل سرشته از سه درم تا پنج درم هر روز بخورند دوای برای
برص بجهت تنقیه مجرب است اجمود اول روز چهار ماشه شروع کنند روز دویم شش ماشه روز
سیوم هشت ماشه زیاده از هشت ماشه نخورند تا پنجاه روز و غذای آن نخود یا نخود برشته
بی نمک دوای جهت آتشک که در چلم حقه می کشند یکجا صبح و یکی میانه روز و یکی شام
سه روز همچنان بعمل آرند اگرچه این بعمل نیامده اما در بیاض مجرب دیده شد قرنفل لاچی خرد
دارچینی چوب چینی پان [illegible] هر یک سه ماشه کوفته در چلم انداخته بکشند
دوای که در صحت جدری [illegible] که طبیع خشک شده باشد بکار آید هلیله زرد سفستر یکجا [illegible] صاف
کنند و قدری شکر طبرزد داخل کرده بنوشند دوائیکه خواص عجیبه اوست در هر سال که مقدار
قلیل از و بطفل بدهند در آن سال دانه جدری باو بر نیاید و اگر برآید زیاده از چند عدد نباشد شیر
مادیان سپید که هندی لبن ابرک گویند حسب سن سال [illegible] جدری بطفل بدهند
که از آن سال ایمن مانند دوای جهت جدری اطفال کلوی ملٹھی مقشر انار دانه در آب جوش داده

صاف نموده بنوشند دیگر جهت چیچک عدسی و خارش و جوشش بدن طفل گلوی بالسه کوند بیول
سوخته پوست کنز یا پوست کهیر پسته نیم دار هلد نعل بلیسانند دوای که در بر آمدن جدری زبانیکه
پر آب کرده و علامت ردی بود باشد بکار آید بابونه اکلیل الملک بنفشه خطمی سبوس گندم مجموعه
یا یک واحد در آب جوشانیده علی الرسم بخور کنند دوای که جهت خشک کردن جدری زبانیکه دیر
خشک شود بکار آید بعد از آنکه بخور برگ سدر آن بسوزن بزنند تا هستگی و نجز قه ریحیده برگ گل یا
برگ سوسن یا صندل یا چوب گز یا چوب بانا ترش در زیر دامن دود کنند و آتش در زمستان از
چوب کنیر و چوب زر باشد و در تابستان چوب سپید دوای که حفظ چشم از آبله جدری نماید شیاف
ماميثا صندل سرخ عود علی الرسم وقت حاجت بسرکه و گلاب ساییده در چشم بچکانند و اگر سرکه و گلاب
سعوط کنند نافع است و اگر با روغن گل یا روغن بنفشه یا قدری کافور بچکانند و طلا کنند سود دهد
دیگر که بر جراحت آبله باشند گل سرخ کندر انزروت دم الاخوین ساییده بر آن موضع پاشند
فایده در منافع گلو بدانند خاصه که از بر درخت نیم پیچیده است تنها هر قسم که باشد حتی برگ
ها هم نیز مفید است و تجربه معمول و با اسهال و کهنه اسهال لرزان را و سرفه را نیز سود مند است و ست او
لطیف تر و سریع الاثر است و اکثر مستعمل بود و مطبوخ آن باشد سرد و تر است و گلو هر چند که تلخ است
لیکن نیز در بعضی تسهیل صفرا ورد دارد و در تپ ها قیون خصوص به نفع او در امراض مختلفه مشهور شده
و جهت تپ دق کثیر النفع است خواه تنها دهند خواه چیزهای دیگر در آمیخته و در تپهای گرم نقوع
کرده دهند و در تپهای سرد با زعفران و بلغم جوشانده و ترکیب حسب حاجت گاه با شیر میکنند
و گاه با سونتهی و گاه با چرایته و امثال آن و اصل در جمله گلو را دانند و طریق استخراج ست او آنست
که گلوی سبز بگیرند و بشویند و بکوبند و آب خاصه که از باران باشند قدری بپاشند و صاف کنند
تا آب غلیظ برآید پس آن آب را در ظرف سفال یا چینی روغن نموده بران ظرف پارچه بسته تا
اثر گرد و غبار محفوظ باشد در آفتاب بگذارند که خشک شود و اگر شیره افشرده را بجوشانند که

که غلیظ شود نیز روا است و این سست مطبوخ در حمیات بارده اولی است و افتابی در حاره و اگر خواهند
که سست در غایت لطافت حاصل شود گلو را بعد شستن دو پاره کنند و هر کاله را باز نند و بقدر دو سه
انگشت مضموم یک شب در آب باران تر کنند و صباح بمالند و چون اجزای او در آب جدا شود قطعهای
گلو را از آب بیرون آورند و آب را بگذارند تا که اجزای گلو که سست عبارت از وست ته نشین گردد
آب صافی بیرون اندازند و سست را خشک نموده بکار آرند دوای که نشان آبله از روی
برد بیخ نی خشک هشت درم استخوان سوخته یا بوسیده لشپک کهن سفال الو تخم خربوزه نشاسته
نخود و هر یک دو درم حب اللبان قسط تلخ زراوند طویل هر یک پنج درم کوفته بیخته با آب خربزه یا آب باقلا سرشته
شب طلا کنند و روغن بنفشه بمالند و با آب گرم بشویند دوای قوی تر اسفیداج مرده سنگ
مغسول دندان فیل سوخته کرده هر یک سه درم بیخ نی خشک آرد نخود استخوان بوسیده آرد بیخ
تخم خربزه حب اللبان قسط تلخ هر یک چهار درم کوفته بیخته بلعاب تخم کتان سرشته شب طلا کنند
و صبح با آب گرم که بنفشه و بابونه در هم پخته باشند بشویند دوای هندی که تپهای موسمی صفراوی
و بلغمی بسیط و مرکب را نافع است گلو طباشیر سفید دانه الایچی خورد هر یک نیم توله نبات یکتوله و نیم
شربتی چهار ماشه تا نیم توله دیگر معمول جهت مذکور تخم کاوزبان لم داده کوفته بیخته عرق قند
سائیده و مساوی الوزن آن بیخته سه رقت بقدر حاجت بدهند و بعضی اوقات طباشیر و سست گلو افزوده
میشود و فایده دیده دوای که تپ لرزه را نافع است برگ حنا کوکنار هر دو برابر کوفته بیخته
چهار قدر که در دو انگشت بیاید بخورند دوای جهت تپ لرزه معمول مرچ پیپل گلو کرنجی جراینه
گیرو و هر یک نیم جزو بنگ یکجزو کوفته و بیخته یکماشه بطریق سفوف با آب سرد بخورند دوای
معمول و مجرب ریوند چینی یکماشه دهتوره یکماشه سونهاگه سه ماشه کوفته با آب ادرک یک پهر کهرل
کنند و حبها برابر ماش بندند یک حب یا دو حب بدهند دوای که برای تپ ربع نافع است
و مجرب برگ دهتوره برگ پان گنگرنی فلفل گرد هر یک دو و نیم عدد را با ریک ساخته قدر فلفل حب سازند

یکی صبح و یکی شام با آب گرم بدهند دوای تپ تهار مزمن را سود دهد دوا است که عبارت از چیزی خشک
که در پای نشیند ... آسته ... ها بجا ببرد یک نخود افیون یک سرخ برگ نیم دو نیم عدد و باهم آمیخته
در قند سیاه سرشته سه حب سازند پیش از آمدن تپ بسه گهری یک حب بلع کنند و چون تپ
شروع کند یک حب دیگر بدهند و اغلب است که حب سیوم حاجت نه افتد و اگر مریض قوی باشد از
اصل جمله دو حب بدهند و افیون را دو سرخ یا زیاده اندازند و هم برگ نیم که بگیرند در طول باشد نه
در عرض دوای فربهی بدن از اسرار مجربه است کتیرا مغز بادام نشاسته شکر سفید جمله برابر
قدر لایق تناول نمایند و مداومت فرمایند دوای بدن را لاغر کند ناخواه تخم سداب زیره کرمانی
هر یک چهار درم چوب لک یا لک مغسول دو درم مرزنجوش بوره ارمنی هر یک یکدرم کوفته بیخته
هر روز یک مثقال بدهند دوای مهزل بدن هر روز سه ربع از سعد رومی در آب و سکنجبین حل کرده
تا سه هفته بخورند بدن را لاغر کند دوای که بدن را لاغر کند لک مغسول یکدرم با سرکه چند
روز ناشتا بکنند دیگر زیره سیاه را اگر چهل روز ناشتا مداومت کنند بدن را لاغر کند و آب مقطر
از مکو قوی التهزیل و عجیب الفعل است دوای در تهاسنج عرق کنند برگ بیور و کلنار کهر یا
سائیده به بدن مالشند دوای که در افراط عرق بکار آید لعاب بنگو لعاب بهدانه صمغ عربی را
حل نموده بمالند دوای که حبس عرق کند شب یمانی در آب حل کرده دلک نمایند و همچنین بورق
سوسن آس و طرفا و آب مقصود ... دوای که عرق آرد آب کرفس و گلاب قدری سرکه و روغن گل
بهم آمیخته بر تن بمالند و همچنین روغن بابونه تنها یا با بوره ارمنی آمیخته بمالیدن و مروخات داخلی سکنجبین
ساده یا بزوری نوشیدن یا آب کاسنی امثال آن و شربت گل بنفشه و نخود آب باقلیه زرد که
هم معرق است دوای که عرق مدنی است در اول ظهور نقاطه نیم درم صبر بخورند و روز
دوم یکدرم و روز سیوم یکنیم درم و موضع را نیز به صبر طلا کنند و هر گاه رشته ظاهر شود
بر وی پارچه سرب بوزن یکدرم بربندند و با آهستگی بیرون دارند و از شکسته شدن آن پرهیز نمایند دوای که

برگ یا گل یا تخم خورده باشند موافق آن بیخ پنبه بجای گل و برگ و تخم مساوی بقدر کافی
آب خورانیدن و از تجربات است دوای شارب کزبره رطبه اول علاج همان قی است پس زرده
بیضه مع فلفل و نمک بخورانیدن و شوربای گوشت فربه و بالائی آن شراب صرف اندک اندک و اگر حاجت باشد
افشره دارچینی و فلفل با شراب ممزوج سازند و عوارض که از خوردن آن مثل کوفت بهم میرسد قریب عوارض
تشنج باشد و علاج همین قریب آن دوای شارب جوزمائل علاج همان قی است با آب شیر گرم و عسل
نمک و سپستان بعد از آن چیزهای ترش مثل شربت زرشک و انار و سرکه انگوری و دوغ ترش
گاوی و شیر خر تریاق است دوای شارب بلادر علاج آن بعد قی نوشانیدن مسکه و روغن گاو
و روغن کنجد است تا ساکن شود لذع آن و اگر احساس لذع در حلق و شکم باقی باشد بنوشند ماء الشعیر با
دوغ ترش گاوی و نیز قطونا و آب انار بسیار مفید است و چیزیکه بخاصیت رفع سمیت بلادر میکند
چهار مغز است که آنرا باد زهر بلادر دانسته اند کنجد سیاه با شیر گاو میش را اعضا بالیدن
و قدری کنجد خوردن در رفع آماس و ورم است که از بلادر بهم رسد دوای شارب مرتک سنگ و
رصاص بکرر قی فرمودن است بعقیات معتاده و تلیین طبیعت مثل خیار شنبر با ادویه مزلقه مانند
تخم کاسنی و تخم خیار بدرقه و تخم کشوث و کرفس با سپستان [illegible] هفت مثقال با آب گرم
حل ساخته و آنچه در [illegible] مفید است و [illegible] منفذ فلوس خیار
شنبر است که در آب [illegible] یا حلوا روغن بادام یا روغن گاو ضم ساخته داده میشود دوای
زیبق و شنگرف و زرنیخ زیبق از خوردن چندان مضرت نمیرسد اما سیماب مقتول و مصعد کشنده است
و بسیار گرم و درد شکم و بعضی تنفر پیدا میکند و خون از شکم جاری میگرداند علاج همین چند
کرتا ماء الشعیر خورانند که شکم نرم شود و حدت و سمیت آن تعدیل پذیرد و بعد از آن ادویه مسهل
آرند و زیبق که در گوش رفته است بعمل هست بمیل رصاص برمی آید چه از شان رصاص است
که زیبق بوی متعلق شود و صاحب دار اشکوهی نوشته که میل طلا بهتر از رصاص است دوای

الیضاً بیخ و برگ شاخ جر جیر با اسپغول کوبیده ضماد نماید مر مبرد النفع است و گزدم کوفته بر نیش ضماد کنند مفید است
مفید لدغ عقرب است دوائیکه هر که بدین حیوان که مسمی بار بیع و اربعین که بپارسی هزار پایه گویند و
کهنکجوره یعنی دخال الاذن گویند مستعمل است حیوان مسطور را فی الفور کوبیده بر آنجا بمالند سوزش
سمیت آن را بالکل زایل سازد تحقیق است که زنگار را با الیدن نمک و روغن گاو دیسه ستو نافع است
دوا می کر لدغ افعی را اسود دهد پوست درخت سرس و پوست بیخ او و تخم و گل هر چهار چیز را یک
درم کوفته و بیخته با یک قاشق بول اداکاو در روزی سه دفعه تر کرده بخورد زهر مار در حال دفع کند
و اگر در سالی یک هفته بخورد هیچ زهر کار نکند و اگر بگزد همان جا بمیرد و درخت کهنه که پوست
او سیاه شده باشد در خواص قوی تر است و بعضی گویند چون آفتاب بجوزا آید سه روز هر روز دو درم
کوفته و بیخته از پوست و سی شسته بریخ سایه بخورد تا سال تمام از زهر گزندگان ایمن باشد و اگر
گزد آن حیوان بمیرد این بالخواص است الیضاً اگر کسی را مار گزیده باشد حب السلاطین را که دند گویند
از پوست سخت بیرون کرده و پوست نازک که بمغز او متصل است جدا کنند و مغز او دو پاره است
از هم جدا کنند و پرده که در میان هر دو نصف است دور کنند و هر قسمی را جداگانه صلایه کرده
تا با آب در هر یک چشم بکشند آب بسیار از چشم ملدوغ روان شود و از هلاک ایمن شود و مجرب نموده است
نقل است که مار گزیده هفت روز زنده میماند اگر چه حس و حرکت او برود و در ظاهر همچو مرده افتاده
باشد کچله را با آب لیمون سائیده در حلق مار گزیده بریزند و پلیده بر سر و در بدن بمالند در ساعت
صحت یابد و اگر دفن کرده باشند بر آورده این عمل بکنند از معتبری مرویست که اگر مار گزیده را
پنج مشق چمال کوته بدهند فی الحال صحت یابد چمال کوته بقدر زهر مار بدهند و اگر مار سیاه باشد تا
هفت تا نه بدهند مجرب است دوا می جذب سم مار گزیده نماید هر گاه کسی را مار بگزد زود یک مرغ
را گرفته پرهای مقعد او را بکنند و مقعد او از هر طرف به کنند و موضع ملدوغ را چند نشتر زنند
که خون بیرون شود و کلاها بجنس ملدوغ بنشیند و مقعد مرغ را بر موضع ملدوغ بچسپانند که با مر الله

قدری کافور هم بیفزایند ذرور دیگر جهت اکله مجرب است گل کلاه سفید که بشکل چنار است مشهور است
کلنار قنبیل کات هندی سفید صاف کرده هر یک یک مثقال سنگ بصری شش مثقال دو سه مرتبه در آتش
سرخ کرده سرد نمایند که زرد می شود و همه را کوفته بیخته در سنگ سماق یا سنگ خارا یا هاون نقره مستعمل
با سرکه انگوری بسایند و در ظرف چینی پهن نمایند و بار دیگر چون خشک شد آنرا بسایند و در سایه خشک کنند زخم
را بسرکه شسته آنرا بپاشند و قدری از آن سرکه بخورند و غذا آش ترش و از گوشت و روغن
و ماست پرهیزند ذرور قرطاس با کلفضاض اکله و هرچند آکله و مفید است هم مجرب شش درم
زرنیخ زرد کبریت زرد هر یک دوازده درم قشور نحاس کاغذ سوخته هر یک بیست و چهار درم کوفته بیخته
در قروح متعفنه رطب خشک استعمال نمایند و در قروح یابسه با روغن گل و با عسل ذرور شعر در
دفع اکله و تجفیف قروح مجرب است کافور زرنیخ تخم ریحان هر یک ده درم نصف جزو پوست پیاز سوخته یک جزو
مو سوخته دو جزو **فصل سیوم** در ذرورات که بسایه جروح و قروح مناسب است ذرور
انزروت قرحه را پاک کند نشاسته سه درم انزروت مربی سپیده ارزیز از هر یک دو درم
تنها یا با بیاض بیض حل کرده با شیاف ابیض شیاف انار مخلوط کرده استعمال نمایند دیگر جهت
بردن گوشت و رطوبت بسیار مجرب است کندر دم الاخوین هر یک دو درم کاس سوخته چهار درم انزروت
مازو شب کاغذ کبود سوخته هر یک ده درم ذرور اعظم جهت جراحت قضیب و اکله و قروح
سایر بدن و کله و سایر اعضا و قطع خون جراحت و انبات لحم و سرخ درم و خروج العصا با بوا
و از موده است و مجرب است سفیداب قلعی توتیا مرکانی شسته کند، هر یک جزو مومیائی آدمی سوخته
کلنار سماق کاکلوهی سوخته اگر نباشد استخوان سوخته سرکه عناب گل ارمنی هر یک دو جزو از حریر کهنه
استعمال نمایند هر گاه در قضیب قلیل بود و خواهند که در آن استعمال نمایند صبر زرد یک جزو مرداسنگ
با آتش سکر زرنیخ کرده در سرکه انداخته مسحوق نمایند لطیف نماید ذرور دیگر جراحت مرکب
مستعد را که با انسان بسیار حادث شود و حکیم علی گیلانی مجرب خود نگاشته سفیداج الحمر مرداسنگ

عفص و دقاق کنند و شب یمانی کوفته بیخته خوب باریک نموده بمقعد بپاشند لیکن اول مقعد را بار روغن گل چرب
کرده و بعد یکی دو ساعت که استنجا نماید از آبی که گزمازج و سنبل و قرنفل و گل سرخ و اذخر و مازو و پهلیله
مرکی هر واحد بقدر صالح در ظرف جدید جوشانیده باشند بکنند اگر خواهند بار چیز را با آب بر روغن و دوا
و ساخته بر مقعد چند ساعت نگهدارند خصوصاً اول استعمال در روز درد و برکه در چکه نشستن و شود
آن را بکار آید شادنه گل ارمنی هم سماق هم که کوفته بیخته بعد چرب نمودن روغن گل بپاشند دیگر
سرکین گنجشک را چندانکه خواهند بگیرند و با سرکه انگوری خوب بسایند و خشک ساخته بر زخم
بپاشند به کند و اگر همچنین ببندند هم نفع کند دیگر جهت ناسور دیرینه بگیرند سگ بچه چشم
ناگشوده و آنرا در میان دو پاره خشتی خاکستر کنند و صلایه کرده بر زخم و ناسور افشانند به شود ۱۲

حرف الرا مشتمل بر دو باب باب اول در ذکر روغنها و در آن سه فصل است فصل اول
در ذکر نسخهای روغن که با امراض القوه و فالج و خدر و رعشه و درد پشت و مفاصل و بواسیر خصوصیت
دارد فصل دوم در بیان روغنها که با امراض آلات تناسل خصوصاً امر باه مناسبت
دارد فصل سیوم در نسخهای روغن که به مرض قوبا و امراض جلدیه چون خارش و قوبا و زخم و
ناسور و غیره علاقه دارد فصل اول در ذکر روغنها روغن شونیز نافع لفالج ص
سیاه دانه بست مثقال مغز بادام تلخ بنفشه هفت مثقال قند سفید پنج مثقال بدستور روغن بادام
روغن کشند روغن قسط نافع فالج و القوه راسود دارد و اعصاب را قوت دهد و معده و جگر و سپرز
را نافع و سیاهی مو نگهدارد و صفت آن جندبیدستر دو درم نیم فلفل فرفیون هر یک سه درم عاقرقرحا
چهار درم قسط ده درم روغن زیت پنجاه درم شراب صد درم فلفل عاقرقرحا را شکوفه نمود
در شراب خیسانند صبح کوبیده جوشانند هر گاه نصف بماند روغن زیت آمیخته چندان بجوشانند که شراب
برود روغن بماند فرود آرند و جند و فرفیون کوفته بیخته اندازند دستور از رسائل اطبا سبت
و از مجربات ایشان است برای جدری مجرب است که آنرا آتشک و جوشش سرکه آنرا فارسی گویند

گویند و از برای سعفه که آنرا کچلی گویند و از برای اقسام قروح کلیه و مثانه و مجاری که مزمن گردیده
باشد و از برای سرعت انزال و ضعف باه با عسل تناول فرمایند شربتی از یک سرخ تا دو سرخ سیماب
گل ارمنی زاج سفید و در نسخه دیگر بجای زاج اسفیداج سفید خضر هندی که آنرا نیله تهوته گویند و حل است
و نسخه اول شهرت نمک سنگ یکدسته تا نک مجموعه را آب مصطکی کرده اقراص سازند و خشکید بگذارند
و بعد از خشک شدن در کاسه سفالی لعاب دار اندکه ته آن تنک کرده باشند بگذارند و کاسه دیگر منقلی
آن که بجا گستر و شیره جوز ماثل که بهندی توره گویند اندوده باشند بر بالای آن گذارند و هر دو را
بطین حکمت مطین کرده شبانروز بر زیر اطراف آن پا چهار پاشتی چند آتش دهند بعد از آنکه
سرد شود برآورده آنچه بر طرف اطراف آن چیده باشند برآورده در شیشه بهینت و از برای
قوت باه شبانروز آتش دهند از قرابادین علویخان نقل گرفته شد روغن جهت لقوه
فالج و کزاز و عرق النساء و دوالی النقرس و تحلیل ریاح و اشتهای طعام و التشنج نافع و قطور او جهت
گرانی سمع و صمم و سده صماخ در یک روز صوشه و فرزجه او جهت امراض رحم سفید حلبه شونیز برا
کوفته بر آتش ملایم گذاشته بریان کنند و تسقیه از زیت همین می دهند تا سه برابر آنها زیت جذب شود
پس بتقریع یا عمل دیگر روغن کشند روغنی که از برای فالج مجرب است زرنیخ زرد و زرنیخ سرخ
کبریت سنبل گویند هر یک یکدرم سم الفار با درم کبریت چهار چینی درم زهر شنگرف یا نیم درم در شیره
برگ جنبیلی سحق بلیغ نموده که قرص بسته شود و در سایه خشک نمایند بعد از ان با واتاکنجه جا لصر
آورده در ظرف آهن با قرص گوگرد بجوشانند تا نصف روغن بماند بعد از ان بکار برند و اگر برای
سستی قضیب خواهند اول ته بیرون نمایند بعد از آن کپاس بچه و برابر آن رنگ چهار [illegible] نافع است
روغن نافع کزاز [illegible] فربه شیر سیه کفتار [illegible] همه را [illegible] روغن
داخل کرده بالند روغن جو اصل مستعمل مجرب جهت فالج و لقوه و وجع مفاصل و جمیع امراض بارد
دماغی جو اصل یک عدد و سنبل الطیب ناسه سورنجان هندی بوزیدان خولنجان زرنباد جوزبوا

مرو خاو منزبا و سعوطا مغز فندق مغز پسته مغز بادام شیرین کنجد مقشر مغز چلغوزه مغز تخم کدو
شیرین مغز جوز بوا بالسویه کوبیده گرم کرده بدستور بیفشارند تا روغن جدا شود و در نسخه ابن
عیسی نخ ص مغز جوز مغز بادام تلخ مرقوم است روغن هندی منقول از سکندری جهت درد سر
کلیکان و لیودار [illegible] چندین [illegible] هر یک یکدام گل [illegible] بلتهی گل نیلوفر قمری هر یکی دو درم
بهنگره سه درم آمله چهار درم روغن کنجد یک آثار شیر گاو و یک سیر آب در پای شیرین بقدر
حاجت ادویه جوکوب ساخته در شیر و آب و روغن بخیسانند و بعد هشت پهر بآتش نرم بجوشانند و چون
آب بسوزد و روغن بماند بسر بمالند روغن دیگر که بامر الله سبحانه فرح بیوست و دماغ کند در
ترطیب دماغ بی نظیر است لعاب بزر قطونا بهدانه گل خطمی سفید سرطان نهری ج مقشر آ
سیب شیرین [illegible] بارو مغز بادام و روغن کدو شیرین و روغن بنفشه و بیه [illegible] بقدر
بجوشانند که آبها برود و روغن بماند مغز قلم گوساله شیر و جو شیر [illegible] اخلاط کرده در هاون دسته
بمالند تا یکسان شود [illegible] و کف دست و پا و ناف بمالند روغن [illegible] که جهت وجع سخت
باو که از صعود ابخره حاره معده بهم رسد بعد فصد [illegible] و تلطیف معده و یا ادویه و اغذیه بارده
خوردن [illegible] که آب حیات است در این مرض [illegible] نوشته روغن گل ده درم سرکه یک رطل
هر دو را بجوشانند که سرکه جذب شده روغن بماند این روغن را در شیشه [illegible] او [illegible] درد
چند قطره از این روغن [illegible] در گوش چکانند روغن جهت درد گوش که از ریح بود معمول
چند بید ستر حب الغار هر واحد دو انگی [illegible] انگی و نیم تخم [illegible] افسنتین هر واحد دو مثقال روغن
بادام تلخ سه مثقال تخم [illegible] افسنتین در آب بجوشانند و صاف نموده روغن بادام
تلخ داخل کرده باز بر آتش ملایم بپزند که جذب شود و اجزای دیگر سائیده داخل کرده نگهدارند
روغن لاله که [illegible] سر در اکرم کند و اگر [illegible] و با [illegible] آمیزند درم را تیز نافع است
برگ لاله از نبات آن جدا کنند و در شیشه نهند و روغن [illegible] بیزند و یکماه در آفتاب دارند

اقل آن ده روز است و بعضی از اللّه دو اوقیه و نیم و وزن زیت یک رطل تعیین کرده اند روغن مصطکی
معده و مستر خیه را قوت دهد و صلابت اورام را نافع تلیین صلابت کند صنعت مصطکی روغنی ده درم
اندر پنجاه درم روغن زیت یا روغن گل یا کنجد انداخته در شیشه کنند و اندر دیگ پر آب آویزان
کنند و آتش دهند تا آب دیگ بجوش آید و مصطکی بگدازد روغن زعفران که مسمی است بروغن
خلوق زعفران دو توله زیت مقصور چهار ده توله و دو ماشه زعفران نرم سائیده نصف زیت
مذکور را بر آن ریزند و در شیشه کنند و تا نیم روز متصل او را حرکت دهند بعده صاف کنند و این
روغن را جدا نگهدارند بعد از آن نصف روغن دیگر که مانده است آنرا برین ثفل زعفران انداخته
تا سیزده روز بدین دستور حرکت دهند بعد از آن صاف نموده هر دو روغن را ممزوج نموده مرکی
هشت ماشه نرم سائیده داخل روغن مذکور ساخته در کهرل حل نمایند و طریق روغن قسط زیت
چنانست بگیرند روغن زیت چهار ده توله و دو ماشه مرکی یک ماشه قصب الذریره هشت
ماشه قردمانا چهار ده و نیم توله قصب الذریره مذکور نرم سائیده لیکن که انگوری خمیر کرده بعد
از آن با زیت بیخ دهند و بآتش ملایم بقدری که نسوزد بعد از آن صاف نموده قردمانا را
نرم کوبیده در آب باران نرم کنند بعد از آن زیت مذکور را بر آن ریزند و دو شبانه روز بگذارند
بعد از آن بیفشارند روغن دافع درد پشت و کمر تخم حنظل منخات سورنجان زیره کرمانی
فرفیون ایرسا جند بیدستر هر کدام مثقال جدوار دو مثقال همه کوب کرده در سه رطل آب
و یک نیم رطل روغن زیتون و اگر نباشد روغن خروع بجوشانند آنقدر که آب فانی شود و صاف نموده
نیمگرم بر پشت و کمر و مثانه بمالند روغن عقرب که در چکانیدن احلیل و مالیدن مثانه
و بر داشتن سنگ مثانه سنگ را پاره پاره گرداند و بریزاند زیرا و نیز جرح حنظل را سودمند است
بگیر بیست یک عقرب و بنه در یک رطل روغن بادام تلخ کنند و در شیشه کرده یک هفته
در آفتاب بنهند عقرب زنده همان بان که صید کرده باشند در آن اندازند دو هفته دیگر در آفتاب

در آفتاب نهند بعده صاف کرده بکار برند روغن بواسیر پنجاه عدد خراطین را در روغن کنجد
برشته و از روغن بیرون آورده باده درم بادنجان بسایند و روغن را با موم قیر وطی ساخته
اجزا سائیده بیامیزند و بر محل بواسیر بمالند و بجهت قطع خون با مکرر استعمال کنند روغن
برای دفع بواسیر خونی و بادی روغن کوهان شتر روغن زنبق پیه کرده آشامیدن اگر تازه باشد بهتر
والا شیره تخم او نیز خوب است طریق روغن زنبق این است که تیهوان زنده در ماهی دو خمره بندم بکوبند
و در دیگی کرده بجوشانند مانند سرطان سبز روی آب برقی پیدا خواهد شد آنها را باپر جمع نمایند
هر چند بیشتر جوشانند بهتر برآید مقدار پوست پسته که پر شود در سه مرتبه بر خود بمالند از بیاض
حکیم ارشد روغن که بمالیدن مقصد رفع امراض آن کنند منقول از بعضی مجربین معتمد علیهم روغن
شنگرف با وسیر در چراغ انداخته پنج فتیله روشن کنند و در جای محفوظ از هوا نهند هر کاه بقدر
چهار دام یابد با کاهها فتیله آمیخته بکار برند و در محل مرض بمالند روغن که منافع آن در حرث
بواسیر اندرون بیرون دو سه دفع بمالند بهتر آنکه گوشت زیاده دور کند و عروق فاسده را دور ساخته
تخفیف دهد اگر دو سه قطره از این بر سیماب مصفی انداخته بمالند چندانکه سیماب حل شود پس ابتدا
با برگ تنبول خائیده بخورند فواید بسیار دارد و بهتر از روغن سپند درست و اگر بر خارش عجب ۲۱
بمالند به شود مولف شخصی را دید که دیار ل کف دست و پا لیش ترقیدن گرفت و خشکی بسیار رو
عمل کرد لهذا از مرور ایام کف دست و پا سفید گشت یعنی پیسی برص گردید لیکن تولسیماب آبا ملتوی
روغن کنند که مفرح ساخته بست و یکی وز بخوردن دادنان گندم که با روغن خورده سفید می
کرد بهم رسیده بود خوب شد و شفا یافت روز بروز سیماب می افزود تا به حدی که درست بست و یک روز
نیم نیم توله سیماب خورده شد از بیرون می دیدم که بروز دهم یا دوازدهم جوشش که او بهم رسانید
و بیجا نداهها ورم کرد وز شمها بر طرف ضعف بر او غالب آمد زیاده از ده روز دار و بجهد بر طرف
کردید اما از این مرض صعب که بهم رسانیده بود نجات یافت صفت روغن کنند که بیمارند و روغن کنند کرده

اعلی القدر که خواهند نرم کرده در سه وزن آن روغن گاو بیامیزند و پارچهٔ کرباس با آن فرو برده بر
سیخ آهنی بندند و به آتش ملایم روشن کرده محاذی ظرفی گذارند از آن پارچه هرچه روغن
بچکد جمیع کرده نگهدارند و بوقت استعمال نمایند این چنین در طب نوشته و صاحب تحفه طریق روغن
گوگرد را در دستورات چنان بیان نموده و جهت درد مفاصل سوداوی بارده نافع و ملطف و محلل
قوی است مثلاً شیشه صافی سطح ظاهریست گوگرد صاف شفاف نرم سائیده در قدح مطلی کرده بر
روی آتش نرمی گذاشته بشیر تازه تسقیه کنند یا دو چندان یا سه چندان او را جذب کنند پس در کفچه
آهنی لوله دار کرده بر افروزند اندک کج نهاده تا روغن از لوله کفچه داخل ظرف دیگر گردد باید که از
افروختن گوگرد کفچه را بر روی شعله بدارند تا در اشتعال نیاید روغن کراث بواسیر را نافع است
آب کنند یک من در روغن کنجد نیم من با ده درم مقل بجوشانند تا آب برود و روغن بماند روغن بادنجان
بادنجان پوست کنده را خالی کنند و چون پر از روغن کنجد کرده بر کنند و اقماع و گل بادنجان نیز
بیندازند و ترتیب بگیرد در درون تنور گرم گذارند و روغن از آن برآرند جهت بواسیر بعد میل است
روغن ترنج جهت ورم مقعده و درد بواسیر بغایت آزموده هرگاه از حرارت باشد و زنج [?]
را با پیه بز کوبیده بجوشانند تا مهرا شود و روغن کنجد بر روی آب بعد سرد شدن آن بسته شود بگیرند
و اگر دنبال با دنجان اسائیده اضافه کنند جهت بواسیر بارد نافع است روغن چوب چینی
که اعیا و درد مفاصل و درد اعصاب بارد را نافع است چوب چینی ده مثقال و ورق تراشیده در سه
من آب بجوشانند هرگاه بربع رسد صاف نموده برگ حنا ده مثقال را مالیده در آب خیسانیده و
صبح صاف نموده هر دو را یکجا کرده روغن کنجد یا روغن گل پنجاه مثقال داخل کرده بجوشانند تا
آب برود پس صاف نموده بر سه یک پنج مثقال روغن سورنجان مصری حصص مکی هر یک پنج مثقال
نرم سائیده با آن مخلوط سازند روغن چهار برگ جهت مفاصل مفید است برگ تاتوره
برگ ارند برگ سیسنبر [?] برگ کاهو برابر سائیده در روغن کنجد بسوزانند روغن سورنجان جهت

روغن سورنجان جهت مفاصل مفید قصب الذریره پنج مثقال سورنجان مصری دو مثقال
هر دو را نیکو ساخته یک شبانروز در آب بجوشانند تا مهرا شود و بپالایند و آب کرفس تازه دو مثقال
روغن زیت سی مثقال اضافه کرده بجوشانند تا روغن بماند روغن زریره و برای اکثر نفعها خصوصا
نفع بواسیر البیدن نفع دهد زریره سیاه سه درم در نه دام آب خیسانیده صباح بجوشانند و
دو نیم دام روغن کنجد با آتش ملایم بجوشانند تا روغن بماند روغن که مفاصل و عرق النسا را مفید
بود سورنجان مصری پنج مثقال نیکو بکوبند و در نیم من روغن گل یا روغن کنجد با آب بجوشانند تا روغن
بماند روغن مفاصل تحلیل اکثر اورام خنثیه کند خصوص از مفاصل مار سیاه یا افعی سر و دم
او را بافکنند و شکم پاک کنند و پاره پاره کرده اندر روغن زیت اندازند و در آفتاب تابستان
تا چهل روز بپرورند و بکار برند روغن تمباکو جهت درد مفاصل و امراض بلغمی تمباکو
مقرض سی و دو درم در یک رطل آب شب تر کرده صباح روغن کنجد نیم رطل در پاتیله روی
معه آب در آن انداخته از آتش ملایم جوش دهند تا که آب جذب شود و تمباکو سوخته شود جدا
نموده بمالند روغن نشاط در مجربات جهت تقویت انعاظ و تصلب قضیب و دفع خفیف
و سستی و سفیدی قبل و رقیق منی و تهییج شهوت و حرارت غریزی معین فعل عطر گلاب چهار ماشه عطر از
سه ماشه عطر نا کیسر دو ماشه روغن بلسان دو ماشه روغن نرگس روغن یاسمین روغن زنبق
هر واحد دو ماشه عنبر محلول دو ماشه مشک ترکی یکماشه شیر ... ده ماشه زهره ...
خشک یکماشه زهره گنجشک دو عدد ... ده تخم مرغ یک عدد و عسل سفید دو ماشه ...
یکماشه زهره ماکیان یک عدد و فرفیون نیم ماشه سمود ده نیم ماشه خایه خروس ... یکماشه عاقرقرحا
یکماشه مشک تازه سه ماشه زعفران یکماشه سعد یکماشه خولنجان قرنفل یکماشه روغن خیری زرد
دو ماشه در سحق و صلایه بکمال مبالغه نموده در شیشه نگهدارند وقت حاجت بر حشفه در حلیل
و بر خصیتین و خاصره و کمر بمالند عجایب مشاهده نمایند فصل دوم از باب اول در بیان

روغن نرگس روغن نارجیل و پیه شیر هر واحد هشت درم بیفزایند و با آتش نرم جوش دهند تا آب
برود و روغن بماند بعد از آن بیخ نرگس و بیخ عاقرقرحا و مویزج یک یک درم بگیرند هر سه را نیم کوب
نموده در مرارهٔ گاو یک شب تر نمایند و جوش دهند و صاف نمایند و همین که بر میان ریزند و جوش
دهند حتی که آب برود و روغن بماند بعد از آن بیخ نرگس و دارچینی و عاقرقرحا یک یک درم بگیرند و در
مراره تر کرده عمل اول بکنند بعد از آن فرفیون و قسط تلخ و عاقرقرحا از هر واحد یک یک درم فلفل و حب الغار
پیاز نرگس خشک از هر واحد دو درم بگیرند و بدستور عمل کنند بعده باز فرفیون و عاقرقرحا دو دو درم [illegible]
دارفلفل از هر واحد یکنیم درم تخم جرجیر شیر درم گرفته بدستور عمل کنند و بعده جوز بوا چهار درم مشک
خالص سه درم قند دو درم جند بیدستر هشت درم بگیرند باریک ساخته نگاهدارند و سوم سفید یکدرم
که انداخته اول هر بالا روغن مذکور بریزند و به آتش نرم بگدازند و خوب حل نمایند که در هم شود ولیس اوز
مسحوقه بر آن پاشیده خوب حل نمایند که مثل قیر و طلی شود و حشفه که نخست گرم نموده بمالند و بالای آن برگ
پان بپیچند عجیب و غریب است و بنده اینرا در اعضاء مفلوجه و متشنجه با دیده و اوجاع مفاصل بعض هم
استعمال فایده بیش دیده از جمله اسرار است دیگر بجهت محلوق و عنی نفع تمام دارد زرلو در خصیه
بچسبانند تا از خون پر شود آنگاه در سایه خشک کرده پیسانده بکلام برابر [illegible] فی یکدام بیخ کنیر
سفید یکدام همه را کوفته بیخته [illegible] کور بالیده در شیشه آتشی انداخته بچکانند تا زبانی که روغن
سرخ بر آید بگیرد و قطره سیاه آمدن بگیرد [illegible] برگیرند با پرنیخ علی الدوام بمالند روغن
جهت قوت باه مفید است [illegible] که موجب ضعف باه شده باشد [illegible]
کهو کنجی سفید [illegible] هر واحد دو دام [illegible] دو دام [illegible]
[illegible] لیسانند تا [illegible] جذب شود [illegible] در آفتاب بگذارند تا رطوبت
بر آید و خشک شود در شیشه آتشی کرده روغن بکشند مجرب است روغن جهت قوت باه بیخ کنیر
سفید بیخ کنیر سرخ هر یک پنجاه درم دارچینی کهو کنجی سفید هر یک پنجدرم [illegible]

دوازده درم موصلی سیاه است و پنج درم غوک آبی یک عدد خشک کرده همه را کوفته بیخته در سفیدی
وزردی بیضه بط کلان سرشته در شیشه داخل کرده مثل جو کیشند لیپ کرده بالائیش
بندد روغن محلوق و عنین را فایده بسیار رساند غوک جنگلی یک عدد انگوزه دو درم خرالطین خشک
بیربهوٹی دو درم باریک کوفته با روغن گنجد تر کرده در شیشه کرده روغن کشند و قدری بسرخ
تر روز مالیده باشند و در هفته برابر میکنند روغن عاقرقرحا که برای استرخای آلات باه و تقویت
مثانه و عانه و کمرگاه مفید است عاقرقرحا یک اوقیه بگیرند و نیم کوفته نمایند و در یک رطل آب بپزند تا
بقدر دو اوقیه بماند بگیرند روغن زیت خالص برآن اضافه نمایند و بپزند حتی که آب برود روغن بماند
بعمل آرند از این نسخه در اعضای مسترخیه بعلت فالج ولقوه نیز نافع است روغن که برای محلوق
و عنین و دار زمین و سطبری قضیب عجیب است اشیلاج سه ماز و استخوان ماهی سوخته لاکه سرخ خشک
از هر یکی یک توله خرالطین هفت توله افیون دو توله عود و مشک از هر یک سه ماشه دو توله همه را سائیده
نموده نگهدارند بالنگی دهتوره هفت هفت توله تخم ترب تخم گندنا از هر یک چهار توله قرنفل جنگلی
هفت توله مرچ جنگلی بنجوله از همه البطری جو ده روغن کشند دارو های مذکوره آمیخته استعمال
نمایند حکیم جعفر اکبرآبادی علاج محلوق از همین نسخه میکردند نفع آن بعالجه بغایت معاینه کشته
روغن منقول از بیاض مقوی حکیم میر محمد قوی مجرب بابی الطیر است کهوپچی سفید کتله عاقرقرحا
بیخ کنیر سفید از هر یک تلیه مغز چهال کوفته از هر یک دو درم اول سوای چهال کوفته و از همه اجزا سفوف
کنند و هر دو اجزا را در شیر ریک آثار پوٹلی در پارچه بسته دو سه جوش خوب بدهند و برآورند و اگر
خواهند پوٹلی مذکور در شیر کهنه وقت دو سه جوش داده برآرند و بعد از آن همه دوبارا جمع نموده
کهرل کنند در شیر به نیم آثار تا که خشک شود بعد از آن گلوله مثل کنار ساخته خشک کنند و در شیشه
که گل حکمت نموده باشند انداخته با آتش یا چلکه دستی روغن بکشند مجرب است روغن که
بجهت قوت باه و شهوت و امساک از یادگار شاه اسماعیل سر مار سیاه سر غوک صحرا سر مرغ معه ماجم

بکار آید برگ مورد خشک گلنار گل سرخ سعد قرنفل که تازه پاک کرده باشند در آب بپزند و بمقدار
آب ربع روغن داخل کنند و بمقدار بجوشانند که روغن بماند و اگر قدری مازو نیمکوفته داخل کنند خوبتر شود
روغن مقوی شعر برگ حنا برگ مورد ورق النیل و سیاوشان صندل سفید سنبل الطیب بسفایج هندی
آشنه چوب چینی پوست هلیله زرد پوست هلیله کابلی هلیله سیاه پوست بلیله آمله مقشر از هر یک ده مثقال
سعد کوفی حب الآس قرنفل عود هندی خام عود صلیب از هر یک یک مثقال جوز بوا بسباسه از هر یک نیم مثقال
اجزا را نیمکوفته یکشب در گلاب و آب چقندر و آب اسفاناخ و آب آمله تازه از هر یک بیست مثقال بخیسانند
و اگر آمله تازه نباشد پنج مثقال آمله خشک را در آبهای مذکور بخیسانند پس بپالایند و ادویه نیمکوفته در آن
یک شب بخیسانند و بوزن آن سه چند آب جدا داخل کرده بجوشانند با آتش نرم تا بنصف برسد خوب بمالیده
صاف نموده روغن گل سرخ روغن مورد روغن زیت از هر یک بیست مثقال روغن مغز [illegible] پانزده مثقال
روغن یاسمین ده مثقال داخل کرده در قدر مضاعف آب بجوشانند تا آب برود و روغن بماند بعده عنبر اشهب
لادن زفت رومی عطر صندل عطر بان عطر عود از هر یک [illegible] داخل کرده در شیشه نگهدارند روغن لاله
مو را سیاه کند برگ لاله لبانیه خشک کرده کوفته بپزند ده اوقیه از وی با رطلی روغن کنجد تازه
بیامیزند و در شیشه کنند و اندکی زاج سفید با وی بیامیزند و بیست روز در آفتاب نهند و بپالایند
و نگهدارند روغن مختص حکیم علی که در حفظ مو از سفیدی و دراز و سیاه و انبوه کردن بی نظیر است
پرسیاوشان گل سماق زرد ورد گلنار مصطکی هر یک یک جزو مازو پوست انار قرنفل پوست هلیله هر یک
دو جزو پوست هلیله کابلی مازو سبز هر یک سه جزو آمله منقی بیخ و برگ مورد دوازده جزو ادویه نیمکوب
نموده یک شبانه روز در آب گذارند و با آتش نرم بپزند تا قوت دوا در آب آید و بدست خوب بمالند
و صاف کنند اما کو یکه جرم ادویه همراه آب باشد پس روغن کنجد خالص پنجاه جزو و روغن گل پنجاه
جزو اضافه نموده با آتش نرم بجوشانند و برهم میزده باشند در آخر جرم [illegible] و اول جرم را
بیرون آرند و سرد کرده در ظرفی کنند و بعد از آن روغن را خشک کرده بر آن ریزند و همچنان نگهدارند

چند وار پنجوار شنگرف کات سفید جوز بوا مرداسنگ فتیل الکه تخم نیل بلبار زرنیخ سرخ سوهان هر یک
ربع سیر ایهل نیم سیر انزروت سه ربع سیر دارهلد چوب گز دیودار بیخ سنهک قند چوب بلیله زرد سنقی هر شش
آبنوس هر یک یک سیر پوست درخت مغیلان کرحنا فوفل چکنی خانه عنکبوت چوب چینی هر یک دو سیر
دود چهره جوه هر یک سه سیر زرد چوبه شش سیر آب برگ نیم تازه آب برگ پان نیم من روغن کنجد یک نیم من
پوست مغیلان ایهل فوفل هلیله زرد بلیله آمله چوب چینی مجموعه را صلایه کرده با چهار من آب صاف
بپخته تا یک من آب بماند صاف نموده نگهدارند و کات دران در آخر بیندازند شاید کف کنند و از سرکار
رود ملاحظه باید نمود و لیکن خالی در ریختن نشود که باطل خواهد شد دیگر فتیل الاجرا که صاحب تحفه
تجربه نموده گفته که در التیام زخمهای تازه بهتر از نسخه اول است بیخ سنهک دیودار هر جوبه پوست درخت
مغیلان هر سه چوبه بالسویه چهار صد مثقال کوفته با روغن چراغ که از پنبه دانه و تخم کتان میگیرند سیصد
مثقال با آتش نرم بجوشانند بعد یک کف بگیرند تا آب بسوزد پس صاف نموده استعمال نمایند روغن دیودار
مختص حکیم علی در معالجات جراحات بمنزله خرق عادت است خصوص در جراحت تازه اگر بسوختن
زخم و پختن از سر دستان این روغن بیندازند ایمنی گردد از حرکت صدید و تغیر لون زود مندمل گردد
اگر وزنی دوبار پنبه بدین تر کرده بر نهند گوشت بر آید زرد چوبه دیودار اصل السوس هر یک یک کوفته
کوفته با یک وقیه دو ده سقف که دران نخود بریان میکنند آمیخته با آب کهرل کنند تا مضمحل شود پس
دیگ با سه رطل و ثلث رطل آب صاف که سیصد و ده مثقال باشد با آتش ملایم بجوشانند تا ثلث آب
بماند ثفل را بکف بردارند و دیگ را [illegible] بر آتش باشند و ثفل را در پارچه بسته و [illegible] دیگ
بیفشارند و هرگاه مایه باقی نماند دو رکنند پس روغن کنجد بیست وقیه که دو صد مثقال میشود در خل
کرده با آتش ملایم تر از آتش اول بجوشانند که آب تمام جذب شود و نگهدارند قوت این روغن در یک
سال باقی میماند و جهت درد مفاصل و درد پای مزمن اگر پانزده مثقال موم و پنج مثقال [illegible]
اضافه نمایند بهتر باشد و برای تعفن قروح چندی قدری کافور در این روغن حل کرده استعمال

بهتر باشد روغن که جمیع اقسام جراحتها و زخمها را باصلاح آرد و گوشت فاسد را دور
نماید و گوشت تازه برویاند صفت اصل السوس مقشر تربد دیودار دار هلد زرد چوبه دو دو
سقف هر یک چهار درم برگ حنا تازه برگ نیم تازه هر یک هشتاد درم ادویه را در پنج اثار
آب تر کنند و برگها را قرص بسته در دو رطل روغن کنجد بریان نمایند و ادویه ها را نیز در
روغن انداخته بریان نموده با آتش ملایم بجوشانند تا آب همه خشک شده روغن بماند
صاف کرده بکار برند روغن ناصور که مزمن آنرا فی الفور دور سازد خاکستر هیمه گاو
ماده خاکستر چرم که در زیر کفش کهنه باشد و آنرا بهندی تلوه گویند سوخته هر دو خاکستر
مساوی هر قدر که باشد و یک عدد کلیسک بهندی چهپکلی گویند و آن جانوریست
از قبیل گرگٹ این هر سه را در روغن سرشف یعنی سرسون سوزند چندانکه چهپکلی تمام
سوخته شود و پس بجز چربی همه آنرا بسایند تا یکسان شود و پس چند قطره در ناصور بچکانند
هر جا که باشد و این نسخه بهتر از روغن دلودار و روغن شمع صحان در سهولت بیشتر
و کثرت منافع محسوس شده مجربست روغنی که زخم قعر دار یعنی زخم اسپنج نشتر دفع
کند بلادر هفت دانه را در نیم پاو روغن کنجد بریان کنند که بسوزد و بلادر را دور کرده
دو درم سنگ جراحت بسایند و ممزوج کرده نگهدارند و قدر حاجت با پر مرغ
قدری بچسپانند در دو سه روز نیکو شود روغن جهت جهاجهن که در دست و
پا بهم رسد نک چهکنی دو توله سپند و چهار توله بنگ اعلی هشت توله روغن کنجد نیم سیر
نخستین روغن را بجوش آرند چون کف بنشیند سپند و را اندازند و بعد از یک ساعت
دیگر بنگ انداخته فرو دارند و نگهدارند و بوقت خواب که دست یا آب نرسد بهر جا که
باشد بدین روغن چرب نمایند و بر آتش الموضع را گرم سازند تا دو سه گهری بلیغ
آتش ها لیده باشند روغن برای جمیع خارش منقل سپند و ریح صفر

در مجری بول چکانند زورق مجرب برای استرسال بول و استفراغ مثانه که موجب تقطیر و خروج
بول را آزموده باشند موسیای کانی اصیل روغن زنبق اگر نباشد روغن گل هم کفایت میکند
موسیای را در روغن گداخته و از احلیل بچکانند و مرغ این بر مثانه و حوالی قضیب و خصیه نیز مالیدن
است زورق که حرقه بول و مرض سیلان چرک مثانه را مفید بی بدل است شب یمانی
توتیای هندی هر دو را برابر سحق کرده در سه تولہ آب حل کرده چهار ساعت مخضخض نمایند روزی
دو سه بار بمثبر رقه سر دهند که بمثانه رسد وقتیکه آب خواهد برآمد بالای آن آلایش خارج خواهد
شد و بامر الله بالکل این مرض زایل خواهد شد زورق که سوزش بول را مفید است لعاب
بزرقطونا لعاب بهدانه صمغ عربی اسفیداج سفیده بیضه شیر دختر باهم ممزوج نموده عمل آرند
زورق که در احلیل چکانیدن حرقه و سوزش بول را نافع است سفیداب کندر انزروت
نشاسته صمغ عربی دم الاخوین مساوی کوفته بیخته شیاف سازند زورقی که بجهت قرحه
سوزاک قدیم و جدید از جمله معمولات مجربه فقیر مؤلف است و بکرات غیر عدیده بتجربه رسیده
شیاف ابیض ساده یا افیونی بروغن دیودار بتکرار بمثبر رقه سر دهند زورقی که بجهت
سوزاک مجرب فقیر است کتیرا سنگ جراحت افیون کیرو پهٹکری رسوت مکوه اسپغول را در آب
حل کرده در پارچه کرده ساییده در لعاب اسپغول انداخته دواها کوفته بیخته مخلوط نموده بپچکاری
نمایند رسوت را همراه از پارچه گذرانیده حل کرده باشند صاف نموده داخل کنند که سوزش کند
زورقی که بجهت سوزش بول و قرحه مثانه معمول فقیر است صمغ عربی کتیرا نشاسته قلعیا
نقره هر یک دو ماشه سفیدی تخم خیارین هر یک دو ماشه مغز تخم کدو هر یک با ریک سائیده
شیاف ها بسته نگهدارند وقت حاجت بشیر دختر ساییده بچکانند زورقی که زخم
مثانه تازه را زود بامر الله زایل کند شیاف ابیض با موسیای قسم اول جدوار خطایی
یا سرخ سپید ساییده در روغن گل یا بادام سرشته کرده همین قدر بشیر دختر یا خر دو قطره

هیر اکسیس کهته یا پڑیا هریک یکدام در آب لیموی خوب کهرل نمایند پارچه تر کرده خشک
سازند و عندالحاجت قدری از ان پارچه بدندان مالیده یا مالش برگ پان بخایند
فی الفور رنگ آرد و اگر بطور سنون بمالند کار کند سنون بار و جهت امراض
حادۀ معمول و مجرب جهت رویانیدن گوشت لثه و تعفن آن و حرکت دندان تحریر شده
طباشیر سه درم گل سرخ سه درم صدف محرق کاکنج گزمازج مامیران از هر یک یکدرم
مروارید گل ارمنی برشته دم الاخوین از هر یک دو درم مرجان سوخته صندل
سرخ هر یک یکدرم سنون که دندانها را سخت کند و بوی دهان را خوش گرداند
قصب الذریره سوخته زبد البحر گزمازج نمک سوخته یک مثقال سنگ سفال چینی کلنار عاقرقرحا
سادج هندی حب الآس عود سوخته گل سرخ سماق مساوی الوزن گرفته بسازند سنون
که قطع خون کند سک گزمازج هر یک سه درم عصارۀ لحیة التیس گل مختوم اقاقیا هر یک
یکدام دارچینی نیم درم دیگر سیلان خون از لثه دندان باز دارد کات هندی فوفل
کلنار گل سرخ دم الاخوین سماق مساوی کوفته بیخته سنون بسازند و صباح بآب
و گلاب مضمضه نمایند دیگر که جهت دفع درد دندان و استحکام اصول و دفع اکثر
امراض همیشه معمول است توتیا سبز یعنی نیله تهوتهه بریان تخم گشنیز بریان
زیره سفید زنجبیل قسط شیرین فلفل کات هندی نمک هندی نمک سیاه یعنی کالا نمک
سونچر نرانج زرد یعنی کسیس مصطکی رومی همه را برابر گرفته سنون بسازند دیگر که بوی
دهان خوش کند و دندان را سفید گرداند زبد البحر نمک بریان هر یک دو درم تر اوندر طو
سک حب الآس هر یک سه درم عود سوخته سفال چینی گزمازج کلنار عاقرقرحا قرنفل
سادج هندی گل سرخ سعد سماق هر یک نیم درم کوفته بیخته بر دندان بمالند دیگر که
نافع است جهت تغیر دندان که زرد و سیاه شده باشد زبد البحر ملح مر ما و صدف سوخته

بجرق رما دبیج نی پلی اندرانی زراوند مدحرج برابر دیگر که زردی و سیاهی دندان
بزداید گزمازج زبد البحر دارفلفل قاقله هر یک دو درم جو سوخته هفت درم نمک بریان
ده درم سنون نیکو بسیار مقوی است و بجای مسی استعمال آرند نمک سانبهر بهیر ابیس
کل دنا و سیاری چهالیه سوخته نیله تهوتهه بریان که در ظرف گلی بریان کرده باشند
پهتکری مجیتهه سنگ جراحت ناجهل بریان که بدیگ سیاه شود همه یکسان و نیم سوده
استعمال آرند دیگر مجرب است جهت درد دندان و جریان خون و استحکام اصول اکثر
امراض اسنان نیله تهوتهه سوخته پهتکری سوخته نمک لاهوری کهته پاپریا ماز و سوخته
دانه الاچی کلان چوب سیاه و می کوفته بیخته استعمال نمایند و اگر دندان متحرک باشد بهیرا
کسیس هم بیفزایند دیگر که دندان را استحکام و خون آمدن را منع کند مصطکی کهته
سنگ جراحت دانه هیل مسی دو دو ماشه سائیده بمالند دیگر که گوشت بن دندان را
محکم گرداند و درد دندان را دور سازد مرجان سوخته نیم توله طباشیر سفید کات هندی
کف خشک استخوان شتر هندی فوفل سماق از هر یک یک توله کهر با نیم توله کوفته بیخته
بمالند دیگر که درد دندان دور کند و گوشت زاید لثه بر باید و اصول آن محکم کند
نیله تهوتهه کهته هر یک یکدرم نمک لاهوری دو درم زیره سفید بریان یکدرم
خشک پوست بیخ بیستنه دو درم زنجبیل نیم درم فرنج نیم درم مصطکی کسیس
کبابه چینی بجر دهنی هر یک نیم درم جمله ادویه را کوفته بیخته با ریک بسایند مصطکی
کات سفید کسیس را علاحده علاحده بسایند نیله تهوتهه را بر آتش بریان نمایند
بعد از ان جمله را یکجا کرده استعمال نمایند و تا چهار گهری از آب احتراز کنند بی نظیر
است باب سیوم در سعوطات سعوط مجرب در وسر و شقیقه فرمین مشک خبلی
خالص نیم ماشه با روغن پسته حل کرده چند قطره در بینی چکانند سعوط دیگر جهت درد

دہنہ وسیاہی چند بید ستر مشک فرفیون بالسویہ کوفتہ بیختہ بقدر یک حبہ با روغن زیت
یا روغن زنبق یا مثل آن تسعیط نمایند سعوط قوی تر جہت بواسیر شب یمانی مس سوختہ
توبال کلقند قلقطار بیخ سوسن سفید زراج سیاہ نطرون با جزا مساوی کوفتہ بیختہ با آب
ترنج یا شیرہ انگوری مثل آن تسعیط نمایند و اگر فتیلہ با آب ترب یا با سرکہ انگوری
یا آب لوبیہ تر کنند و این دارو بران پاشیدہ در بینی نہند ہم مفید است باب
چہارم در سفوفات مشتمل بر پنج فصل فصل اول در سفوفات مقوی اعضای رئیسہ
و تریاقیہ سفوف عنبر معمول مجرب اکثر امراض باردہ دل و غشی و خفقان بارد و بی بدل
است و فی الفور تقویت عجیب می کند عنبر اشہب مشک عطر گلاب ہر یک یکماشہ قرفہ
ساذج ہندی عود غرقی دانہ ہیل خورد مصطکی اسارون پوست ہلیلہ کابلی تر لعل بجیلہ
انار دانہ جوز بوا قاقلہ کبار ہر یک یکماشہ و نیم نبات ہشت درم عالم گیری ہمہ را
جدا جدا کوفتہ بیختہ یکجا کردہ عطر مالیدہ نگہدارند وقت حاجت دو سہ ماشہ بدہند
سفوف لولو نافع برای ضعف قلب و خفقان سوداوی و مالیخولیا مروارید ناسفتہ
کہربا شمعی ابریشم مقرض مرجان سعتری مصول ہر یک یک درم و نیم پوست ہلیلہ کابلی ہلیلہ
سیاہ آملہ منقی پوست ہلیلہ تخم فرنجمشک تخم بادرنجبویہ بسبان الثعلب سطوخودوس افتیمون
اقرا گل ارمنی عود ہندی سعد کوفی زرنباد تخم کشنیز خشک ہر یک نیم درم تخم خرفہ بنفشہ
تخم کدو شیرین ہر یک چہار درم کوفتہ بیختہ سفوف سازند شربتی یکمثقال با عرق
بادرنجبویہ و شربت سیب شیرین دیگر گاو زبان دانہ ہیل ہر یک سہ جزو آملہ
منقی نیم جزو دارچینی کشنیز خشک مقشر ہر یک یک جزو کوفتہ بیختہ با شکر تری دو چند
ادویہ آمیختہ بکار برند دیگر جہت خفقان حار تخم کاسنی تخم کاہو مقشر تخم خرفہ
طباشیر صندل سفید گل سرخ کشنیز خشک گاو زبان ابریشم کہربا مروارید ناسفتہ

هر یک جزوی کوفته بیخته دو درم ابکار برند دیگر تخم خرفه مغز تخم کدوی شیرین کشنیز
خشک گاوزبان گل مختوم کافور تخم بادرنجبویه تخم بادروج تخم کشوث کهربا مروارید ابریشم
خام هلیله هندی آمله لاجورد عود بسباسه باریک ساخته سفوف نامید سفوف مروارید
در دفع امراض دماغی و قلبی وسواس خفقان نفع عجیب دارد و فرح غریب آرد و استعمال
او بحوامل جهت حفظ جنین نافع است سفید بود صفت مروارید ناسفته مرجان یاقوت ذهب
فضه هر یک یک مثقال گل ارمنی ابریشم مقرض جدوار هندی لاجورد هر یک سه درم بهمنین
درونج عقربی تخم ریحان بادرنجبویه زرآوند مصطکی پنج درم هلیله کابلی گاوزبان
هر یک ده درم کوفته بیخته از یک درم تا دو درم با عرق گاوزبان و شربت حماض
استعمال نمایند سفوف جهت منع بخار صداع حار سریع تخم کشنیز خشک تخم
خشخاش تخم کاهو مقشر هر یک دو دو مثقال کوفته بیخته سفوف سازند سفوف
ارسطاطالیس که برای سکندر ساخته وسواس مالیخولیا و ضعف قلب و نسیان را نافع است
و جهت ذربه هضم طعام و خوشبو کردن دهان سفید دندان کرده در دفع ریاح و غثیا
و حرقت و قطع عرق فاسد و بوی بد بدن جمیع اعضا را نافع است و بقای قوت اینها
تا سی سال است عنبر مشک هر یک یک درمی قرنفل سافج هندی عود بلسان اسارون مصطکی
هلیله کابلی قرنفل نارمشک زیره کرمانی دارچینی قلمی زنجبیل قرنفل انار دانه جوز بوا
کافور قاقله کبار هر یک دو درم نبات سفید هم وزن همه ادویه شربتی از یک درم
تا سه درم با آب سرد ناشتا بخورند و بعد غذا نافع خواهد شد سفوف مقوی
شقاقل بوزیدان خصیة الثعلب بهمنین تخم انجره مغز بادام گل گاوزبان تخم خرفه
تخم خیارین گل بنفشه گل سرخ خشخاش سفید بادیه شتر اعرابی کوفته بیخته بالسویه سفوف
سازند و هر روز شش ماشه با شیر مناسب وجه سفوف که منی را زیاده کند

ومنی را بیفزاید تخم شلغم تخم رطبه تخم ترب کنند نا تخم پیاز آرد جو تخم رازیانه تخم
جرجیر جمله برابر و در بعضی نسخه بجای آرد جو آرد نخود است کوفته بیخته صبح و شام
با شیر بخورند بعد از آن نخود در شیر تر کرده بخورند و شیر بنوشند سفوف مقوی باه
بیخ خراسانی موصلی سفید دکهنی ستاور بیخ بید تال مکهانه گوکهرو اسگند ناگوری
سپستان تودهٔ سینبهل گوند ڈهاک گوند حکن سنبل بهلی موچرس تخم اتنگن
تخم کونچ موصلی سیاه گوند ناگوری سر والی حسن یوسف سمند سوکهه کوفته
بیخته سفوف سازند سفوف که صاحب تحفه مجرب بسیار نوشته و گفته که جهت درد
پشت و درد و سلس بول و منی و تقویت اعضای رئیسه و سستی آلات بول و تناسل مجرب
است و ترجمه اش منقول است فوفل هفت مثقال و نیم را صلایه کرده در سفال
پاکی اندک پودینه و دارچینی هفت مثقال و نیم یکسو کوفته و بیخته اضافه نماید
و بر روی آتش نرم گذاشته با چهار بیضه زرده تخم مرغ بقدری آنکه معجون شود
آمیخته مغز پسته دو مثقال و نیم نبات سفید دو مثقال و نیم را کوفته بدان شامل
کرده مجموعه آنرا در یکروز تناول نماید سفوف که جهت خفقان و تفتیح مراق و
طرد ریاح و بهم رسانیدن اشتها و قوت پشت و شکم مجربست ورق طلا ورق نقره عنبر
اشهب هر یک یک مثقال و نیم جدوار مروارید ناسفته یشب سبز زهر مهره صندل
سفید ابریشم مقرض طباشیر سفید پوست بیرون پسته دانه هیل کشنیز خشک
بادیان بریان آمله منقی هلیله سیاه در روغن گاو برشته زرشک منقی سماق منقی
انار دانه دارچینی مصطکی یکی نیم مثقال سفوف سازند دو و نیم ماشه بخورانند
سفوف که منع غثیان و قی صفراوی کند عود غرقی یکدرم پوست بیرون پسته پودینه
خشک دو درم گل سرخ طباشیر سفید نیم درم زرشک بیدانه سماق منقی انار دانه تر

نمک سونچر زیره سفید جو اکهار چلیته یا لیسیره هند چاک چوک ترش تنتریک الایچی خورد
مرچ سیاه هر یک بست و هشت ماشه سونتهه پنجاه و شش ماشه انار دانه دو صد و بست و چهار
ماشه جمیع ادویه را باریک کرده با قند سفید آمیخته از شش ماشه تا یک تولچه بخورند سفوف
الرمان ضعف معده و ورم و اسهال صفراوی را نافع عود خام نیم درم آمله یک مثقال و نیم
بلوط سماق زیره کرمانی بذر حب الآس تخم کشنیز خشک بریان خرنوب آرد کنار هر یک
پنج درم انار دانه بریان ده درم کوفته بیخته با رب به استعمال نمایند شربتی سه درم
سفوف ذرب تخم حماض زرشک بهدانه خسته مویز بریان کشنیز خشک گل سرخ
خرنوب شامی بلوط طباشیر هر یک درم سماق سنفی حب الآس هر یک دو درم انار دانه
چهار درم کوفته بیخته سفوف سازند سفوف حبالی جهت شهوت طین شهوت ردیه
زنان حامله نافع قاقله خیرو اکیا به مساوی شکر سفید برابر همه شربتی دو درم تا
یک درم سفوف کرم مستی باز دارد و نگذارد که مستی رد و سکر اثر کند اگر قبل
از شراب خورند تخم کرم مغز تخم بادام تلخ مغز بادام شیرین لوبیه باقلی مساوی
کوفته بیخته سفوف سازند سفوف مفید صداع صفراوی را نافع است مغز تخم کدو تخم خرفه
مقشر تخم کشنیز برابر کوفته بیخته سفوف سازند با هم چند شکر آمیخته یک کف دست
یا دو کف دست تا سه کف استعمال نمایند فصل دویم در سفوفات مسهله هر نوع
مرض [illegible] سفوف [illegible] که در امراض [illegible] سودا [illegible] بعد از فصد یا مسهل [illegible]
و [illegible] مسهلات [illegible] با امراض [illegible] افتیمون [illegible] خورده میشود
[illegible] نافع است [illegible] کابلی سه درم [illegible] از هر یک دو درم
[illegible] ایارج فیقرا نیم درم نمک هندی [illegible] کوفته بیخته سفوف
سازند [illegible] سفوف [illegible]

که بسیار کرده نافع است جهت مالیخولیا و وسواس و جمیع امراض سوداوی مثل بهق اسود
و جذام و اورام و جرب و حکه و قوبا و جز آن سنگ لاجورد دو درم تخم بالنگو
سه درم حجر ارمنی مغسول هلیله سیاه پوست هلیله کابلی پوست هلیله زرد و هر یک چهار
درم سنامکی گل بنفشه پنج درم تخم شاهتره شش درم افتیمون بروغن بادام
چرب کرده هفت درم را کوفته بیخته با هم چند شکر آمیخته سفوف سازند و هر بار
با عرق گاوزبان یا ماء الجبن بخورند سفوف مسهل از مخترعات حکیم علویخان
مسهل سودا و بلغم غلیظ است مجرب و هیچ غایله ندارد تربد سفید مجوف خراشیده
بروغن بادام چرب کرده پوست هلیله زرد سنامکی هر یکی یک درم زنجبیل یک دانگ
خفیفی غاریقون شش سفید ریوند چینی بسفایج فستقی اسطوخودوس افتیمون اقریطی
گل سرخ کتیرا دو دانگ خفیفی نبات سفید دو درم کوفته بیخته بروغن بادام شیرین
چرب کرده شربتی دو درم تا دو مثقال با آب گرم سفوف که با ماء الجبن داده
شیطرج و نمک نفطی لاجورد مغسول هر یک یک درم غاریقون سه درم بسفایج فستقی
گاوزبان گل گاوزبان افتیمون اسطوخودوس چهار چهار درم پوست هلیله کابلی
هلیله سیاه هر یک پنج درم کوفته بیخته دو مثقال بخورند سفوف سورنجان اختراع
علویخان نافع است از برای جمیع امراض مفاصل و نقرس و وجع زهره و عرق النسا
و تنقیه از سودا و خلط غلیظ مجرب است سورنجان مصری سفید هفت مثقال گل سرخ
سنامکی هر یک پنج مثقال پوست هلیله تربد سفید بروغن بادام چرب کرده مغز
بادام شیرین از هر یک چهار مثقال اسقنقور ماهی سقمونیا لاجورد مغسول حجر ارمنی مغسول
از هر یک یک مثقال بوزیدان بسفایج فستقی تربد خراشیده مصطکی رب السوس هر یک
دو مثقال زعفران دو دانگ قند سفید ده مثقال کوفته بیخته در شیشه نگهدارند شربتی

دو درم تا با آب سرد سفوف جهت مفاصل و نقرس و عرق النسا نافع زعفران نیم درم
سقمونیا یک درم پوست هلیله زرد و مغز بادام مقشر از هر یک سه درم سنا مکی هفت
درم سورنجان مصری ده درم قند سفید سی درم و اگر ماده بلغمی باشد شربت وی
نیم مثقال اضافه نمایند و سقمونیا نیم درم کنند شربتی دو مثقال با آب سرد سفوف
جهت عرق النسا از مجربات قدما زعفران نیم درم شیطرج دو درم سورنجان
نیم درم سنا مکی شش درم شربتی سه درم با سه درم شکر سفوف آخر سهل
جهت نقرس و مفاصل نافع مجرب با تجربه ابهل یک سدا با تخم کرفس رازیانه و
از هر یک دو جزو فوه بادام تلخ سنبل قسط شیرین زراوند مدحرج از هر یک یک جزو
شربتی یک درم در ابتدای زمستان یا وسط بهار دو بار یا یک هفته سفوف که در بیماری
نقرس سودمند عظیم است زعفران نیم درم تخم رازیانه مغز بادام مقشر از هر یک سه
درم سورنجان نیم درم سنا مکی ده درم نبات سفید همه را نرم کوفته یک مثقال
سفوفی که در بیرون قالب اسود لیه مسهل یا ماء الجبن که از کشنیز ساخته باشند
بکار آید هلیله هندی یک درم ایارج فیقرا نیم درم افتیمون یک درم هلیله کابلی
دو درم هلیله زرد سه درم همه یک شربت است کم و زیاده برای طبیب است
سفوف مشهیه جهت اشتها مجرب عشبه مغربی چهار توله پوست هلیله زرد صندل
سرخ سنا مکی از هر یک یک توله کوفته بیخته سفوف سازند هر روز هفت ماشه
با آب نیم گرم بخورند سفوف که در جمیع اقسام و انواع استسقا جهت اخراج
مائیت مجرب است ریوند خطائی تربد سفید از هر یک شش ماشه پوست هلیله زرد
سه ماشه غاریقون دو ماشه زنجبیل دو ماشه شکر سفید برابر آمیخته سفوف
سازند هر هفت ماشه با شیر شتر بخورند سفوف استسقا لا مثل اسهال نافع

نفع کند مجرب معمول باخراج اخلاط ثلاثه کند و دفع درد شکم و قولنج نماید و کرم شکم بکشد سنا
مکی زنجبیل پوست هلیله زرد نمک سیاه مساوی کوفته بیخته از سه ماشه تا یک توله
با آب گرم دهند اطفال موافق سن ایشان بدهند سفوف سورنجان بارد دیگر نافع
است و در وجع مفاصل حار لهذا فصد و تنقیه بکار آید مجرب است سورنجان سفیدی
بوزیدان پوست هلیله زرد تخم هندبا مغز بادام مغز تخم خیار بالنگ مغز تخم کشنیز
مقشر تخم خشخاش کوفته بیخته شکر تری سفید مثل همه آمیخته سفوف سازند هر روز
شش ماشه با عرق خار سه توله بخورند فصل سیوم در سفوفات قابضه
اقسام مختلفه در زحیر و اسهال و صالبه ضعف معده و مانع نزول سفوف هلیله
و الحمی شکم ببندد و در وسعده را نافع بود و در زحیر بعد از تنقیه سود مند باشد
هلیله سیاه در روغن زرد بریان پیشته صمغ عربی بریان زیره سیاه بریان مر
انیسون هر یکی یک جزو اسپغول بریان حب الرشاد هر یک دو جزو کوفته بیخته
اسپغول و حب الرشاد را درست آمیخته نگهدارند هر روز چهار درم بخورند سفوف
ریحان بیخ زحیر و اسهال به رسیدگی مفید است تخم ریحان صمغ عربی را هر
سا برابر بریان کرده بکوبند و با رخچه بیز کرده از دو درم تا سه درم بخورند سفوف
سه تخم زحیر بیخ و در اسهال مراری مفید و مجرب همیشه معمول تخم کنوچه مرو قطونا
تخم بارتنگ صمغ عربی همه مساوی بریان نمایند و صمغ را سوده با تخمهای دیگر
بیامیزند و هر روز سه درم با روغن بادام چرب نموده با آب سرد بخورند سفوف
نشاسته بیخ جهت اسهال مراری و جریان خون با سوزش مثانه مشکور و همیشه معمول ربوند
خطایی یک درم لسان الحمل بیخ سوخته هر یک دو درم دم الاخوین نشاسته بیخ عدس مقشر
عصاره لحیة التیس صمغ عربی بریان هر یک سه درم همه را کوفته بیخته و تخم بارتنگ

نیز بریان ساخته باهم آمیخته بعسل آرند و قدر خوراک از یک درم تا دو درم دیگر در باب
اسهال قوی بیشتر دم الاخوین صمغ عربی اقاقیا طباشیر گلنار بسباسه کهربا تخم حماض
هر یک جزوی کوفته بیخته شادنج عدسی مغسول دو جزو همه را با تخم صمغ و تخم بارتنگ
و تخم اسپرزه و تخم ریحان هر یک جزوی درست آمیخته سفوف سازند سفوف
مقلیا تا بعضی در زحیر و اسهال کبیر گویند و ضعف معده و اسهال پرانسر نافع است و مجرب
تره تیزک بیست درم زیره کرمانی در سرکه خیسانیده پنج مثقال بریان کنند هلیله سیاه در روغن
بریان کرده هر یک دو مثقال مجموع را بقدر از تخم تره تیزک کوفته بیخته سفوف
شربتی دو درم با آب سرد سفوف نشا جهت اسهال مراری معمول و مجرب نشاسته
صمغ عربی تخم گشنیز مقشر بریان تخم خرفه هر یک چهار ماشه گل ارمنی هفت ماشه اسبغول
بریان دوازده ماشه تخم ریحان بریان تخم بارتنگ بریان هر یک پانزده ماشه
بدستور سفوف سازند و بعد روغن بادام چرب ساخته بدهند سفوف سوری جهت
زحیر مجرب است تخم تره تیزک بریان اسبغول بریان هر یک دو درم زیره کرمانی
تخم گشنیز تخم شبت تخم خشخاش انیسون تخم کرفس بزر البنج هر یک دو درم و نیم
افیون سه درم و دانگی کوفته بیخته سفوف سازند بجوانان دو ماشه بلکه کمتر
دهند سفوف جهت زحیر از طب ائمه علیهم السلام منقول بزرقطونا بریان گل ارمنی
بریان صمغ عربی بریان سفوف سازند سفوف صمغ عربی جهت اسهال مراری و دموی
و مغص ما بهترین ادویه است صمغ عربی هر روز سه مثقال ساییده بخورند تا سه روز
یا زیاده و اگر با اسهال سحج باشد نشاسته بریان کوکنار گرم مثل غبار ساییده
باشد از یک مثقال تا دو مثقال از مجربات است و اگر با صمغ مخروج نمایند
بدستور سفوف طباشیر در اسهال اطفال مجرب است و غیر اطفال را نیز نافع طباشیر

طباشیر انار دانه بسیار نرم بوداده علایه کرده صمغ عربی کتیرا مصطکی
تخم مورد گل سرخ گل ارمنی بالسویه سفوف سازند با طفال نیم مثقال
صباح و نیم مثقال شب با شربت سیب ترش بدهند سفوف طین آنرا
سفوف لشانیز گویند اسهال مراری و دموی را نافع است اسپغول تخم مرو
تخم ریحان تخم حماض بریان گل ارمنی صمغ عربی طباشیر [illegible]
برابر بگیرند و غیر از سه تخم در اول دیگر اجزا نرم بکوبند و مجموع یکجا کرده
سه درم از ان به روغن گل یا بادام چرب کرده بگلاب تر کرده بخورند
اگر خواهند زرود حبشی سند کوکنار ربع درم یاسمن درم حسب مزاج
در شربت اندازند سفوف قنب بجهت اسهال فایده عظیم دارد.
صمغ عربی بریان یکدانگ مصطکی رومی انار دانه بریان کشنیز خشک
بریان از هر یک چهار دانگ ورق قنب بریان زنجبیل نیم برشته دار
فلفل از هر یک نیم مثقال پوست خشخاش بوداده یک مثقال بگیرد انک
کوفته و بیخته هر روز یکدرم با آب سرد بخورند سفوف گل جهت مرض
مزمن بواسیر و اصیر چاره نهایت نافع و مجرب است مصطکی عود قماری
هر یک یک مثقال طباشیر کوکنار [illegible] یا گل درختستانی هر یک دو مثقال گل
صمغ عربی بریان سماق بهدانه هر یک سه مثقال گل ارمنی انار دانه بریان
دانه انگور کشمش بریان هر یک نیم مثقال سفوف سازند شربتی
دو مثقال با رب به مناسب سفوف قرن بواسیر باز دارد و تخم گشنیز تا نخود
هر یک دو درم تخم گشنیز خشک چهار درم ریم آهن [illegible] درم کوفته بیخته
شربتی یکدرم با آب گشنیز یا آب گرم سفوف دیگر جهت خون بواسیر مجرب و [illegible]

وادوه مروارید ناسفته لشب سبز نه هر مهره خطائی هر یک یکمثقال ورق طلا
عنبر اشهب هر یک یکدانگ و نیم ورق نقره یکمثقال و یکدانگ و نیم صندل سفید
ابریشم مقرض طباشیر سفید پوست بیرون پسته دانه هیل بریان کشنیز خشک
بریان بادیان بریان آمله منقی هلیله سیاه در روغن گاو بریان کرده
هر یک یکمثقال و نیم زرشک منقی سماق انار دانه دارچینی هر یک یکمثقال
مصطکی رومی یکمثقال کوفته بیخته سفوف سازند سفوف که علوی خان جهت
شاهزاده بلند اختر تالیف نموده بود مروارید ناسفته کهربا شمعی
طباشیر سفید پوست هلیله زرد ابریشم مقرض صندل سفید تخم خرفه [illegible]
از هر یک یک توله ورق طلا بیست عدد ورق نقره یک توله بدستور سفوف
سازند سفوف که اسهال دموی و بلغمی را نافع است و ضعف معده و حادث که
آنرا دافع است زیره سفید بریان کشنیز خشک بریان سونتهه بیل گری
هر یک یکدرم کوفته بیخته سفوف سازند شش ماشه صبح و شش ماشه شام
تناول نمایند سفوف بادیان که حبس اسهال بلغمی کند و تقویت معده و طرد
ریاح نماید همیشه مجرب و معمول است بادیان را بروغن گاو بریان کرده تا
سرخ شود و پس صاف کرده بکوبند و با همچند شکر تری آمیخته بیخته باشد
با سرو بخورند سفوف بزر در جهت زحیر بزرقطونا تخم مرو تخم ریحان هر سه را
بریان نمایند و درست دارند و تخم تره تیزک و تخم کتان هر دو بریان نموده
و نیمکوفته گل ارمنی صمغ عربی بریان نشاسته بریان گلنار که با همه کوفته
بیخته همه را برابر گرفته با بزر و قطونا ساخته نگهدارند و از یکماشه تا دو درم
حسب حاجت بکار برند سفوف که نافع در زحیر صدری نفع مشهور شده

هلیله با دندان هر دو را در روغن بادام یا روغن گاو بریان نموده بکوبند و
شکر طبرزد ممزوج ساخته سفوف نمایند و برای بهبود زنجبیل بریان عوض
شکر و طباشیر داخل نموده میشود و بعض اوقات هلیله را به بیل گری بدل
نموده میشود و شکر را کفگیر خشک کرده میشود خوراک دو درم سفوفی که باسهال
بلغمی نافع است و مجربات تا تخواه کنند کلنار هر یک جزو می دانه سویز مشقی دو
جزو کوفته بیخته با سه مسک استعمال نمایند سفوف که اسهال اطفال را
که در وقت برآمدن دندان عارض میشود نافع و حابس است خشخاش حب
الاس کندر سعد از هر کدام یک درم کوفته بیخته با شیر مرضعه بدهند سفوفی که
که در روز شیر جرمی را قطع و حبس کند اسهال سده اب خشک هر یک پنج درم
تخم باورج حب القعد هر یک ده درم شکر بجنگ سه درم سفوف جهت جبر
ندران لو اسیر مجرب است رسوت نگرکوفی بکدام انگشت ولیوا ر کلی کهنه
بیدام هر دو را با روغن بادام چرب نموده دو سه باشه با آب وقت نهار
بخورند قدری پوست فیل را سوخته خوب ساییده نگهدارند جز بعد فراغت
غایت بر مقعد بمالند و از قدری پوست سوخته خوب نگهدارند و دود بدهند
سفوف جهت اسهال کبدی زعفران یکباشه ریوند خطایی یکباشه صمغ عربی
پودرد [illegible] نشاسته [illegible] دو دو باشه لک مغسول تخم خرفه
زرشک مقشر هر یک سه باشه گل سرخ شش باشه کوفته بیخته سفوف
سازند یک مثقال با دوغ [illegible] اسهال آرند دیگر لک مغسول تخم خرفه زعفران
یکدانگ ریوند چینی یکنیم دانگ لک مغسول گل سرخ زرشک مقشر هر یک
نیم باشه کوفته بیخته سفوف سازند شربتی دو درم با شیره کاسنی [illegible]

آتش دهند تا خاک شود بعده برآورده دوای مسطور را باز در آب ترب دو پاس کهرل
نموده باز در ظرف گلی داشته یک کهرولی گل حکمت گرفته چقر کنده با پاچک دشتی
ته و بالا گذارده آتش دهد باز آن دوا را برآورده بار سیوم در آب سحق نموده
در ظرف گلی کرده گل حکمت نموده پاچک دشتی زیر و بالا گذاشته آتش دهد و در آنکل
چونه خواهد برآمد آنرا باز در آب مثل خیارین و شربت بزوری هیل نمایند اگر با سبوس
نخود خام شب در آب خیسانیده باشند بیاشامند سایر اوجاع گرده و سنگ گرده و
و سنگ مثانه را مفید است شربت از نیم ماشه تا یکنیم ماشه نشاسته کثیرا
حلب القلت هر یک یکدرم تخم خرفه دو درم تخم کدو سه درم تخم خرفه تخم خیارین تا هر
پنجدرم شکر سفید همچند همه سفوف سازند شربتی سه درم با آب نخود سیاه که همین
عمل دارد و سیسالیوس شش درم تخم قلت پانزده درم قند سفید هشتاد و هشت
درم کوفته بیخته شربتی دو درم با آب نخود سیاه سفوف جهت تفتیت و اخراج
حصاة مجرب است خاکستر بچگک مثل خاکستر پوست بیضه مرغ که چوزه برآورده
باشند حجر الیهود ساییده مثل غبار ساخته با خاکستری آمیخته قدر یک ملعقه شیر با آب
خشک یا آب خیسک تازه بخورند سفوف که سنگ گرده و مثانه را فرود آرد و جرقه
را سود دارد و سنگی که در مجاری بول بود و پاره پاره کند ریوند چینی ساییده
چهار دانگ تخم کاسنی یکدرم بادیان تخم قلت حجر الیهود هر یک یکدرم و نیم کثیرا و
نشاسته صمغ عربی رب السوس هر یک دو درم تخم خرفه تخم خطمی شش لعاب شیر
هر یک سه درم تخم خیار تخم خربزه تخم کمند پاک کرده هر یک پنجدرم شربتی
سه درم با ده درم شربت خشخاش ده درم آب خیارین سفوف که سنگ
گرده و مثانه اطفال پاک کند تخم قلت مغز تخم خربزه صمغ عربی صمغ آلو بالو

بالسویه کوفته بیخته شربتی یک درم سفوف جهت قرحه کلیه و مثانه و احلیل
اطفال را پاک کند مغز تخم خربزه مغز تخم خیار مغز تخم کدو بانک تخم خشخاش سیاه صمغ
بادام کتیرا سفید نشاسته تخم خرفه تخم خبازی تخم خطمی لک مغسول زراوند
خطائی هر یک نیم باشد گل ارمنی ده باشد مغز چلغوزه کاکنج تخم کتان هر واحد
نیم باشد رب السوس بزرقطونا هر یک بیست باشد ادویه غیر از اسبغول کوفته
باهم آمیخته با شیر خر یا شراب بزوری سفوف بابت علوی خان از برای جراحات
کلیه و مثانه و اخراج مواد و غلیظ بول و تنقیه کلیه و مثانه شود و اخراج کرده حجر الیهود
صمغ آلو خار خسک حب کاکنج تخم بلیون تخم رازیانه مغز تخم آلو از هر یک یک دانگ
مغز تخم خربزه تخم ترب جلب ثلث هر یک دو دانگ رماد عقرب آبگینه سوخته هر یک
یک قیراط صمغ عربی یک دانگ نبات سفید به ثقال کوفته بیخته سفوف سازند مجموع
یک شربت است کامل و بعد از آن عرق بادیان عرق خار خسک شراب بزوری ترب از هر
ده درم بنوشند سفوف سنقی قروح آلات بول از ماده حصات و ریم نافع سوزاک
حدیث و قدیم را هر جا که در ایام حیض معتاد بدید و باشد فایده بسیار میکند شوره قلمی
ریوند خطائی هفت هفت باشد زیره سفید سه نیم باشد جو اکهار شش باشد شکر سفید
برابر خوراکی هفت باشد و این سفوف [illegible] مشهور است سفوف [illegible] با [illegible] سفید [illegible]
است گلو کلا است برگ [illegible] قلمی گشته [illegible] مرجان صدف دریایی [illegible] اصل السوس
منقشر صمغ عربی کتیرا [illegible] گل [illegible] مروارید ناسفته گل سرخ کشنیز خشک
تخم خرفه صندل سفید کافور ریاحی گلنار فارسی گل ارمنی تخم خشخاش سفید مغز
چلغوزه مصطکی سیاه تخم [illegible] همه اجزا مساوی کوفته بیخته سفوف سازند و با به
پیچیده قسمی از که [illegible] اجزا بقدر شش باشد بخورند و گاه در ایام معتاد و

بارر و باشد فایده بسیار میکند شوره قلمی ریوند خطائی هفت هفت ماشه رب الکهار
شش ماشه زیره سفید شکر سفید برابر خوراک هفت ماشه و این سفوف مشهور بانوری
چهار است سفوف جهت حرقت بول و عسر آن و قرحه کلیه و مثانه بزر البنج سفید دو درم
کتیرا رب السوس نشاسته هر یک سه درم تخم خیار مقشر مغز تخم کدو تخم خرفه
خشخاش سفید هر یک ده درم مغز تخم خربزه سی درم شکر برابر همه شربتی سه
درم صبح و شام با شربت بنفشه و جلاب سفوف که ادرار و انکسار بول نماید و ماده
حصات پاک کند دو قو ربع جزو تخم خربزه تخم کرفس هر یک دو جزو شکر سفید النصف
جمیع سفوف سازند شربتی دو مثقال سفوف که بول را براند و قرحه را نافع
معمول و مجرب ریوند خطائی نیم مثقال تخم خربزه مغز تخم خیارین مغز تخم کدوی شیرین
خرفه مقشر تخم خشخاش صمغ عربی کتیرا نشاسته گل ارمنی هر یک یک مثقال کوفته
بیخته هر روز دو درم با شربت بنفشه حلکرده بلیسند سفوف که ریم کلیه
پاک کند نشاسته گل ارمنی هر یک دو درم مغز تخم بادرنگ تخم کتان هر یک
سه درم تخم خشخاش چهار درم شربتی دو درم سفوف جهت قرحه بول و ریم
که با چرک باشد مجرب است گل ارمنی کشنیز خشک صمغ عربی تخم حماض بو داده تخم کندر
هر یک دو درم بلیله بو داده پانزده درم شربتی دو مثقال با آب سرد و از آب گرم
اجتناب نمایند سفوف جهت سوزاک قدیم و جریان ایم مجرب معمول سلاجیت
گلوی تازه الایچی کلان کتهه سفید سید گره لوا کهیر خس هر یک برابر کوفته بیخته با آب
کیله بدهند سفوف جهت ادرار بول مجرب است شوره قلمی عنزروت هر یک نیم درم بخته
سحق کرده با آب ناشتا بدهند سفوف جهت قرحه سوزاک نسخه عبد اللطیف جراح
سنگجراحت پیج پیپد تالمکهانه گوکهرو تخم خرفه مقشر کتیرا ریوند چینی مصطگی الوزن کوفته

کوفته بیخته در شیر و آب آمیخته بخورند سفوف خاکستر عقرب با برگ ترب از جهت سنگ ل
حصاة نفع بسیار مینماید طریق سوختن عقرب آنست عقرب زنده در پوست تخم مرغ
اندازند که بیرون و برآمده باشد سر او را به پوست پوشیده بر بالای او پارچه پیچند و
گل حکمت گیرند باز و خمیر گرفته زیر آتش سرگین کنند تا سوخته شود برابر برنج با آب برگ
ترب چهار پیاله آب خورد بهم همه از سنگ مثانه هم نفع جلد دهد سفوف شادنج که
به بول الدم مجرب است شادنج مغسول دم الاخوین کهربا گلنار شب یمانی تخم خرفه گل ارمنی
گل قبرسی بالسویه کوفته بیخته شربتی دو درم با آب سماق سفوف امساک البول جهت کثرت
سلس البول بلا حرقت و جهت کسی که در خواب بول کند نافع است گلنار کندر از هر یک پنج درم
کشنیز خشک بریان صمغ عربی گل ارمنی هر یک ده درم بلوط پنجاه درم کوفته بیخته شربتی
سه درم با آب خالص سفوف ترکیب قوام الدین طبیب سعد یک درم کندر گلنار گل سرخ
گل ارمنی هر یک ده درم حب الآس خرنوب نبطی هر یک چهار درم صمغ عربی پنج درم کوفته
بیخته شربتی سه درم بلوط پنج درم شربتی دو درم سفوف مصفی در ... حب
کندر هر یک چهار دانگ بلیله کابلی آمله هر سه را به روغن گاو بریان کرده هر یک یک درم
بلوط در سرکه انگوری خیسانیده بو داده دو درم سفوف سازند شربتی سه درم سفوف
که باذن الله تعالی اگر جریان منی ده ساله باشد نفع کند بیخ موصلی سیاه و سفید تالمکهانا
سمندر سوکه سنبل چهال مولسری چهال سینبهل گوند سینبهل تخم اسگند نیوه
برم ڈنڈی پیپلی بیج اسپده هر یک یک درم پیپلی جڑ گوکهرو هر واحد یک درم
کوفته بیخته با هم چند شکر تری آمیخته هر صبح کف دست لیسیده بخورند و از ترشی پرهیز
نمایند سفوف جهت بند کشاد چهال ڈهاک چهال مولسری گوند سینبهل موصلی
سینبهل مچرس گوند ببول گوند ڈهاک گوند کمرکس برابر کوفته بیخته قدر

خوراک کلان آن پاؤکم دو دام سفوف جهت جریان منی مجرب کوند طباشیر صندل
سفید کهیرا باسوده کتیرا النشاسته مصطکی تخم خشخاش سفید گل ارمنی ثعلب مصری
اچ دینه خشک خرفه مقشر موچرس دانه الایچی خورد و کلان سنگهاڑه خشک کوفته
بیخته سفوف سازند یا هم وزن نبات آمیزند و هفت ماشه بخورند سفوف ممسک البول
کو سیلان قوی را منع کند بیج بند کچرا تی سستا و تالمکهانه شقاقل مصری ثعلب
مصری موچرس سروالی گل هندی سنگهاڑه کمرکس صمغ ببول سنبل گل ببول
گل را ده هر یک شش ماشه خسته تمر هندی دال ماش مغز گل و اهد چهار دام شکر
آمیخته کوفته بیخته سفوف سازند و یکدام با شیر گاو صباح و نه ماشه با آب سرد و شام
بدا وست نماید سفوف جهت تغلیظ و توفیر منی تجربه نموده شد سنکند یک توله
بیخ بدار یعنی اکهه یک توله کوفته بیخته و پارچه بیز نموده با شکر سفید دو توله بقدر یک
کفدست با شیر یا آب بخورند سفوف که بجریان منی و سرعت انزال مجرب ست
تالمکهانه موصلی سفید موصلی سیاه تخم کونچ تخم اتنگن موچرس پوست بیخ انگور
ارنت کتاره بیج بند بیج بلا بهیلی بیخ ساکهی کمرکس تخم کاهو مقشر اندر جو کند
سمندر سوکه سستا و هر یک شش ماشه آرد سنگهاڑه نه ماشه سروالی یکتوله قند
برابر همه شش ماشه با آب سرد یا شیر گاو سفوف ممسک سفوف ابریج جریان
منی را دافع و در رقت امساک نافع پوست ببول صمغ ببول کونپل ببول هر یک یکتوله همه
کوفته بیخته با شکر آمیخته هر روز یک کفدست بخورند سفوف قلعی کشته برابجی زکه
قدر پیم و جدید مجرب ست سنگهاڑه و دهلی خورد و کوند ڈهاک سرخ بهیل کهرینا خسک
دانه الایچی کلان قلعی کشته کوفته بیخته نگهدارند و نبات شش ماشه یا نه ماشه با
دوازده دام شیرگاو فرو برند ایضاً جهت تغلیظ مجرب ست منقول از بیاض

بیاض اکل خانصا کوفته طباشیر کتیرا النشاسته خصیة الثعلب دارچینی الایچی مغز بادام
نارجیل علک البطم مغز چلغوزه مصطکی و نبات برابر اجزا سفوف سازند و گاهی از همین
اجزا معجون سازند و قند سفید سه چند اندازند سفوف که متعارف است قلعی کشته
همیشه معمول و مجرب است جریان منی و سوزاک قدیم و جدید فایده بسیار می بخشند
کل پوست سلاجیت الایچی خورد و کهیان سید بلسهی تالکهانه قلعی کشته بن سلوچن هر
یکدرم مصری برابر کوفته هر روز نهار ناشتا تا یکتوله بخورند سفوف جریان منی والد
مرحوم و السفوف مبارک موسوم بیج بند سیاه تخم [illegible] سه درام گوکهرو تال کهانه
اندرجو شیرین هر یک شش درم سوزه بست و چهار درام کوفته بیخته با هم چند شکر
تری آمیخته هر روز یک توله با آب سرد بدهند سفوف خیارین ساده جهت سوزاک و حرقة
مثانه سفید تخم خرفه تخم خیارین هر یک یک توله طباشیر کتیرا هر یک شش ماشه با
کوفته با آب سرد بخورند سفوف صندل اکثر امراض احشا و بطن را نافع قبض بکشاید
و ادرار بول نماید در اقسام قروح کلیه و مثانه و مجاری بول را نافع باشد صندل سفید
صندل زرد که آنرا در هندی صندل سرخ گویند نبات سفید تخم گل [illegible] هر یک چهار
درم و نیم [illegible] خطائی النشاسته رب السوس هر یک دو درم و نیم [illegible] کوزن سوخته
صمغ عربی هر یک دو درم و نیم مغز تخم خیار بالنگا هر یک یکمثقال و ثلث کتیرا مغز تخم
کدو هر یکی یکدرم و نیم کافور قیصوری کهربا از هر یک ربع ربع درم کوفته بیخته در
شیشه نگهدارند و هر روز از دو درم تا چهار درم بخورند سفوف صبحی جهت امساک
و تقویت باه بی نظیر است پوست بیخ [illegible] سیده چوب [illegible] چهار چهار درم شکر سفید
برابر سفوف سازند و شیر بدهند سفوف بجهت سرعت انزال مجرب است تخم [illegible]
بیج بند سرخ تخم [illegible] مساوی سه درام کوفته بیخته با نبات هم وزن بیامیزند [illegible]

آثار شیر مادہ گاو ہفت ماشہ و یا نہ ماشہ تا یکتولہ بخورند عجایبہ مشاہدہ نمایند سفوفیکہ
جہت سوزاک سرد است تخم تاج خروس ہر یک شش دام کوفتہ شکر تری آمیختہ
چہار دہ خوراک کنند یکی صبح دیگری شام با آب سرد بخورند سفوفیکہ برای سیلان
رطوبات از رحم عدیل ندارد و منی زنان کہ روان باشد بند نماید دانہ تمر ہندی را
یکشبانہ روز در آب تر نمایند باز پوست آنرا منقشر کردہ در ہمان آب تر نمایند تا خشک
شود و لیس بکوبند و ربع وزن آن مغز تخم ایکاین و ہم وزن صندل سفید و برابر اجزا
نبات آمیختہ سفوف سازند سفوف مجرب جہت کثرت رطوبات کہ از ارحام جاری
باشند نافع و از برای جریان رطوبات از فرج مجرب است گل اشبہ گل فوفل گل بستہ اگر
یافتہ نشود پوست بیرون پستہ عوض نمایند صمغ ڈہاک از ہر یک سہ ماشہ شکر سفید
یک تولہ کوفتہ بیختہ سفوف سازند ہر روز بشیر گاو و یا بآب سرد بخورند سفوف جہت
سیلان رطوبات رحم بی عدیل است تخم تبیہ گل بستہ کوکہرو گوند ڈہاک ہر یک
یک درم شکر تری برابر کوفتہ بیختہ سفوف سازند ہر روز بشیر گاو و یا آب سرد
بخورند سفوف جہت سیلان رطوبات رحم بی عدیل است گوند ڈہاک گل بستہ کوکہرو
تخم تبیہ ہر یک یکدرم شکر تری کہنہ برابر کوفتہ بیختہ سفوف سازند و بقدر یک
بخورند و گاہی جہت لساعت دواء آرد و موتک برتان اضافہ کردہ میشود سفوف
برای جذام بسیار نافع پوست بیخ انجیر دشتی مرچ سیاہ ہر دو دوا را کوفتہ بیختہ
سفوف سازند و بخورند و ہمون روز تا بی کہ دران بیخ چھربیری جوشیدہ
باشند غسل نمایند و از غذاہای سفید پرہیز نمایند سفوف برای جذام مستحکم
مجرب پوست بلیلہ زرد بلیلہ آملہ مقشر پوست آملہ ہر واحد دو درم گل
ستا گلو ریوند چینی اصل السوس مقشر الائچی بزرگ الائچی خورد کشنیز خشک

سفوف برص از مجربات است سندهی یاو سپید سندر سوکهه نیم پاو هر دو را کوفته بیخته
سفوف ساخته هر روز شش ماشه یا نه ماشه با روغن زرد بخورانند و از شیر و شیرینی به
پرهیزند و در اثنای خوردن این سفوف بلکه پیشتر طلا بیکرده باشند که عمل تنها هر دو را
کوفته بیخته با آب بهو ضمیر کرده گولیها ساخته نگهدارند و وقت حاجت با آب لیموها سائیده طلا
کنند **سفوف برص** تخم شقایق یکدرم کوفته با آب سرد چند روز بخورند با مرحق سبحانه تعالی
شفا یابد از برص **سفوف** سنج باده که بیمی برداری اطفال شده لبسنج باده معمول و مجرب
است تر کچور زیره سیاه سندهی لکر نیم انیسون پیپل گنهی دارچینی ملاه جرهی دوا اول یک
جزو و نیم جزو سمپیس یا دو جزو و سفیده جزو و دوا اول پاشند کوفته بیخته نگهدارند وقت حاجت
اطفل از یک ماشه تا نه ماشه شب در آب تر نموده صبح صاف کرده حسب قوت و سن طفل بدهند و
ماشه خوراک طفل کلان و قوی المزاج است اگر این عارضه بدن طفل ورم کرده باشد و جای سرخ
شده باشد نقل این دوا با آب برگ حنا سائیده ضماد نمایند **سفوف عشبه** برای آتشک و جرب
قروح خبیثه مؤثر است عشبه مغربی چهار توله پوست هلیله زرد صندل سرخ سنا مکی یک
یک توله کوفته بیخته سفوف سازند و از دو درم تا نه ماشه با آب نیمگرم یا عرق مناسب
بخورند **سفوف** جهت آتشک مجرب است تخم عباسی که گل سرخ داشته باشد هر قدر
که خواهند بریان کنند تا پوست بالائی سیاه شود دور شود لیس مغز آن را کوفته بیخته سفوف
سازند و هر روز یک درم با آب سرد بخورند **حرف الشین** مشتمل بر چهار باب **باب اول**
در نسخهای شربت مشتمل بر چهار فصل **فصل اول** در شربتهای که اکثر فواید آن به
مرضهای دماغیه متعلق است فصل دویم در شربتهای که بمرضهای قلبیه متعلق است
فصل سیوم در شربتهای که با امراض دیگر اعضا تعلق دارد فصل چهارم در شربتهای امراض
ظاهر جلد چون آتشک و جذام و قروح و جروح وغیره **باب دویم** در نسخ یاقوت

در شیافات مستعمله دو فصل فصل اول در شیافات محلوله فصل دویم در شیافات مطلیه
باب سیوم در ذکر نسخه‌هایی که بلفظ شراب آورده باشند باب چهارم در شربتها
فصل اول از باب اول در اشربه امراض دماغیه شربت بحستی تالیف نجیب الدین سمرقندی
عجیب الفعل است جهت صداع دموی صفراوی گل سرخ پنجدرم زرشک بیدانه سماق منقی
از هر واحد بیست درم آلو بسیاه بزرگ فربه بیست دانه عناب ولایتی چهل دانه شب
بخیسانند صبح بدستور معهود بجوشانند و صاف کرده ربع رطل گلاب و یک رطل قند سفید داخل
کرده بقوام آرند باشیره بعضی بزور بارد حسب الحاجت بنوشانند شربت تمرهندی مسهل
افتیمون تربد سفید مجوف هر یک یک اوقیه فانید نصف رطل تمرهندی کیلایته و تخم عناب سپستان
ولایتی هر یک یکرطل اجاص دو رطل شکر سفید یکمن بطریق معمول بقوام شربت آرند شربت
حماض جهت دفع خمار و صداع خماری بی نظیر است آب انار ترش آب انار شیرین آب سیب
شیرین آب لیمو هر یک نیم رطل آلو بسیاه تمرهندی منقی هر یک یکرطل عناب پنجاه دانه
در شش رطل آب بجوشانیده به دو رطل رسانند مالیده با هم برآمیزند یکمن قند اضافه
کرده بقوام آرند شربت عناب معمول [illegible] که جهت سینه و دموی بعد فصد و تنقیه بدن و
جمیع امراض دماغی دموی انفع است عناب جرجانی تازه یک رطل عدس مقشر صد درم
کشنیز سبزی ده درم پوست بیخ کاسنی یک اوقیه در سرکه تر نمایند و بعد سه روز یک جوش قوی
داده صاف کرده بگذارند تا مروق شود و باز دو باره صاف کرده بقوام شربت معتدل
بسازند و هر روز یک قدح معتدلا از این شربت بنوشند و اگر ده درم از آن شربت
با نقوع اسبغول بارتنگ بخورند بهتر باشد شربت مسهل که جهت امراض سوداوی و
علل بارده دماغی و معدی بغایت نافع است و بهترین مسهلات جهت تلطیف بلغم
پاکیزه سنبل الطیب و مثقال مصطکی رومی اسطوخودوس گل تخم کشوث هر واحد سه مثقال

قوت دهد و خفقان و غشی و توحش سوداوی زایل کند و فرح تمام آورد و شکم را ببندد و ابریشم خام پنجاه
درم یک شبانه روز در آبی که طلا و نقره مکرر گرم کرده باشند در رومی سرد نموده باشند
بجوشانند و صاف کنند گاوزبان و فرنجمشک گل سرخ سنبل هر یک دو درم علیحده در گلاب
خیسانیده صاف کرده مضاف سازند و نبات سفید بقدر حاجت آمیخته بقوام آرند و مشک و
عنبر اشهب درمی مروارید ناسفته کهربا یشب هر یک بگلاب حلا کرده و دو درم صندل سفید سه درم
باریک سائیده منضم سازند و بهم آمیزند شربتی دو مثقال با عرق بیدمشک و عرق گاوزبان و گلاب
و اگر حرارت در مزاج غالب باشد فرنجمشک و اشنه سنبل مطبوخ سازند شربت ابریشم
ساده نافع از برای جمیع علل سوداوی و بلغمی و امراضی که بمشارکت قلب باشند ابریشم خام
ثلث رطل در شش رطل گلاب دو شبانه روز بخیسانند تا بنصف رسد بپالایند و ابریشم را
نیکو بمالند و دور کنند و باز بمقدار ثلث رطل ابریشم خام داخل کنند و باز بجوشانند تا سه رطل
گلاب باقی ماند بمالند و ابریشم را دور کرده سه رطل نبات سفید داخل کرده بقوام آرند و در آخر
دو مثقال عنبر و نیم مثقال مشک سوده داخل نمایند و بهم زنند تا نیکو مخلوط گردد و در شیشه
یا ظرف نگاه دارند شربتی یک اوقیه با عرق گاوزبان و تخم فرنجمشک یک مثقال بر آن پاشیده
بنوشند شربت ابریشم زمانیکه خون بواسیر سیلان با فراط کند و سودی بغشی
کرده باین صفت ابریشم خام چند خالص را در دیگ لطیف کنند و اگر از نقره باشند بهتر است
و سر دیگ را محکم ببندند تا بخار بر نیاید و گاهی در اول طبخ یا در انتهای آن یا در اواخر از
چیزهای مقوی قلب چون گاوزبان و تخم فرنجمشک و امثال آن با او جمع میکنند و بعد از
طبخ ابریشم صاف کرده شربت سیب با شکر سفید خالص یا شربت به و امثال آن اضافه کنند
و باز بر آتش ملایم نهند و چند جوش سبک بدهند و از آتش فرود گیرند پس مروارید و بسد سائیده
و گلاب و بیدمشک و سایر لعابات و قوابض مناسب حال اضافه کرده شربت سازند شربت

کاوزبان عنبری برای تقویت اعضای رئیسه مجرب است برگ گاوزبان گیلانی ده توله گل گاوزبان
پنج توله بادرنجبویه دو نیم توله گل گاوزبان تخم گاوزبان توله صندل سفید بگلاب سوده تخم فرنجمشک یک
یکنیم توله تخم کشنیز مقشر دو توله تخم بادرنجبویه یکنیم توله زرشک بیدانه دو توله شب در گلاب
و عرق بیدمشک تر کرده صبح بجوشانند هرگاه نصفی بماند صاف کرده قند سفید یک آثار داخل کرده
بقوام آرند پس ورق نقره یکتوله ورق طلا نیم توله عنبر اشهب نیم توله مشک خالص دو ماشه
داخل کرده فرود آرند شربت گاوزبان ساده جهت مرض سودا و تقویت قلب گل سرخ
پنج درم گل نیلوفر بادرنجبویه فرنجمشک هلیله هندی افتیمون بسفایج فستقی تخم فرنجمشک
اسطوخودوس دو درم بنفشه تازه پانزده درم گاوزبان گیلانی سی درم شکر طبرزد
یکمن گلاب سه من بقوام شربت آرند شربت اسپغول خفقان صفراوی و تخم صفراوی
و سرفه گرم و خشک و خشونت و قصبه ریه و امثال آن نافع است بزرقطونا یک اوقیه را
با یک رطل آب بپزند و لعاب آن بگیرند و با یک رطل و نیم شکر ابلوج فانید بر آتش نرم کند اشتعه
بقوام آرند و استعمال کنند و لعاب بزرقطونا بقدر حاجت خصوصاً که با بیدمشک و گلاب
و آب لعاب گرفته باشند شربت صالحین مخترع و معمول والد ماجد کمترین باذن
دوار خفقان بارد و حار و استیصال ماده بکار کنند و بخارات هر قسم را خواه از معده خواه
از رحم تسکین نماید و دل غمگین را و خاطر حزین را بگشاید ازاله توحش و جنون و رنگ بشره
گلگون کند و معده را دباغت دهد و جمیع قوای طبعی را معاونت نماید و اشتهای رفته را بیارد
کریل گلی است در هندوستان مشهور در اکثر بلاد هند صد عدد ازین گلها که بالیده و بکمال
سرخی رسیده باشند سبزی آنرا دور کرده در آب لیمون کاغذی یا و سیر بالیده در چینی
چینی شب نگهدارند صبح با شربت نبات که یک سیر نبات را با دو سیر آب باران شربت
کرده باشند یکجا کرده در شیشه صحن نصف شیشه یا ثلث شیشه خالی باشد انداخته

سر شیشه را محکم بسته شیشه را در ظرف پر آب در گوشه نگهدارند بعد سه روز چهار روز که جوش
خورده برآورده صاف کرده نگهدارند و از دو دام تا شش دام بعمل آرند و در بعضی جاها
که گذند و امکان مطلوب باشد پنج تفاح سه چهار دانه همراه گلها و شربت در شیشه اضافه کرده
میشود و جهت افرحه حاره که تقویت منظور باشند بجای آب باران آب بید فرموده اند
و برای تقویت دل همراه آب باران گلاب بید دهند و مشک افزودن بر آن شرح شربت
صندل دل را قوت دهد و خفقان گرم و معده و جگر گرم را نافع باشد و تشنگی بنشاند و شکم
به بند و صندل سفید سائیده بست مثقال و گلاب یک شبانروز بخیسانند روز دیگر اندک جوش
دهند و شیره اش بگیرند و با یک من قند شربت بپزند همچنین است در شفای و در رقاد رنجی
همچنین نوشته صندل را سوهان کرده بالمبالغه بکوب ساخته در یک رطل گلاب تر نمایند و دو
شبانروز پس گلاب مذکور صاف کرده بستانند و صندل مذکور را در آب خالص شیرین بجوشانند
تا قوت صندل کما حقه بر آید و آب بقدر مناسب بماند پس این آب را اضافه کرده با گلاب مصفی
آمیزند و قند سفید دو رطل یا کم بحسب موافقت ذائقه حل کرده بقوام آرند و بهترین صندل
سفید آنست که مایل بزردی بود و تر همین نماید شربت صندل ترش جهت تسکین سوزش
دل و تپ محرقه نافع صندل سوهان کرده پنجاه درم یک شبانه روز در آب غوره و سرکه هر یک
پنج درم پنج استار و قدری آب بخیسانند پس بجوشانند تا به نیمه آید صاف کرده با یک من شکر
بقوام آرند شربت صندل ترش نسخه دیگر که بضعف قلب حار بکار آید کشنیز خشک
کوفته بیخته پنج درم آب غوره پانزده درم سرکه قدری صندل سفید سائیده سی دام آب لیمو الفر
یک من نبات در آن حل کنند و پنج درم زعفران در خرقه بسته در افکنند و بپزند و کف
بر آورند و خرقه زعفران را بالید بیرون آورند پس پنج مثقال کافور و طباشیر و صندل سفید
سائیده هر یکی ده دام در وقتیکه نیمگرم باشد داخل کنند شربتی پنج درم با شیره تخم خرفه

شربتی دیگر که تقویت دل کند و از خلط سوداوی دور گرداند اصل السوس ده درم زرق بادرنجبویه
بزر و تخم خشک هر یک بیست درم لسان الثور بیست درم همه را در دو چند آب سیب شیرین شش
چند گلاب بجوشانند تا از مجموع سه چند گلاب باند مجموع سه چند صاف کرده شکر اندازند
بقوام شربت آرند و جای دیگر است که بیست درم سازند بقیاس سکنجبین افتیمونی شربت فواکه جهت
فساد خون و تپ محرقه و پاهای گرمی کرده و قی صفراوی و اسهال دموی نافع است عناب
ولایتی بیست دانه سماق و انار دانه ترش تخم کشنیز خشک پنج درم همه را کوفته بیخته در عرق صندل
عرق کاسنی هر یک نیم رطل شب خیسانیده صبح بجوشانند هرگاه نصف باند صاف نموده آب انار
ترش آب به شیرین آب امرود آب هندوانه آب نیشکر آب سیب هر یک دو درم عرق بیدمشک
گلاب هر یک بیست درم قند سفید دو چند شربت حامض ترنج یک چند داخل کرده بقوام
آرند و اگر آب چهار درم آب تمر هندی هم درین شربت اضافه نمایند قوی گردد شربتی
که رفع قبض نماید و صفرا را بزداید و حرارت را ساکن کند گل گاوزبان گل بنفشه ثنا هر
هر یکی ده مثقال تمر هندی چهل مثقال زرشک بیدانه چهل مثقال آلو بخارا و آلو سیاه
هر یک صد عدد و همه را در دو رطل آب بجوشانند تا به نصف رسد بپالایند و شیر خشت
یکصد مثقال ترنجبین خراسانی یکصد و پنجاه مثقال داخل کرده بقوام آرند مجموع
ده شربت است در هفته یک روز یک شربت بعمل آرند شربت ملین جهت کسی که یبوست
در امعا داشته باشد و بدان طبع بفراغت نماید چون برین دو دوا مداومت نماید یبوست
دفع شود و سرفه و سینه نفع نماید بهدانه دو درم گاوزبان پنج درم گل بنفشه گل سرخ
هر یک هفت درم اسپغول نه درم عناب ولایتی بیست دانه سپستان شصت دانه
ادویه را مطبوخ ساخته و بعد تصفیه مغز فلوس آمیخته با یک رطل قند سفید یا ترنجبین
بقوام آرند و هر صباح با روغن بادام آمیخته حسب حاجت بدهند شربت

شربت بادرنجبویه بستانند گاوزبان خشک سی درم بالنگو تازه یکمن اگر تازه
نباشد خشک سی مثقال بکوبند و بجوشانند و بپالایند و با یکمن قند یا عسل کف گرفته
شربت سازند

فصل سیوم

در بیان شربتی که با مراض اعضای سینه تعلق دارد شربت
نزله جهت نزله حار و رفع قبض بعید بیست انجیر زرد سی دانه عناب ولایتی بست دانه
سپستان پنجاه دانه پرسیاوشان سه درم حب الآس کتیرا هر یک پنج درم تخم خطمی بست
درم اصل السوس تخم خشخاش سفید هر یک ده درم مقشر پانزده درم بنفشه مربی شده درم
ترنجبین یک و نیم پاو شربت سازند شربت فریاد رس برای قسارت نوازل حار و
سرفه رطبه و یابسه سفید گاوزبان گیلانی صندل سفید پرسیاوشان خشک عود صلیب
تخم خشخاش سفید هر یک دو توله اصل السوس مکوک مرضوض تخم خطمی سفید گل سرخ فارسی
یک یک توله مویز طایفی کلان بست و پنج دانه کوکنار بست و پنج عدد قند سفید یک آثار در
آثار آب تر نمایند صبح بجوشانند تا نصف بماند با قند سفید بقوام شربت آرند شربت
شفا ذات الجنب و جبات صفراوی که در صدر یا نافع بود در وسینه و ذات الریه را فایده
دهد گل نیلوفر سپستان عناب ولایتی بسیاری در آب بجوشانید و صاف کنند و با قند سفید
بقوام آرند شربتی او فیه شربت اعجاز از مصنوعات شاه ارزانی جهت سکانی
جهت سرفه خشک و تر و برای تپ دق بهید کتیرا صمغ عربی هر یک سه درم بهیدانه
پنج درم گل نیلوفر بنفشه تخم خطمی اصل السوس مقشر از هر یک هفت درم عناب ولایتی بست
دانه سپستان کلان شصت دانه برگ ارو سه یک رطل قند سفید دو رطل مغز صمغ
عربی و کتیرا سه جدا بجوشانند بطریق معلوم با قند بقوام آرند بعد از آن صمغ عربی و کتیرا
را کوفته بخته و اخل نمایند ارو سه عبارت از بادیان یک گل و در هند کثیر الوجود است
شربت خشخاش جهت سعال خشک و سیل و منع نفث و نوازل و سرفه که بسبب بیدار

حار در سده قاشق و غیر هم عرق کاسنی سه نیم قاشق عرق بادیان چلکرده بدهند شربت
دینار نسخه معمول سده بگشاید و سوء القنیه و استسقا و حرارت احشا را نافع آید تخم کشوث
سه درم در کتان بسته گل نیلوفر گاوزبان ده درم تخم کاسنی نیم کوفته ده درم گل سرخ
بیست درم پوست بیخ کاسنی چهل درم شب در آب تر کرده صبح بجوشانند تا نیم آب بماند و صاف
کرده با یک من قند سفید بقوام آرند و ریوند خطائی سه مثقال نیم کوفته در آن حل نمایند
و یک قاشق با شربت نیلوفری بار دیا عرق های مناسبه استعمال نمایند شربت دینار
قریب الاعتدال کثیر المنافعت است جهت سده جگر و ماساریقا و احشا مفید باشد شیره
تخم خیارین خاصه که با سکنجبین بکار ترتیب مضاف شود و رافع یرقان و حرارت جگر
سده و مدر بول و ملین طبع و دافع قصبه و جدری و حصبات و سوء صفراوی باشد شربت
عناب ریوند چهار مثقال تخم کشوث پنج درم گل سرخ پاک کرده پانزده درم تخم کاسنی
نیم کوفته بیست مثقال پوست کاسنی سی درم ریوند را نیم کوب کرده در خریطه بسته همراه
دیگر ادویه در آب خیسانیده صبح بجوشانند تا آتش نرم و صاف کرده با قند سفید یک رطل
بقوام آرند و اگر یک مثقال ریوند دیگر از بالا نیز سحق نرم کرده داخل نمایند قوی الفعل
باشد شربتی از ده درم تا ده مثقال شربت ریوند سده بگشاید و یرقان و حرارت
کبد را نافع باشد و ادرار بول کند و طبع را نرم دارد تخم کشوث پوست بیخ رازیانه پوست
بیخ کاسنی بیخ کرفس هر یک پنج درم تخم خیارین تخم خربزه تخم رازیانه تخم کاسنی هر یک
پانزده درم مجموعه نیم کوفته بجوشانند و بپالایند و با یک من قند سفید بقوام آرند در
آخر ده درم ریوند خطائی کوفته بیخته داخل نمایند و خوب مخلوط سازند شربت
انجبار که اسهال صفراوی را نافع و حابس طبیعت و جریان خون از هر عضوی که موضعی
باشد و مقوی قوت ماسکه بکار برند چوب انجبار و پوست بیخ آن از ده درم وقیه تا بدو نیم

وقیه نیکوب کرده یکشبانه روز در آب گرم بخیسانند بعد از ان با آتش نرم نرم بجوشانند
و بمالند و صاف کنند و با یک رطل شکر بقوام آرند شربتی آن از نافع نیم وقیه انار دانه شکنند
میجوش سازند شربت حابس خون شکم طراثیث بیخ الجبار یکتوله کوفته بیخته با دو توله صندل
سفید دوازده توله قند سفید شربت سازند و نیم مثقال صمغ عربی کوفته بیخته داخل سازند
جدا نگاه دارند در روزی دو نوبت این شربت بنوشند هر مرتبه دو مثقال با نیم مثقال صمغ
عربی مذکور شربت بزور را در ابول و حیض کند و حصات بریزاند و دفع یرقان و تفتیح سده
جگر و سپرز و تبهای کهن دور کند پوست بیخ کاسنی گل غافث تخم خطمی اصل السوس سنبل الطیب
بنفشه گاوزبان هر یک سه مثقال تخم کاسنی تخم رازیانه تخم خربزه تخم کدو حب قرطم هر یک پنج مثقال
نیکوفته در پنج رطل آب یکشبانه روز تر نمایند و مویز منقی بیست درم آمیخته بجوشانند تا که
دو رطل بماند صاف نموده قند سفید یکمن اضافه کرده بقوام آرند ریوند خطائی خوب باریک سائیده
بالای شربت وقت تنکه تیار شود و سه دار و پاشیده بعمل آورد و بسیار مفید افتاده شربت کاکنج
جهت قرحه مثانه و سوزاک انیسون تخم کرفس دو درم پرسیاوشان بنفشه گاوزبان پنج درم
خارخسک بیخ هندرم کاکنج ده درم تخم خیارین هر یک درم قند سفید نیم رطل بطریق معلوم شربت
سازند شربت مفاصل تخم کرفس رازیانه انیسون نانخواه بیخ سورنجان هر یک
ده درم پوست بیخ کرفس بیست درم پوست بیخ کبر پوست بیخ رازیانه هر یک یکمثقال قند سفید یکمن
شربت هندبا در تفتیح سده و تقطیع اخلاط غلیظه و تحلیل ریاح سودمند است بیخ کاسنی
نیکوفته بجوشانند و صاف کنند پس گلقند آفتابی بران اضافه نمایند و بگذارند بقوام معتدل آرند
و نیز در قوام آب لیموی تازه بقدر لایق بیفزایند شربت هندبا که جهت تفتیح سده و تقویت
جگر و دل و معده نافع است شکر سفید سه رطل در آب حل کرده جوش دهند و کف بردارند پس آب
کاسنی مروق یک رطل بیفزایند بقوام آرند چون قریب بقوام رسد قدری آب لیمو نیز اضافه

کنند شربت سنا تالیف صاحب قرابادین قادری بهترین مسهلات معتدل المزاجان
و در حمیات نیز توان داد و اخراج اخلاط ثلثه میکند و متناول قلیل الغذا و غیر کریه الطعم است
و با مراض دماغی و غیر آن مفید و با وجود اسهال دل را قوت دهد تخم کاسنی شکوب چهار درهم گل سرخ
گل بنفشه گل گاوزبان گل نیلوفر هر یک پنج درهم تخم خیارین هر یک شش درهم سنا مکی از چوب
و غیره پاک کرده بست درهم آلو بخارا پانزده عدد و عناب و الایچی مانند سپستان شصت دانه
ترنجبین خراسانی از خار و غیره پاک کرده یک رطل و نیم بطریق معروف شربت سازند و اگر عوض
آب در گلاب جوشانیده مشک عرق نیلوفر و طبیخ دهند بهتر باشد و اگر قند سفید عوض ترنجبین نمایند
روا است و اگر کسی مبتلا نفث الدم و یا مستعد به نفث الدم بود و یرا ترنجبین نباید داد
و این بخاصیت درهم است و شربت این بحسب وقت و مناسب مزاج موقوف بر رای طبیب

فصل چهارم در شربتهای امراض ظاهر جلدیه چون آتشک و جذام و قروح و جروح
و غیره شربت چوب چینی بنسخه اطبا فرنگ مستعمل و با آتشک و جذام و جمیع امراض بارده
فرنجیه سوداویه و بلغمیه بکار برند چوب چینی شصت مثقال نکوفته در قدر عقیق عسیانده زده و
سر آن را محکم نموده بجوشش یا مبروق بکار برند و در یکشبانه روز سه مثقال نوشند
شربت عشبه جهت آتشک و جوشش اقسام بثور و قروح اصلاح سودا و حاره و اکال
سفید بی بدل است عشبه مغربی و چوب چینی هر یک چهار درهم آلو بخارا و عناب هر واحد دوازده
دانه کرده بزه و دو درهم شش درهم را در چهار رطل آب بجوشانند
تا نصف باند و شاهتره در آن اضافه کرده باز بجوشانند تا چهارم بسته و نیم رطل
قند سفید افزوده بقوام آرند و دوازده درهم ماشند آن با عرقهای مناسبه
بخورانند و غذا آش جو و کباب آب عرق چوب چینی اگر باشد بهتر و الا عرقهای مناسب
شربت با رساتی که بزبان اهل فرنگ گویند جهت اصلاح قروح و جروح آتشک و

وجرب و دوالی وغیره امراض خونی و سوداوی مجرب و معمول فرنگیان است مراده باوسات سرخ
نیم سیر در آب شیرین شش آثار شبانروز تر نمایند بعده جوشانیده وقتیکه یکنیم آثار آب بماند
فرود آورده صاف نمایند و سه پاو قند سفید آمیخته بقوام آرند و شربت ساده عبارت
ازین است اما اگر خواهند که مواد را باسهال بیارد درین قسم شربت سازند هرگاه چاشنی
قریب بقوام آید سورنجان مصری سه توله و [illegible] از تخم مکی دو توله کوفته بیخته داخل کنند
بعد درست شدن قوام ورق سنامکی ده توله باریک ساخته بیندازند و داخل کرده فرود
آرند و سرد شود در شیشه نگهدارند و اگر خواهند که خون را صاف نمایند و بخارش وغیره
نفع رسانند چهار توله شاهتره کوبیده همراه [illegible] بیندازند بعد ازان ورق سنا بیندازند
و قدر خوراک شش توله صبح و شش توله شام و از مرکب ده توله صبح همراه جوشانیده [illegible]
عذرا نان و قلیه بدهند شربت عناب برای گرمی خون و احتراق و خفقان نافع است
عناب ولایتی آلوبخارا هفت دانه تمر هندی چهار توله گل سرخ دو توله گل گاوزبان دو
توله پوست هلیله زرد هریک دو توله تخم شاهتره چهار توله صندل بیخ گل نیلوفر چهار توله
یک توله اصل السوس یک توله در دو آثار قند سفید بقوام آرند شربت شاهتره مدبر طبیع را نرم
کنند و اخلاط سوداوی محترقه برآرد و جرب و حکه و جذام را نفع دهد و تسکین غلیه مرار کند
بگیرند تخم کشوث زرد و زرشک هریک پنج درم گل بنفشه هفت درم مویز سیاه و [illegible] اصل السوس
مقشر بسفایج سنامکی گاوزبان هلیله هندی هلیله کابلی [illegible] هریک سی درم
آلو شفتالو گل نیلوفر تازه هریک سی عدد عناب سپستان هریک پنجاه عدد و آنچه کوفتنی است
نیم کوفته و اندر ده رطل آب شاهتره یکشبانه روز تر دارند پس بجوشانند تا که ثلث بماند بعد
صاف کرده نگهدارند شربتی از هفت درم تا بست درم با ماء الجبن گاهی عسل خیارشنبر و
سقمونیا اضافه سازند بجهت قوت شربت [illegible] صفرا و [illegible]

زعفرانی آنکه شیاف احضر درد و کرمی حشت را تسکین دهد و سرخی و خارش چشم دور کند
دمعه و ناخنه و موی سرخ را سودمند بود صمغ عربی کتیرا اسپیده ارزیز نشاسته شاذنه مغسول
مروارید سفید شکر فرد رومی و نیم افیون هر یکی یک درم کوفته بیخته و صلایه کرده بلعاب حب
سفرجل شیاف سازند شیاف جب و بیاض و سبل را سود دارد اشق اقلیمیا انزروت صمغ عربی را
در آب سداب حل کرده دیگر ادویه کوفته بیخته بدان بسرشند و شیاف سازند شیاف اسود
که هم باکتحال چشم بکار می آید و هم بطلای آن بکار آید باکتحال ظفره و بیاض البقیه باده رمد کهنه جرب را نافع
و ابطال سیلان دمعه و انصباب مواد را بچشم نافع آید معمول و مجرب است نسب یمانی بوزن یک درم
عالمگیری که چهار ده ماشه باشد حضض هندی نیم درم عالمگیری افیون مصری سه ماشه
سفیده کاشغری توتیا سبز یعنی نیله تهوتهه خام پوست عاقرقرحا هر یک یک ماشه با آب صلایه
کرده شیافها سازند وقت حاجت با آب شبینه سائیده باستعمال آرند شیاف بجهت پهولی
و جاله و ناخنه مجرب است نمک لاهوری یک درم قرنفل کلاه دار مرچ سیاه پنج پنج عدد کهونگچی
سفید پنج عدد و افیون یک سرخ خرمهره زرد سرمه چینی سفیده یک یک ماشه کافور بهیمسینی چهار سرخ
اول کهونگچی را پوست سوخته مثل انگشت نمایند بعده ادویه مثل غبار ساخته علیحده علیحده
سائیده در ظرف آهنی دسته از چوب نیم که در و فلوس نشانیده باشند با آب لیمو کهرل کنند
پس شیافها ساخته نگهدارند وبه آب لیمون یا آب ساده سوده بالای چشم و اندرون استعمال
نمایند شیاف یاسمین نافع باکثر امراض عین خواه در طبقات و خواه رطوبات باشد خواه
حادث غنچه گل یاسمین یعنی چنبیلی سرمه سنگ لیمری توتیا بارو فی زعفران شوره قلمی مغز
تخم سرس ساوی کوفته بیخته در سنگ سماق با شیره لیمو تا یک هفته سحق کرده شیافها
ساخته نگهدارند با پستان هر سنگی که سائیده شود با سیل چسپیده در چشم کشند
و اگر در چشم سبل بوده باشد یا موی مژه ریخته باشد با آب برهن سائیده صبح از خواب

برخاستن نکشند شیاف فیکه جهت رمد مجرب است و عجیب النفع دم الاخوین صبر اقاقیا شیاف
ماسیثا زعفران افیون صمغ عربی کوفته بیخته بآب هندبا تر شیافها سازند شیاف فیکه
بر مد حار و موحار و اکثر امراض چشم را نافع است شب یمانی را در ظرف آهنی انداخته
بر آتش گذارند که بریان و بالیده و منتفخ شود و لیس در همان حالت بر سر آتش آب انار ترش
در همان ظرف اینقدر اندازند که شب یمانی را بپوشد پس با آتش ملایم بجوشانند که خود بخود
آب خشک شود و هرگاه آب بجذب آید و قابل جنبیدن شود زود تر برآورده در ظرف چینی نگهدارند
و شیافها سازند و وقت حاجت بآب سائیده در چشم کشند شیاف مجرب جهت ناصور [illegible]
مجرب و محصول صبر کنند هر یک درمی انزروت دم الاخوین گلنار سرمه شب یمانی هر یک نیم درم
زنگار ربع درم شیافها سازند و وقت حاجت ناصور را خوب بیفشارند آنرا بنوعی که در رگها
نماند بآب سائیده و قطور نمایند شیاف قائم مقام شیاف مراره جهت ماده نزول مجرب است
زهره بز کوهی در ظرف مسی خشک کرده سکبینج دو درم فرفیون نوشادر هر یک درمی تخم حنظل
نیم درم بآب سداب یا آب رازیانه شیاف سازند شیاف کنند نافع بقروح عین و انبات
لحم و انضاج قروح و بثور هم کنند کندر ده درم اشق انزروت هر یک پنج درم زعفران دو درم
بلعاب حلبه شیاف سازند و تقطیر در عین کنند و اگر مطلوب انضاج قروح و بثور باشد برفاده
بندند شیاف مجرب جهت نزول الماء سعد کوفی فلفل سیاه دار فلفل هر یک پنج ماشه زعفران
سه ماشه پوست هلیله زرد ده ماشه هلیله سیاه سه ماشه دهنه فرنگ مسی دو ماشه مامیثا چهار
ماشه تخم سرس پنج ماشه تخم کهرنی چهار ماشه سنگ بصری پنج ماشه ناخن فیل پنج ماشه سفیدی
بیخال کبوتر چهار ماشه قرنفل یک ماشه کوفته بیخته باریک ساخته در ظرف آهنی همراه شاخ
گوزن بآب لیمو سه روز سحق نموده شیاف ساخته نگهدارند شیاف جهت کری گوش که از
اخلاط غلیظه بود و دافع ثقل سمع حدث و عتیق و وجع بلغمی و طنین و دوی ریحی فرفیون

فرفیون و انگی قسطار یکدرم چند بیدستر زراوند مدحرج عصاره افسنتین هر یک نیم درم شحم حنظل
یکدرم بوره سه درم کوفته بیخته بمراره گاو سرشته شیاف سازند وقت حاجت اول انکباب
بر طبیخ فودنج و شیح و مرزنجوش زنان صالح کرده پس قدری ازین شیاف بروغن تلخ
بادام تلخ کرده بچکانند دیگر که قرح حادث گوش را نافع است سازند انزروت یکدرم مر کندر
نوشادر زعفران هر واحد نیم درم بادام تلخ یکدرم و نیم کوفته و بیخته شیاف سازند و وقت
حاجت بروغن گل و شحم بط حل کرده قطنه تر کرده در گوش بچکانند و اگر صدید و ریشه باشد
بغیر قطنه بچکانند و بعد گوش را بند کنند فصل دویم در شیافات محموله قبل و دبر شیاف
ترنجبین طبیع بگشاید و محرور را نافع است و استعمال آن نمایند عقب مسهل که در مسهل تقصیری
باشد بوره ارمنی خطمی صابون نمک طعام هر یک دو درم ترنجبین یکدرم کوفته بیخته بشکر
سرخ سرشند و شیاف سازند شیاف خیارشنبر قولنج بگشاید و طبیع ملایم کند و در
تبها بکار آید بغایت سریع الاثر است نمک هندی یکدرم بنفشه دو درم خطمی سه درم سنا
مکی عسل خیارشنبر شکر سرخ هر یک ده درم دیگر رفع قبض و دفع سده اطفال مجرب
نعنا تربد سفید اشنکل موش هر یک یکمثقال کوفته بیخته بعسل خیارشنبر سرشته شیاف ها
ساخته وقت بر داشتن بروغن زیت چرب کرده بر دارند شیاف سورنجان در امراض بواسیر
ریحی که وجع مفاصل هم با آن ملحق باشد بسیار نافع است سورنجان نصف مثقال در امر
بواسیر ریحی که وجع مفاصل هم با آن ملحق باشد بسیار نافع است سورنجان نصف مثقال کوفته
بیخته بروغن دنبه یا گاو سرشته دو باره از دنبه گرفته شبها متوالی در مقعد بگذارند در دو شب
اصلاح میکند احتیاج بسیوم نمی افتد در اغلب تجربه شده در این دو سه جزو دیگر اضافه نموده
و زیاده مفید یافته مقل در رقت حنت مستعملا لو آب کنند با دیگر محمول کثیر المنافع زنجبیل
ملح عجین شکر احمر بالسویه بر آتش نرم معقود سازند و مانند خسته خرما قلمها ساخته

بروغن بنفشه برجمی حب کرده بر دارند دیگر جهت قولنج و خشکی بوره ارمنی یکدرم شحم حنظل
یک مثقال زهره گاو دو درم بعسل معقود بسرشند بروغن بادام حب کرده بردارند
دیگر اسهال بلغم کنند سقمونیا دو دانگ زنجبیل مقل شحم حنظل جند بیدستر هر یک یک درم
حبة السودا دو درم صابون بوره ارمنی هر یک سه درم از همه چهار شیافه سازند و اگر
قوی‌تر خواهند قدری شبرم نیز داخل کنند شیاف قولنج بگشاید سقمونیا دو درم و نیم شحم
حنظل مقل سکبینج هر یک پنجدرم شکر سرخ نه درم بوره ارمنی دو درم کوفته بیخته
شیاف سازند شیاف جهت قولنج ریحی برگ سداب تر زیره نانخواه بوره
ارمنی مساوی کوفته بیخته بعسل بسرشند و خرقه نرم تا بآن آلوده کنند و رشته در کنار
خرقه ببندند و به اندرون رسانند و رشته بیرون بگذارند تا یکساعت پس بیرون
نمایند و چند مرتبه باین دستور عمل نمایند دیگر قولنج بگشاید شحم حنظل سقمونیا
زهره گاو هر یک یکدرم بوره ارمنی خطمی هر یک سه درم شکر سرخ مقل هر یک
ده درم کوفته بیخته شیاف سازند شیاف دیگر جهت کرم کوچک که در امعاء سفلی
اطفال باشند سود دارد شحم حنظل قنطوریون نمک هندی مغز استخوان زردآلو
مساوی کوفته بیخته شیاف سازند شیاف که شکم به بندد اقاقیا گلنار
صمغ عربی کزمازج بلوط زیره بریان برنج بریان کوفته بیخته بآب مورد شیاف
سازند شیاف که استسقاء طبلی را نافع است و دردهای امعا دفع کند
سداب حرمل رازیانه تخم کرفس تربد سفید بوره ارمنی هر یکی سه درم شکر سرخ
پنجدرم بآب سداب شیاف سازند شیاف در دیر شدن تخم خطمی بورق تخم حنظل شکر سرخ
کوفته شیاف ساخته بکیرند شیاف جهت نفث الدم کنند دم الاخوین اقاقیا افیون صاف عصاره
لحیة التیس هر یک جزو مساوی کوفته بآب بارتنگ سبز خمیر کرده شیاف سرشته سازند خشک ساخته
بکار برند شیاف زبلی طبیع بگشاید اشنگ سوسن شکر سرخ سنا مکی بنفشه جمعیه برابر نرم کوفته شیاف سازند

بطریق معمول در ظرف زجاج تقطیر نمایند که شراب حادث می چکد و با پر مرغ بر موضع برص
رسانند چند روز عجایب بشاهد نمایند صبغ عصفر که برص را رنگین کند شوره مرکی شب یمانی
کوفته بدرد شراب تر نمایند و چند نوبت بمالند دیگر که همین عمل کند [illegible]
حصه شیطرج یک حصه کوفته با آب بسایند و طلا نمایند دیگر که نشان آبله و جراحت را برنگ
بدن آورد مرداسنگ نشسته بیخ نی کهنه آرد نخود و برنج استخوان پوسیده مغز تخم خربزه
حب البان قسط کوفته بیخته بلعاب حلبه و تخم کتان شب بمالند و صبح بسبوس آب گرم
بشویند **حرف الصاد المهمله** مشتمل بر یک باب محتوی بر چند فصل فصل اول در ضمادها
با امراض سر و دماغ متعلق بهست فصل دویم در ضماد چشم و کلو و بینی و گوش فصل سیوم در
ضمادهای سینه و پهلو و ثدی فصل چهارم در ضمادهای قلب و معده و جگر و طحال و
کلیتین و مثانه و رحم و مقعد و قضیب و انثیین فصل پنجم در ضمادهای مفاصل فصل ششم
در ضمادهای جرب و حکه و قروح خبیثه فصل هفتم در ضمادهای ضربه و سقطه فصل اول
در ضمادهای امراض سر ضماد دیگر در سرسام سوداوی و صداع بلغمی [illegible]
دماغ فائده تمام میکند گل بنفشه گل نیلوفر مغز تخم کدو مغز بادام مغز تخم [illegible] هر یک
یکتوله بشیر دختر یا زنان بسایند ضماد نمایند دیگر جهت سرسام صفراوی و اطفال و عطش در حمیات
و امراض حاده آرد جو ده درم گل بنفشه سبوس گندم از هر یک پنج درم گل خطمی صندل سفید سه درم
کوفته بیخته با آب برگ بید و روغن گل و سرکه سرشته ضماد نمایند بر موضع یافوخ دیگر جهت
سرسام صفراوی که عارض شود نفس جوهر دماغ بشود تراشه کدو مغز تخم خیار و برگ عنب الثعلب
صندل سفید خشخاش گل اطراف بید ورق نیلوفر [illegible] باریک بسایند و بسرکه نرده ضماد نمایند
دیگر جهت سرسام اطفال در وقت اختلاط بنفشه دو مثقال عود هندی عود صلیب اسپغول خورد
هر واحد دو دانگ [illegible] مقشر کوفته بیخته بشیر دختران زرده تخم مرغ و روغن گل

آرد گندم بشیر خر و قدری زعفران انداز زند و در شیر دختران یا شیر خر بپزند و بر غرب ضماد
کنند دیگر باش مصنوع بستن شیر فایده دارد مجربست ضماد غرب مجرب واسیکشند در آرد
گندم تخم مرو تخم حلبه کوفته در آب پخته قدری شیر انداخته حل کنند که همچون مرهم شود و بس
ضماد نمایند ضماد دیگر برای غرب مجربست زعفران مرمکی صبر سقوطری بالسویه بآب
سائیده ضماد کنند از شفاء الاسقام دیگر غرب منفجر را نفع رساند حسیا وشان را
مضغ نمایند و اگر با سرگین خر ممزوج کنند بهتر باشد و بر غرب ضماد سازند ضماد جهت
اورام و بثور حاره بینی مغز کدوی شیرین مغز تخم خیار یا دم الاخوین سفیداب قلعی
گل ارمنی کوفته بیخته روغن گل داخل کرده در هاون بمالند تا مثل مرهم شود طلا کنند و اگر
مراد تخفیف بثور باشد تخم ها را بریان کنند و توتیای کرمانی داخل نمایند و اگر تدهین
زیاده مطلوب باشد عوض روغن گل شیر گاو لبن بشیر ضماد که وجع گوش که بسبب
در آفتاب یا بسبب حبوب یا ریاح سام یا [illegible] رسیده باشد نفع رساند سرکه تند سه درم یا
ده درم حسب زیادتی و کمی حرارت روغن گل گلاب بهر یک ده درم برگ بید برگ سیب
برگ خرفه برگ عنب الثعلب همه را کوفته یا با لعاب مذکور چون علت با خلاط آید دویه
بارده کم کنند روغن بابونه گل بابونه دفع بد فزاینده دیگر اورام گوش را برگ
باقلا آب کلم آب بیخ مهک بپزند تا مستطیر شود اندک روغن گل اضافه کرده بر آن
موضع نهند ضماد دیگر در ورم بروی گوش شود دهد آرد جو باقلی بابونه بنفشه خطمی
اکلیل الملک به روغن بنفشه و آب گرم ضماد نمایند ضماد دیگر در ورم گوش که از آب
رفتن بهم رسیده باشد پوست خشخاش اکلیل الملک بابونه خطمی تخم کتان آرد جو بشیر
زنان سرشته ضماد نمایند ضماد که نافع باشد در جامع اول خصوص وقتیکه از سبب
ورم خارجی باشد دقیق الشعیر بابونه اکلیل الملک بنفشه خطمی تخم کتان آرد جو بروغن

بنفشه و آب فاتر ضماد نمایند ضماد دیگر ورم خارج گوش را زایل کند و تحلیل صلابت آن
نماید و تسکین درد بخشد خشخاش سفید مدقوق را با قدری شحم و شراب جدید بپزند یا با
قیروطی معمول از شحم بط بپزند و پخته ساخته ضماد نمایند ضماد و قلاع از ان مجرب است مغز تخم
کدوی سوخته مغز ستهد(?) یا نه سوخته دم الاخوین سفید اب قلعی کلنار فارسی سوخته توتیای کرمانی
کوفته بیخته بشیر دختر حل کرده در هاون بمالند تا مثل مرهم شود استعمال نمایند ضماد دیگر در
خناق و نفخه(?) و دموی بعد فصد بتبرید مستعد بکار آید لسان الحمل کاسنی آرد جو مغز تخم خطمی
یا بونه بنفشه کوفته بیخته بروغن گل چرب کرده حل نمایند بر قفا و گردا گرد و تحت حلقوم
ضماد نمایند دیگر جهت خناق گشنیز تازه را قیمه نمایند بعد در سرکه بپزند تا مهرا شود بر پارچه
گذاشته بر گلو ببندند و اگر برگ عنب الثعلب هم همین دستور عمل نمایند نیز نافع است دیگر
خناق را مجرب است سنگ مقناطیس با سرکه و نمک و روغن گل سحق کرده بمالند ضماد دیگر
بواسیر لب را مفید است عدس یا پوست انار(?) اکلیل الملک خطمی اندر آب بپزند و بکوبند و صبح بیضا(?)
و پیه یا کیان(?) ضم(?) بسازند بعد فصد قیفال و چهار رگ و تنقیه بمطبوخ افتیمون و اگر بواسیر
سیاه باشد بر لب نشتر زنند و زلو چسپانند و بعد شیر در سرکه بمالند تا خون بند شود و اگر
بواسیر سرخ باشد از نشتر زدن و زلو چسپانیدن پرهیز کنند و بعد تنقیه عام این ضماد
برنهند ضماد دیگر جهت تحلیل ماده بارده در کعبه(?) موضع پستان از بیرون گذاشتن
نفع میکند خسته زرد آلو تلخ هر دو را با سرکه خمیر کرده بر نفس ضرس(?) نهند فصل سیوم
در ضمادهای سینه و ثدی و پهلو ضماد جهت درد سینه زنان مییده(?) خشک کوفته بیخته
سماق(?) و صندل زرد ده بیضه مرغ زعفران خطمی روغن گل آمیخته ضماد نمایند ضماد دیگر
در ورم حار ثدی و پستان بکار آید باقلا سکنجبین بروغنها و در هم سرشته ضماد نمایند
دیگر برگ عنب الثعلب کوفته بروغن گل چرب کرده ضماد نمایند دیگر شیر مغز را در آرد

ادرار بخشند و تسکین تشنگی نماید نخاع یعنی حرام مغز را بپزند در شراب و ضماد نمایند دیگر که
شیر را بسبب گرمی و خشکی منجمد باشد محلل کند ماش که آنرا در هندی مونگ گویند و برنج سرخ
که آنرا بهندی سیاه ساٹهی نامند بکوبند با آب بسایند اندکی گرم کرده ضماد نمایند ضماد دیگر شیر
پستان زیاده کند تخم بادروج آرد باقلی جو نعناع پنج سداب ضماد نمایند دیگر که همین
عمل کند تخم بادروج آرد باقلی دو درم کوفته بیخته با آب بادروج ضماد نمایند ضماد در زنانیکه
شیر بسته شده متعفن شده باشد بکار آید چغندر بپزند تا مهرا شود و آنرا با مغز نان و آرد
باقلی بکوبند و در روغن کنجد داخل کنند و ضماد نمایند ضماد دیگر ورم پستان را سود دهد اگر صعتر
سکنجبین و آب بپزند و برنهند و اگر ورم صلب باشد لیف خرما سوخته با آب عنب الثعلب و روغن گل
آمیزند و ضماد نمایند و در ورم [illegible] زیره کوفته بنهند ضماد دیگر [illegible] ندیها
کنند و بزرگ شدن [illegible] سخت و سست [illegible] نهند زیره بسایند و به آب بیشتر شوند
و ضماد نمایند خرقه لیسه که تر کرده بران گذارند و [illegible] تخم [illegible] ببندند و تا سه روز
نگشایند پس بگشایند ضماد دیگر تسکین وجع ذات الجنب کند آرد جو اکلیل الملک سبوس
خشخاش کوفته بیخته با آب ضماد نمایند تسکین الم ذات الجنب نماید بنفشه بابونه سبوس
گندم آرد گندم تخم کتان همه را در آب بپزند تا مهرا شود پس بفشارند آنرا با
روغن بنفشه آمیخته بر آتش گذارند تا غلیظ شود پس ضماد نمایند و در بعضی نسخه خطمی آرد
حلبه آرد جو هم افزوده اند ضماد نفث الدم اقاقیا لحیة التیس کندر مازو [illegible]
گلنار صافی زعفران صمغ عربی گل ارمنی افیون کوفته بیخته حب با آب بارتنگ
ساخته نگهدارند وقت حاجت با آب بارتنگ سائیده بر سینه ضماد نمایند فصل چهارم
در ضمادهای قلب و معده و جگر و طحال و کلیتین و مثانه و رحم و مقعد و اورام قضیب و
انثیین ضماد قیروطی حرارت کبد و قلب و معده را تسکین دهد موم [illegible]

روغن بنفشه روغن گل هر یک دو وقیه موم سه درم در روغنها بگدازند تا سخت شود پس در
هاون انداخته بکلا با آب برگ خرفه و آب بستان افروز و آب گشنیز تر و آب کاسنی سبز
و سرکه انگوری کم کم انداخته تسقیه دهند و بر خرقه کتان مالیده بگذارند ضماد دیگر
دفع ریاح و درد معده کند و در دور کردن غثیان و تهوع مجرب است مغز نان خمیری
خشکار نعناع سبز هر یک دو توله مصطکی سه ماشه زعفران یک ماشه زعفران و مصطکی
را سائیده باشند تا مثل مرهم شود پس بر پارچه کرده نهاده بر معده و فم معده بگذارند
ضماد دیگر اورام حار که بمعده و کبد و اوجاع از ان با نفع است مرمکی زعفران شیاف
مامیثا گل بنفشه هر یک درمی اکلیل الملک بابونه تخم خطمی آرد جو تخم عنب الثعلب هر یک
ده درم کوفته بیخته با آب عنب الثعلب یا آب گشنیز سبز یا آب خالص سرشته ضماد نمایند
ضماد دیگر دبیله معده را بپزد افسنتین یک جزو بابونه حلبه هر یک دو جزو کوفته با شبیه
تازه سرشته گرم کرده ضماد نمایند ضماد جهت ورم صلب معده سعد اذخر قصب الذریره
هر یک دو درم سنبل الطیب هر یک سه درم گل سرخ پنج درم بابونه خطمی آرد جو هر یک هفت
درم بنفشه آرد حلبه هر یک ده درم همه را با لعاب تخم کتان بسرشند و ضماد نمایند در خلو
معده از طعام ضماد که جهت آماس معده و جگر و سپرز بارد و تحلیل صلابات و ورم
نشفیه فرمی مجرب است زوفا رطب با پیه اردک و پیه مرغ هر یک ده درم گداخته
نیم گرم ضماد نمایند ضماد که انضاج اورام صلبه نماید خطمی اکلیل الملک پرسیاوشان
مرداسنگ هر یک نیم وقیه صمغ عربی ارزن حلبه تخم کنوچه مقل همه را سائیده به مغز
کلیه و پیه خروس با مثل همه ورده مرکب صابون عراقی و اگر آنجا تفتیح باشند صبر
سقوطری نیز داخل کنند از هر یک یک جزو کوفته بیخته به شیر گوسفند یا آب سرشته
بر موضع ورم ضماد نمایند ضماد دیگر درد معده و کبد و درد آماسها را سود دهد و نافع است

ضماد کنند و بر جوف ران نهند ضماد زنجی که نقل کرده آنرا ابوطاهر که استعمال میکرد
در جمیع اقسام صلابات تراشه چهار گل [illegible] و گل ورق چغندر سبز و ورق کاسنی سبز و سقا
کرنب سبز همه چیزها را در هاون اسرب بکوبند و آب آنرا بردارند و روغن بنفشه بروغن
خالص یار روغن حنا یا از گل گرفته باشند کم کم انداخته بدسته اسرب بسایند که یکی گون
بشود و قدری اسرب علیحده گرفته تا بن ضم نمایند و خوب باهم مخلوط کرده که یکذات شود
بسی تا آن طلا نمایند و خرقه دیگر مالیدی دوا آلوده بر موضع بنهند و هر گاه خشک بشود دیگر
بار نمایند و تا آنکه خرقه تر شود بر نهند این ترکیب جهت تحلیل صلابات و جساوت علی الدوام
اثری بین دارد محفوظا باید داشت ضماد درین باب مجرب ارد عدس در گلاب سرشته
ضماد نمایند ضماد برای حرقه معده و جگر که مرض نزاق بهم رسیده نفع دارد و در کرم معده
دور سازد پوست بیرون پسته سه ماشه زر ورد سه ماشه عود هندی سه ماشه صندل
سفید سه ماشه کندر مصطگی طباشیر یک یک ماشه کوفته بیخته بگلاب و روغن گل بقدر ضرورت
سرشته بر معده ضماد نمایند و اگر حرارت بسیار باشد قدری کافور و آب به و آب سیب
شیرین اضافه کنند این نسخه بسیار نافع است ضماد ورم کلیه و رحم را بسر دار شود مقل
اکلیل الملک تخم شبت هر یک سه درم بابونه پنجدرم تخم خطمی آرد باقلا تخم کتان حلبه هر یک
پنجدرم موم [illegible] درم صمغ عربی با آب حل کرده و دیگر ادویه کوفته بیخته سرشته
ضماد نمایند ضماد برای انضاج ورم کلیه شبت بابونه هر یک چهار درم پوست آمله حلبه
هر یک پنجدرم تخم خطمی تخم خرفه هر یک دو درم [illegible] با آب [illegible] رازیانه سرشته ضماد نمایند
ضماد بعد از نضج بکار آید آرد جو خطمی اکلیل الملک حلبه بنفشه شبت با طبیخ انجیر
سرشته و با روغن بنفشه بادام ضماد نمایند ضماد جهت انفجار اورام سفیدیست
آرد کرسنه سرگین کبوتر گرد [illegible] ضماد سابق اضافه نمایند ضماد ورم کلیه را

وزنان از جهت رحم و شکم حمول سازند مقل مصطکی اشق میعه سائله هر یک هشت درم
روغن زعفران دوازده درم موم سه استار زوفای خشک سی درم پیه بط دوازده استار
روغن ناردین بقدر کفایت ضماد دیگر جهت کرم معده نافع است برگ شفتالو نمک شونیز
بابونه با زهره گاو و سرکه بسرشند و ضماد نمایند ضماد کرم بکشد تریاق فاروق در طبیخ
درمنه ترکی و قسط تلخ و شکاع طرشیع حل کرده بر شکم بمالند و اگر گلقند اضافه نمایند قوی تر
باشد و بدل تریاق اگر گلقند باشد رواست ضماد دیگر اسهال قوی نماید سهاکبینه بهومتیه
مغز حنظل کوفته هر یک یکدرم سه را در شیر تهور بسایند پس گرد ناف ضماد نمایند ضماد
جاورس در قطع اسهال مجرب است جاورس سه درم آرد جو نیم درم گل سرخ سوده کنند
کعک هر یک دو درم با آب به یا طبیخ او بسرشند و ضماد نمایند ضماد جهت اسهال جار و
ذربا تقویت معده و احشا و جگر نافع کافور نیم درم اقاقیا مازو حضض سماق جاورس بوداده
زعفران مصطکی هر یک دو درم گل سرخ شکوفه انگور اگر بهم نرسد شاخ انگور بدل کنند
ضماد اگر مغز بید انجیر را در شیر گاو بسیار سحق کرده بندند درد قولنج را فرو نشاند ضماد
دقیق الفنسیه استسقاء زقی و استسقا که با آن حرارت باشد سفید آرد جو سعد پشکل گوسفند
کهنه بوره ارمنی گل ارمنی مساوی کوفته بیخته بسرکه بسرشند ضماد نمایند ضماد سنبل
سوء مزاج بارد جگر را مفید بود و علل که قرص اوند مستعمل شود بکار آید سنبل مصطکی
قصب الذریره اذخر زعفران سنبل برابر مصطکی مر را در شراب حل کرده و دیگر ادویه
کوفته بیخته بدان بسرشند و ضماد نمایند و اغذیه بارده ترک سازند ضماد فولاد چینی
جهت زرد آب سفید لادن یکدرم و نیم حماما سنبل الطیب قردمانا فلفل سلیخه کندر ذکر
قسط تلخ عاقرقرحا مصطکی مقل ازرق حب بلسان اشق میعه صبر سیالیوس نراونده
مدحرج زراوند طویل اکلیل الملک سعد قرنفل بیخ سوسن آسمان گونی روغن بلسان هر یک ده درم

کوبیده و داغ کرده ضماد نمایند ضماد و جهت بواسیر و ورم مقعد بسیار مجرب است گل بنفشه
گل بابونه اکلیل الملک حلبه تخم کتان برگ خطمی هر یک ده توله گل خطمی گل سرخ هر یک یکتوله
کوفته بیخته در آب بپزند تا مثل خمیر شود ضماد نمایند ضماد و جهت وجع بواسیر و اربعه مجرب
ورق الخیال در شیر گاو بپزند تا مهرا شود اول بخار بگیرند بعد فرو ساییده مثل مرهم ساخته
ببندند ضماد که سوزش و درد مقعده را نافع است زرده تخم مرغ آرد جو روغن گل ضماد که
جهت تسکین وجع بواسیر معمول است برگ تنکم کنند تا بیاشست در دیگ انداخته با آتش ملایم
دم دهند تا مهرا شود لیسهن و روغن گاو و یا روغن جوز بواحلکرده بریان کنند و در هاون بکوبند
تا مثل مرهم شود و نیم گرم ببندند دیگر پیاز و کنند نا پخته در روغن گاو بریان کرده هر یک
پنج درم مثقال زعفران سه درم افیون دانگی و نیم ضماد نمایند ضماد که برای بواسیر و شقاق
رحم نافع است مثقال ازرق سه کوهان شتر مغز ساق گاو خسته زرد آلو سپیدی پیاله زرده
بیضه هر یک برابر بگیرند و بروغن گل که پیاز در آن پخته باشند بسرشند و در فرج بمالند دیگر
که درد بنشاند بواسیر و اورام را نافع و شفا بکشاید پیاز بروغن گاو بریان کرده بر نهند
و اگر پیاز را گرم کرده ورق ورق نموده بر نهند روا است و در تنقیح کهای بواسیر
را اگر پیاز سفید را نیک بجوشانند پس بروغن گاو بکوبند تا نرم شود و قاش کرده بر دبر
نهند زود وجع و ورم بنشاند و اگر زرده بیضه مرغ هم شکر مرهم سازند بهتر باشد و باید
که پیاز را بعد جوش سلق مقشر کنند پس بکوبند دیگر که بواسیر و شقاق مقعد و حرقه آن و
استعمال بواسیر مرقد حیض اسود دهد و مجرب است سفیده ارزیز خصخص سوم جزو
گل خطمی مثقال هر یک دو جزو روغن گل پنج جزو یا زرده تخم مرغ استعمال نمایند ضماد
جهت قروح مقعد از ورم نفع دهد مدرس مقشر او است از جفت بلوط جو انسرو هر یک
جزوی همه را با آب آس بپزند که مهرا شود و در روغن گل آمیزند و در هاون بمالند که مرهم

مخلوط نموده بر خرقه گذاشته بر موضع بگذارند و صوف بران ببندند دیگر که در ورم بارد مفید است
آرد حنطه غیر منخول زیره اکلیل الملک بابونه حلبه مقل ازرق روغن خیری کا زردی بیضه مخلوط ساخته
ضماد نمایند بالایش جلنجبین آنگاه بپوشند و تقدیمه بکار المخصص نمایند دیگر بورم صلب مجرب است
سبوس گندم بگیرند و خوب بکوبند تا باریک کوفته شود و در پارچه گذرانیده با شیر اصیل
در سکنجبین عنصلی سرشته بر موضع ببندند دیگر خاکستر خرما و جبن و خطمی یک جزو کوفته
بیخته با شهد یا سکنجبین آمیخته ضماد نمایند ضماد و نوسره آرد باقلا آرد انار ترش گوشت
بیضه مرغ بالسویه دواها را بیزند و پوست بیضه بسایند به آب سرشته ضماد نمایند ضماد و
نوسره شیخ گفته که گاهیکه از کثرت اکل یا بسبب فتق نوسره بخش حادث شود و لیس امر
کرده بشود پس تا بخواهد سرشتن آن بسفیدی بیضه و جوش داده مالیدن خرقه
کتان گذاشتن بر آن موضع یا تر کرده شود خرقه به آب تر و بسته شود بران و قوی تر از
اینها گذاشتن قوابض مثل سرو خسته حب السرو و پوست سرو و اقاقیا است ضماد
که رسولی را از بیخ بر کنند پس چونه سفید و ریخال گنجشک همه برابر کوفته لعاب یا بون قدر کفایت
صلایه کرده بر بیخ رسولی بمالند و بالایش چهار داغ کنند هر گاه ماده دفع شود موضع
را به روغن گاو تر کنند و بالای آن برگ پیپل خورد که نرم باشد ببندند ازین ترکیب
منافع مشاهده شده القطع و دیگر استعمال احتیاج نیفتاده ضماد دیگر انفجار جهارک
و ورم پستان مجرب است هم بشکافد و هم شکافته مندمل سازد شیلهتو تهه تیم خرد
بالون هلدی کال هر یک یک جزو گوگل دو جزو قند سیاه دو چند همه اجزا دواها کوفته
بیخته بیامیزند و خوب ممزوج نموده نیمگرم ببندند ضماد دیگر مجرب است کچ را از باریک
بیخته با گشنیز بسیار رقیق سرشته با هم مخلوط کرده مکرر ضماد نمایند ضماد دیگر آماس
سخت را تحلیل دهد در اسرع اوقات اند چرکوفته با آب گشنیز تر خوب بسایند تا لعاب مانند

کافور خشک ساییده آنقدر که غلیظ سازد اضافه کرده نیم گرم استعمال نمایند و آب سرگین با روغن
زیت بنقرس نافع است و نهادن سرگین تازه گرم با سرکه بجهت درد زانو و ورم مفید ضماد
درد اعضا که بسبب باد بود بسیار سود دهد و حب که از مجربات است زنجبیل یک درم فلفل دو درم
قاقله نوشادر از هر یک سه درم موم زرد پنج درم سورنجان پانزده درم روغن گردکان بیست درم
ضماد وجع رکبه بارزد و قلبی بجوشانند و بکوبند و بر روغن گرم آمیخته بکار برند ضماد جهت
درد زانو و ورم پشنگ بزر دو جزو آرد جو یک جزو با سرکه و روغن زیت ضماد نمایند ضماد که نقرس
گرم را نافع است بزر قطونا در سرکه بجوشانند ضماد نمایند دیگر استخوان سوخته سورنجان عدس خشخاش
تخم کاهو مساوی ضماد که بغایت مجرب است مرزنجوش گل خطمی آرد جو سورنجان
بالسویه بازرده تخم مرغ در روغن گل ضماد نمایند و اگر قدری زعفران و افیون اضافه نمایند
قوی‌تر باشد ضماد که بمفاصل و نقرس در آخر مجرب است رفع مواد باقیه بنماید صبر زرد
زعفران مرصافی بالسویه با آب گل و اگر حرارت زیاده بود آب ضماد که در اول عرق النسا
و وجع ورک بکار برند کرنب نبطی پخته کوفته بیخته با زرده تخم مرغ و اندکی زعفران سرشته
بکار برند **فصل ششم** در ضمادهای جرب و حکه و قروح خبیثه ضماد دیگر جهت خارش
بدن مجرب است مرداسنگ یک توله سیماب چهار ماشه آب شاهترج چهار توله روغن ماده گاو
گلاب از هر یک چهار توله روغن را در آب شیرین بیست و چهار بار شسته پس دواها آمیخته مثل
مرهم ساخته نگهدارند وقت حاجت بکار برند ضماد جهت جرب و حکه مجرب است سنگدار نکی
هلیله زرد مرداسنگ سفید قلعی بالسویه سرو عنب گل و روغن بنفشه بسرشند ضماد که برای
خارش خشک مجرب است هر گاه بکرات بمالند گل ارمنی یک دام کافور زعفران هر یک جزو باشد
روغن بادام دو توله سرکه آب گل کافته جوشیده ساییده بمالند ضماد برای خارش
آرد عدس گل منوره با سرکه و روغن گل سرخ ساییده بمالند ضماد حنا و ... ساییده ام

من مجربات الاکبریه فصل هفتم در ضمادهای ضربه و سقطه ضماد ضربه و سقطه که بعد از فصد
بکار آید سپیده چوب گل ارمنی زرد چوب دیودار گل خطمی آرد مونگ حنا ریوند چینی از هر یک
دو دو توله کوفته بیخته با آب و روغن کنجد خالص بپزند هر گاه مانند حلوا شود بدان تکمید
کنند و به بندند ضماد جهت ضربه و سقطه زرد چوب دار هلد سپیده چوب از هر یک یکدام سپیده
گندم سه دام [illegible] یکجا شده روغن کنجد چهار دام بدستور بگدازند کرده به بندند و این ضماد بر آماس
درد ضربه که کهنه شده باشند بسیار نفع میکند ضماد مخصوص کولی با لون [illegible] ترکی دار هلد
فود [illegible] [illegible] سپستان گوگرد کوفته بیخته چهار بقدر [illegible] بسازند و یک صبح و یک شام قبل از
طعام بخورند و دو حب را با آب ساییده گرم کرده طلا نمایند ضماد جهت ضربه و سقطه که بر سر
واقع شود و طین ارمنی صبر سقوطری از هر یک یک درم ارد [illegible] برگ مورد گل سرخ ده ده درم گل باقلا
قصب الذریره از هر یک دو درم کوفته بیخته با آب برگ [illegible] سرشته ضماد نمایند ضماد جهت
ضربه و سقطه صبر سقوطری مصطگی کندر مرمکی از هر یک یک درم صابون [illegible] صابون را در
شراب دو آتشه بپزند تا مانند مرهم شود بعد دواها انداخته ضماد نمایند ضماد مجرب جهت
ضربه و سقطه و تسکین درد و ورم از محمد زکریا رازی اقاقیا [illegible] صبر گل ارمنی [illegible]
کوفته بیخته با آب برگ مورد تازه و [illegible] خاکی [illegible] ضماد نمایند ضماد برای تحسین و رفع
سفیده [illegible] بیست درم لادن ده درم زعفران سه درم گل ارمنی دو درم با آب برگ مورد بیخ
کوفته بیخته بعسل سرشته ضماد نمایند ضماد دیگر پیکان و میل را زود بر آرد ماهی چهینگه
پخته بر زخم پیکان بندند تا بآسانی پیکان بر می آرد حرف الطاء مشتمل بر دو باب باب اول
در طلاها محتوی بر پنج فصل فصل اول در طلاها که با امراض سر و دماغ مفید است فصل دوم در طلاها
امراض چشم و گوش و بینی فصل سوم در طلاها دیگر اعضا خاصه چون سر و جگر و طحال و
مذاکیر و رحم و خصیه و انثیین و قضیب تعلق دارد فصل چهارم در طلاها باهیه فصل پنجم در

خشک بریان کرده کوبیده با روغن گل سرخ و سرکه سرشته بر سر و پیشانی بمالند طلا
پوست خشخاش شیاف مامیثا هر یک دو درم صندل سرخ هر یک دو مثقال نیلوفر بنفشه
تخم کاهو هر یک سه درم کوفته بیخته با آب برگ کاهو سرشته بر پیشانی و صدغین طلا نمایند
طلا که خواب آرد صندل سرخ یا سفید دو مثقال پوست خشخاش سه درم برگ
نیلوفر تخم کاهو از هر یک پنج درم کوفته بیخته با آب کاهو بر پیشانی و بناگوش طلا نمایند
طلا در منع سیلان نزلات بسیار مجرب مرکی صبر سقوطری حضض مکی صمغ عربی نشاسته
سنگ رانگ کتیرا گلنار دم الاخوین فوفل شیاف مامیثا هر یک یک درم افیون پنج درم
زعفران دو دانگ کوفته بیخته با آب برگ مورد سبز سرشته اقراص سازند و بوقت حاجت
با آب برگ مورد سرشته بر روی کاغذ که سوزن بسیار بر آن زده باشند بر هر یک از صدغین
قدری از آن و قطره بر یافوخ بچسبانند طلا که سرسام صفراوی و سقطی را نافع است بنفشه با لک
کوفته بیخته و دقیق شعیر و روغن گل و سرکه مخلوط کرده بمالند و اگر حرارت باشد سرکه نه اندازد
طلا که لیثرغس را نافع سوی آدمی بسوزند و باریک بسایند و با سرکه آمیزند و بر پیشانی
طلا نمایند افضل او علیه مرفع نماید طلا جهت لیثرغس جندبیدستر دو درم بورق ارمنی
خردل هر یکی سه درم عاقرقرحا مویزج هر یکی چهار درم باریک سائیده با آب کاسم
و آب مرزنجوش و قدری خل خمر یا خل عنصل طلا نمایند طلا که سکته را نافع است
خردل جندبیدستر کوفته بیخته بسرکه کهنه سرشته بر سر محلوق مسکوت طلا کنند طلا که لقوه
را سود دهد زعفران دو دانگ صبر حضض هر یکی یک درم بگلاب طلا نمایند طلا
عاقرقرحا مویزج باریک کوفته بسرکه و آب پودینه حل ساخته بمالند فصل دوم
از باب اول در طلیه امراض چشم و گوش و بینی مجرب بوده بهتکری مرداسنگ
مرده سیاه دو دو ماشه هلدی کوکنار دو دو ماشه افیون نیله تهوته هر واحد برابر

تلخه ماهی و هو فلفل دراز یکی کرده با روغن گاو همچنین گوشت معموله طلا منزل المنی مجرب
صاحب گنج بادآورد وسمه سائیده زاک مستعار فه مساوی کوفته بیخته باهم ممزوج کرده بقدر پنج
درم فرج بمالند طلا در اینباب مجرب دانه الایچی خورد سه ماشه قرنفل عاقرقرحا کافور هریک
دو ماشه شهد خالص بقدر کفایت حب نمایند و با شهد سوده طلا نمایند طلا مجرب زعفران
چهار سرخ جوزبوا دو سرخ خصیه ماهی سقنقور سه سرخ همه را سحق بلیغ نموده نگهدارند قبل از دو گهری
در روغن چنبیلی ساخته طلا نمایند و بعد از سه چهار گهری سر حشفه از آب تر کرده قضیب را پاک نمایند
مشغول شود **فصل چهارم** در اطلیه باهیه طلا باهیه مهیج عاقرقرحا لونگ سه
ماشه قرنفل سیر بهوتی دارچینی بسباسه مغاث بغدادی دو دو ماشه جوزبوا زردی تخم مرغ چهار
چهار ماشه مشک نافه عنبر اشهب یک یک ماشه قسط شیرین دو ماشه رامی بیل پنج ماشه نمک
مرهم ساخته طلا نمایند طلا مقوی منعوظ شدید آب پیاز عسل آب پیاز نرگس هفت هفت درم
روغن زیتون بیست و هفت مثقال همه را بجوشانند تا روغن بماند صاف نموده زهره گنجشک نر
خانگی یک مثقال تخم انجره یک مثقال عاقرقرحا یک مثقال عنبر اشهب نیم مثقال همه را در روغن مذکور
صلایه نمایند و طلا سازند طلا جهت باریکی عقب ذکر نخود جوزبوا بسباسه شش شش ماشه
چهار ماشه چرک گوش آدمی یک درم چربی خصیه خوک نیم پاو همه را در شراب دو آتشه بسایند
چنانچه یک سیر شراب جذب شود طلا بدینگونه حوالی سر قضیب طلا کنند و با عورتی مشغول شود مرد
دیگر بروی قادر نتواند شد خرالیلین سیر بهوتی مساوی الوزن با آب سوده طلا نمایند طلا
مغلظ ذکر زلو چند در تار جیل که آلبتی در آن موجود بود اندازند و در جای که محفوظ باشد
اندازند تا تمام خشک شود و زلو نیست سپس سیر و آن را رند و باریک ساخته طلا نمایند طلا در تعظیم
کردن قضیب پنج جبیر پایتی و اگر در تار جیل آب نباشد قدری شیر اندازند و بر قضیب بمالند تا سرخ
شود و پس شیر میش که کنده و بوی بد نشده باشد بمالند نفع دهد و چند روز بعمل آرند عظیم تمام

آورده و دلک ابریشم و بعد از دلک روغن مالیدن تا آنچه منجذب شده باشد تحلیل برد و به آب
گرم تحلیل نمودن و وقت طلا کردن منظم است و هر روز مالیدن بخرقه خشن و آب گرم ریختن و
بعد از آن موم روغن مالیدن مفید است و مغز خربوزه و روغن کنجد جوشانیده طلا کردن طلا منفعت
و ملذذ عسل زهره خرگوش سفید هر دو مساوی دارچینی کبابه قاقله ساذج هر یک
نیم درم مشک قدری کوفته بیخته با عسل معجون سازند و وقت حاجت بلعاب بهی تر
کرده طلا کنند طلای مجرب بارهنگ یا شیر سفید را در شیر گاو هفت بار تسقیه کرده خشک کنند
و در شیر گاو هفت مرتبه و در درخت یاسمن چقر کرده چهل روز نگهدارند و در روغن چرب
کرده طلا کنند فصل پنجم در طلاها امراض عامه جلدیه چون سعفه و کلف و بهق و برص
وغیره طلا ارمنی جهت هر قسم سعفه و قروح و بثرات سر خصوصا سر اطفال مجرب گوگرد
ست کهنه کمیله کبیره و نیله مقشر شوره قلمی هر یک یک جزو مردار سنگ فلفل هر یک نیم جزو
برگ حنا چهار جزو کوفته بیخته به روغن تلخ واغ کرده بمالند طلا که اطفال را نفع دهد زرد
چوبه حنا زراوند طویل مردار سنگ پوست انار بسرکه و روغن گل طلا نمایند طلا محمد ذکریا
گوید که سعفه را به از این دوائی نیست سفال تنور سوخته یک جزو نمک نیم جزو نرم بسایند و
با سرکه سائیده طلا کنند طلای دیگر مردار سنگ توتیا پوست انار ترنج حنا مازو روناس
روغن گل هر یک یک مثقال سرکه کهنه یک ملعقه طلا جهت سعفه رطب که بر روی کودکان
بهم رسد کافور طباشیر گلنار زرد چوبه هر یک درمی گل سرخ هر یک ده درم سفیده آب قلعی
سه درم کوفته بیخته دو درم و نیم موم در ده درم روغن گل بگدازند و ادویه کوفته بیخته
بیامیزند و طلا نمایند طلا که قروح راس اطفال را نافع است و مجرب حلبه صندل مردار سنگ
مغز بادام تلخ سفیداب قلعی هر واحد سه مثقال کوفته بیخته با قدری سرکه و روغن گل
درهم ساخته استعمال نمایند طلا قروح رطبه که در سر و روی اطفال بهم رسیده باشد خزف چینی

اول لنگار آید حکاک سنگ آسیا حکاک کد آهن سرکه با کشنیز تر یا عصاره کاهو سائیده طلا
نمایند طلا ثو بول اشنان فارسی لک سوخته تخم حنظل بوره نوشادر اشخار زرنیخ نوره با آب
نارسیده هر یک جزو مساوی کوفته با آب صابون سرشته طلا نمایند طلا بخور راسو دو جزو انزروت
نوشادر زنگار با آب صابون سرشته طلا نمایند طلا جهت قوبا بابچی دو تولہ تخم پنواڑ سه تولہ
کوفته بیخته با آب آمله سرشته بر موضع قوبا طلا نمایند طلا جهت قوبا مجرب و بی نظیر است سهاگه بریان
فلفل سیاه پوست بیخ چوبچی که بوتی هند است هر چهار برابر در آب لیمون سحق بلیغ نموده بر موضع
قوبا طلا نمایند در سه روز مستاصل میکند هیچ بیکه مجال عود نمیماند طلا تخم پنواڑ سنا مکی آمله
با آتش بطریق صندل سائیده هر یک یکتوله برگ کاهه سه عدد مجموع را در میان دوغ ترش خیسانیده
در آفتاب یکروز بدارند بر موضع داد طلا کرده بگذارند تا خشک شود و بریزند باز طلا نمایند
تا سه بار لیس بشویند طلا جهت کچ و داد معمول و مجرب بابچی گوبچی سرسون کو سه تخم پنواڑ
کوفته بیخته با دوغ ترش سرشته لکا بربند طلا مجرب بجهت قوبا سهاگه کیف دریا چهنکر
نیله تهوتهه هر یک یکماشه با آب لیموی کاغذی سائیده طلا نمایند هر روز سه چهار نوبت طلا
مجرب جهت حکه و جرب و قوبا و اکوته کمیلا مرداسنگ چهار چهار دام نیله تهوتهه سرشته
یکدام کوفته بیخته با آب برگ پان کپڑل نمایند تا همچون مرهم شود بمالند راینده در این نسخه برگ
حنا و کتها افزوده بعمل آورد بسیار مفید دیده علی الخصوص که روغن حنا هم با آن ضم نموده
شود طلا حکه و برای خارش نافع و مجرب است گل دهنی بلیله کافور دو ماشه زعفران گل
سرکه دو دو تولہ روغن بادام چهار تولہ بدستور سرشته طلا نمایند طلا برای خارش بانتش تر
چهار تولہ آرد جو دو تولہ آرد جوار شب با ماست ممزوج کرده صبح در حمام بمالند و بعد از دو
طلا نمایند طلا جهت حکه و کرو خصیه که ماده صفرا و بلغم مالح باشد برگ حنا سنا بهتره گل حنطلی
صبر کوفته بیخته لیسیر کرا انگوری سرشته در روغن گل آمیخته تا شده مرهم ساخته بمالند و حجام

طلائیکه جرب شن را نافع است بادام تلخ بوره ارمنی تخم ترب بکوبند و بلعاب حلبه آمیخته لوبه بکمید آزاد
گرم یا لبد خروج از حمام طلا نمایند که اثر خون و کبودی که از خون مرده پدید آید بسبب ضربه و سقطه
را زائل کند نطرون تیخ بکوبند و بسرکه کهنه طلا کنند و مالیدن آن منفع بعلک الانباط و شستن مواضع
اثر کبودی بکلی ببرد طلا پوست بار که بر اطراف ناخن برخیزد و سوده و مصطکی سه درم
نمک دو درم مصطکی را در روغن بیامیزند و نمک حل کرده طلا نمایند طلائیکه سوختگی آتش
را نفع دهد پوست ارند کوفته بیخته در کفچه آهنی اندازند آب بر سر آن نمایند بر آتش نهند
و بجوشانند تا غلیظ شود و سرد شوده در هاون افکنند و زرده بیضه مرغ بکیرند و با وی بیامیزند
و چندان سحق نمایند که بشکل مرهم شود و بر سوختگی طلا نمایند طلائیکه جهت آبله و سفیدیکه
که از سوختگی بهم رسد بکیرند عدس مقشر گل سرخ چندانکه خواهند عدس را پخته با گل سرخ و سرکه
خوب لیسانیده (?) طلا نمایند و خرقه کتان با سرد تر کرده بر یخ سرد ساخته بر آن افکنند و
اگر سفیده مرغ را با روغن طلا کنند نافع باشد طلا برای کلف یخ بنفشه یعنی سفید نیم پاو
حسن یوسف مغز تخم ترب انزروت سفید مغز تخم خربزه کرفته تخم خیار مروارید شکوک هر یک
سه درم گل خطمی یک پاو کف دریا نیم پاو قرنفل دانه یکدام خیر لوا یکدام طلا برای کلف
ایسا یکجز و خرنوب (?) سفید دو جز و نرم کوبیده شب بر روی بمالند و صبح با آبی که بابونه و بنفشه
در آن جوشانیده باشند بشویند طلا خربق سیاه یا بازو (?) یا سرکه بسرشند و طلا نمایند طلا می
الطلیه کلف ریوند چینی کوفته بیخته بعسل سرشته بر وجه والا کلف طلا نمایند خون جرگوش
تازه گرم گرم برای کلف از مجربات است فلفل و بوره کوفته باریک بیخته با آب ترب تازه
آمیخته طلا نمایند بسفید است خرء العصافیر و دقیق الشعیر بالسویه یدق و یعجن بمار عنب الثعلب
و یجفف فی الظل و یداف وقت الحاجة بالماء و یطلی و مما هو محمود فی آثار الکلف ید (?)
بمحید بگیرند سه بیضه مرغ و در سرکه بگدازند تا که نرم شود بعد ازان مغز الفستق بکوبند و ا

و اگر در ترمس آرد جو و استخوان سوخته سپیده مهره سوده القدر رده و در هم سرشته بادام مقشر تخم
خربزه هر سه درم زعفران نیم درم کوفته بیخته با سرکه انگوری یکجا نمایند و عند الحاجت بر روز
بمالند و بآب بشویند مجرب است طلا بر کلف تخم ترب تخم خربزه آرد باقلی با سرکه سرکرده خشک
نموده با دانه مقشر قسط اکلیل الملک کتیرا برابر کوفته بیخته بشیر میش آمیخته بر کلف بمالند
طلا پوست تخم مرغ کوفته با سرکه سرشته طلا نمایند خولنجان با آب لیمو سائیده طلا نمایند
طلا بر برص طین الضمر که طین اصفر هندی است گوپیچندن نامند و هندوان ازان قشقه کشند
بگیرند چندانکه خواهند و با عرق کوکرداله سه بار هفت مرتبه کل تر ساخته خشک نمایند و باز
در عرق سنبل کبار که در جنتر گویند نیز هفت مرتبه تر ساخته خشک نمایند و هفت مرتبه در عرق
کافور و عرق او نیز چون کنند که پیکشند تر سازند و خشک گردانند و اگر عرق کافور میسر نشود
کافور انداخته در وقت طلا نمودن در آب تورهی کهیا سائیده بر برص طلا نمایند در چند
روز متواتر زایل شود طلا مجرب حکیم علی برای دفع برص که تیزاب حجی گویند برص را سوخته
جراحت کرده با صلاح آورد و سم قوی یا شوره زاج سیاه تقطیر نمایند که تیزاب از حه میچکد با
پر مرغ بر موضع برص طلا نمایند طلا بر برص شنبلید هندی تخم ترب قوه الضبع تخم سپید
تخم جرجیر کندش انزروت بوره پوست بیخ کبر زرنیخ اصفر سوختج شب یمانی خردل ابیض
راحت فلفل زراوند طویل نحاس محرق توبال نحاس خربق اسود فلفل اندرانی کوفته بیخته بخل الخمر
آمیخته بمالند و مکرر بعمل آرند که بسیار نافع است طلا بر پوست چند بیخ سر کنده مساوی با آب
لیمو سائیده چو بر موضع برص طلا نمایند آبله بهم رسانند منتفخ گردد بعد ازان یا لامی او روغن
شیب بمالند در اندک فرصت رنگ اصلی باز آید باب دویم در طرودات مشتمل بر سه
فصل فصل اول در طرد مارها عقارب غیره طرد مارها اطلاق حمرق بسوزند ... تنشاع
کندر و کوگرد بسوی آدمی ... بیخ و زفت و مقل سکبینج ... البطیخ جسک ... آب نوشادر بر ...

و بر جای نهند و تکمیک شکنت در وقت خواب بر نهند طرد عقرب اگر پوست ترب را بر عقرب نهند بمیرد و
آب ترب یا آب برگ آن بر گزدم پاشند بمیرد و بادروج و آب او همچنین و آب دهان روزه دار که
مزاج او گرم بود گزدم را بکشد فصل دویم در طرد وات کیکان و پشه و زنبور و ارضه و موروچکان
و غیره طرد کیک اگر حنظل در آب تر کنند و آب در جامه بر کنند کیکان بمیرند یا بگریزند و طبیخ
علیق همچنین بود و اگر خون بز کنده در زمین کنند کیکان آنجا جمع شوند و اگر پیه چار پشت به
چوبی طلا کنند کیکان بر آن چوب جمع شوند و از بوی گوگرد و برگ خر زهره بگریزند و بمیرند
و گیاهی است آنرا کیکوسه [illegible] گویند اندر حوالی آتش نهند کیکان گرد بگریزند
و بمیرند طرد پشه [illegible] در آتش نهند از دخان آن ارضه بگریزند طرد پشه پوست صنوبر
[illegible] گوزن [illegible] و سرگین گاو بسوزند و اگر طبیخ [illegible] اسپند
یا طبیخ افسنتین یا طبیخ سداب یا طبیخ ترمس در خانه پاشند پشه بگریزد و طرد زنبور [illegible]
و نهند مگسان [illegible] بمیرند و از دود کردن زرنیخ و دود کردن [illegible] کنند [illegible] بمیرند و اندر
طبیخ خربق سیاه بمیرند طرد موروچکان بر سر سوراخ وی [illegible] نهند بگریزند و
قطران همچنین و اگر زهره گاو در خانه او بریزند یا زفت یا انگوزه اندر آن ریزند بگریزند و اگر موروچه را
دود کنند دیگران بگریزند فصل سیوم در طرد موشان و موشک طرد موشان [illegible]
خربق موش را بکشد و بزرالبنج و بنج [illegible] موش [illegible] الفار گویند و سنگ خبث الحدید و
زعفران همه موش را بکشند و [illegible] موش را خصی کنند یا دنبال او ببرند یا پوست
باز کنند و رها کنند موشان بگریزند طرد وراسو از بوی سداب بگریزند حرف العین
مشتمل بر دو باب باب اول در عرق های گوشتی و غیر گوشتی فصل اول در عرق های غیر [illegible]
که با عضوها مانند معده و جگر و مثانه و غیره تعلق دارد فصل دویم در عرقها که با باه مناسبت
دارد باب دویم در عطوسات مشتمل بر دو فصل فصل اول در ذکر عطوس امراض دماغ فصل

فصل دویم در عطوساتیکه بامراض چشم و بینی و کام فایده دارد فصل اول از باب اول
در عرقهای گوشتی و غیر گوشتی عرق زردک مقوی باه و دل و دماغ و دافع خفقان
زردک پاک کرده شکر سفید هر یک ده سیر گوشت گنجشک نر سه سیر بهمن سفید عرق بید مشک
هر یک دو سیر صندل سفید پاو سیر جوز بوا بسباسه هر یک دو نیم توله عنبر اشهب یکتوله زردک
را ریزه کرده با اجزای دیگر و عرق بید مشک و ده سیر شراب خالص شبانه روز بخیسانند و در
هوای خوش نگهدارند پس در دیگ انداخته بعد گذاشته کشند و یک پیاله شیر خوری با نبات و
تخم بالنگو بخورند عرق مقوی باه آب زردک بست من در خم کنند و پنج من قند سیاه اگر کهنه
داخل کرده دو سیر پوست مغیلان و پنج سیر گل دهانکی افزایند و چون بجوش آید بقطر کردانند
عرق چوب چینی از حکیم علی زرنباد رازیانه هر یک نیم پاو قسط تلخ شش توله بیخ بنفشه هفت
توله چوب چینی پنج آثار پوست بیخ مغیلان ده آثار سعد هندی دارچینی سنبل الطیب
از هر یک پاو سیر اجوائین خصیة الثعلب قرنفل از هر یک هفت توله خروس که پر سرخ یا زرد
داشته باشد یکقطعه همه ادویه را نیمکوب کرده خروس را از دوانیدن بسیار ذبح کرده
و پاک نموده با ادویه و عسل علی ده آثار ممزوج کرده در خم اندازند و آب گرم بالائش
آنقدر بریزند که ده انگشت بالای ادویه باشد سر ظرف را واکرده پیهم زنند و از دست
بمالند و بعد از آن نبات اعلی پنج سیر جوز بوا بسباسه هر یک پاو سیر ورق خیال برشته
کرده از دست مالیده یکپا آثار ممزوج سازند و باز سر ظرف را بگل بگیرند و لب سرگین اسپ
دفن کنند روز دویم ادویه را با خروس و آب در عرق داخل کرده تا تیز ملایم کشند و پاره
از مشک و عنبر خشخاش و زعفران بگلاب صلایه کرده در دهن نیچه بندند و در ظرف
چینی یا نقره نگهدارند چرا که شیشه خواهد ترقید و بعد از سه روز ناشتا تناول نمایند
قدر شربت سه توله از نمک و ترشی و جماع پرهیز نمایند تا چهل و یک روز بخورند عرق چندر

و بهتر عبارت از آنست که قندی چهار من قند سیاه تازه با نبات زند تا باز بجوشد یا زده و در آن قیمه شوند
یا ز بهتر بر نهند که در دو فرو نشیند عرق یک آتشه کشند بعد از آن ادویه ذیل افزوده مکرر عرق کشند
سه بیخ خصیة الثعلب گل گاوزبان هر یک شش توله افتیمون چهار توله صندل سفید و سرخ هر دو
یا و سیر شقاقل توده ری زرد توده ری گلگون هر یک شش توله اسفند چهار توله گل سرخ کشنیز
مقشر هر یک یا و سیر گل نیلوفر نیم سیر بسباسه خطائی یا و سیر قاقلین هر یک چهار توله بیاج
یا و سیر عنبر لادن دو توله عود غرقی دو توله بادیان خطائی یا و سیر زعفران یکتوله عنبر اشهب
چهار توله در دهن نجیم ببندند عدد جمله ادویه چهل و دو هستند عرق قندی اتفاقی
گرم مزاجان لطیف الطبع مقوی دل و دماغ و معده رضا از جماع مطلقا راجح منکر بنداد
و قند سیاه یکمن چهار انگیری پوست کیکر هشت سیر آب صاف بقدر ضرور در خم نمایند تا که
لاهن بهانه داده عرق آتشه کشند بسته نیم سیر تا سی آنچه بسیر عرق را هر چند ترم کشند
عرق آتشه بهتر و اول خواهد بود دست آثار عرق دو آتشه خوب شد و اگر نرم خواهند تا
چهار سیر بگیرند و در عرق یک آتشه این ادویه شبانه روز خیسانند روز چهارم دو آتشه
کشند ادویه اینست قرنفل دو توله صندل سفید نیکلا سه دو توله عنبر لادن سه توله عود
یکتوله نبات سفید یکسیر دار چینی سه توله گاوزبان سه درم ادویه یکوب کوفته در عرق
یک آتشه انداخته شبانه روز گذارند و عرق کشند و ضرور دراینوقت از صندل دو توله
مشک دو ماشه عنبر لادن یکتوله در پارچه تنگ بسته در سر کنند چون آتشه تیار شود و
دو سیر گلاب پنج آثار ورق گلاب زردی و در ساخته پارچه پاکیزه بر سر دیگ نمایند و عرق
گرم گرم بران ریزند و بعد چند روز که حدت کم شود و در قیحان استعمال نمایند عرق
نور بیطر خان جهت تقویت باه خفقان قند سیاه یکمن پوست مغیلان دوازده
سیر در خم کرده مشک بر روی آن ریخته و سر کین اسپ دفن نمایند و چون برسد عرق

دو توله بهمنین شقاقل خولنجان دارچینی هر یک پنج توله نقل مصری ده توله ابریشم خام پاو سیر
گل گاوزبان نیم سیر گل سرخ یک سیر زردک پنج سیر ادویه نیم کوفته زردک ورق کرده همه را
در خلط نموده عرق کشند در وقت عرق کشیدن یک توله عنبر اشهب در دهان نیچه بندند عرق
بابت مرزا محمد بیگ جهت وجع مفاصل و بادهای مخالف مجرب است هلیله کابلی آمله مقشر
هر یک بیست و پنج دام فلفل دراز فلفل سیاه تال مکهانی موصلی سیاه موصلی سفید اسگند
ناگوری تخم تالمکهانا کبابه چینی ستر شک هر یک پاو سیر ادرک سوا پاو قرنفل بزر البنج لسان
العصافیر هر یک نیم سیر پاو پوست ببول جو بهیری اونت کتارا بهت کتاهی هر یک دو سیر ادویه
مذکور را در ظرفی گلی یا گلان ریخته آب بریزند که سه حصه آب در نشسته باشد و یک حصه خالی باشد بعد
از آن سر ظرف را بگل حکمت گرفته در سرگین اسپ مدفون نمایند چهارده روز چهل در سرگین بماند
آن وقت بیرون آورده بقدر نیم پاو سیر صبح پاو سیر آخر روز بنوشند و از شیرینی و چیزهای سرد
اجتناب نمایند عرق ماء الحیوة مستخرج از باده حیوة سفید زردک پاک کرده از هر واحد سیر ده
آثار شکر سرخ نیم من شاهجهانی صندل سفید ریزه کرده گل سرخ گاوزبان پاو زنجبیل پاو
دارچینی جنت الجدید کهنه پوست انار باید که اول زردک را نیمکوب کرده یا ورق نموده با
سفید و چهار من شاهجهانی بادی آب بجوشانند که خوب پخته شود پس با ادویه دیگر که پیشتر
تاریخ در خمی کرده تا چهارده روز در هوای سرد در زمین دفن نمایند و بعد از چهارده روز
از خم برآورده گلاب عرق بیدمشک عرق گاوزبان از هر واحد ده سیر و برگ ناریج اضافه
کرده به دستور گلاب عرق کشند و نیم توله عنبر را سائیده در لته بسته در دهن نیچه بندند فصل
دوم از باب اول در عرقهائی که غیر مسهل است و مقوی اعضا مانند دماغ و معده و جگر
و مثانه وغیره که تعلق دارد عرق معمول خوشبو جهت فالج و لقوه و جمیع امراض
بارده دماغی دارچینی در چینی که بزبان هندی اکل سیونکی گویند و بفارسی گل سنگی از

گل گاوزبان گیلانی افتیمون درونج عقربی پوست بیرون پسته هر یک پنج مثقال آب سیب شیرین
ولایتی تازه نیم سیر آب انار ترش یک سیر عرق بید مشک عرق گاوزبان عرق بادرنجبویه یک یک
دو نیم سیر گلاب قسم اول پنج سیر دواهای کوفتنی کوفته در عرقها شب بخیسانند صبح آب
داخل کرده عنبر و مشک در سر نیچه بسته عرق کشند عرق فواکه معمول احقر فقیر معروف
فواید عجیبه دارد خصوصاً در تحلیل و ذبول جسم آب انار شیرین آب سیب آب بهی آب ناشپاتی
هر یک نیم سیر آب لیمون شیرین سوا سیر آب کاهو سبز یک نیم سیر آب کشنیز یک سیر آب زردک
سوا سیر آب کدو نیم آثار آب تربوز یک سیر آب نیشکر یک سیر گاوزبان گیلانی گل نیلوفر بادرنجبویه
چوب چینی صندل سفید هر یک پاو سیر طباشیر سفید شش توله تخم کشنیز مقشر نیم پاو سیر
بر ده آثار همه را باشیر در دیگ عرق کشند عرق شیر کل صبح گل نیلوفر برگ گاوزبان هر یک
چهار توله گل گاوزبان دو توله برگ فرنجمشک چهار توله تخم کاسنی چهار توله پوست بیرون
پسته چهار توله پوست ترنج چهار توله صندل سفید چهار توله قاقله صغار دو توله قاقله
کبار چهار توله کشنیز خشک چهار توله بادرنجبویه چهار توله تخم خرفه تخم خیارین تخم تربوز
تخم کدو پوست بلیله چهار توله بلیله سیاه چهار توله تخم کاهو چهار توله آب تربوز آب کدو
عرق کیوره گلاب عرق بید عرق نعناع نبات شیرین طباشیر توله الایچی خورد ... عرق
کشند عرق چوب چینی آب چوب چینی یک صد و پنجاه مثقال ... کرده گل گاوزبان صندل
سفید سوده هر یک پنجاه مثقال ... مثقال بهمنین ... یک پانزده مثقال پوست
اترج صندل سرخ سوده هر یک بیست مثقال عود خام سنبل الطیب از هر یک ده مثقال
ریحان تازه دسته سیب شیرین از پوست و تخم پاک کرده به شیرین از پوسته تخم پاک کرده
از هر یک دو من شیر عنبر اشهب دو مثقال دواها کوفته در عرق بید مشک گلاب
صاف تر کرده عرق کشند و عنبر را به سر نیچه ببندند عرق چوب چینی در امراض سودا و ...

باب دویم در غراغر مشتمل بر دو فصل فصل اول در غراغر که با مراض سر و دماغ تعلق دارد فصل
دویم در ذکر غراغر که بحلق و کام و دهن مناسبت دارد باب سیوم در غسولات و این مشتمل است
بر فصل واحد فصل در غسولاتیکه بالیدن آن تمام بدن کثیر آثار جلدیه را نفع میرساند باب
اول در ذکر غالیه غالیه مفسول جهت دماغ عنبر اشهب یکدرم عود هندی دو درم صندل
مقاصری سه درم عنبر را بگلاب گرم شوده بگذارند و عود و صندل را باریک کرده در آن
آمیزند و نشیم نمایند غالیه که اسرار مصوبه که یافته شده در ذخایر مجرب به نفع میکنند و فالج
و لقوه و خدر و درد مفاصل و اوجاع ظهر و در امر باه عجیب است کسیکه ادهان بکنند باین دو نافع
میکنند بر قسم سمن لی این نمایه ورد میآرد و تغیر این و دیگر برانداز و باه هر دو طرف برانگیزد
و لذت بحدی رسد که عقل از میان برخیزد دادن مفعول کما به زعفران مر قرنفل قفر یهود
هر یک جزو دو حصه باریک سائیده در پیه خشک سه روز بپزند بعد از آن در روغن بان چهار
روز نخته از آتش فرود آرند و قدری عنبر و مشک و مسک و زهره مرغ و کیس سیاه حل کرده
بیامیزند و در ظرف آبگینه گذاشته دهن ظرف بسته چهل روز بگذارند باز بعمل آرند باب
دویم در غراغر مشتمل بر دو فصل فصل اول در غراغر که با مراض سر و دماغ تعلق دارد
غرغره مصدع را البته تنقیه بدن نفع بخشند ایارج فیقرا در آبی که صعتر و عاقرقرحا جوشانیده
باشند حل کرده آب کامه اضافه کرده در حمام غرغره کنند اغرغره که بصرع و فالج
و لقوه نافع بود و سر و دماغ را از اخلاط غلیظه بلغمیه پاک گرداند ایارج فیقرا و خردل
زنجبیل عاقرقرحا سونیز جوز و صعتر اصل السوس است کبر کوفته در سرکه یا سکنجبین ساده
یا عنصلی حل ساخته غرغره کنند دیگر نافع بالقوه مرزنجوش صعتر عاقرقرحا افسنتین
خردل همه مساوی کوفته بجز سرشته یکدرم از آن گرفته به سکنجبین عنصلی و آب گرم غرغره
نمایند دیگر که فالج و سکته و لقوه را نافع بود ... خردل سفید زنجبیل عاقرقرحا فلفل

بوره ارمنی ماریکی سه درم پوست بیخ کبر مویز منقی خردل سفید هر یکی نیم درم با عسل سرشته
یا بکار برده غرغره نمایند و اگر نیم درم ایارج فیقرا اضافه نمایند بهتر بود فصل دوم
در ذکر غرغره که بحلق و کام و دهن مناسبت دارد غرغره را وقت ابتدا خناق دموی
صفراوی بکار آید عناب عدس عنب الثعلب تخم کاهو تخم کاسنی کوکنار تخم کشنیز مقشر در آب
جوشانیده صاف نموده رب التوت داخل کرده غرغره نمایند دیگر در جلاب گلنار گل سرخ
عدس مقشر سماق جوشانیده صاف نموده غرغره نمایند دیگر گل سرخ صندل سفید فوفل
نیم کوفته در آب عنب الثعلب سبز و آب کشنیز سبز جوشانیده شربت توت داخل کرده غرغره نمایند
غرغره خناق و درد گلو پوست خشخاش ده عدد عنب الثعلب یکتوله گلنار فارسی گل نارنج
هر یک پاو توله عناب هفت دانه صندل سرخ نیم ماشه خشخاش یک هفت ماشه کشنیز خشک
یک نیم توله برگ حنا هفت ماشه در یک نیم آثار آب بجوشانند و در آخر جوش چوب عدس مسلم دو
توله اندازند چون یک نیم پاو بماند لعاب اسبغول یکتوله آب کشنیز سبز هفت توله شیره تخم کاهو
یک توله داخل کرده صاف نموده غرغره نمایند دیگر که در ابتدا خناق دموی باید کرد و
انتها این مرض روز سیوم است یا چهارم انجیر زرد دو عدد تخم حلبه تخم مرو تخم کتان در آب
جوشانیده صاف نموده شیر تازه که آب حیات است در آن محلول یا گلقند مربح ساخته غرغره
نمایند غرغره جهت خناق حار تر زبان تا باختلاط تخم کاسنی تخم کشنیز مقشر عنب الثعلب
گل بابونه در آب جوشانیده صاف نموده مغز فلوس خیار شنبر داخل کرده صاف ساخته
غرغره نمایند غرغره که در خناق جهت انفجار بکار آید برگ بادرنگ تخم کرفس اصل السوس
بیخ خطمی که هر یک از عنب الثعلب تخم کتان گل بنفشه برگ کرنب اکلیل الملک نیم کوفته در
شیر گاو جوشانیده صاف نموده مغز فلوس حل ساخته یک نیم عسل اندکی داخل کرده
غرغره نمایند ایضا خمیر مایه یک درم نمک سیاه و تخم کتان کوفته بیخته با عسل

نموده اندکی گرم ساخته غرغره نمایند دیگر مجرب جهت قلاع آکله و اقلاع و خناق غب مشوب
پوست خشخاش کشنیز گلنار فارسی هلیله سیاه حب الآس زرورد گل تاج خروس کرچنا گل بنفشه
از هر واحد شش ماشه عذبه دانه گزمازج هر یک چهار ماشه عدس مقشر تخم کاهو یکتوله در آب سماق سرخ
و آب کشنیز سبز و آب عنب الثعلب هر یک پنجتوله آب برگ کاهو سه توله آب حنا اصل و اناردانه جوشانیده
صاف نموده لعاب اسپغول چهار حصه گل ارمنی صندل سرخ اقاقیا یک یک ماشه اضافه نموده
غرغره نمایند نافع است غرغره دیگر مجرب برای خناق سوداوی منقول برگ حنا گلنار
فارسی زرد چوبه اقاقیا برگ مورد کشنیز خشک گزمازج عذبه و از پوست بیخ کسوڑی کوته
بیخ چنبیلی گل سپوتی از هر یک یکتوله نیم کوفته شب بسازند و غرغره نمایند بعد از آن کشنیز
دم الاخوین کهربا کشنیز خشک طباشیر فوفل سوده اقاقیا زرد عصاره لحیة التیس از
هر یک یک ماشه کوفته اضافه نمایند دیگر تخم کتان تخم حلبه هر یک پنج درم عناب سپستان
[illegible] مثقال عدس [illegible] هر یک ده درم گل سرخ بنفشه هر یک هفت درم تخم
بودینه صعتر هر یک دو درم عنب الثعلب ده درم در آب جوشانیده صاف نموده فلوس
بیست درم داخل کرده صاف ساخته غرغره نمایند دیگر قروح حلق را نافع است زاج سیاه
زاج سفید مازو کاغذ سوخته کف دریا حنا زعفران هر یک مثقال نمک سوخته نوشادر
از هر یک نیم مثقال کوفته بیخته بسرکه غرغره نمایند دیگر علق [illegible] حلق را ابکنه سنگ
بالکنه نوشادر [illegible] در سرکه حل نمایند و غرغره کنند دیگر در اختناق شیخ ارمنی ترمس حنظل
نرگس [illegible] جوشانیده غرغره نمایند غرغره که کام فرود آمده را سود مند بود
انار دانه ترش سماق هر یکی جزو [illegible] و در بعض نسخ مازو هم یکجزو [illegible] هر سه را
کوفته بیخته در شیر تازه یکشبانروز ترکرده صاف نموده غرغره نمایند غرغره که اماسها
صلب [illegible] تخم حلبه [illegible] درم انجیر خشک [illegible] عدد

همه در یک نیم من آب جوشانیده بکار برند باب سیوم در غسولات این باب مشتمل است
بر فصل واحد فصل در غسولاتیکه بمالیدن آن تمام بدن اکثر آثار جلدیه را قلع میسازند
غسول بجهت آثار جلدیه و تحلیه و تصفیه لون سفیدآب آرد جو نخود ماشه مردارسنگ شش ماشه
سرکه کهنه روغن چنبیلی و روغن گل خوشبو هر یک دو توله بر بدن بمالند غسول دیگر بیشتر صفا
و رنگ صاف دو نماید رنگ را روشن و جلا دهد و آثار قروح خبیثه و سعفه را قلع کند برگ
حنا برگ شاهتره آرد جو آرد عدس ریشه خطمی پوست ابیه گل خطمی تخم لبنجان پوست ترنج
گل سرخ صابون لاتیجا هر یک دو توله چوب چینی چهار توله کوفته بیخته در روغن [illegible]
چینی و در روغن حنا و روغن شاهتره تازه سفید تخم مرغ [illegible] عسل علی الرسم بسازند و بدین ترا
تلطیخ نموده بشویند حرف کاف مشتمل بر دو باب باب اول در فرزجها مشتمل بر پنج فصل
فصل اول در ذکر فرزجه اورام و قروح و حکه و اختلاج رحم فصل دوم در مسکرات دواها که
بر ثقل تنفیس و [illegible] و سیلان رطوبت رحم تعلق دارد فصل سیوم مسقطات و مانعات حمل فصل
چهارم در جالبات حیض و مقویات حمل فصل پنجم در منزلات باب دوم در فتیلها
محتوی بر سه فصل فصل اول در فتیلها که بامراض چشم تعلق دارد فصل دوم در ذکر ادویه
که بگوش مناسبت دارد فصل سیوم در فتیلها که بامراض دیگر اعضا همچون قروح و جروح
سایر بدن فتیلها که بواسیر و مقعد [illegible] خروج مقعد و کرم اطفال و غیره تعلق دارد فصل اول
از باب اول در ذکر فرزجه اورام قروح و حکه و اختلاج رحم فرزجه که صلابت رحم را
ببرد و برنگ کابلی مقشر شش ماشه خرباد دو توله مغز [illegible] دو توله مغز بادام مقشر
موم زرد [illegible] کرده دو توله ادویه کوفته بیخته با موم بر سنگ صلایه کرده فتیله ساخته
فرزجه سازند فرزجه که درد رحم حار را [illegible] بکار آید خشخاش سفید کوبیده [illegible] شیر
پخته با روغن گل و اندکی زعفران و موم فرزجه سازند و بدستور مرهم داخلیون با روغن گل

سودا رسنک دو دام حب الغار نیم درم کوفته بیخته بسفیده تخم مرغ و روغن گل سرخ بسرشته
فرزجه حکه دور کند سداب یبوس خشک پوست انار عدس گل بنفشه دواها کوفته بیخته در
گلاب و قدری سرکه سرشته بپشم پاره بردارند فرزجه جهت حکه و اختلاج فرج و رحم
از مجربات است نعناع خشک گل نیلوفر برگ سرو برگ سدر لاجورد بالسویه بروغن زیتون بسرشته
یکمثقال فرزجه کنند و یکمثقال را با آب بابونه مطبوخ بر ناف ضماد نمایند و از آب و شراب اجتناب
لازم است تا دوا اثر نماید و در صورتیکه حیض جاری باشد بدان دوا عمل نباید نمود فصل دویم
در مبکرات دواها که تعلق بتضییق و تطییب و تسمین رطوبت رحم تعلق دارد فرزجه که رحم را قوت
دهد و تنیز فرج را تنگ کرداند و خوشبو کند آمله نیم دانگ مشک خالص یکدانگ عود نیم درم تفاح
اذخر سعد قرنفل هر یک یکدرم کوفته بیخته بپاره پشم بردارند فرزجه که با تنگی خواهش جماع
پدید آرد شب یمانی در آب حل نمایند پاره پشم با آن آلوده انزروت سعد و قرنفل سلیخه و مازو
که چون سرمه ساخته باشند ملوث نموده دو ساعت قبل از جماع برداشتن فرمایند فرزجه
که ثیبه را باکره گرداند مازو جهنمی سوراخ پوست انار فلفل بالسویه بشراب بسرشته پشم پاره
بدان آلوده بردارند فرزجه زهره خرگوش حصول نمودن تنگی تمام آورد مشک و عنبر و عود
هندی در دوالک بسایند و در شراب صاف حل نمایند و پشم پاره آلوده بخود چند بار بگیرند مجرب
است فرزجه اقوی و انفع و عجیب الاثر است مجربست و مدبر اقاقیا عصارة التیس مازو و گل سورنجان
پوست انار ترشی عود هندی پوست ترنج نیم درم جمله را خوب بسایند و بشراب سرشته فرزجه
بعمل آرند ایضا بگیرد پوست از درخت که هندی بکاین گویند خشک بسایند و بیخته و شیافه
ساخته در فرج نهند بغایت تنگی کند ایضا مجربست شیر دیان آب که اول بار آورده باشند
که آنرا بهندی پهلوس گویند در آن جامه سفید نیم کهنه تر کرده جامه خشک نموده نگهدارند و بهنگام
از این پاره بگیرند و شیافه ساخته بردارند چندان نگهدارند که تر شود فرزجه که ثیبه باکره را

تخم حماض بکوبند و باریک ساخته حمول نمایند فرزجه که رطوبت مفرط رحم و فرج را نشف نماید
و از سیلان رطوبت وقت جماع مانع آید مجربست جوز السرو سعد جفت محمد یتیم نیم درم مازو
و تخم حماض هر واحد دو درم لته در طبیخ جفت بلوط و گلنار تر کرده بدان آلوده بردارند فرزجه
که رحم را قوت دهد و سیلان حیض و رطوبات را نشف کند سک ملک زعفران هر یک یکدرم قفاح اذخر
سعد لادن هر واحد نیم درم گزمازج مازو هر یک دو دانگ مشک دو طسوج کوفته بیخته با قند
منعقد و گلاب سرشته فتیلها سازند و بقدر مخصوص بردارند فصل سیوم مسقطات
و مدرات حمل فرزجه که اسقاط حمل نماید الفیه ازین مانند رائی مساوی باب سداب بگیرند
فرزجه جهت اسقاط حمل صبر بیخ کسیلہ تھوہر تخم کبر ہی کھلی سیوہ ماہکی بیخ دوا
برابر وزن بگیرند کوفته بیخته فتیله ساخته بردارند فرزجه نوشادر سوده ده درم اشق در
آب چکلر دو سه درم باهم سرشته بردارند و بعد گذاشتن فرزجه باید که پایها بلند دارد دیگر
مجربست خربق سیاه بیخ حنظل کندش برابر کوفته بیخته با زهره گاو بردارند فرزجه مجرب
صاحب قادری سداب مرصافی ہیل رازیانه تخم مرو بالسویه بزهره گاو بردارند فرزجه
که منع حمل کند مازو حب الاس مساوی کوفته بیخته با آب گرم سرشته فرزجه سازند پیشتر از مجامعت
بگیرند فرزجه تخم انار با شب یمانی قبل از جماع بردارند فرزجه که نافع است بر حیا و عسر ولا
و اخراج جنین زنده و مرده نماید مرمکی حبا و شیر خربق بالسویه کوفته بزهره گاو سرشته بردارند
فرزجه که مانع آبستن شود شکوفه کرنب کوفته بیخته بعد از طهر بردارند و اگر شاخ و بیخ آنرا
کوفته حمول نمایند همین عمل کند فصل چهارم در حالبسات حیض و معینات حمل فرزجه
که اعانت حمل کند پشم خرگوش اگر حاضر نباشد بزهره گاو بعسل سرشته پشم پاره بعد از حیض
سه شب بردارند بعد ازان مجامعت نمایند دیگر مجربست جند بیدستر یک مثقال شب یمانی زعفران
اسارون کهربا هر یک یکدرم عود نیم درم مشک خالص یکدرم کوفته بیخته بعسل سرشته شب

فلفل سائیده بران پاشیده در گوش نهند تفریج دهد و نفع کند دیگر جهت درد گوش و ریم آن
نافع است تخم مرو را نرم کوفته بعصیر لیعسل سرشته فتیله بدان تر کرده در گوش نهند فتیله
مملو با دویه خمسه که معروف اند اینها با آب لیعسل سرشته غسل سکنید گوش را از مده و شکنیز
دهد در دوا و آن ادویه خمسه نیست انزروت صبر مر کندر دم الاخوین فتیله که زخم
کهنه را سود دارد عسل بکر و زهره گاو و وچه و بهم آمیزند و آنکه بدان سرشته فتیله ساخته
بدان بیالایند صبح و شام در گوش بدارند فتیله که گوشت زاید گوش را بخورد جوز السرو
خوب باریک سائیده با انجیر کوفته فتیله ساخته در گوش نهند فصل سیوم در فتیلها که
با مراض دیگر اعضا چون قروح و جروح سایر بدن فتیله که بواسیر و ناسور و خروج مقعد را
کرم الله تعالی تعلق دارد و حرف الکاف محتوی بر چهار باب باب اول در اقراص مشتمل بر سه
فصل فصل اول در اقراص که بحمیات خلطیه عفنیه و دقیه و مرکبه سود دارد فصل دویم در
قرصها که تعلق با عضای مخصوصه چون معده و جگر و رحم و غیر آن دارد فصل سیوم در
اقراص طلیه که از خارج بعمل می آید باب دویم در قطورات مشتمل بر دو فصل فصل اول
در قطورات که بچشم و گوش و اعضای دیگر و غیره اعضای تناسل تعلق دارد فصل دویم
در قطورات اعضای تناسل باب سیوم در قیروطیها مشتمل بر سه فصل فصل اول در قیروطی
سر و دماغ و اعصاب فصل دویم در قیروطیها که در مرض صدر و حجاب فایده مند است فصل
سیوم در قیروطیهای بواسیر و مقعد و رحم باب چهارم در کشتهای که بلفظ قاف نوشته شد
فصل اول در اقراص که بحمیات خلطیه عفنیه و دقیه و مرکبه سود دارد قرص طباشیر ملین
جهت تبهای صفراوی و دموی و رفع تشنگی و تسکین غثیان نافع است طباشیر سفید گل سرخ
صندل سفید هر یک پنج ماشه تخم خیار تخم کدو مقشر رب السوس زرشک بیدانه صمغ عربی
کتیرا سفید هر واحد دو دو ماشه با آب تخم خرفه قرص سازند و اگر تلیین بیشتر خواهند ریوند

سه ماشه غاریقون هفت ماشه اضافه نمایند شربت یکمثقال **قرص طباشیر** ملین حمول ابخره
تپهای صفراوی را سود دارد و بغیر فالج بعد استفراغ که احساس می کنند مفید بود در بست السیتین
دو درم تخم کاهو مقشر تخم خیار بادرنگ مغز تخم کدو شیرین مغز تخم کاهو مقشر سه درم طباشیر
گل سرخ هر یک پنج درم ترنجبین اسانی ده درم قرصها سازند **قرص کافور** رجهت دق
و محرقه و جمیع اقسام تپهای حاره و سیرقان نافع و تشنگی نشاند و مسمی است بقرص مبارک
کافور یک و نیم دانگ رب السوس یکمثقال طباشیر تخم خیارین هر یک دو نیم درم تخم کاهو مقشر
سه درم و نیم مغز تخم کدو شیرین گل سرخ ترنجبین هر یک پنج درم **قرص طباشیر کافوری** موسوم
بقرص مبارک موافق نسخه شفای الاسقام جهت حمیات حاده و اسهال قوی که با عطش
و نفث الدم و خفقان گرم و سل و دق نافع است در صفات او صاحب شفاء الاسقام نوشته
هذا القرص مبارک ینجح من الاسهال التی لم ینجح فیها سایر الادویه و عجز عنها الاطباء فهو بمنزله
الاکسیر کونه اخر الادویه زعفران نیم درم کافور قیصوری یکدرم طباشیر سفید صمغ عربی
کثیرا نشاسته هر یک دو درم مغز تخم خیارین مغز تخم کدو شیرین تخم خرفه هر یک چهار
درم گل سرخ منزوع الاقماع رب السوس هر یک شش درم کوفته بیخته بلعاب اسپغول اقراص
ببندند قرص بقدر دو نیم درم شربت یک قرص مناسب **قرص انبار** اسهال خونی و افراط
و نفث الدم را نافع بود بیخ انبرباریس چهار درم گل سرخ صمغ عربی کهربا شمعی شیره تخم خرفه
هر یک سه درم گلنار نشاسته گل ارمنی طباشیر رب السوس هر یک دو درم اقاقیا یکدرم
و نیم کوفته بیخته با آب بهور قرصها سازند شربتی یکمثقال **قرص مروارید** جهت تپ
و دق و دلو اسیر و اسهال بغایت نافع است صندل سفید یکدرم مروارید ناسفته یکدرم نیم
لعبة المقیص تخم بارتنگ هر یک دو درم مغز تخم خیار تخم خرفه کهربا هر یک سه درم گل ار
چهار درم طباشیر گل سرخ هر یک شش درم با آب بهور قرصها سازند شربتی یکمثقال

با شربت خشخاش و در بعضی نسخه با شیر الاغ دهند و در بعضی امراض یعنی سرطان محرق سه درم
بیفزایند و در دق زعفران نیم درم کافور یکدرم مضاف سازند قرص مسهل از حکیم
سوسن مجرب که در امراض حاده و تبهای گرم و مرکبه و دفع قولنج ثقلی نافع است و سریع العمل
و بی غائله و بهترین اقسام قرصهای مسهل است گل بنفشه مغز تخم کدوی شیرین مغز تخم خیار
مغز تخم خربوزه گل نیلوفر تخم کاسنی هر یک شش ماشه تخم خرفه سقمونیا شش ماشه مصطکی سه ماشه انیسون
سه ماشه گل سرخ طباشیر نشاسته سه ماشه کثیرا حب الملوک مقشر مشوی کوفته بیخته با لعاب
اسپغول قرصها بندند خوراک از نیم مثقال تا یکمثقال است قرص مبرد قایم مقام
قرص کافور جهت کسانیکه از رایحهٔ کافور متنفر باشند مرصع شده جهت حمیات حاده و عطش شدید بکار
نفع تمام دارد و مجرب است طباشیر سفید نشاسته کثیرا بزر البنج سفید هر یک دو مثقال
صندل سفید نیلوفر کشنیز خشک گل سرخ تخم حماض تخم کاسنی تخم خرفه مقشر مغز تخم کدو مغز تخم
خربوزه هر یک یک مثقال خشخاش سفید چهار مثقال ادویه نرم کوفته با یکدیگر اسپغول در آن
ممزوج کرده باشند قرصها با و اینهای اسپغول بندند و بلعاب اسپغول نیز روا است قرص ورد
که تب مرکب را اگر صفرا بر بلغم غالب باشد سود دارد سنبل سه درم تخم کاسنی مغز تخم خیار
بادرنگ هر یک چهار درم اصل السوس پنج درم گل سرخ ده درم شربت یکمثقال قرص بنفشه
که در غب غیر خالص نیز نافع است مسهل و اخراج صفرا و بلغم کند سقمونیا پنج دانگ
شکر سرخ هر یک پنج درم تربد مجوف یکدرم بنفشه تازه ده درم کوفته بیخته اقراص
بندند و با آب گرم بخورند جمله یک شربت است دیگر جهت تب بامرزه و ضعف الطبیعت موصوف
است کثیرا ربالسوس هر یک چهار درم مغز تخم خیار مغز تخم کاسنی خشخاش هر یک پنج درم گل
ده درم اگر خواهند که اسهال آید سقمونیا مشوی چهار درم تربد مجوف هفت درم
بیفزایند قرص خشخاش که صاحب دق و اسهال را نافع است و بارها تجربه رسیده کافور

یکدرم گل سرخ تخم خشخاش سفید تخم حماض طباشیر نشاسته صمغ عربی طین قبرسی از هر یک
سه درم مغز تخم کدو شیرین مقشر تخم بادرنگ تخم خربزه تخم خرفه مقشر مغز بهدانه از هر یک
شش درم تخم ها و مغزها را بریان کرده کوفته بیخته با آب قرصها سازند شربتی یکدرم
قرص بارد تپ را نافع و سرفه را دافع رب السوس نشاسته کتیرا صمغ عربی از هر یک
یکدرم ورق نیلوفر یک مثقال تخم خیارین تخم کدو مقشر هر یک سه درم کوفته بیخته قرص سازند
شربتی دو درم با گلشکر یا شربت بنفشه قرص خشخاش معمول کافور قیصوری یکدرم
غنچه گل سرخ سه درم تخم حماض برشته گل قبرسی برشته هر یک سه درم مغز تخم خربزه برشته
مغز تخم بادرنگ برشته تخم خشخاش سفید برشته مغز تخم کدو شیرین برشته مغز بهدانه
برشته هر یک شش درم کوفته بیخته با آب سرشته قرصها سازند شربتی یک درم با دوغ
یا شیرخشت یا شیر دختر قرص طباشیر سرطانی دق و سل و ذبول را نافع باشد طباشیر سفید
غنچه گل سرخ از هر یک پنجدرم ترنجبین ده درم کتیرا سفید صمغ عربی از هر یک سه درم تخم
کاهو تخم کاسنی از هر یک چهار درم صندل سفید سه درم سرطان سوخته رب السوس
هر یک یکدرم زعفران کافور قیصوری از هر یک نیم درم کوفته بیخته بلعاب بهدانه سرشته
قرصها سازند سنبل الطیب عود لونی کافور داخل میکنند قرص طباشیر کافوری
از برای تپ دق و خفقان و حمیات محرقه و تشنگی و اسهال باشد و نافع از برای نفث الدم
و اسهال دموی و کبدی و اسهال ذوبانی مکرر بتجربه رسیده مروارید ناسفته طباشیر سفید
سرطان سوخته تخم خشخاش سفید تخم کاهو مقشر کتیرا اسفید هر یک سه درم کهربا شمعی
رب السوس غنچه گل سرخ از هر یک دو درم مغز تخم خیارین پنجدرم صمغ عربی لب بد احمر سوخته
هر یک یکدرم کافور قیصوری نیم درم زعفران دو دانگ ابریشم مقرض دو درم کوفته
بیخته با آب برگ بارتنگ سرشته قرصها سازند قرص کافور جهت سعال حار و سل و دق

و دق و حمیات که با سرفه باشند سودمند بود از برای سعال با شربت و یا قوذ ایا یا شربت خشخاش و
لعاب بهدانه دهند و برای دق و حمیات حاره با آب انار شیرین مغز بهدانه از هر یک پنج درم
گل سرخ رب السوس طباشیر از هر یک سه درم صمغ عربی کتیرا تخم خرفه نشاسته از هر یک دو درم
تخم کاهو مقشر یک درم کافور قیصوری نیم مثقال کوفته بیخته بلعاب اسبغول سرشته اقراص سازند
شربتی دو درم قرص خشخاش جهت [illegible] سینه و [illegible] زعفران نیم درم رب السوس نشاسته
کتیرا از هر یک دو درم خشخاش سیاه و سفید از هر یک سه درم گل سرخ صمغ عربی از هر یک چهار درم
طباشیر پنج درم با آب [illegible] اقراص سازند شربتی یک مثقال تا دو مثقال با شربت خشخاش دیگر
جهت سعال خشک سینه و نوازل و سرفه که با نفث زرد و رقیق باشد و برای سل نشاسته
کتیرا صمغ عربی از هر یک پانزده درم خشخاش سفید مغز تخم کدوی شیرین مغز تخم خیار تخم کاهو
بذر البنج از هر یک سی درم با لعاب اسبغول اقراص سازند هر قرص سه درم شربت یک قرص با
شربت خشخاش قرص سرطان که به سل و دق و نفث الدم نافع است رب السوس سه درم
طباشیر کتیرا [illegible] از هر یک پنج درم گل مختوم گل ارمنی نشاسته گل سرخ از هر یک شش
درم سرطان سوخته ده درم با آب برگ بارهنگ اقراص سازند شربتی دو درم با آب انار شیرین در
جلاب گاهی طین قبرسی نیز شش درم افزوده قرص سل مغز تخم خیارین ده درم تخم خرفه اصل السوس
از هر یک چهار درم طباشیر سرطان سوخته از هر یک دو درم نشاسته کتیرا از هر یک یک درم کوفته بیخته
بلعاب اسبغول سرشته اقراص سازند شربتی یک مثقال قرص کافور در دق که با سل تب زاید باشد
بکار آید کافور نیم درم تخم کاسنی یک درم گل سرخ صمغ بادام صندل سفید کتیرا نشاسته رب السوس
طباشیر از هر یک سه درم تخم کدوی شیرین مغز تخم خیار مغز تخم بادرنگ مغز بهدانه از هر یک پنج درم
با لعاب بهدانه اقراص سازند قرص سرطان در این باب طباشیر سفید کتیرا صمغ عربی نشاسته
تخم خشخاش مغز تخم خیارین مغز بهدانه بادام مقشر گاوزبان که با از هر یک دو درم ورق

و خون باز دارد و تشنگی بنشاند و تبهای صفراوی را باز دارد زرشک منقی سماق طباشیر هر یک
هفت درم گل ارمنی تخم حماض نشاسته صمغ عربی هر یک ده درم گل سرخ پانزده درم
کوفته بیخته قرصها سازند قرص کهربا که اسهال دموی را و افراط خون بواسیر و بول الدم
را نافع است گلنار اقاقیا هر یک یکدرم و نیم مغز تخم خیار مغز تخم کدو کثیرا نشاسته
صمغ عربی کهربا هر یک سه درم کوفته بیخته بلعاب اسپغول قرصها سازند شربتی دو درم با
شیر خرفه دیگر خون بواسیر را باز دارد کثیرا نشاسته گل مختوم هر یک نیم درم کهربا صمغ
عربی هر یک یکدرم بلوط دو درم کوفته بیخته بآب بارتنگ قرصها سازند قرص [illegible]
و جمیع اقسام اسهال را نافع است مغز خسته انبه کهنه مغز خسته جامن کهنه هلیله زرد در گل [illegible]
کهنه بریان کرده منقش شده باشند همه را برابر گرفته قرصها سازند شربتی یک مثقال با آب
سرد قرص جهت اسهال مجرب است سماق باز و تخم مرو گل ارمنی افیون هر یک چهار ماشه
اقاقیا دو ماشه یک قرص بیار جفت بلوط دیگر مجربات حکیم علی گیلانی که در اقسام اسهال و
جلبیان خون بواسیر و طمث و نفث الدم معمول الشان بود تخم آس نشاسته مقلو کثیرا مقلو
پوست خشخاش مقلو هر یک شش مثقال گل ارمنی پنج مثقال یک قرص بمقدار الحمص شربت [illegible]
قرص [illegible] کثرت طمث باز دارد کثیرا دو ماشه رسوت دو ماشه صمغ عربی یک ماشه [illegible]
چهار ماشه قرص بندند هر قرص بقدر یک ماشه دو سه قرص تجویز کنند کهیر و تنها خوردن
از دو ماشه بتدریج تا یکدرم بسیار مفید است و غذا نان نخود با ترشه حضر و مرغ [illegible]
ذات الجنب که در تسهیل نفث و سرعت انضاج مفید است نشاسته تخم خطمی کثیرا رازیانه هر یک
سه درم بنفشه رب السوس هر یک ده درم بلعاب اسپغول بهدانه و تخم کتان قرص سازند شربتی دو درم
بشربت بنفشه قرص ذات الجنب تخم رازیانه تخم کتان تخم خبازی گل بنفشه کثیرا نشاسته گل [illegible]
سفید گل خطمی سرخ بهدانه تربد کوفته بیخته عناب سپستان [illegible] در آب تر کرده شیره بگیرند و [illegible]

خیارشنبر بعده بیک آب تر کرده بمالند و صاف کنند و ادویه مذکوره را بدان سرشته قرصها سازند قرص
زرشک جهت استسقاء طحالی و طحالی که بعد تب بود زرشک بیدانه ده درم گل سرخ سه درم تخم
خیارین تخم خربزه هر یک سه درم رب السوس عصاره غافث افسنتین فقاح اذخر شاهتره تخم کاسنی
تخم کشوث ریوند چینی زعفران طباشیر سفید از هر یک ده درم تخم [illegible] سنبل کوفته با آب
سرشته قرصها سازند هر روز یک مثقال تا نیم مثقال با شیره انیسون یا شربت دینار یکنیم توله و عرق
اذخر و عرق بادیان هر یک چهار توله بخورند قرص ورد که در استسقا نافع است گل سرخ
سه درم عود سنبل مصطکی سلیخه فقاح اذخر دارچینی افسنتین هر یک یکدرم بدستور قرصها
با ماء الاصول سرشته بدهند [illegible] قرصها قرص زرشک بارد جهت تعدیل گرمی جگر و عطش و
حرارت و زردی رنگ خیار و خیار چنبر سنبل نیم درم ریوند لک مغسول گل سرخ هر یک یک درم
تخم کاسنی تخم خرفه خیارین هر یک سه درم گل سرخ طباشیر هر یک پنجدرم زرشک بیدانه ده
درم کوفته بیخته هر قرصی یکمثقال الی دو سازند با شربت یکمثقال با سکنجبین یا آب انار قرص
زرشک صغیر جهت جگر گرم و تبهای محرقه معده قریب المنفعت است ریوند چینی سنبل
هر یک یکدرم تخم کاسنی تخم خرفه مقشر تخم خیارین هر یک سه درم گل سرخ پنجدرم زرشک بیدانه
پنجدرم کوفته بیخته بلعاب اسپغول قرصها سازند قرص زرشک حار اوجاع جگر را که از
برودت باشند نافع است لک مغسول ریوند چینی سنبل عود ماره غافث انیسون مصطکی [illegible]
یک درم زرشک بیدانه پنجدرم کوفته بیخته قرصها سازند بطبیخ [illegible] قرص
لولوی نافع حرارت جگر و مقوی آن و مسکن عفونت اخلاط و [illegible]
چهار سرخ زعفران نیم ماشه مروارید ناسفته نیم مثقال تخم کاسنی تخم [illegible] مقشر تخم خیارین
ریوند چینی طباشیر لک مغسول یکمثقال تخم خیار [illegible] تخم کدو هر یک دو درم گل سرخ [illegible]
بیدانه هر یک سه درم کوفته بیخته بلعاب اسپغول سرشته قرصها سازند و در سایه خشک [illegible]

کل خطمی سفید گل بنفشه عنب الثعلب پرسیاوشان اصل السوس به‌دانه هر یک دو مثقال در آب جوشانیده
صاف نموده پیه گردهٔ بز در مطبوخ مذکور اضافه نمایند بعده در روغن بابونه دو مثقال روغن
بنفشه سه مثقال روغن کدو پانزده مثقال گداخته اضافه نموده چندان بجوشانند که آب تمام
بسوزد پس سفیداب کاشغری شسته یک مثقال داخل کرده بیفشارند که بعضی رطوبات او بچکد
موم زرد برگ چقندر تازه پر کرده در روغن کنجد با آتش ملایم بپزند تا سهرا شود بعده در هاون تر موم
بکوبند تا جار با آتش نرم پخته قدری موم اضافه نموده موم روغن بسازند بر سر و جسم بمالند
قیروطی که جهت سبی بکار آید از موم روغن بنفشه یا روغن کدو و آب برگ خیارزه آب برگ خطمی و لعاب
بزرقطونا سفیدی بیضه مرتب سازند قیروطی که جهت گداز و تمدد و امتلای بعد از تنقیه
بعمل می‌آید و در تحلیل بقیه ماده عصب عضل و تقویت اعضای اثر بزرگ دارد پیه شیر پیه مرغ
هر یک یک وقیه عنبر اشهب موسایی زرد یک مثقال همه را بروغن سیاه یا روغن بابونه دو
اوقیه گداخته فاعنبه خیارزه براوند مدحرج اقحوان اصل فاشرشی قسط بحری هر یک نیم اوقیه کوفته
بیخته با هم سرشته در هاون چلانند که یکذات شود قیروطی که جهت برده و شعره نافع است
جاوشیر اشق فنه اشیخ صوفی بطلم همه را علک زیت والبته حل کنند و موم در روغن انداخته مثل مرهم
ساخته بعمل آرند قیروطی که جهت بثور الفض موم سفید روغن بید در روغن گل گداخته مرداسنگ
بگلاب سرکه سوده داخل کرده در هاون بمالند تا یکذات شود

فصل دوم در قیروطی که بسینه کرده شود

و امراض صدر و حجاب غیره فایده مند است قیروطی جهت ذات الجنب از حکیم بادی گل
عنب الثعلب اصل السوس آرد باقلا گل بابونه کتیرا به‌دانه گل خطمی گل نیلوفر هر یک یک مثقال همه را
در آب پخته صاف نمایند آب تراشه کدو آب بالک آب حی العالم آب برگ کرنب هر یک پنج مثقال اضافه
نموده روغن کدو و بنفشه هر یک دو مثقال پیه گردهٔ بز بقدر مضاعف بپزند تا آبها جذب
شود پس مغز حب القطن مغز تخم خربزه مغز تخم هندوانه مغز تخم خیار بالنگ مغز تخم کدوی شیرین تا

هر یک یکمثقال خوب باریک ساخته سفیده آب قلعی را خلط کرده مرهم ساخته ضماد نمایند دیگر برای
نفع ذات الجنب و شوصه گل بنفشه اکلیل الملک گل بابونه در آب پخته صاف نموده لعاب اسبغول
لعاب گل خطمی روغن بادام شیرین موم داخل کرده قیروطی نموده ضماد نمایند دیگر نافع جهت
ذات الجنب گل بنفشه گل بابونه اکلیل الملک تخم خطمی گل خطمی جو مقشر پوست خشخاش همه کوفته
پخته در آب پخته صاف نموده روغن بنفشه موم سفید کتیرا کوفته بیخته داخل کرده در قدر رضا
قیروطی سازند و کتیرا و سفیداب قلعی بعد تیار شدن داخل نمایند قیروطی برای سوزش سینه
که با تپ باشد یا بغیر تپ موم سفید مغسول در روغن گل بگدازند پس آب خیار و آب کدو و آب برگ
خرفه بقدر حاجت در آن بیزند و کف مال نمایند تا نیک مخلوط شود پس پارچه بدان تر کرده
بثلج سرد نموده بر سینه برگذارند قیروطی جهت ذات الجنب و ذات الصدر مجرب است
موم سفید یکمثقال کتیرا کوفته یک مثقال روغن بنفشه پنج مثقال و اگر روغن بنفشه حاضر نباشد
با روغن کدو قیروطی سازند قیروطی النضاج ماده ذات الجنب کنند بنفشه سبوس گندم
آرد جو باقلا بابونه گل خطمی اکلیل الملک کوفته بیخته در روغن و موم که از روغن بنفشه و روغن
کدو ساخته باشند آمیخته بر جنب علیل بمالند و اگر ماده قوی باشد و غلیظ بطی النضج قوه تخم
کتان و حلبه و آب کرنب اضافه نمایند قیروطی ذات الجنب و ذات الصدر ملتهب بالتسکین
موم را در روغن بنفشه بگدازند و به آب برگ بید و تراشه کدو تسقیه داده بدفعات متوالیه
سقد ازین آبها جذب کرده شد و پارچه بدان آغشته بر سینه و پهلوها نهاده باشند دیگر جهت
ذات الجنب و ذات الصدر هرگاه در جنب یا در صدر صفاق و تحلل شده باشد و تب هم تخفیف
یافته باشد آب تراشه کدو و آب لطیخ رقی آب ورق بنفشه هر یک جزوی و آب ورق خباز
بسیج سوم سفید روغن بنفشه بقدر حاجت موم و روغن بر آتش گدازند تسقیه ازین آبها
دهند و استعمال نمایند قیروطی جهت حرارت قلب و دفع سوء مزاج حاران نافع است موم

صافی را در روغن گل انداخته بگدازند و در هاون کنند و از آب بقله و آب کدو و آب خیار و آب
گلاب به دفعات تسقیه دهند و قدری صندل و قدری کافور داخل کرده قیروطی سازند قیروطی اخضر
سوده زاج خشک را نقع دهد موم سفید در روغن بنفشه و روغن کدو بگدازند و در آب کشنیز و آب کاهو
گداخته ها نمایند و بر سینه نهند قیروطی برای صلابت معده نافع است گل سرخ دو ثلث درم مصطکی
صبر قصب الذریره افسنتین عصاره غافث افتیمون ثلث درم موم روغن ناردین بدستور مرتبا
سازند فصل سیوم در قیروطی امراض مقعد و رحم قیروطی مجرب جهت ریاح آن از جالینوس
آب کنند هم ملانشه تخم ترب بریان هفت ماشه مقل ازرق سه ماشه کلنار افیون عصاره لحیة التیس
هر یک دو ماشه مجموع کوفته بیخته به روغن گاو و خالص هشت ماشه بیضه مرغ آبی بیضه مرغ خانگی
هر یک ده ماشه به هم آمیخته انداخته آب کنند تا ادویه را گداخته بیک دیگر جوشانیده تا آب کنند تا
برود بعد از آن ادویه کوفته بیخته بر آن ریزند و الله اعلم فصل چهارم در قیروطیهای امراض
جلدیه قیروطی برای ترقیدن دست و پای که از سرما بود نافع آید آب کرنب و چغندر و شلغم
هر یک یک وقیه موم سفید نیمه کرده در روغن بابونه هر یک یک سیر قیروطی بدستور پخته در دست
و پا چرب نمایند قیروطی که شقاق و درشتی چهره و دست و پا را سفید است کتیرا و زوفای تر
هر یک ده درم … موم سفید سه درم روغن بادام ده درم موم گرم کرده بلعاب کتیرا و زوفای تر
حل کرده در هاون کنند قیروطی که شقاق ها را اندمال نماید سبوس برو بازه مقرون استعمال
کنند و از مخترعات مجربات است آب چغندر آب شلغم آب برگ کرنب لعاب گل خطمی آب بنفشه هر یک
دو درم موم سفید دو درم روغن گل ده درم قیروطی سازند قیروطی آتشک را نافع است سیم
سه درم روغن گاو پنجدرم نیمه کرده بر نشش درم سیماب چهار مثقال با قدری حنا و آب پان
سوخته کلف نال کنند آنگاه اجزا خوب بهم مالیده یکسان شود و مستعمل کرده هر روز یک حصه
تمام بدن مالند باب چهارم در نسخها که بلفظ قهوه نوشته شده قهوه مجرب از حکیم

حکیم حیدر علی سنا رکی کوفته دو مثقال در دو شیشه گلاب مثل قهوه خوب جوشانیده بنوشند
که مسهل و منضج است و طبع را بسهولت تلیین میدهد و دستها اطلاق میکند و قدر یکمثقال
بخوردن نیز میتوان داد و اگر گلاب نباشد ورق گل انداخته جوش دهند که گل سهل مسکن است
حرف الکاف مشتمل بر پنج باب باب اول در کحل محتوی بر دو فصل فصل اول در کحل مقوی
بصر که تقویت روح و قوت آن و جلاء چشم مینماید و روشنی چشم میفزاید فصل دویم در اکحالی
که با امراض چشم مسعود مستند است باب دویم در اقسام گلقند ها مشتمل بر فصل واحد در گلقند افتابی
و ماهتابی و مسهل و غیر مسهل باب سیوم در انواع کلکلانج بارد و حار و معتدل محتوی
بر فصل واحد باب چهارم در کادها در کبید مشتمل بر دو فصل فصل اول در امراض سر و چشم و دماغ
مستعمل میشود فصل دویم در کادها که با امراض دیگر اعضا چون ذات الریه و قولنج و غیر آن
معمول است و در معده بارده ریحی و شکم فصل سیوم در کادها که با امراض تناسل فایده
مینماید باب پنجم در کمونیها مشتمل بر دو فصل فصل اول در کمونی مسهل فصل دویم در کمونی
ساده فصل اول از باب اول در اکحال مقوی بصر که تقویت روح باصره نماید و جلاء
چشم سازد و روشنی چشم میفزاید کحل شاه جهان بادشاه معمول از بیاض قبله گاه
غفران پناه که حضرت اعلی خود استعمال میفرمودند کافور یکدانگ زعفران سیاه فرج هندی
مشک خالص هر یک یکمثقال مروارید ناسفته دو مثقال اقلیمیای فضی اقلیمیای ذهبی
واحد شش مثقال باد قشینا ر ذهبی توتیای کرمانی هر یک هشت مثقال سرمه اصفهانی
دوازده مثقال باین طریق بسایند که سرمه و مروارید و هر دو اقلیمیا و باد قشینا هر یک علیحده
علیحده در سنگ سماق با آب باران چلا یکنند و دواهای دیگر نیز باریک مثل غبار کرده باهم
آمیخته در ظرف انگبینه نگهدارند کحل الجواهر سرمه اصفهانی مروارید یاقوت سرخ یاقوت زرد
آبنوس سیاه فرج هندی توتیای کرمانی انجیر خشک سایند خشک کرده کف دریا هر یک

دو ماشه ماميران چيني يک ماشه توتياء هندي نيم ماشه دوده روغن گاو پنج ماشه دهنهٔ فرنگ اقليمياء
ذهبي بدستور مقرر توتيا بسازند كحل جهت تقويت بصر عجيب الاثر است و نافع با مراض چشم
توله مرواريد دو توله سنگ يشب [?] مرجان يکتوله و سه ماشه ماميران چيني نيم توله ورق طلا چهار ماشه
غير از اوراق همه را باريک ساخته با آب هليله تا چهار روز كهرل نمود دو روز هم اوراق را هم بعد ازين
در گلاب بسايند و در ظرف آبگينه يا چيني يا طلائي بدارند و كهرل از سنگ سماق باشد يا چماق
كحلي روشنائي چشم زياده كند و جميع امراض چشم زايل نمايد مرچ سياه ده عدد غنچه چنبيلي پنجاه
عدد گل [?] بيست عدد هر دو عليحده عليحده بسايند بعد از آميزش كرده و غبار [?]
فرمايند با زنگيا كرده دو ميل بوقت صبح در چشم كشند كحل اكبر جهت صحت عين و ازاله علت
آن كنند كحل توتيا مرقشيثا اقليميا هر واحد پنج درم در آن حاليكه مغسول باشد بگيرند مرواريد و
سانج هندي زعفران سنبل هر واحد يک درم كافور يک دانگ كحل ديگر كه در خانه جواهر خان تيار
ميشد بگيرند سرمه هر قدر كه خواهند آنرا در انگشت گذاشته مثل بچه آتش دهند تا خوب سرخ
شود و بس سرد شود [?] هفته كه در شير تازه تخم [?]
و انداخته بيزند تا سير شود و بس چهل روز در گلاب كهرل نمايند و استعمال كنند نسخه كحل مجرب جهت
احول از مجربات شيخ الرئيس ماميران شياف ماميثا چهل و هفت درم زعفران بيست و چهار درم
افيون خالص دوازده درم [?] عصاره بزر البنج سفيد مجفف شش درم ورق
تازه چهل درم صمغ عربي بيست و چهل درم همه اجزا باريک بكوبند چند روز با آب باران يا آب
اكليل الملک تازه والا آب مطبوخ يعني اكليل الملک سحق بليغ نمايند بطريق حب ساخته نگهدارند
ابر پاره سنگ سرخ يا صدف با آب سرد يا بشير عورت و يا سفيده بيضه بسايند و بميل در چشم دو
وقت بكشند و مجربه از اسرار است فصل دوم در اكحال كه با مراض چشم سود مند است كحل
نزول هر قسم كه باشد در ابتدا نزول استعمال نمايند صابون لاهوري قسم اول پنج درم [?]

سوخته باشد و نیم تیله تهوتهیه سوخته باشد و یک سرخ اول صابون را ریزه ریزه کرده در کوزهٔ گلی نو یکجا
نهند تا که گداخته شود بعده را اول و تیله تهوتهیه را خوب سحق نموده در آن اندازند و از سیخ آهنی
بکم وزانند تا که رنگ سرمه پیدا کند فرود آرند وقت حاجت قدری بمقدار گنجد از آب سائیده
در چشم کشند یک روز درمیان داده عمل نمایند و از ترشی و بادی و غذای قابض احتراز
نمایند روز یکه در چشم کشند از هوا و آب پرهیز نمایند کحل دیگر که در اوراق مجربات بعضی
اطبای معتمد ستائیش نموده شد در ابتدای نزول عجیب الاثر است لیکن بمداومت بعد مدت
اثر میکند سپید دانه مهرق خاکستر صدف یکجا کرده چند مرتبه داده کحل سازند کحل دیگر از
مجربات والد بزرگوار خاصیت عجیب در منع نزول و تحلیل مادهٔ نزول دارد همیشه معمول و
تخفیف هم درین تصرف باضافه نموده بعضی اجزا مزاد رسید اثمد بارتنشیا مکلس پوست
هلیله کابلی فلفل خشک ورق نقره بدستور کحل سازند کحل سهل الوجود که جهت نزول
مادهٔ مجرب معمول این خادم فقیر است درخت بادیان که بار آورده باشد و هنوز تخم آن
خوب پخته باشد از بیخ برکنده و از خار و خاشاک پاک ساخته در سایه خشک نماید هرگاه
خوب خشک شده قابل سائیدن شود با بیخ و بار و برگ و شاخ کوفته بیخته در سنگ سماق بقدر
دو پهر روز اکتحال فرمایند و اگر تازه نهال بادیان کوفته شیره بگیرند و شیره را در ظرف چینی در
سایه خشک ساخته اکتحال نمایند هم بهتر است و در اختیار استعمال از برگ حنا تازه یا خشک
کلفه ساخته بعد تحمل تناول نمایند کحلی که استعمال کرده میشود در ابتدای نزول بخشی از
قدیم از مجربات طبری رحمة الله بارتنشیا ذهبی مکلس که خاکستر شده باشند دخان کوزه
نحاسی اقلیمیا ذهبی هر یک نیم جزو فلفل نیم جزو همه را سحق کرده به سقیه تجر عتیق داده باریک
نموده از حریر گذرانیده بعمل آرند کحل ماميران چینی یک جزو مروارید دو جزو مرجان
سه جزو سرمه اصفهانی قرنفل کافور قیصوری زعفران قدری باریک سائیده کحل سازند

آب بهی بپزند تا بدو من آید بپالایند و خیار شنبر در ان حل نمایند و سه من قند مکرر اندازند و روغن
کنجد با آن آمیزند و بجوشانند تا بقوام آید ادویه دیگر کوفته بیخته با آن آمیخته بسرشند شربتی
با نجدرم با شیر تشتر یا آب عنب الثعلب باب چهارم در کمادهای در کیرنده سه فصل
فصل اول که با مراض سر و حجب دماغ مستعمل میشود و نافع بصداع حار صفراوی است از
مستفرغات مسکنات و مخدرات کلیه زایل شود و متعین میشود که بقیه ماده و احتباس التحلیل
باید استعمال کماد بالتمام زایل گردد چون گل خطمی بابونه سبوس گندم صندل سفید گل سرخ تخم ورد
الاقحوان بنفشه هر یک جزوی کوفته بیخته با سرکه انگوری گلاب و آب شاهسفرم ورد
سرشته در پارچه کتان بسته با آتش گرم کرده بر سر کماد نمایند و با وجود این کماد اگر زایل
نگردد معلوم میگردد که باقیمانده در فصلی که مستعمل نیست رفع آن فصد هر دو صافن نمایند
و حجامت هر دو ساق نهند و امر بدلک هر دو قدم نمایند کمادی که مشکوته را البته تنقیه
با آن گرم باید کرد قرنفل بسباسه جوزبوا فلفل کوفته بیخته ترکیب کرده گرم نموده
تکمید نمایند کماد که تبرید و ترطیب دماغ کند و صداع را ببرد و حرارت و یبوست دماغ
را نافع باشد بنفشه نیلوفر کاسنی سبز کاهو ورق بید تراشه کدو ورق گل سرخ بستان افروز
بارتنگ خطمی تخم بادرنگ تخم خشخاش پوست خشخاش فقاح شاهسفرم جو مقشر همه را
در آب بپزند و شیر دختران و روغن بنفشه در ان آمیزند و تکمید نمایند و اگر خواهند سر
بر بخار آن فرو دارند تا آب نطول نمایند کماد که در سبات سهری بکار آید جو مقشر
نیم کوفته ورق نیلوفر هر واحد دو کف حی عالم ورق خبازی ورق بید قطونا مغز تخم کدو
هر یکی نافه جوشانیده تکمید نمایند و اگر خواهند انکباب کنند کماد نافع برای فالج مرزنجوش
نمام شیح ارمنی نانخواه برگ اترج صعتر سعد مشک طرامشیع حاشا پودینه جوشانیده
کردن اعصاب منتشره بخار آن دارند و آب آن گرم کرده برشانه و بر گردن اعصابی

شاهسفرم

صافن

مذکوره بگلمت بپاشند بعد از آن بکمد نمایند و روغن فرفیون یا روغن شونیز و روغن قسط تمریخ کنند

فصل دویم در کمادهای که با مراض دیگر اعضا چون ذات الصدر و درد معده بارد

و ریحی شکم و قولنج و غیر آن معمول است کماد که نزدیک شیخ استاد در وجع ذات الجنب که از ماده

سوداویه باشد بکار آید منقول از حکیم علی هادی شیرازی آرد جو آرد باقلا سبوس گندم

کاورس همه را بلعاب گل خطمی سفید و لعاب بزرقطونا و لعاب بهدانه و شیر تازه و روغن گل

بسرشند بمقدار دو انگشت ضخیم و نان بسازند بر طابق نیم پخت نمایند و بر موضع

وجع بعد تمریخ بقیروطی که مذکور میشود کماد نمایند قیروطی اینست پیه گرده بز و موم سفید

در روغن کدو و روغن بنفشه و روغن گل بگدازند و صاف نمایند پس گل بنفشه گل خطمی

تراشه کدو و عنب الثعلب اصل السوس مقشر کوفته پرسیاوشان در آب پخته صاف نمایند

پس آب اسفاناخ و لعاب بهدانه اضافه کرده در پیه و موم مذاب به دفعات تسقیه کنند

بایں قسم که قدری آب ها بسر آتش بچکانند که در خود داخل شود و اورده سرد کرده

باز بر آتش گذاشته تسقیه دهند تا چند کرت تمام آبها در خورد کماد جز از مطلوبخان

مرحوم جهت برسام بعد فصد و تنقیه معده آرد جو آرد باقلا سبوس گندم از هر واحد دو کف

بشیر گاو و لعاب بهدانه و لعاب خطمی سفید و آب عنب الثعلب سبز و آب پوست خشخاش و آب

بابونه و روغن گل و روغن کدو خمیر کرده نان بحجم دو انگشت ساخته بر تابه نیم پخت کرده

بر موضع درد کماد نمایند دیگر که در وجع معده ریحی را سود دارد نانخواه زیره کرمانی

رازیانه هر یک دو مثقال گل سرخ عنصل کوفته بیخته در خریطه کرباس انداخته

نیم گرم بر معده بگذارند کماد که همین عمل دارد نانخواه پنج درم نمک سوده سبوس

گندم ها هر یک ده درم کوفته بیخته در پارچه بسته تکمید نمایند کماد جهت تسکین درد

معده و دماغ و جگر و کلیه و سپرز و جمیع اعضا نافع است و سریع الحمل و قوی تر را بگشاید بابونه

بابونہ گل سرخ سنبل حلبہ تخم کتان تخم شبت سبوس گندم اکلیل الملک جملہ برابر یا چہ چیز
بہم رسد بکوبند و بشناسند بیشتر در مثانہ گاو ببندند از زنو تکمید نمایند و اگر افیون یا ضماد بدین کرده
بر عضو نہند قوی‌تر باشند کماد قولنج معده و قولنج ریحی مجرب است کہ ہیچ با شبنگ سوختہ
شیشہ تخم سوده ہلیلہ نمک سپید بہ کوفتہ بیختہ با روغن ناشی کہ در آب برگ سوده خمیر کرده
باشند آن خمیر نان بقدر حجم دو انگشت بختہ بسازند اما از یک طرف خام گذارند و طرف
خام را با روغن شبت چرب ساختہ گرم گرم ببندند کماد سول شکم را دور کنند آرد
ماش کہ در ہندی اُرد گویند یک آثار سنبل یک پاو نمک طعام یک پاو انگوزه یک دام
از جملہ خمیر کرده بآب دو نان بسازند یکی از ان بر تابہ نہند چون یک روی آن پختہ شود
فرود آرند و از جانب خام بر شکم ببندند و نان دویمی را بر تابہ گذارند چون نان اول سرد
شود جدا کرده نان دویمی را بر تابہ گذارند و یکی را بر ببندند ہمچنین کرده باشند
تا درد تسکین شود من مجربات اکبری کماد رطب مدر حیض سنبل دارچینی لیسا سجوز بوا
قسط تلخ اقاقیا ہمہ کوفتہ در آب طبیخ نمایند تا غب جوش خورد و گرم گرم در مثانہ ریختہ
تکمید بر موضع ناف کنند عجیب است کماد نافع برای اختلاج سبوس گندم نمک طعام چاو شبیر
سنبل الطیب زیره سبز در شیشہ گرم کرده بر عضو مختلج کماد نمایند فصل سیوم
در کمادہا کہ با امراض تناسل فایده دارد کماد مجلوق و تعقد کہ موجب ضعف فوط شده باشد
سر کیف تازه سپینم پاو نمک چہار ماشہ شیر میش نیم پاو در کٹوره مسی حل کرده قدری گرم
نموده بطریق کماد بعمل آرند گرم گرم بر ان موضع ببندند در چند روز نفع کلی نماید کماد
کہ مجلوق و عنین را بحالت اصلی آرد لنشاره علاج تخم کتان کنجد سیاه مغز بید انجیر ہر یک
برابر ہمہ را کوفتہ بیختہ در پوٹلی بستہ زیر جام آتش در شتہ تا کہ گرم شود از پوٹلی یک
پوٹلی بر قضیب سینک کنند در یک ہفتہ بحال آید دیگر براده علاج ابنہ ہلدی ہ

کہنہ کلونجی تل مالکنگنی عاقرقرحا کوفتہ در چہار دہ پوٹلی بستہ در شیر میش کہ بر آتش
گرم داشتہ باشند اندازند ہمچو گرم شیر سینک نمایند بنحوی کہ از زیر ناف تا بہ پیچ مقعد
کنند بقدر چہار پنج تولہ شیر جذب در اینکار میشود بعدہ پوٹلی را واکردہ دوا در شیر
حل کردہ بر قضیب شب بہ بندند وصبح واکنند باب پنجم در کمونیہا مشتمل بر دو فصل
فصل اول در کمونی مسہل فصل دویم در کمونی سادہ فصل اول در کمونی مسہل
کمونی مسہل معمول سنبل الطیب عود بلسان ہریک دو مثقال دارچینی سلیخہ
حب بلسان ہریک دو مثقال روغن بادام چہار مثقال بورہ ارمنی دہ درم فلفل
سہ درم برگ سداب زنجبیل ہریک چہل درم زیرہ مدبر صد درم تربد سفید مجوف
بوزن ادویہ بعسل سہ چند ادویہ فصل دویم در کمونی سادہ مقوی معدہ و ہاضم طعام
و مزیل شہوت کلی و اوجاع احشا کہ از بلغم و سردی باشد وجشا رحامض حمیات
باردہ سوداویہ وبلغمیہ وشانج نافع بورہ ارمنی دہ درم زیرہ مدبر برگ سداب خشک
فلفل زنجبیل ہریک پنج استار کوفتہ بیختہ منزوع الرغوہ بسرشند شربتی مثقال از
عنصر حرف اللام مفتوح بر چہار باب باب اول در لعوبات مشتمل بر دو فصل فصل
اول در لعوبات ذی اسم حار و بارد فصل دویم در لعوبات غیر ذی اسم حار و بارد
باب دویم در لخلخہا مشتمل بر دو فصل فصل اول در لخلخہ یا امراض سر و دماغ استعمال
میشود فصل دویم در لخلخہ کہ برای تقویت قلب و انتعاش روح عزیزی العمل می آید
باب سیوم در لطوفات مشتمل بر دو فصل فصل اول در لطوفات کہ با امراض باطنیہ
بکار آید فصل دویم در امراض ظاہریہ تعلق دارد باب چہارم در لعوقات مشتمل بر
فصل واحد فصل اول کہ بلعوق سینہ و صدر و مجاری غیرہ فایدہ میکند فصل اول
از باب اول در لعوبات ذی اسم حار و بارد لعوب ابریشم اختراع بعضی متاخرین.

یکنیم سیر شقاقل مصری یکنیم سیر پستا و پسته انار روغن نارجیل تازه مربی بسیل سفید خوشبو همه
چند الطریق معلوم و متعارف بقوام آرند که این نسخه معتمد علیه است و معمول الیه باب دوم
در لخلخهها مشتمل بر دو فصل فصل اول در لخلخه که با مراض دماغ استعمال میشود لخلخه نافع از برای
سرسام حار صفراوی صندل سرخ صندل سفید بگلاب سوده گل ارمنی شیاف ماسیثا
حضض گل بابونه برگ بید حنا باشد سفید سوده با آب کاسنی سبز آب گشنیز سبز تازه آب سیب
ولایتی آب به شیرین آب ریحان تازه آب برگ نیلوفر گلاب عرق بید مشک آب تربوز آب
سرکه انگوری شیر دختران روغن بنفشه روغن گل روغن نیلوفر با همه جمع نموده لخلخه نمایند
و در انحطاط علت بجای طباشیر فاوانیا کنند و روغن نیلوفر و آب سیب و آب تربوز را قطع
بکنند لخلخه دیگر برای سرسام صفراوی صندل سرخ و سفید بگلاب سوده آب حنا تازه آب
حنا با اندک گشنیز سبز کافور قیصوری روغن گل بنفشه بدستور لخلخه آرند لخلخه دیگر جهت
صداع حار روغن گل و روغن بنفشه هر واحد دو جزو خل خمر نصف جزو در شیشه حرکت داده
ببویانند و اگر خواهند که زیاده تبرید کنند آب کاهو و آب گشنیز تر و آب کدو و قدری کافور
بیفزایند فصل دوم در لخلخه که برای تقویت قلب و اختلاج روح عزیزی بعمل می آرند
لخلخه مقوی قلب مسکن حرارت قلب آب سیب ترش آب به خام آب انار ترش عرق کیوره
گلاب صندل در گلاب سوده در شیشه حرکت داده ببویانند دیگر جهت خفقان بارد و
توحش سوداوی صندل سفید مشک خالص یک سرخ عنبر اشهب یک سرخ لادن دو سرخ صندل
در عرق بیدمشک و عرق کیوره کهرل نموده در ظرف چینی یعنی صراحی انداخته حرکت داده
ببویند دیگر که بوجع الفؤاد نافع است لادن مصطکی روغن گل روغن — سرکه انگوری را
آب انار ترش آب سیب همه در شیشه انداخته ببویند باب سوم در لطوخات مشتمل بر دو فصل
فصل اول در لطوخات که با مراض باطنیه بکار آید لطوخی که تنقیه را نافع بود و مرکب از تخم کاهو

هر یک درمی سیر را بیخ کتیرا هر یک دو دانگ افیون نیم دانگ کوفته بیخته بسرکه بسرشند در کاغذ چسپانیده
بر شقیقه چسپانند دیگر برای شقیقه و درد سر خشخاش سه درم تخم کاسنی تخم کاهو هر یک دو درم
هر یک درم افیون نیم درم کوفته بیخته بلعاب اسپغول سرشته بر دو پاره کنند در بناگوش چسپانند
لطوخ جهت زکام مدام و نزله قدیمه علی الدوام را نافع و مجرب است لادن لوبان مصطکی کندر زفت
رومی گل بابونه سنبل الطیب هر یک جزوی موم سفید روغن گل یا نرگس یا خیری هر یک چهار
جزو موم را در روغن بگدازند و دواها کوفته بیخته بسرشند و بر پارچه مالیده بر سر بندند دو سه
روز بسته دارند **فصل دویم** در لطوخات امراض ظاهره لطوخ جهت برای ورم ظاهری
بکار آید نشاسته صندل سفید گل ارمنی اقاقیا بلعاب بهدانه سرشته لطوخ سازند لطوخ قوی
مجرب تخم لوا نشاسته هر دو را در روغن گل سرشته لطوخ سازند لطوخ جهت صندل سفید و زعفران
حضض عصاره حی العالم عصاره ممیثا هر یک خشک خوب باریک ساییده در زرده تخم مرغ آمیخته یا در سرکه
و لعاب اسپغول سرشته بر جای لطوخ نمایند **باب چهارم** در لعوقات مشتمل بر فصل واحد فصل
بلعوق سینه و صدر و شیاف [illegible] فایده کند لعوق بزر خشخاش جهت سرفه نزلی بهیدانه یک است
اصل السوس نیم درم تخم خطمی بهدانه هر یک هفت درم در دویست و پنجاه درم آب سپستان تر یا مویز
بجوشانند تا به نصف رسد با صد و بست درم قند سفید بقوام آرند و مغز بهدانه صمغ عربی
هر یک سه درم کتیرا چهار درم خشخاش سفید خشخاش سیاه هر یک پنج درم صلایه کرده بیامیزند
دیگر جهت سل و اوجاع سینه و خشونت سرفه مزمن که از نزلات حاره بود بزر قطونا تخم خطمی خبازی
هر یک سه درم اصل السوس ده درم تخم خشخاش دو درم سپستان بست دانه جمله سوای اسپغول کوفته
نموده در پنج رطل آب یک شب تر کرده بجوشانند تا ثلث باقی ماند صاف کرده بقوام آرند و وقت
فرود آوردن از آتش صمغ عربی کتیرا اسفیده هر یک پنج درم باریک ساخته بیامیزند لعوق
[illegible] سینه و صدر و حلق نازل شود خمیر یعنی ثمر درخت گولر در آب بجوشانند

لیمو آن را تنبه بل ساخته خمیر تازه در میان آن بیندازند و بکر طبخ نمایند تا ثمره و قوت آن در آب ظاهر
شود و لیمو با شکر جهت محرورین و با عسل جهت مبلغمین لعوق سازند و بعضی وقت طبخ آن را چیزی
از اکثر او مثل آن بیاشیده داخل میکنند و طبخ میدهند تا بقوام عسل رسد قدر خوراک نیم وقیه
لعوق جهت سرفه خشک و نزله که بر سینه و ریه ریزد و برای حرارت تخم خشخاش سه درم
صمغ عربی کتیرا نشاسته هر یک چهار درم مغز تخم خیارین مغز تخم کدو و تخم خرفه کاهو مقشر
هر یکی پنج درم مغز بادام شیرین ده درم جمیع را باریک سازند و ترنجبین پنجاه درم در آب
بطبیخ بهی حل کنند و صاف کرده بقوام آرند ادویه مسحوقه را با آن بسرشند و روغن بادام
بیست درم آمیخته از پنج درم تا یک استار بلیسند و اگر نزله قوی بود خشخاش دو وزن
زیاده نمایند لعوق نافع برای سرفه و ضیق نفس و دیگر عوارض اسفید کوکنار عناب ولایتی
سپستان مویز منقی اصل السوس مقشر بادیان بنفشه ایرسا انیسون زوفا خشک انجیر زرد
جمله را برابر کوفته بیخته در آب خالص جوشانیده تا که سه بار و آب بماند بالیده صاف کرده
نبات مصری تخم خطمی تخم خبازی تخم کتان در لعاب بهیدانه آورده بقوام آورده کتیرا
نشاسته رب السوس مصطکی رومی دارچینی سوده اضافه نمایند لعوق بارد جهت ضیق
النفس مجرب افتیمون غاریقون سفید هر یک یک توله کوفته بیخته در عسل سفید شش توله آمیخته
هر روز نه ماشه با عرق گاوزبان بلیسند لعوق جهت سعال حار بادی [illegible] نافع
بالنگو تخم خطمی کتیرا صمغ عربی مغز تخم خیار مغز تخم بهیدانه بزرقطونا هر یکی پنج درم تخم خشخاش
سیاه ده درم تخم خشخاش سفید بیخ مهک مقشر هر یک بیست درم جمیع را سوای بزرقطونا
کوفته نمایند و تخم خشخاش و تخم خیار و بیخ مهک را در دو من آب با اریک شب بخیسانند روز دیگر
ولیس بجوشانند و صاف کرده شیره بر آرند و بزرقطونا خطمی را جدا لعاب بگیرند و لعاب را
و کتیرا صمغ عربی علیحده در آب حل نمایند باهمه یکجا کرده نیم من شکر اضافه نموده بقوام

گلقند آفتابی چهار توله صمغ عربی دو توله کتیرا پنج توله شکر تیغال چهار توله تخم خشخاش
پنج توله کوکنار دو توله رب السوس چهار توله بهدانه یکدرم عسل خالص نیم سیر نبات سفید یکنیم
ترنجبین دو توله از چهار توله اسبغول لعاب برآورده در آن جمیع اجزا جوش داده وقتیکه
از دو سیر آب نصف بماند ترنجبین و نبات و شهد خالص داخل ساخته بقوام آرند لعوق خطمی
تلیین صدر کند مغز پنبه دانه مغز بادام شیرین هر یک چهار درم اصل السوس مقشر پنج درم رب
چهار بیضه [illegible] روغن بادام و عسل لعوق سازند لعوق کزبرة البیر یعنی پرسیاوشان اگر تازه
باشد بهتر والا خشک که سبز باشد قدری صالح بجوشانند و در حالت غلیان اصل السوس ده درم
عناب پنجاه دانه داخل نمایند لیس بمالند و صاف نمایند فانیذ شیرین نصف رطل عسل یک رطل
شکر سفید یک رطل و ربع آن اضافه کرده بقوام آرند و بعد نزول از آتش رب السوس کتیرا
صمغ عربی نشاسته هر یک سه درم سائیده بیامیزند و اگر سه درم پرسیاوشان دیگر خشک
کوفته بیخته داخل کنند بهتر باشد لعوق سپستان جهت سرفه و ضیق النفس لعاب سفید
[illegible] سه درم بهدانه پرسیاوشان کتیرا سفید تخم خطمی هر یک پنج درم خشخاش سفید
هفت درم [illegible] منقی اصل السوس مقشر هر یک پانزده درم جو مقشر [illegible] سی درم انجیر
زرد ده دانه عناب بیست دانه سپستان از اقماع پاک کرده پنجاه دانه انجیر کوفتنی است
بکوبند و در چهار رطل آب تازه همه را غیر از کتیرا تر کنند و بعد یک شبانه روز بر آتش نرم
بجوشانند و بمالند و صاف نمایند و قند سفید نیم رطل انداخته غلیظ سازند چه اگر سایل ماند
زود ترش شود و متعفن گردد لعوق سپستان که برای نفث مواد سینه و سرفه و نزله
مجرب منقول از بیاض سپستان پنجاه دانه عناب بیست دانه اصل السوس یک توله تخم خطمی
پرسیاوشان یک توله تخم خبازی چهار ماشه بهدانه سه ماشه پوست خشخاش دو توله در
دو آثار آب بجوشانند و با نبات بقوام آورند و در آخر قوام شیره جو مقشر شیره بادام شیره

شیره تخم خشخاش ... یک یکتوله افزایند بعد از ان کثیرا صمغ عربی رب السوس یک یک ماشه سوده
اضافه سازند و بقدر دو ماشه در دهن گرفته لعاب آن فرو برند روزانه چهار پنج مرتبه وقت خواب
چهار ماشه بخورند لعوق حلبه بحة الصوت و غلیظ صوت را نرم کند و نفث را باسانی برآرد
کثیرا اصل السوس مغز حلغوزه نشاسته صمغ عربی هر یکی دو درم مغز بادام مقشر حلبه هر یکی چهار
درم تخم کتان ده درم بسرشند و لعوق سازند لعوق لعابات نافع بحة الصوت که از حرارت
شده باشد تخم خشخاش ده درم آب انار املیسی خیار آب کدو آب فرفخ آب بی شک هر یک
یک سیر لعاب بزرقطونا لعاب بهدانه لعاب تخم خطمی شیره بزرالفرفخ و شیره بزر خیار هر یک استکرجه
خانیدنی ... از همه لعوق سازند لعوق بزر کتان ... نافع است و سینه را از اخلاط
پاک گرداند و بر نفث یاری دهد ... برگ بریان سه درم ... ده درم کوفته بنجبه العسل بسرشند

حرف المیم مشتمل بر چهار باب باب اول در ماء اللحم محتوی بر دو فصل فصل اول در نسخهای
ماء اللحم که با مراض دماغی و قلبی فایده میکنند فصل دویم در نسخهای ماء اللحم که در تقویت
باه استعمال میشود باب دویم در ماء العسل و ماء بزور و ماء الاصول مشتمل بر سه فصل فصل
اول در ماء العسل و ماء بزور فصل دویم در ماء الاصول که تعلق با مراض دماغی دارد فصل
سیوم در ماء الاصول که در امراض معده و کبد استعمال میشود باب سیوم در مراهم مشتمل بر
سه فصل فصل اول در مراهم که با مراض چشم و گوش تعلق دارد فصل دویم در مراهم امراض
اعضای دیگر چون مقعده و ثدی و رحم و خصیه متعلق است فصل سیوم در مرهم های آتشک
و سلعه و خنازیر و اورام ظاهر بکار رود باب چهارم در ادویه که بلفظ مربی نوشته میشود
در کنند مشتمل بر دو فصل فصل اول در مربیهای امراض حاره استعمال میشود فصل دویم
در مربیها که در تقویت معده و جگر و قلب و امراض بارده استعمال میشود باب پنجم در مضمضه
محتوی بر یک فصل واحد که در امراض دهان و کام تعلق دارد و باب ششم در مسهلات مشتمل بر

دو فصل فصل اول در مطبوخات امراض باطنی فصل دویم در حبوبات ساذجه و مرکبه باب هفتم
در معاجین مشتمل بر پنج فصل فصل اول در معاجین امراض دماغیه مانند صرع و فالج و لقوه و نسیان
وغیره مستعمل است فصل دویم در معاجین امراض معدیه و کبدیه و کلیه و مثانه و امراض
تناسل فصل سیوم در معاجین مفاصلیه فصل چهارم در معاجین امراض جلدیه که القروح
و جروح حدیثه و اکله و جذام نافع است فصل پنجم در معاجین حمائیه باب هشتم در مفرحات
محتوی بر سه فصل فصل اول در مفرحات دماغیه و قلبیه منکشف و غیر منکشف فصل دویم
در مفرحات جگر و معده و معاً قابض و غیر قابض فصل سیوم در مفرحات مفاصلیه و
باهیه باب نهم در مسقیات مشتمل بر دو فصل فصل اول در مسقیات که با امراض دماغی مفید
است فصل دویم در مسقیات که با امراض معده وغیره استعمال میشود باب دهم در نسخهها
که بلفظ ملح نوشته شده باب اول در ماء اللحم محتوی بر دو فصل فصل اول در
نسخههای که با امراض دماغی و قلبی فایده میکند ماء اللحم نافع از برای تقویت معده
اصحاب دق و حمی یوم و استفراغی و ناقهین از امراض حاره وقتیکه معده ایشان ضعیف باشد
بجهت تبرید و ترطیب استعمال نموده میشود گوشت حلوان شیر مست یکمن جوجه مرغ دراج
با هریک هفت قطعه گوشتها از چربی و استخوان جدا کرده در دیگ نقره با آتش ملایم کباب
نیم خام کرده سیب شیرین سنجد شیرین کدو شیرین خیار تازه برگ کاهو گل بیدمشک
غنچه گل سرخ با هریک نیم من پودینه تازه برگ فرنجمشک از هریک چهار و یک من تمبر
کوفته همه را برابر ریزه کرده در کباب مذکور داخل کرده با گلاب و عرق بیدمشک و آب حلوان
و آب طلا تا به عرق قرع کشند و هر روز سی درم از آن بخورند و اگر حرارت غالب باشد سه ماها
تر لبود کافور قیصوری یک مثقال طباشیر سفید تخم کشنیز مقشر هریک پنج مثقال اضافه
نمایند ماء اللحم دیگر گل گاوزبان گیلانی گل نیلوفر گل سرخ گل بیدمشک تازه طباشیر

طباشیر سفید هر یک یکتوله صندل سفید بهمن سفید هر یک ده چهار توله قسط قرنفل دارچینی هر یک
چهار ماشه مرغ جوان یک قطعه دواها را با مرغ خوب بکوبند تا مثل مرهم شود و لیس بگلاب
و عرق بید مشک آب صافی نیز بقدر حاجت اندازند دیگر مرغ جوان یک قطعه مصطکی
نیم دام صندل سفید چهار دام دارچینی نیم دام الایچی خرد سه دام را با گوشت خوب بکوبند
تا مانند مرهم شود و لیس بگلاب و عرق بید مشک عرق کشند ماء اللحم نسخه دیگر نافع از برای
ضعف بدن خصوص ضعف قلب و از برای ورم رحم و عسر طمث و درد رحم وقت آمدن حیض
مجرب است گوشت بزغاله فربه یکمن و چهار من تبریز مرغ جوان فربه دراج و لوه هر یک پنج
قطعه را از چربی و استخوان پاک کرده ورق ورق تراشیده در دیگ نقره کباب نیم خام کرده
طباشیر سفید تخم کشنیز خشک مقشر خار خسک از هر یک دو مثقال و نیم فود الصباغین دو مثقال
غنچه گل سرخ گل گاوزبان از هر یک دو مثقال دارچینی دانه هیل از هر یک دو دانگ و نیم
داخل کرده عرق بید مشک عرق گاوزبان عرق عنب الثعلب عرق نیلوفر چهار سیر آب انگور
دو رطل آب خالص بقدر ضرور باید داخل کرده عرق کشند پس عرق عنب الثعلب و گل بنفشه از
هر یک بست و پنج مثقال صندل سفید هفت مثقال و نیم گل گاوزبان پنجاه مثقال گل سرخ
تازه دو رطل گل سیوتی یک رطل داخل کرده در مرتبه ثانی عرق کشند در وقت عرق کشیدن
عنبر اشهب مشک خالص زعفران از هر یک یکمثقال در کیسه کتان بسته در ظرفی که عرق در آن
خواهد چکید اندازند فصل دویم در نسخهای ماء اللحم که در تقویت باه استعمال کرده میشود
ماء اللحم که حکیم ارشد برای میرزا طاهر ترتیب داده حلوان یکقطعه مرغ جوان دراج هر یک
دو قطعه گنجشک نر بست عدد سنبل هندی سافوج هندی بهمن سرخ بهمن سفید سنبل دارچینی عود
ثعلب شقاقل بوزیدان خولنجان خار خسک هر یک چهار توله قرنفل دو توله گاوزبان ابریشم شش
توله خارک نخود سیاه هر یک نیم توله سیب شیرین سی عدد آب زردک ده آثار عنبر مشک هر یک

نیم توله ماء اللحم گوشت مرغ گوشت بره هر یک دوازده آثار گوشت آهو یک آثار گوشت
کبوتر گوشت گنجشک نر هر یک نیم آثار خرما خارک یک آثار دارچینی شقاقل خصیة الثعلب هر یک
نیم سیر بهمن سرخ بهمن سفید جوز بوا بسباسه هر یک دوازده درم مشک عنبر هر یک نیم درم
ماء اللحم مرغ هر وازی دو قطعه کبوتر چهار قطعه گنجشک نر خانگی چهل قطعه خرما خارک بیست درم
دارچینی شقاقل هر یک ده درم بهمن سرخ بهمن سفید جوز بوا بسباسه خولنجان هر یک یک درم
آب سیب سه آثار آب گندم پنج آثار مشک عنبر هر یک دو ماشه بدستور عرق کشند ماء اللحم
که نصرت خان جهت شاهجهان ترتیب داده مرغ جوان پنج عدد زردک پانزده آثار گنجشک خانگی
صد عدد شقاقل مصری پاو آثار سیب قندهاری پنج عدد دارچینی یک آثار گوشت را اضافه کرده
و استخوان را جدا نموده بطریق گلاب عرق کشند پنج پیاله قهوه خوری بخورد عجایب بینند ماء اللحم
که برای مردم خانه رفعت خان ترتیب داده در حمل مرغ جوان یک عدد ولود چهار عدد دراج
دو عدد گاوزبان دارچینی قرنفل هیل جوز بوا صندل سفید تخم گشنیز خشک سعتر برگ ترنج پوست
بیرون پسته بهمن سفید بهمن سرخ ابریشم مقرض درونج زعفران مصطگی هر یک سه ماشه عنبر اشهب
یک ماشه گلاب عرق گاوزبان هر یک نیم آثار بدستور عرق کشند باب دویم در ماء العسل و ماء
البزور و ماء الاصول مشتمل بر سه فصل فصل الاول در ماء العسل ماء العسل مستعمل در فالج
ولقوه و معمول این زمان است عسل خالص یک جزو و آب یا عرق گاوزبان یا عرق بادیان القصه
ده جزو و جوش دهند هر گاه دو ثلث جذب شود و یک ثلث بماند بر دارند و صاحب قرابادین یک جزو
عسل و شش جزو آب چون بنصف آید چنین نموده در اکثر کتب یک جزو عسل دو جزو آب چون
دو ثلث بماند الجعل آورده نوشته اند و اول موافق قانون است و معمول خود فصل دویم
در ماء البزور و ماء الاصول اما البزور که مستعمل میشود در فالج و استرخاء تا چهارده تخم نوشته
تخم کرفس انیسون نانخواه قردمانا هر یک پنج درم مجموعه را در یک رطل و نیم آب بجوشانند تا

سیوم در مراہم مشتمل بر دو فصل فصل اول در مراہم که با امراض چشم و گوش و بینی تعلق دارد
مرہم سپیدہ چوبہ یعنی سسکار جہت قرحہ گوش و سیلان مادہ و تسکین وجع معمول مجرب است انزروت
سفید ہر یک یکدرم سپیدہ چوبہ دو درم موم سفید سہ درم کنجد دہ درم مرہم ساختہ بکاغذ چسپانیدہ
فتیلہ کردہ در گوش نہند مرہم ماہی که اصلاح قروح حارہ کند زردچوبہ یک جزو مرداسنگ دو
جزو ہر دو را بسایند و در روغن گل بسایند که بشکل مرہم شود مرہم زنگار جہت ناصور گوش
زنگار توبال مس ہر یک چہار درم عصارہ کنند با عسل مصفی ہر یک پاؤ [illegible] در مرہم سرشتہ
استعمال نمایند مرہم سفیدہ چیل جہت قروح انف خصوصا قروح که سیل یبوست و رشتہ باشد
و جہت قروح شقیقہ و اگر قروح عسر الاندمال که مادہ آن خالی از خبث در [illegible] بنا آنہا از جملہ
عجائبات از غرائب عادت است موم شمع سفیدہ [illegible] جب سفید چیل و روغن گل ہر یک یکمثقال
[illegible] در آب خوب بہم آمیختہ و مبالغہ نمایند که آب لعاب دار شود پس جب سفید چیل را باہم
گرفتہ با موم و روغن بہم سازند فصل دوم در مرہم ہای امراض دیگر اعضا چون
سعفہ و ثدی و رحم و خصیہ و بواسیر و غیرہ متعلق است مرہم سعفہ نافع سعفہ اطفال که اکثر
سر ایشان کنند مجرب حکیم ارزانی کمیلہ حنا مازو مرداسنگ پوست انار زردچوبہ اجزا برابر
گرفتہ بسایند و موم در روغن گل بگدازند و ادویہ مسحوقہ بدان بسرشند قدری سرکہ اضافہ
نمایند و بر سر زنند و نگہدارند و بعد حلق راس بمالند [illegible] مقراض بکار برند دیگر در جمیع
انواع سعفہ معمول مجرب کافور ریاحی شنجرف زردچوبہ گل سرخ اقاقیا مغسول [illegible]
یکدرم گلنار کافور ہر یک دو درم موم زرد ہفت درم روغن گل بست درم دیگر که جہت
سر اطفال نافع است [illegible] سعفہ شش مثقال تخم مرسی سہ مثقال ہلیلہ زرد یک مثقال [illegible]
حنا کمیلہ زفت ہر یک سہ مثقال موم خالص دہ مثقال مغز قلم کاولہ بقدر حاجت مرہم
ساختہ استعمال نمایند مرہم که در ورم رحم و صلابت آن بارہا مجرب در آمدہ [illegible]

وباقیها گداخته مخلوط کرده مرهم نمایند مرهم جهت شقاق مقعد موم سفید یکتوله حنا سه توله
روغن گل چهار توله موم را در روغن گل گداخته حنا مسحوق داخل کرده مرهم سازند مرهم
جهت نواصیر نافع واندمال جراحات قدیمه نماید مردار سنگ گلنار زرد چوبه خون سیاوشان
نشب بابلی همه ساییده اگر سرخ باشد بهتر شاخ گوزن سوخته موم سفید هر یک یکتوله روغن
زیت چهار توله بدستور مرهم سازند فصل سیوم در مرهمهای شهد وحنا زیرو آتشک
وغیره قروح وجروح واورام ظاهری بکار می آید مرهم که شهد بیتا کله وسایر قروح
متعفن را که محتاج به تنقیه بود نافع باشد خام حب الآس ورق الآس اجزا برابر گرفته کوفته بیخته
بر موم روغن که از موم سفید و روغن گل ساخته باشند انداخته بطریق مرهم سازند بلیغفا
نافع تر از اول مردار سنگ عروق الصباغین هر واحد یکجزو پاره نصف جزو گلنار زراوند
قنبیل زهر واحد جزو کوفته بیخته موم سفید را در روغن گل انداخته مرهم سازند مرهم آتشک
از مجربات و اسرار است و در یک شبانه روز دفع ورمهای آن و زخم آن میکند توتیای هندی
شش بیست درم شنگرف ده درم چوب چینی نیم درم و اگر نباشد بازهر هشت باز زرده
تخم مرغ که زیر خاکستر باشد بقدر کفایت سرشته استعمال نمایند و اگر بجای کسره چوب چینی تخم
را ازکر باس بگدازند تا زیبق در آن ناپدید شود و پس کرباس البسوزانند و خاکستر او را
نیم مثقال داخل نمایند بسیار بدیل است مرهم لسان الکلب از تکلها و زخمهای تنگ جهت ناصور
زبان سگ در ظرف سفال سوخته یک عدد کات هندی فوفل سوخته هر واحد دو دام مهره خر
بازرد سوخته چهار دام کوفته روغن گاو کهنه و موم سفید مرهم سازند مرهم ناصور
در آمده کات سفید درم توتیا سبز چهار درم کافور نیم درم موم سفید بیست درم
روغن کنجد پانزده مثقال بیضه مرغ یک عدد و انجیر چهار عدد در روغن مذکور بریان
نموده دور سازند و در موم روغن بگدازند و ادویه دیگر ساییده بیامیزند و زرده بیضه

وذروره بیضه در مرهم نموده مرهم سازند مرهم سرطان که یک جزو آن سرطان سوخته در هاون خرد ساخته
روی باصلاح آرد صندل سفید یکدرم پوست درخت بید اقاقیا هریک دو درم شیاف مامیثا مرداسنگ سفید
هریک چهار درم سرطان سوخته یکدرم روغن گل قدر حاجت مرهم سرطان مجرب است شنگرف
مرمکی کهنه زرد چوبه هریک درمی هلیله سیاه درم برگ شبت خشک شده باشد یکدرم جدا جدا آس نما
از پارچه گذرانیده سیماب موم سفید هریک یکدرم روغن گاو بقدر حاجت جمله را یکجا کرده در
روغن مرهم سازند در سرطان و نمله را رحمه الله نافع مرهم زنگفر جهت تحلیل اورام عسر البرء و
سرطان و خنازیر و ورم انثیین و اورام صلبه غیر قابل نضج مرداسنگ یکدرم علک البطم شش درم
شنگرف ثلث درم کندر یا زاوشیر موم سفید هریک ده درم روغن زیت یا روغن گل پانزده درم
مرهم برای تسکین وجع و تسکین و اندمال قروح سپیداب سفید اسرب محرق مغسول مرداسنگ سفید
کاشغری افیون سوخته زعفران صمغ عربی موم سفید تولد روغن گل موم را در روغن گداخته
ادویه دیگر کوفته بیخته ضم نمایند که مشتعل شود مرهم داخلیون نافع بانضاج اورام خراج و تسکین
اوجاع حاره و اورام و تحلیل خنازیر و صلابات و صلبه و تعقد رباط و تحمد روغن زیت کهنه پانصد
درم مرداسنگ بیست درم تخم خطمی اصل السوس تخم مرو حلبه تخم کتان هریک یکصد درم تا هفت درم شب یا
را شب در آب گرم ترکنند و صباح لعاب غلیظ از آن بگیرند و مرداسنگ باریک ساخته در زیت
انداخته بر آتش نرم گذارند و بکفچه حرکت همی دهند تا روغن با مرداسنگ بسته شود پس از آنکه
روغن سیاه گردد ظرف را از آتش فرود آرند و لعاب در آن اندازند و بکوبند تا غلیظ شود
پس فرو گیرند و بهم زنند تا آنرا امتزاجی بهم رسد و اگر خواهند که قوی الاثر باشد زفت و خاکستر
چوب زرد مرصاف هریک سه درم صمغ الصنوبر یکدرم باریک نموده اضافه نمایند مرهم شلغم
کافور چینیه یکدرم سفیده کاشغری نیم پاو روغن کنجد بیست درم شلغم کلان دو عدد شلغم را بکوبند پس با
روغن یکجا نمایند تا سیاه شود پس صاف نموده کم کم سفیده انداخته بر آتش نهند و حرکت بدهند باشد

تا قوام مرهم گردد مرهم اشق در تحلیل صلابات و خنازیر و سلعه بغایت نافع کف دریا زراوند
طویل کندر صبر اصفر مقل اشق هر یک یک جزو زیت کهنه دوازده جزو همه ادویه سوای مقل و اشق
و زیت حل کنند و دو جزو شمع اصفر گداخته اضافه نمایند و ادویه بران بیزند بمالند تا مرهم شود
و وقت استعمال یک جزو ازین مرهم در روغن گل یک جزو و زیت یک جزو مخلوط کرده ضماد نمایند مرهم
زرد معمول و مجرب جهت پاک کردن جراحت و گوشت مردار و بر گردانیدن زخم قعر دار و اصلاح قروح و جروح
و اندمال و التحام صحیح قروح بسیار مجرب که دوای هندی معروف است سنگ بصری کات سفید
مثل توتیا سبز یعنی نیلا تهوتهه ریان مردار سنگ هر یک یک ماشه موم زرد دو دانگ روغن
کنجد چهار درم عالمگیری با دستور مقرری مرهم سازند و تا یک سال یا پنج شش ماه بشویند مرهم
رال منقول از حکماء هند جهت انبات لحم صالح و دفع گوشت کاسد و برای جراحات قرحه
عسر البرء و القروح آتشک و ناسور نیز نافع کافور قیصوری رال کات هندی هر یک چهار مثقال
کوفته بیخته موم را با روغن گاو تازه که بسیار صحیح باشد در ظرف آهنی گداخته اول رال
را بیفکند و سه جوش داده پس کات را بعد از آن کافور را بریزند و دیگر جوش داده فرو گیرند قدر یک
را تا سه روز با قدری فوفل سوخته استعمال نمایند بعد ازان تنها بکار برند مرهم روناسی
جهت جراحات قرحه بغایت مجرب است و در تاثیر کمتر از مرهم رال نیست و باعتدال قریب است اجزاء روت
کات کیمو سوخته پوست درخت گاج روناس کات هندی هر یک دو درم مردار سنگ سفید
سه مثقال سفیده ارزیز مغسول پنج درم موم سفید پنج مثقال کافور قیصوری دو درم روغن گل
بیست درم مرهم سازند مرهم سیاه که هم اصلاح و هم اندمال و تجفیف کند سفیده ارزیز چهار درم روغن
کنجد دوازده درم روغن را در ظرف آهنی گرم نمایند چندانکه سیاه شود بعد ازان سفیده را
اندک اندک در روغن می‌پاشند و بدسته چوب نیم حل نمایند چون یک جوش فرو نشیند باز
سفیده اندک اندک پاشند تا همه سفیده پخته آب ابر دو یا سه قوام مرهم پیدا کند مرهم

مرہم ہفت دارو جہت نضج و دامیل جراحات نافع است کتیرا تخم کتان تخم مرو سپستان ہر و
گل بابونہ گل خطمی بالسویہ کوفتہ بیختہ باشراب نیمگرم استعمال نمایند مرہم دیگر رسوت گوگل ہر یک
یک دام شب در آب تر نمایند صبح سہ باسیل کمری مردار سنگ ہر یک دامی لونگ دہ عدد کہل
نمایند پس پارچہ مستعمل یکبار دہ عدد چہار گرہ رنگ نمایند و آب ہمان قدر باشد کہ پارچہ جذب کنند
کردہ نگہدارند بر ہر قسم زخم بچسپانند بہ خواہد شد ایضاً کہ برای نضج و دامیل و تجفیف اورام
و خنازیر والتیام جراحات و قروح سریع الاثر است موم خالص کہ ال بیہ کردہ کار سفیدہ آب
کاشغری ہر یک چہار درم خام روغن کنجد خالص دوازدہ دام خام تا نہ دام موم
را در روغن گداختہ و از پارچہ گذرانیدہ بعد ازان سفیدہ آب داخل نمودہ باتش نرم بجوشانند
تا سیاہ شود و خوشبو شدہ گردد و در ظرف آہن بریزند و بچوب نیم حل نمایند مرہم گونہ مرچ
چہل ہلد نسوت کمیلہ ہر یک یکدام سیدہ گندم دو دام مسکہ تیل سرشف ہر یک دو دام دوا را
باریک ساختہ مسکہ آمیز کردہ در تیل بزکو طلا نمایند مرہم گونہ مجرب کودکی کہتہ بار
نیلہ تھوتھہ سوختہ زرد چوبہ سوختہ سہاگہ سوختہ اجزا را بر در آب لیمو کاغذی حل کنند و طلا
نمایند باب چہارم در ادویہ کہ بلفظ مربا نوشتہ شدہ در گیرندہ دو فصل فصل اول در
مربہا کہ امراض سر و امراض یازدہ فصل دوم در مربہا کہ در تقویت معدہ و جگر و در امراض
حارہ استعمال میشود مربای سیب قوی و ہمہ بیماریہای سرد را سود دارد و رطوبت از معدہ
کم کنند و طعام بگوارد بگیرند سیبہای کلان ہر دانہ دانہ نمایند منقش سازند و اندر شیر تازہ
تر نمایند تا یک شبانہ روز بیاوردہ با عسل صاف بجوشانند چندانکہ مطلوب باشد و حلاوت
در شیرہ اثر کند پس بگیرند قرنفل دارفلفل جوزبوا زعفران ہر یک نیم دام قاقلہ زنجبیل کہ از
ہر یک یکدرم کوفتہ بیختہ اندازند و بچسپانند تا ہموار شود نگہدارند و آن مقدار درو
نیز کافی است باب پنجم در مفصلہ بر فصل واحد فصل در مرضا

دہان کام تعلق دارد مضمضہ مجرب تسکین درد دندان کند و مواد ردیہ را از ریختن باز
دارد پوست انار گلنار حب الاس گلنار کوکنار ہر یک یکجز و پوست درخت توت دو جزو در آب
جوشانیدہ سرد کردہ مضمضہ نمایند مضمضہ جہت درد دندان و تحرک آن بسیار نافع است
چھال کچنال چھال بیری و چھال کیکر و چھال بیا بانسہ کہتہ سفید سپاری چھالیہ کوفتہ چینیا
مازو چھال ہا بانسہ بعہ دو دو دام چہار چہار دام بعد از ان دو دو دام کوفتہ بیختہ
در آب بقدر نیم سیر جوشانیدہ تا کہ یک سیر بماند سرد کردہ نگہدارند و ہر روز چہار پنج نوبت
قدری گرم کردہ مضمضہ کنند مضمضہ جہت تسکین درد دندان کہ با ورم لثہ بود نافع است
پوست درخت بڑہ و پیپل ہر دو را در آب جوشانیدہ گرم گرم مضمضہ نمایند مجرب است دیگر
پوست درخت کیکر ریزہ ریزہ کردہ جوشانیدہ مضمضہ کنند مضمضہ درد دندان کہ از باد
و نزلہ باشد نافع آید عنب الثعلب کوکنار سپند یکیک تولہ چھٹانک نیم تولہ جوشانیدہ نیم گرم بکرر مضمضہ
نمایند مضمضہ درد دندان را کہ از کرم بود و یا ورم باشد نافع است پوست درخت سرس
پوست خشخاش جوشانیدہ چند روز بکرر مضمضہ نماید ایضا لوجع السن الذی لا یمنع فیہ دوا
پوست درخت سرس یا نیم کوفتہ در آب جوشانند کہ رنگین شود نیم گرم مضمضہ نمایند عجیب الاثر است
باب ششم در مطبوخات مشتمل بر دو فصل فصل اول در مطبوخات امراض ظاہر و باطن
مطبوخ حی کہ درد او جاع مفاصل مجرب است بادیان بغیا دیان بیخ کاسنی تخم کاسنی عنب الثعلب
قنطوریون سہ ماشہ بیخ کرفس بیخ کبر زنجبیل ہر واحد یک ماشہ سورنجان اصل السوس ہر یک شش
ماشہ گل بابونہ بادآورد تخم خبازی شاہترہ ہفت ہفت ماشہ مویز منقی بیست دانہ آلو بخارا
ہفت دانہ گل سرخ نہ ماشہ گلقند آفتابی چہار تولہ بعد از ہفتہ منقضہ یکیک تولہ سنا مکی تولہ
افزایند فرداش مغز فلوس خیار شنبر روغن بادام داخل نمایند پس مغشوش سورنجان ساہیل
تا سہ روز بدہند و بعد از تنقیہ معجون سورنجان بکار بست نمایند بعدہ تدبیر لعل از مطبوخ

مطبوخ قوی الاثر برای استیصال ماده وجع الورک و عرق النسا معمول و مجربست مصطکی انیسون هر یک دو درم زنجبیل سه درم فوذ نج شیطرج سورنجان شیرین بوزیدان هر یک پنجدرم تخم کرفس رازیانه هفت هفت درم حلبه مویز منقی هر یک دو درم همه را در چهار رطل آب بجوشانند تا چهارم بماند صاف نموده ثلث رطل هر روز بار و غن خروع بقدر تحمل طبیعت بنوشند **فصل دوم** در مطبوخات حصیات سا ذجه و مرکبه ذکر ده و مثانه مطبوخ که سنگ گرده و مثانه را ریزا کند گاوزبان عنب الثعلب پرسیاوشان غنچه گل سرخ خار خسک نیمکوفته تخم قلت لسفایج هر یک شش ماشه مغز تخم خیارین مغز تخم خربزه خسک دانه هر یک یکتوله سنا مکی چیده یک توله و سه ماشه جوشانیده صاف نموده مغز فلوس خیار شنبر ترنجبین هر یک شش توله شربت توت چهار توله حل کرده بار دیگر صاف نموده روغن بادام شش ماشه انداخته بنوشند مطبوخ دیگر در عناب عناب لایتی هفت دانه سپستان بست دانه گل بنفشه پرسیاوشان هر یک نه ماشه برگ گاوزبان کیلانی نیلوفر تخم کاسنی نیمکوفته حب القلت هر یک هفت ماشه آلو بالو دو توله خار خسک نیمکوفته نه ماشه سنا مکی چیده یکتوله و سه ماشه گل سرخ یک توله شب در آب گرم تر کرده صبح جوشیده مغز فلوس خیار شنبر چهار توله ترنجبین پنجتوله حل کرده بار دیگر صاف نموده روغن بادام شیرین چهار ماشه پاشیده بنوشند جهت تنقیه گرده و مثانه از اسهال ریگ **فصل** در مطبوخات بسیطه و مرکبه بتفصیل نوشته خواهد شد **باب ششم** در معاجین مشتمل بر چهار فصل **فصل اول** در معاجین امراض دماغیه چون صرع و فالج و لقوه هم مفید است و دوام استعمال آن قلع و زوال این مرض مینماید افتیمون اسطوخودوس بسفایج فستقی عاقرقرحا مساوی با سکنجبین عنصلی یا مویز معجون سازند دیگر موسوم معجون بالتر تیب است هلیله کابلی هلیله زرد هلیله آمله اسطوخودوس هر واحد دو درم عود الصلیب پنجدرم عاقرقرحا سه درم مویز منقی از تخم پاک کرده یک رطل بقوام آرند قدر خوراک پنجدرم **معجون صرع** که مجربست هلیله کابلی تربد سفید زنجبیل عود مصطکی عود الصلیب

هر یک سه مثقال اسطوخودوس یکمثقال هلیله سیاه آمله هر یک شش مثقال دارچینی چهار مثقال
روغن بادام پنجمثقال عسل سه وزن ادویه بعد چهار روز استعمال نمایند شربتی یکمثقال معجون
برای صرع بلغمی و سوداوی نافع تنقیه سریع زعفران یکدرم حب الغار سعد کوفی سلیخه اکلیل الملک
اظفار الطیب سنبل ورد هر یکده درم قصب الذریره نه درم اذخر مکی دوازده درم دارچینی
سوده مویز منقی علک البطم سنبل واحد بست و چهار درم کوفته بیخته با عسل منزوع الرغوه سرشته
ادویه بسرشند شربتی یکدرم معجون نجاح مداومت آن انیالیخولیا فلاح بخشد و صرع و امراض دماغی را
که از سودا بود و سودا را و خون را از سودا پاک دارد و بلغم غلیظ را باسهال می آرد و پاک صاف
رحم بالخاصیت است تربد سفید اسطوخودوس بسفایج افتیمون هر یک پنجدرم هلیله کابلی هلیله
هر یکده درم بده چند عسل مصفی معجون سازند شربت برای مداومت از دو مثقال تا سه برای
اسهال از پنج تا هفت مثقال معجون ازراقی تبدیل مزاج ردی بمزاج جید میکند و جهت فالج
و القوه و مفاصل و عرق النسا و سلسل البول و قطع عادت افیون مجرب است قرنفل صندل سفید هر یک
یکمثقال اهیل دو مثقال گل گاوزبان زرانباد اسطوخودوس کتیرا زنجبیل مغز چلغوزه مثقال
هر یک سه مثقال آمله منقی هلیله هر یک پنجمثقال ازراقی یعنی کچله را در شیر خام پخته پوست جدا
کرده بسه بار نموده ریزه ریزه کرده کوفته با رچه بیز نموده شش مثقال عسل سه وزن همه قدر
شربت از یکمثقال تا دو مثقال مداومت نمایند معجون حب الصنوبر برای فالج و استرخا نافع حب الصنوبر
کبار مقشر نرم کوبیده با عسل مصفی یا شکر مویز منقی سه وزن همه سرشته قدر شربت از سه
مثقال هر روز پنجدرم تا ده درم تناول نمایند معجون نسیان دارچینی بهمن سفید سنبل الطیب
مصطکی زعفران کندر بیخ سوسن بیخ عاقرقرحا سعد کوفی بهمن سرخ درونج اسطوخودوس کبابه چینی
اسارون از هر واحد دو ماشه هلیله کابلی مغز نارجیل هر یک چهار ماشه ابریشم مقرض پخته ماشه
منقی دانه بیرون کرده پانزده دانه مغز فندق سه ماشه دار فلفل زنجبیل فلفل سفید از هر یک

هر یک یکدانه بانبات سفید چهار دام عسل سفید نیم پاو کف گرفته معجون بسازند معجون حافظه را
قوت دهد و نسیان را نافع آید سلیخه وج زراوند مدحرج زعفران دارچینی مصطکی رومی از هر یک
شش مثقال قسط سداب فلفل سفید هر واحد بیست مثقال بلادر افتیمون هر یک ده درم
غاریقون بیست و چهار مثقال صبر شصت مثقال عسل با دو چند ادویه معجون ثوم جهت فالج
و لقوه و سکته و رعشه و نسیان و لکنت زبان و جمیع امراض بارده و ضیق النفس و سرفه رطوبی و
فساد آواز و تحلیل ریاح و تفتیح سده و تقویت معده و جگر و برای احتباس حیض و بول و نیکو
کردن رنگ روی و برانگیختن باه و بواسیر بغایت مجرب است در افزودن قوت نافع و شیخ در
قانون نوشته که معجون ثوم کهل و شیخ را ابه بیات (الشباب) مسترد میگرداند و تناول او در زمستان گرم
میدارد بدن را از پوشش مستغنی میگرداند و محافظت میکند و طبیعت را نفع میدهد هر مرض
و جهت ایراد بلغم خام سود دهند است و بگرم مزاجان مضر است و مصلحش با سکنجبین و عناب و قوتش
تا چهار سال باقی است گرم در سیوم و خشک در اول و شربت او تا دو مثقال حمص آنچه شیخ در
قانون نوشته حمص شامی یک قفیز است شب در آب گرم تر کنند تا آب سیاه شود و نخود سفید
بماند پس صاف سازند و بیارند ثوم را و هر دانه او پاک کنند بعد در آب نخود مطبوخ بپزند که
سیر پخته شود و مثل دماغ گردد بعد شیر گاو تازه آنقدر که او را بپوشاند چهار انگشت مضموم
بالا بایستد بران ریزند و به آتش نرم مثل دماغ بپزند تا که شیر قریب بخشک شدن آید بعد
روغن گاو تازه قدری بران مثلا شیر اگر نیم من بود در روغن سی درم اندازند و به آتش نرم بگذارند
بپزند تا روغن هم منجذب شود بعد در دیگ نحاس بکوبند و بر هم زنند همچون معجون گردد بعده
عسل سفید صاف آنقدر که چهار انگشت بالا باشد بران انداخته به آتش نرم بپزند که منعقد
گردد تا قریب بانعقاد آید بعده شیر زنجبیل سه فلفل سه مثقال دار فلفل پنج مثقال تودری
کمون کرمانی خولنجان دارچینی هر یک دو مثقال کوفته بیخته بسرشند و در شیشه نهند و

جوز خورند و آنچه اسحق مولف تذکره نموده صاحب تحفة المؤمنین از ان نقل کرده اینست یکرطل
سیر را کوبیده و با یکرطل و نیم شیر تازه جوشانیده تا شیر را جذب کند و با یکرطل و نیم عسل بقوام
آرند پس زعفران یک پنج مثقال زنجبیل فلفل دارفلفل قرنفل دارچینی کبابه جوز بوا عاقرقرحا
خولنجان هریک دو مثقال روغن گل سرخ ده مثقال دران بسرشند و اگر خواهند که روغن
او بستانند قبل از آنکه با عسل بجوشانند سیر را با روغن جوشانیده روغن بگیرند و بعده
با عسل بجوشانند و معجون سازند و این روغن را که از و بگیرند مالیدن او بر بدن جهت سرما و شقاق
پاشنه پا و قطع آثار و طلا کردن بر قضیب جهت تهییج باه بغایت نافع است و بعضی متاخر
صفت معجون ثوم بدینوجه کرده اند در یکمن شیر گاو سیر پاک کرده نیم من بپزند تا مهرا
شود و سه چهار یک عسل و سی درم روغن گل سرشته بریزند و با یکدیگر ممزوج سازند و از
آتش فرو گیرند و این ادویه کوفته بیخته با آن بسرشند بکوه خام زعفران هریک پنج درم قرنفل
جوز بوا بسباسه فلفل مصطکی قاقله هلیله کابلی دارچینی زنجبیل هریک ده درم شیطرج
سوا پنج درم کات معجون حفظ ارشدیه کاذرونی پوست هلیله کابلی پوست هلیله سیاه
آمله منقی دارچینی مرچ ترکی زنجبیل فلفل دارفلفل کندر پوست بلیله سعد کوفی مغز پسته
مویز منقی کوفته بیخته با شهد سرشته معجون سازند معجون مرجان بجهت تقویت معده
و منع بخار دود از تجربه بعضی بزرگوار که ستایش آن بسیار نموده اند کشنیز خشک صندل
سفید گل سرخ ریکلین تخم کاسنی هر واحد چهار درم گل مختوم طباشیر سفید بهمن سفید مرجان
سمن کل واحد دو درم لولو کهربا مصطکی هر واحد یک درم ادویه را کوفته بیخته جواهر را
بسنگ سماق بگلاب محلول کرده بقند سفید دو چند شربت سیب شیرین یک چند بقوام
آرند معجون لبوب تالیف حکیم علی گیلانی مقوی دماغ و نافع حمق و رعشه و امراض
بارده دماغ عنبر اشهب ورق طلا هریک پنجمثقال ابریشم مقرض اذخر مکی بادرنجبویه عود

عود پوست هلیله کابلی دارچینی کندر عود بهر یک یک مثقال مغز پسته تا حبیل مقشر بادام مغز حبة الخضرا
مغز فندق مغز چلغوزه هر یک دو مثقال عسل مصفی شصت مثقال بدستور معجون
سازند شربتی یک مثقال معجون ثوم تالیف علویخان نافع جهت امراض سوداوی
بلغمی تریاق جمیع سموم است گل گاوزبان کیلانی برگ بادرنجبویه هر یک بیست و پنج مثقال
بسفایج فستقی هلیله سیاه پوست هلیله کابلی عنب الثعلب هر یک دوازده مثقال و نیم مجموع را در
دوازده رطل آب شیرین بجوشانند تا ثلث بماند صاف نموده پس بگیرند سیر تازه پاک کرده
یکرطل دران مطبوخ داخل کرده با آتش ملایم بپزند آنمقدار که مهرا شود پس دو رطل شیر گاو
تازه دوشیده دران داخل کرده بپزند که وزن شیر سر شود پس یکرطل روغن گل داخل کرده
بجوشانند تا روغن جذب کند پس عسل مصفی دو رطل داخل کرده با آتش ملایم بقوام آرند و
زنجبیل و فلفل سیاه و فلفل سفید دار فلفل قرنفل سلیخه کبابه چینی خولنجان بهمن سفید قاقله
کبار بالنگو مرزنجوش هر یک یکمثقال کوفته بیخته با آن بیامیزند و بدستور معجون بسازند و
در ظرف چینی کرده در جو نگهدارند بعد از چهل روز بکار برند معجون که در تقویت دماغ
و دفع بخارات و منع آن از صعود و خاصه از جهت نزول و اکثر امراض چشم مفید و بی بدل
است دارفلفل هلیله کابلی و بلیله آمله فلفل سیاه تربد سفید مجوف محکوک هر واحد چهار
مثقال شیطرج شکر طبرزد هر واحد دو مثقال کوفته بیخته با قند سفید دو چند عسل نحل
یکچند و روغن گاو قدری بقوام آرند معجون کرده از برای دفع صعود بخار و سدر
و دوار مجرب خفقان توحش را که از غلبه سوداویه بود نافع بود و دفع نماید مروارید
ناسفته پوست هلیله کابلی تخم کشنیز مقشر شیر آمله هر یک پنج درم طباشیر سفید تخم خرفه گل گاوزبان
هر یک سه درم پوست ترنج خشک یک درم نبات سفید سه چند گلاب عطر عرق بیدمشک با
آنها ورق نقره نیم درم بطریق معهود معجون سازند معجون جالینوس جهت امراض

شش ماشه عود قماری سه ماشه پوست بیرون پسته کوکنار شش ماشه کوفته بیخته با مربا
هلیلکی معجون سازند معجون بجهت اقسام سهال خصوص اسهال بواسیری نافع است
کهربا گل ارمنی نیم توله اقاقیا سه ماشه برشته حب الآس از هر یک یکتوله طباشیر سفید دو توله
تیوراج خطائی تخم گشنیز برشته هر یک یکتوله پوست مغیلان پنج الجبار طراثیث رال یکتوله
بیل دو توله سعد کوفی زیره سفید در سرکه تر کرده برشته هر یک یکتوله کوفته بیخته با دو چند
شربت حب الآس معجون سازند قدر خوراک نیم توله معجون سنگدان معمول و مجرب جهت
ضعف و تحلیل معده نافع و در ... بانواع خلفه را دافع پوست اندرون سنگدان مرغ بو داده
تخم گشنیز مقشر برشته خرفه برشته سماق بریان صمغ عربی بریان دانه سوز بریان هر یک
دو مثقال کوکنار بو داده طباشیر سفید مروارید ناسفته کهربا شمعی گزمازج گلنار فارسی
تخم حماض بریان حب الآس بریان طراثیث بریان آرد نخود خرنوب نبطی خرنوب شامی هر واحد
یک مثقال شیره زرشک بیدانه رب السوس رب به شیرین شربت ریباس قند سفید هر یک
ده توله گلاب ها و نیز معجون سازند ایضاً موافق نسخه مجموعه پوست سنگدان مرغ جزو سما
طباشیر سفید هر یک یک مثقال گل سرخ سه مثقال قیقاح از خر پوست بیرون پسته ناخونه
قند اشرج پوست هلیله زرد هر یک یک مثقال بهمن سفید بهمن سرخ صندل سرخ صندل سفید
سعتر گشنیز بریان حب الآس هر یک ده درم کوفته بیخته بشربت فواکه سرشته قدر خوراک
دو درم با گلاب معجون مقل برای بواسیر و ضیق النفس و سعال و اوجاع الحلق هلیله سیاه
هلیله زرد هلیله کابلی بلیله آمله مصطکی از هر واحد سه درم تربد مجوف بست مثقال
مقل ازرق سی بیست درم تره تیزک خرفه بست درم کوفته بیخته با آب گندنا مقل را سحق کرده
حل نموده باز سحق نمایند و با شهد یا قند بقوام آرند از دو درم تا پنج درم بخورند معجون
مصطکی جهت تقویت معده و نفخ آن مصطکی فلفل دراز بادیان هندی بادیان رومی

تخم کرفس بادیان کنیز زیره کرمانی نانخواه سداب هریکی پنج مثقال پوست بیخ بادیان بیخ کرفس
تخم کشوث هریکی سه مثقال کوفته بیخته با دو چند عسل معجون سازند معجون خبث الحدید ضعف
معده و شهوت باطل را زایل کند و بواسیر و نزف خون بواسیر را نافع و حیض را بند کند و شکم قبض
نماید و لون نیکو سازد هلیله سیاه بلیله آمله کوفته بیخته خبث الحدید مدبر سنبل اذخر سعد
فلفل نانخواه کنند جمله برابر بکوبند و بیزند و بعسل خالص که سه طبخ تاب آمده باشد بسرشند
شربتی هر روز بقدر یک جوز طریق مدبر کردن خبث الحدید اینست که ریم آهن را باریک
ساخته بسرکه انگوری یا بشراب ریحان تر کرده او فی مرتبه یک هفته نهایت شانزده روز
همچنان تر دارند پس در سایه خشک کرده در مغرفه آهن بریان نموده بکار برند و اگر بعد
بریان کردن روغن بادام یا روغن گاو که همچند خبث الحدید بود در صلایه بلیغ نموده بعمل آرند اولی
تر است و بر این تقدیر حاجت با منقی روغن دیگر وقت اختلاط با عسل نیست معجون خبث الحدید
تخم خشخاش سیاه تخم صنوبر بریان پوست هلیله بریان آمله مقشر بریان پوست بیخ انجبار
هلیله سیاه لبسه احمر کهربا شمعی هر یک یک توله خبث الحدید مدبر دو توله عسل سفید شربت نیم توله
هر یک یازده توله زبیب شیرین ده توله بستور معجون سازند نافع است معجون فوتنج کرده
معجون فوتنج مشهور است فی الواقع در قسم ریحی و اندفاع و غلیظه باشد نفع عظیم دارد و اوجاع
معده ریحی و بلغمی را نفع بین میبخشاید برگ سداب پودینه خشک فلفل نانخواه کرویا کاسم
زنجبیل دارچینی دار فلفل مساوی کوفته بیخته معجون سازند معجون حیات باکثر امراض نافع
است تدارک قصور مسهل هم است و برفع قبض دائمی فایده میرساند و درد معده قولنج را
دور میسازد پوست هلیله زرد پوست بلیله سنا مکی گلقند هر یک پنج درم گل بنفشه تربد مجوف
دو درم فلفل یک درم کوفته بیخته با سه چند عسل معجون سازند از یک توله تا سه توله با آب گرم
بخورند معجون مسهل مرکب محمد زکریا جهت قولنج سفلی و ریحی خاصه که غثیان بود و تخم بلیله

زنجبیل فلفل دراز فلفل دار چینی هر یک نیم دانگ مصطکی یک دانگ سقمونیا نیم درم تربد موصوف
یک درم عسل کف گرفته آنقدر که ادویه در آن آمیخته شود بنوعی که حب توان بست معجون مسهل
از مجربات که اسهال مواد غلیظه و سوداوی کند و ادرار بول و تفتیح قبض بواسیر کند
پوست هلیله زرد هلیله سیاه دوقو اسارون کبابه چینی قاقله اذخر گل سرخ مقل هر یکی یک
درم هلیله کابلی اسطوخودوس هر یکی دو درم زنجبیل سه درم نمک سفید چهار درم حب النیل
زیره سیاه هر یک پنج درم سنا مکی [illegible] هر یک ده درم روغن خروع پانزده درم
تربد موصوف سی درم عسل سه چند معجون مسهل نافع بنفع کثیر گل بنفشه تازه گل نیلوفر گل سرخ
تربد سفید موصوف هر یک ده درم ترنجبین شیرخشت عسل هر یک نیم رطل ترنجبین الکلا صاف
کرده بعسل قوام آرند و ادویه کوفته بیخته با روغن بادام چرب کرده بسرشند قدر شربت
دو درم تا پنج درم معجون مقل بواسیر را نافع است و باد و یکه اندر روده باشد نیک کند و روده
مقعد را که خون آید سود دارد پوست هلیله کابلی پوست آمله بسفایج تخم سپستان تخم گندنا [illegible]
شاهسفرم هر یکی پنج درم مقل پنجاه درم مقل را در آب گندنا حل کنند و داروها بدان بسرشند
معجون از مجربات حکیم علی رحمة الله جهت اسهال افیون یک تولہ [illegible] چهار تولہ
انیسون [illegible] فلفل هر یک دو تولہ عسل کف گرفته بوزن مجموع سازند
معجون از مجربات حکیم علی جهت رفع سوداوی بلغمی [illegible] فلفل سه درم زنجبیل مصطکی هر یک
یک تولہ تربد موصوف یک رطل با روغن بادام چرب کرده با دیگر ادویه جمع کرده در آسیا
سائیده با دو رطل عسل صاف کرده خمیر کرده نگه دارند شربتی دو درم تا پنج درم در آب
[illegible] کرده و اگر اندکی [illegible] جایز است معجون [illegible] جهت [illegible] مجرب است
[illegible] کابلی بسفایج هر یک یک درم تربد مقل هر یک دو درم کوفته بیخته با عسل بسرشند
[illegible] شربت است و قبل از تناول این دوا یک ساعت شیر تازه دوشیده بنوشند و بقدر

دوا و قیه و بیشتر از دوا و دو سه روز پرهیز نمایند معجون جهت حب القرع که حکیم علی ساخته مجرب است
ایارج فیقرا ایارج جالینوس هر یک ده توله دوا م الترید قنبیل سنگ کابلی هر یک نیم سیر کبر یا
عسل سفید وزن ادویه معجون سنا از تالیف حکیم علی گیلانی اسهال و قی کند و مواد مختلفه
برآرد و در رفع سودا و حمیات و امراض دماغی و معده و مفاصل مجرب است زنجبیل هفت مثقال
بسفایج فستقی ترید سفید خراشیده گل بنفشه هر یک نیم رطل افتیمون یک رطل سنا مکی نیم رطل
همه را کوفته بیخته با نیم رطل عسل و یک رطل گلقند و نیم رطل خمیره بنفشه خمیره کنند و نگاه دارند شربتی
از دو مثقال تا ده مثقال در آب حل کرده و یک جوش خفیف داده بخرقه باریک صاف نموده
بنوشند معجون که از برای استسقاء زقی و لحمی و رفع است پوست هلیله زرد غاریقون ترید
سفید سعد هر یک دو درم صبر کرده هر واحد ده درم زنجبیل چهار درم نمک هندی ده درم
بعسل بسرشند شربتی یک مثقال معجون المسک جهت درد جگر و ضعف معده و برودت آن و تفتیح
سده و تحلیل ریاح دارچینی قاقله مشک سلیخه سنبل الطیب فوه هندی لک منقی ریوند خطائی جند بیدستر ریوند چینی
از هر یک دو درم زعفران تا تخواه تخم کرفس مصطکی از هر یک سه درم عود هندی قرنفل مرصافی
از هر یک پنج درم ادویه را کوفته بیخته با شهد خالص کف گرفته بقوام آورده بسرشند قدر شربت یک
تا سه مثقال تحفه معجون گل سرخ مثقال ریوند لک مغسول یک یک مثقال و نیم مثقال زعفران سلیخه
هر یک سه درم گل سرخ چهار درم پنج سوسن آسمانجونی هفت درم و بعضی تصحیف پنج سوسن نموده
پنج مهک نوشته اند و آن خطا است زعفران را در سکنجبین حل کنند و ادویه کوفته بیخته در آن حل نمایند و
بعسل بسرشند بر اسی ارتفع از درم جگر و معده و فساد مزاج مفید است معجون با قره ریوند استسقاء زقی
را بغایت نافع اکثر با شیر شتر بعمل آمده مفید است پوست هلیله دو درم آمله زنجبیل هر یک چهار درم
فلفل پنج درم با قره ریوند مدبر ترید سفید مجوف تراشیده پوست هلیله زرد هر یک دو درم کوفته
بیخته بعسل کف گرفته بسرشند و یک مثقال از وی با شیر شتر بخورند و اگر بشیر شتر میسر نباشد سه درم با نیز

باید داد معجون جهت تخمه معده و لینت طبیعت کامل مفید مشک قرنفل جوز بوا کبابه سعد کوفی هیل زنجبیل تج
نصف جزو و ترفه اطراف آس ید آمد سنبل الطیب پوست ترنج قاقله اوخر مصطکی هر یکی یک جزو
زبیب منقی دو چند همه اجزا معجون سازند والقدر جوز بگلاب بخورند معجون طلا مقوی دل و دماغ و دافع
خفقان و غشی و مشتهی مقوی معده و جمیع اجزا عنبر اشهب مشک خالص مروارید ناسفته یاقوت زمرد
هر یکی یک مثقال ورق طلا مثقال عسل سفید مثقال آب سیب شیرین آب انار شیرین نبات سفید
هر یک ربع رطل گلاب نیم رطل عرق بید مشک عرق گاوزبان هر یک یک رطل معجون سازند معجون
نقره مختوم و معمول جهت تقویت قلب و باه مستعمل برای خفقان و غشی قوی العمل و در امزجه حاره
سفر می بدل است مشک خالص یک ماشه عنبر اشهب چهار ماشه کهربا البسد احمر یشب سبز مروارید
ناسفته طباشیر سفید هر یک شش ماشه ابریشم مقرض یک تولد و ورق نقره شش تولد سیب شیرین
ولایتی نیم پاو نبات سفید پاو آنار گلاب خوشبو نیم سیر تخم مرغ چهار عدد جواهر را بگلاب صلایه
کنند و ابریشم مقرض را بریان بقسمی نماید که سیاه نشود و سوخته نگردد با گلاب بساییند و در آب سیب
نبات و گلاب را بقوام آورده عنبر حل کنند و ورق نقره یک یک انداخته حل می نمایند که تمام اوراق
خوب منحل شود پس ابریشم و جواهر و مشک انداخته بیامیزند و سفیده تخم مرغ داده خوب حل کنند
تا مثل خمیر شود و اگر خواهد که خوب سفید شود ابریشم را بعد بر شستن خوب کوفته و بجوی بیخته داخل کنند
معجون حیات که بخشنده حیات و نافع است خفقان بارد و ضعف قلب و ضعف جگر و معده را
مفید و تحلیل میکند ریاح غلیظه را اخذ مشک سلیخه سنبل الطیب بادرنجبویه هندی لک مصری
راوند چینی خلای جنطیانا رومی از هر یک دو درم زعفران نانخواه تخم کرفس انیسون مصطکی رومی
از هر یک چهار درم زرنباد و دارچینی از هر یک سه درم عود هندی قرنفل مرمکی از هر یک یک درم
نیم دار و با کوفته بیخته بعسل کف گرفته بسرشند معجون فلاسفه مقوی اعضای رئیسه و ارواح
ثلثه و مقوی و مشتهی و دافع جمیع سموم و مداومت آن حافظ صحت و رافع امراض کهنه گونه است

فاوزهر حیوانی ده درم جدوار نفیسی پانزده درم زعفران پنج درم ابریشم محرق با درنجبویه از هر یک هفت
درم لعل شش درم گاوزبان سه درم عنبر اشهب دو درم مشک یک درم صندل سفید درونج عقربی
از هر یک چهار درم آمله مقشر زرنباد از هر یک سه درم و نیم گل سرخ هشت درم عرق بید مشک از مقد
از جمیع اجزا بدان سرشته شود کوفته بیخته بعرق سرشته نیم خشک کرده به شربت سیب شیرین معجون
سازند قدر خوراک تا یک مثقال معجون دافع خفقان صفراوی تخم لیمون مغز تخم خربزه تخم خیار
کدو مغز تخم تربوز کوفته بیخته بشربت سیب بسرشند و یک مثقال با شربت بارده استعمال نمایند معجون
مسهل بلغم که باکثر طبایع پسند آمده جوز بوا بسباسه دارچینی گل سرخ پنج لفاح [illegible] شیر سک
شیرازی بهمن سرخ بهمن سفید ثعلب مصری شقاقل زعفران هر یک سه درم طباشیر شش درم مغز بادام
مقشر مغز نارجیل مغز چلغوزه مغز تخم خیارین هر یک پانزده درم روغن قنب [illegible] نبات
سفید بالمناصفه شربتی یک درم تا یک درم و نیم کاستن و افزودن روغن قنب مفوض به اختیار طبیب
بحسب مزاج معجون مقوی باه شقاقل مصری ثعلب بهمن سرخ بهمن سفید تودری زرد تودری سرخ
مصطگی خولنجان تخم ریحان تخم لیمون تخم بالنگو هر یک یکتوله آمله مربی بست عدد در شستن آب عرق
گاوزبان بجوشانند هرگاه یک آثار باقی ماند صاف نموده مروارید سوده عنبر اشهب شش ماشه قند سفید
یک آثار شربت سیب انار را قوام کرده بقوام آرند معجون مقوی باه قرنفل کلاه وار یک نیم توله قاقله
صغار جوز بوا بسباسه هر واحد دو توله عصاره رازیانج پنجتوله زعفران نیم توله مغز بادام شیرین
نصف رطل آب سیب جبلی آب انار شربت سیب از هر واحد یک رطل و نصف عسل مصفی چهار رطل شکر طبرزد
دو رطل ادویه بعد سحق [illegible] عسل و گلاب و قند بقوام آرند و بعنبر و مشک خالص یک درهم ورق نقره
پنجدرم مصفا ف سازند و بقدر دو دام همراه عرق و با بالنگو و گلاب نبات سفید بخورند معجون
هندی مجرب ملا عاید سرهندی که محمد شاه این در تسخین آلات شهوت و تهیج باه بسیار نموده بلکه
بکیفیات میل دارد نهایت مرغوب افتاده ثعلب مصری نه درم دارچینی سوذنی پنج درم قرنفل

دو درم بخورند معجون شیرهٔ انبه دو آثار پخته و شیرین باشد شکر سفید دو آثار شیر گاو پنج آثار
شیرهٔ انبه با شیر و شکر یکجا کرده با آتش ملایم بپزند و قدری گلاب هم در وقت پختن بیندازند
چون بقوام آید شهد خالص نیم آثار بیامیزند چون بقوام غلیظ آید فلفل سیاه دو تولہ بهمن سفید
بهمن سرخ هر یک تولہ بسفایج سیاه نیم تولہ دانه الائچی دارچینی یک یک تولہ جوز بویا نیم تولہ
کشنیز مقشر بریان پیپل جین یک یک تولہ کوفته بیخته داخل نمایند و خوب مخلوط کنند بعد از آن
مغز بادام دو تولہ مغز فندق چهار تولہ انجیر خشک مغز تخم خیار مغز تخم خشخاش هر یک چهار تولہ
مغزیات را بسنگ جدا جدا سوده بیامیزند بعده شهد خالص در باشد زعفران سه و نیم ماشه
اضافه کرده ورق نقره هفت ماشه در قوام داخل نمایند و اگر همچنین خواهند در صحفهٔ چینی انداخته
بطریق لوزات بریده ورق بچسپانند و بقدر چهار تولہ صبح وقت نهار بقدر دو تولہ شب پیشتر از
طعام بخورند معجون مجرب نافع مرض البول فی الفراش کند سپیاری خاردار سیستو دهیلہ کابلی
بلیلہ آملہ هر واحد ده مثقال بلوط مقشر در سرکه یک روز و یک شب بریان کنند و کاسنی زرد
سعد کوفی کندر [illegible] سپید بالنگو [illegible] بسباسهٔ احمر از هر یک پنج مثقال مرکی سه
مثقال همه را کوفته بیخته بشهد و شیر آمله بقوام آرند و نگهدارند و یک مثقال بوقت خواب
بخورند و مداومت نمایند تناول [illegible] بشهد خالص یک هفته همین قسم نافع و مجرب
معجون [illegible] منسوب بعطار [illegible] تقطیر البول و سرعت انزال را نافع است مصطکی
کندر جفت بلوط بذر القنب بالسویه کوفته بیخته با دو چند عسل سرشته و باید که جفت [illegible]
با هم بکوبند و بپزند و لبان مصطکی شربتی دو مثقال معجون که تو الی سلس البول
سیلان منی باز دارد کندر یک درم صندلین [illegible] قصب الذریره تخم خشخاش صمغ عربی
لبا شیر سفید هر یک دو درم حب الآس دو مثقال اقاقیا گلنار هر یک سه درم کوفته بیخته
با قند یا عسل سرشته شربتی [illegible] درم معجون کنند صمغ عربی دارچینی مرجان زراوند کہ

جوزبوا فلفل هر یک دو درم عنبر اشهب مشک هر یک درمی ورق طلا ده عدد ورق نقره دبست عدد
نصف عشبه را در دوازده رطل آب جوشانیده تا چهار رطل بماند صاف نموده دیگر دواها کوفته
بیخته با سه چند عسل مصفی بسرشند شربتی یکدرم تا دو درم معجون المفصل للمفاصل الاوجاع اقسام
الوجع لبعد التنقیة بالغه سنوبا دام خردل سنا مکی هر واحد یک جزو سورنجان نیم جزو تربد مجوف شیطرج
عود هندی عاقرقرحا از هر واحد ربع جزو مصطکی نیم جزو کوفته بیخته بشهد کشمیری بقوام معجون
آرند و سه مثقال بخورند معجون که فواید از اصحاب عنی منی از مرض جدیده و ریاح افرسة غیره
ستوده سنبل اسارون کل سرخ مصطکی رومی دارچینی صبر سقوطری از هر یک نیم درم مرمکی ده درم ازار
درونج عقربی از هر واحد سه درم تخم کرفس تخم حرمل از هر یک چهار درم کوفته بیخته بشهد مصفی بقوام
آرند بقدر دو سه درم تا به نیمکرم بخورند معجون که در مفاصل اگه از رطوبت باشد سود دارد
و حیض براندا هیر بیخ بوزیدان قنطوریون مشک طرامشیع فو دوقو هر یک دو درم مغز تخم خرپزه
سورنجان کل سرخ هر یک سه درم تربد چهار درم هلیله کابلی آمله هر یک نیم درم بعسل مصفی بسرشند
شربتی چهار درم معجون سورنجان اوجاع مفاصل و عرق النسا و نقرس بلغمی و صفراوی را مفید
تخم کرفس رازیانه فلفل سفید صعتر نمک هندی برگ حنا زنجبیل هر یک یکدرم و نیم بوزیدان بهمنین هر یک درم
بیخ کبر زیره شیطرج هر یک دو درم کل سرخ جلنجبین زنجبیل سقمونیا هر یک سه درم سورنجان
درم هلیله زرد هفت درم تربد سفید پانزده درم روغن بادام دو استار عسل یکصد و پنجاه درم
شربتی یک سیار روز یک [illegible] مطلوب باشد جهت دوام سه درم جنجلان کشنیز و کنجد را کوبیده و در
اینجا کشنیز هست معجون عشبه برای اوجاع مفاصل و امراض باد رده و اوجاع دیگر نافع است
دارچینی سورنجان شقاقل لسان العصافیر عود مصطکی عاقرقرحا زعفران هر یک نیم باشد قاقله
قرنفل خولنجان بوزیدان زنجبیل سنبل اسارون بسبایج دار فلفل کبابه جدوار بهمن سفید درونج عقربی
بسباسه جوزبوا فلفل هر یک نیم توله مشک عنبر هر یک سه ماشه ورق طلا ده عدد عشبه مغربی

توله عشبه پانزده توله را کوبیده داخل ادویه نمایند و دوازده و نیم توله را در شش سیر آب بجوشانند
که یک و نیم سیر آب بماند در سه بار ادویه عسل سفید بقوام آرند و ادویه را با آن بسرشند شربت از سه
ماشه تا نیم توله معجون عشبه سوای نسخه معمولی بگیرند گل گاوزبان گیلانی عود الصلیب عاقرقرحا و
نقره هر واحد دو درم بادرنجبویه ولایتی بسفایج فستقی دارچینی هر یک دو و نیم درم بادیان
پوست هلیله کابلی ابریشم مقرض مغز بادام مغز چلغوزه مغز پسته مغز بهدانه اسطوخودوس هر یک
چهار درم سنامکی نخود درم کندر مصطکی کهربا شب هر یک یک درم زعفران خالص دو درم عشبه
مغربی لسبت چهار درم عشبه را اول ریزه ریزه کرده در عرق عنب الثعلب عرق گاوزبان عرق
بادیان عرق بادرنجبویه هر یک نیم سیر یک شبانه روز تر نمایند بعده بجوشانند تا که ثلث آب جوش
خورده بماند و صاف نمایند و با قند سفید نیم سیر و شهد خالص یک و نیم پاو بقوام ادویه
کوفته بیخته داخل قوام سازند عنبر وغیره بگلاب سوده بازاندازند ورق نقره یک یک اندخته
حلکرده در مرتبان چینی نگهدارند معجون عشبه موافق نسخه معمول مشک خالص ورق طلا نیم درم
ورق نقره زعفران یک یک درم گاوزبان یک مثقال سورنجان بوزیدان هر یک یک و نیم مثقال
عنبر اشهب دو درم کهربا شمعی ابریشم مقرض غنچه گل سرخ تخم خشخاش بسفایج مروارید ناسفته
بادرنجبویه یک یک مثقال تخم خربزه خصیة الثعلب دو دو مثقال پوست هلیله کابلی تخم کشنیز
مقشر مغز تخم کدو تخم تربوز هر یک سه مثقال عشبه مغربی لسبت توله عشبه را ریزه ریزه کرده
شب در عرق گاوزبان و عرق شاهتره و عرق عنب الثعلب گلاب هر یک یک آثار تر کرده صبح
بجوشانند تا النصف بماند پس مالیده صاف نموده قند سفید نیم آثار عسل ولایتی نیم پاو داخلکرده
بقوام آرند بعده دواها دیگر کوفته بیخته ضم سازند از یک مثقال تا دو و نیم مثقال بخورانند
والله اعلم

فصل چهارم

در معاجین امراض جلدیه که بقروح و جروح خبیثه و اکله و جذام
نافع است معجون عشبه معمول اهل فرنگ نافع بقروح خبیثه و ناصور و اکله قدیمه و داء الفیل و جاع

از جماع مفاصل و مقوی اعضای تناسل با دیان صندل سفید هر یک دو درم بسفایج فستقی
سنامکی هر یک شش درم عشبهٔ مغربی دوازده درم شهد خالص بست و چهار درم قند سفید
یک آثار دواها بعد کوفتن و بیختن وزن کرده گیرند و معجون سازند قدر خوراک یکدرم صباح
و یکدرم شام با مطبوخ عشبه که یکدرم عشبه را با هفت آثار آب خالص جوش دهند هرگاه
ثلث آب جذب شود صاف نموده باشند بخورند و از تغیر لعین همین باشد که آب دیگر نخورد و اگر
با عشبه یکدرم چوب کز جوش داده آب سازند قوی بود معجون عشبه مسهل برای اصلاح خون
فاسد و اخلاط محترقه بادیان یکدرم صندل سفید گلو تازه افتیمون هر واحد یک درم
هلیله زرد هلیله زنگی هلیله کابلی شاهتره چرائته تربد سفید هر یک دو درم سنامکی چهار درم
عشبه مغربی دوازده درم چوب چینی قند سفید یک سیر عسل پاؤ سیر بدستور معجون تیار نمایند
معجون که برای آتشک سوداء سوخته و استسقا نافع است و قبض و تفتیح را دافع و تصفیهٔ خون
و رنگ بشره گلگون می‌کند عشبه مغربی ربع رطل ورق سنامکی از بسفایج هر یک دوازده درم
بسفایج فستقی شانزده درم صندل سرخ چهار درم قند سفید ربع رطل عسل مصفی رطل
بقوام آرند معجون چوب چینی قسم اول عرقی برای دردی اللون پی کرده کرم ناخورده چهل مثقال
اول ورق ورق تراشیده در آب صافی تر کرده صبح بجوشانند هرگاه نصف بماند صاف نموده
قند سفید عسل ولایتی هر یک پاؤ آثار داخل کرده بقوام آرند پس مغز تخم کدو و شیرین مغز
تخم هندیانه مغز تخم خربزه هر دو مثقال بهمن سرخ بهمن سفید گل گاو زبان گیلانی بادرنجبویه بسفایج
فستقی مروارید ناسفته کهربا شمعی لاجورد مغسول سورنجان مصری هر واحد یک مثقال
عنبر اشهب نیم مثقال مشک خالص نیم درم ورق طلا ورق نقره هر یک نیم درم عرق بید مشک
پاؤ آثار داخل کرده معجون سازند و با یک تولہ عرق بید مشک گلاب پاؤ آثار داخل کرده معجون
سازند و تا یک تولہ با عرق بید مشک و عرق گاو زبان و گلاب بخورند معجون دیگر که در ضعف ام

و امراض سوداوی بهتر از معجون لجلاج و مخترع سید محمد اکبرآبادی است بنفشه پنج درم قرنفل هفت
درم بادیان انیسون گاوزبان هلیله سیاه هلیله کابلی هلیله زرد فاقله مشک طرامشیع هر یک
نه درم بسفایج سنا مکی هر یک دوازده درم تربد سفید مجوف خراشیده سیزده درم ورق گل سرخ
خولنجان هر یک پانزده درم آب لیمو تازه چهار آثار عالمگیری همه را کوفته بیخته با آب لیمو خمیر کنند بعده
معجون سازند قدر خوراک هفت ماشه تا یکتوله معجون سلاجیه که جهت جذام مستحکم بعد تنقیه قویت
الاثر است سلاجیه یعنی بزکوهی یک عدد مغز بادام مقشر عسل سفید مشک هر یک چهار جزو روغن
گاو نصف جزو جمله بهم آمیزند و در ظرف زجاج نهند بقدر یکمثقال با شیر گاو که نیم گرم باشد
بخورند معجون بادق الحیوة مجرب است برای نسیان امراض بارده بلغمی مغز چلغوزه مغز
جوز هندی ده مثقال مویز منقی سی مثقال فلفل گرد ده مثقال فلفل دراز ده مثقال کبابه
دارچینی پوست بلیله آمله منقی شیطرج زراوند مدحرج بیخ بابونه خصیة الثعلب کوفته بیخته
بشهد خالص سه چند بقوام آورده ادویه ضم نمایند و تیار سازند معجون سنفر جلی مستعمل اهل
هند در جذام مستحکم بعد تنقیه بالغ داده میشود و مفید قوی نسخها چندین دارد اما نسخه
اشهر نوشته شد هلیله سیاه شیطرج هندی از هر واحد ده درم دار فلفل پنج درم بسباسه سفید
دو درم و نیم کوفته بیخته بروغن گاو کهنه و عسل بقوام بسرشند از مثقال تا دو درهم استعمال
نمایند و اگر همچندان دواء المسک معتدل یا ویار کرده بخورند مطلقا از ضرر آن ایمن شوند
مجرب است معجون عصفر فساد خون و سودا و بلغم و جوشش‌های بیرا نافع است و سرخ باده
اطفال و غیره اطفال را نافع و مجرب است پوست بلیله زرد پوست هلیله کابلی پوست بلیله هلیله
هر واحد یکتوله آمله منقی شاهتره دو دو توله تخم کشنیز گل عصفر و برہم ڈنڈی برگ حنا
هر یک یک توله گلو زیره سفید هر یک دو توله صندل سرخ دهماه هر یک یک توله عسل سفید
دو چند ادویه معجون سازند معجون جهت برص پوست بلیله پوست هلیله بسفایج هر یک

کل سرخ طباشیر سفید کل گاوزبان بہمن سفید تخم کشنیز صندل سفید ہر یک یکدرم مغز تخم خیارین
مغز تخم کدو مغز شیرین ہر یک چہار درم تخم خرفہ پنجدرم نبات سفید یکصد درم آب سیب شیرین
پنجاہ درم عرق بید مشک و گلاب ہر واحد بست و پنجدرم ورق نقرہ دو درم مشک یکماشہ عنبر اشہب
دو ماشہ بدستور مرتب سازند مفرح بارد موافق تذکرہ داؤد انطاکی جہت تنقیہ جگر و ازالہ
امراض حارہ و تعدیل مزاج جگر کردہ و سیوم سرد و قوتش تا دو سال و شربتش تا دو مثقال
طین مختوم عصارہ زرشک ہر یک یک مثقال طباشیر کل سرخ لسان الثور ہر یک یک و نیم مثقال
ختمی تخم سفید تخم کشنیز خشک مقشر مغز تخم خربزہ ہر یک سہ مثقال با عسل کابلی بسرشند مفرح
دیگر از تالیف حکیم علی گیلانی در تقویت دل و سایر اعضاء رئیسہ بی نظیر است و جہت باہ مجربین
محرورین بیعدیل است سریع الاثر جلیل القدر معمول لسید احمد گل ارمنی تخم صور و گل بنفشہ
گل گاوزبان ورق طلا عنبر اشہب مشک خالص ہر یک یکمثقال یاقوت رمانی لعل بدخشانی
بہمن سفید ورق نقرہ کافور قیصوری ہر یک سہ مثقال مروارید ناسفتہ بادرنجبویہ گاوزبان
گیلانی خار خسک آملہ منقی تخم خرفہ کاہو مقشر زعفران بہمن سفید بہمن سرخ ہر یک پنجمثقال
طباشیر سفید ہفت مثقال تخم کاسنی مقشر دہ مثقال صندل سفید صندل سرخ پانزدہ مثقال
زرشک بیدانہ سی مثقال شربت انار شربت سیب شربت حماض عرق بید مشک ہر یک پنجاہ
مثقال نبات پنجاہ مثقال عرق کاسنی یکصد و بست مثقال عسل سفید دو صد و بست مثقال
معجون سازند مفرح بابت حکیم محمد تقی لاہوری کہ تقویت عزیز کنند و با سہال و تلیین طبیعت
مناسب بود و مجرب معمول است کہ تا نیم ماشہ ورق طلا کلاں مروارید ہر یک یکماشہ کافور چودا
یکنیم ماشہ بسد احمر سہ درم عود غرقی مشک خالص گل ارمنی ہر یک دو ماشہ بادرنجبویہ مغز
تخم خیارین ہر یک یک و نیم ماشہ یاقوت لعل بدخشانی ورق نقرہ ابریشم مقرض سماق گل سرخ
تخم کاہو مقشر تخم کشنیز مقشر ہر یک سہ ماشہ عنبر اشہب یا و بالا ماشہ مروارید ناسفتہ کہربا

یکدونیم پاو روغن حل کرده باز بآتش ملایم بجوشانند تا قریب بانعقاد رسد بیشتر در جام چینی گذارند تا دفعتہ
بالا آمده از مائیت جدا شود و روغن را بکف دست بر می دارند چنانچه عطر بر می دارند وطریق دیگر
که روغن لطیف می آید اینکه در شیر جوش دهند و شیر را بدستور ماست بندند و ماست مخض کرده مسکه
بگیرند مفرح ترنج دل را باعتدال خفقان ضعیف را زائل کند و نشاط تمام آرد بسبد کهربا زرنباد درونج
هر یک یکدرم عود خام یکمثقال پوست هلیلهٔ کابلی پوست بیرون پسته پوست ترنج ابریشم مقرض مروارید
ناسفته هر یک دو درم کشنیز خشک طباشیر هر یک سه درم بهمنین هر دو یک پنجدرم گاؤزبان [illegible]
بادرنجبویه آب انار آب به آب حماض آب زرشک هر یک ده درم قند سفید شربت بنفشه هر یک
صد مثقال آبها را با قند و شربت بقوام آرند و ادویه کوفته بیخته با آن بسرشند فصل دوم در
مفرحات جگر و معده و احشا قابض و غیر قابض است مفرح تالیف حکیم نظام الدین علی جهت ضعف
سوء القنیه وضعف معده وضیق النفس از معمولات مجربات والد ماجد او صله الله الی علی الدرجات
زعفران دو مثقال مروارید ناسفته یاقوت لعل بدخشی کهربا مرجان ابریشم مقرض زرشک بیدانه
انار دانه بیان دیگر زوفا هر یک یکمثقال گاؤزبان نعناع خشک بادرنجبویه رب السوس نارمشک
پوست بیرون پسته پوست ترنج سازج هندی عود خام قاقله مشک حب بلسان تخم کاسنی سعد عود بلسان
مصطکی صندلین طباشیر گل مختوم آمله ریوند چینی انیسون الک مغسول فستقین اسطوخودوس
تخم کرفس ورق گل سرخ زرنباد تخم کشوث درونج عقربی بهمنین خصیة الثعلب شنه سنبل الطیب
قصب الذریره کافیطوس قرنفل ترنج عصاره غافث فقاح اذخر ناردین افتیمون مرزنجوش جاوشیر
مشک طرامشیع ورق طلا ورق نقره عنبر اشهب مشک خالص هر یک نیم مثقال با سه چند قند سفید
بسرشند شربتی یکمثقال بعد الغذا خورد و آب مفرح قابض دافع اسهال و مقوی احشا نافع اسهال کبدی
و معوی است زعفران نیم جزو مرجان لعل عود هندی هر یک یک جزو کشنیز خشک یک جزو و نیم عشقی
پوست ترنج برگ بهور و تخم حماض بریان ریوند چینی زرشک منقی خشخاش بریان سرطان نهری

دارشیشعان صمغ عربی دم الاخوین هر یک دو جزو مروارید ناسفته کهربا بسد احمر هر یک سه جزو بهمنین سفید
طباشیر طین مختوم تخم خرفه بریان حب الآس هر یک پنج جزو کوفته بیخته با سه وزن ادویه معجون سازند
مفرح معتدل از حکیم علی که در تقویت رحم و حفظ جنین بغایت نافع است مشک خالص نیم مثقال قاقله کبار
گل مختوم کافور تخم کشنیز لاجورد مغسول گل ارمنی قرفه سنبل الطیب زرشک بادرنجبویه عنبر اشهب
ورق نقره ورق طلا هر یک یکدرم لعل بدخشی یاقوت رمانی هر یک یکمثقال مروارید ناسفته بسد
کهربا زعفران گاوزبان مصطکی دارچینی ابریشم خام پوست ترنج بهمنین سفید اشنه زرنباد
مغز تخم کدو تخم شیرین اظفار الطیب تخم خرفه مقشر تخم فرنجمشک طباشیر تخم خیار تخم کاهو هر یک دو
مثقال صندل سفید عود هندی گل سرخ درونج عقربی هر یک سه مثقال شربت حماض صد درم
عسل مصفی دو وزن ادویه معجون سازند شربت دو درم تا سه درم مفرح بارد دل را قوت دهد
و خفقان گرم و حرارت معده را نافع است ورق گل سرخ آمله مقشر کشنیز خشک تخم خرفه مقشر
طباشیر سفید صندل سفید زرشک منقی هر یک سه مثقال ابریشم مقرض مروارید ناسفته کهربا هر یک
دو مثقال ورق نقره مشک هر یک یکمثقال عنبر اشهب یک دانگ آب سیب شیرین قند سفید قدر
کفایت دیگر بجهت جگر بغایت نافع و همه جهت بهتر از دواء المسک یاقوتی است و برای خفقان
و تب دق و ناقهین و بخار سوداوی سوخته نهایت سود شیخ الرئیس در ادویه قلبیه ذکر کرده زعفران
نیم مثقال مروارید بسد کهربا تخم کندر که از دیار هند رسد کشوره ناسفته سرطان نهری محرق ابریشم
مقرض هر یک یک مثقال اگر تخم کندر بهم نرسد چوب کندر سه مثقال زر اخلنا بید کافور مسحوق عود یک دانگ
مشک و سدس آن عنبر مسحوق بلیغ یکمثقال و نیم عود هندی درونج زرنباد بهمن سفید هر یک دو
درم صندل دو مثقال تخم خرفه قاقله صغار طباشیر هر یک سه درم تخم کاهو مقشر تخم خربزه
تخم کدو مغز تخم بادرنگ هر یک پنجدرم گاوزبان پنج مثقال گل سرخ هفت درم با شربت سیب و شربت
و رب انار بقدر کفایت معجون سازند صاحب تحفه و قادری در این تصرف کرده مشک و آنگه

دانگی عنبر دو دانگ زعفران نیم مثقال مروارید ناسفته کهربا سرطان نهری سوخته ابریشم
مقرض صندل سرخ کافور هر یک یکمثقال عود هندی درونج زرنباد بهمن سفید هر یک مثقال و
دو دانگ صندل سفید سنبل الطیب طباشیر هر دو مثقال تخم کاهو مقشر مغز تخم خربزه مغز تخم کدو مغز تخم خیار
مغز تخم خرفه هر یک سه مثقال گاوزبان سه مثقال و نیم گل سرخ پنجمثقال رب سیب رب انار رب به
بالسویه چندانکه ادویه مفرح بارد گل سرخ طباشیر بهمن سفید گاوزبان هر یک یکدرم کشنیز خشک
صندلین مروارید ناسفته کهربا هر یک نیمدرم خرفه مقشر خیارین هر یک دو درم زرشک بی دانه
سه درم سنبل دانگی کوفته بیخته بشراب سیب بسرشند شربت مثقال مفرح بارد بدفوق و
مسلول را نافع است و شکم را به بندد و ضعف دل را از گرمی باشد نافع بود لولو کهربا گل ارمنی صمغ
عربی طباشیر هر یک شش درم رب السوس نیمدرم تخم خشخاش سفید مغز تخم خیارین هر یک یکدرم
کشنیز بو داده هر یک مثقالی رب سورد ده درم شربت سیب شیرین دو من اجزا کوفته بیخته
با ربوب بسرشند مفرح معتدل دل را قوت دهد خفقان را دفع کند و باوجود این فواید مقوی
باه است و اصحاب مراقیان و توحش عجیب گاوزبان گیلانی کهربا مروارید تخم کشنیز مقشر
بهمن سفید گل سرخ پوست ترنج تخم خرفه مقشر ابریشم محرق اجزا برابر بجلاب بسرشند شربتی
یکمثقال مفرح یاقوتی شیخ الرئیس فقیر بکرات تجربه کرده جهت محرور بغایت نافع است و همچنین
جهت بهتر است از دواء المسک بارد و یاقوتی بارد جهت ناقهین و تپ دق و خفقان حار و دفع
بخار سوداوی سوخته بغایت موثر است ص تخم کاهو مقشر مغز تخم خربزه مغز تخم کدوی شیرین
مغز تخم خیار تخم خرفه مقشر گاوزبان هر یک نه ماشه مروارید ناسفته کهربا سرطان نهری محرق
ابریشم مقرض هر یک سه ماشه صندل سفید صندل سرخ طباشیر دانه هیل خورد هر یک نیم توله عود
هندی درونج زرنباد بهمن سفید هر یک پنجماشه گل سرخ یکتوله سه ماشه زعفران یکنیم ماشه
مشک یکماشه عنبر اشهب یکماشه شربت سیب شیرین شربت انار شیرین شربت به شیرین هر یک

چهار توله ورق نقره هفت ماشه کشنیز مقشر سفید مفرح یونس معروف لطبی لاغس که برای بعضی اطبا بر دوم
ساخته بود نافع خفقان حاره و مانع تصعد بخره از معده بدماغ مفید برای صدر و دوار و تشنج و بعضی
و صرع و مالیخولیا و هر بیماری که بحیوانان عارض شود و مسکن حمی شدید و لعاب آن مزیل عطش و قطع خون
و جهت نکاه شم عجیب الفعل است بارد در درجه ثانی و خشک است در درجه اول ضد هضم تشانج و سر برود
دارد و لقا و قوت آن هفت سال است قدر خوراک یکمثقال صفت آن آمله نیست درم برادر شیر
گاو تا یکهفته بخیسانند بعد او در کلاب تا سه روز تر نمایند پس بجوشانند تا خوب مهرا شود و با شربت
سیب و شربت ریباس و شربت انار ترش هر سه هم چند ادویه بقوام آورده گل سرخ برگ گاوزبان
تخم خرفه از هر واحد بیست درم صندل زرد صندل سرخ بادریان سنبل الطیب بهمن سفید از هر یکی
ده درم ابریشم دارچینی کزبره طباشیر شقاقل پوست ترنج پوست نارنج کهربا از هر یک پنج درم
مروارید مرجان سه درم زمرد یاقوت ذهب فضه دو درم جواهرات را با ترشی ترنج صلایه نموده
دیگر ادویه کوفته باریک سوده داخل قوام نمایند مفرح بارد که در تقویت اعضای رئیسه و ام
باه و تقویت دل و رفع توحش بی نظیر است بهمن سفید بهمن سرخ شقاقل مصری صندل سفید
کشنیز مقشر و انیسون تودری زرد تودری گل گاوزبان هر واحد یکتوله گلنار گاوزبان غنچه گل سرخ
طباشیر مروارید کهربا هر واحد شش ماشه ابریشم مقرض هشت ماشه زعفران عنبر اشهب دو دو
ماشه مغز تخم کدو مغز تخم خرفه هر یک دو توله مغز بادام شیرین مغز نارجیل دو دو توله تخم خشخاش
نه ماشه عسل سفید خوشبو هشت توله نبات سفید شربت سفید شکر تیغال هر واحد بیست توله ورق
نقره بیست و پنج عدد مفرح بارد مختص فقیر حقیر جهت مسلول که از نفث مده و دم و سعال و علم
بحالت سهوکت و نحافت مبتلا بود و شکات را بر حیات در دست سید است و از بخار لازمی خفقان
دایمی بهیجانی از حد سیما الیه پس مفید افتاده شد بعد چندین استعمال آمده و خالی از نفع نمانده
اجزا ترکیبش شاهد فواید اوست گل مختوم گل ارمنی کهربا شمعی صلایه سوده نه نه ماشه

بیخته بدان بسرشند والله اعلم فصل سیوم در مفرحات باهیه مفرح که جهت درد مفاصل
و عرق النسا و نقرس و ضعف باه مفید سورنجان شیرین لبوب زیدان فلنجان تخم خربزه تخم خیارین
بادیان بسباسه بهمن سفید بهمن سرخ گاوزبان تودری هر یک سه مثقال قند مصری سه برابر ادویه الوزن
کوفته بیخته در دو چند ادویه یک چند سورنجان شیرین سرشته مفرح سازند باب پنجم در مقیات و محتوی
بر دو فصل فصل اول که با مراض دماغی مفید است مقی برای بسیر غش بگیرند مرغ العسل آلوده
بپاشند بران خردل سوده کجلی بگردانند تا قی آید دیگر تخم ترب تخم شبت هر دو را آب بپزند
و صاف نموده داخل نمایند در آن سکنجبین عنصلی و اندکی نمک هندی بپاشند و مرغ بروغن سوسن
چرب کرده و بران خردل کوفته بعسل آغشته با پارچه فقرا آلوده کجلی فرو برند و حرکت دهند
فصل دویم در مقیات که با مراض معده و غیره استعمال میشود مقی صفرا و بلغم نمک دو
مثقال سکنجبین عنصلی ده مثقال آب ترب چهل مثقال باهم آمیخته نیم گرم بیاشامند مقی سوداء
مختلف برآرد مغز تخم خیارین سوس هر واحد چهار درم نمک هندی یکدرم جو بهای شبت ده
درم ترب ریزه ریزه کرده بیست درم در چهار رطل آب بپزند تا که ثلث رسد صاف کرده نیم گرم
بنوشند و استفراغ نمایند باب ششم در نسخها که بلفظ ملح نوشته شده ملح سلیمانی جهت تخمه
در معده و نفخ و جمیع دردهای مفاصل و جراحات معده و بصر مصفی لون و بند سپیدی کلف و بهق
و سختی کلیه و مزیل ربو و محرک جماع بسیار بکند منی را مزید شود و بسوی زنان و دافع سم و دافع هیضه قایم
مقام تریاق است بلکه اجود از آن در صیف و شتا مستعمل میشود نمک جید چهار رطل خوب بریان
کنند پس در ظرف سفال نهاده اندر تنور گذارند تا که آتش تنور سرد شود بعده بیارند ملح هندی
نوشادر نمک درانی هر یک شش اوقیه تخم کرفس بیست درم فلفل سیاه پانزده درم فلفل سفید
دوازده درم اذخر پانزده درم افتیمون سنبل الطیب شونیز سیاه هر یک شش درم
دارچینی کاشم مغز تخم معصفر زنجبیل اصل السوس انیسون هر یک چهار درم همه را علیحده علیحده

علیحده بکوبند و بیخته آب سوا زنند کرده با نمک و گوگرد مخلوط نمایند و در ظرف چینی بندند یا سفال و تا اندازه روز
دفن نمایند و هر قدر که کهنه شود بهتر باشد جهت حدت بصر و دو دانگ بنهار خورند و جهت باد در
نیم شبت و برای هضم اشتها با همراه طعام بقدر حاجت و برای اوجاع و اورام باید که با شکل ...
درد بمالند و بالای آن برگ ... بپاشند و کاشم عبارت از زیره کوهی است اگر بهم نرسد بدلش زیره
سوروغا اندازند حرف النون مشتمل بر دو فصل فصل اول در نطول نطول از برای سرسام
صفراوی نافع گل بنفشه تراشه کدو و برگ گل نیلوفر گل خطمی عنب الثعلب جوشانیده صاف نموده نطول
نمایند و اگر بیداری بسیار باشد تخم کاهو پوست خشخاش با برگ بابونه داخل نمایند نطول دیگر
در این باب و جهت سهر سرسام نافع و سرسام حار را هم مفید است گل سرخ گل بنفشه تخم کاهو گل بابونه
پوست خشخاش بقدر حاجت گرفته در آب جوشانیده صاف نموده نطول نمایند و ثفل را ضماد نمایند
دیگر جهت سرسام حار گل سرخ گل نیلوفر تخم کاهو چغندر هر یک یک توله پوست خشخاش نیم توله
بجوشانند و نطول سازند نطول لیثرغس و سکوت را نافع است مرزنجوش شبت برگ اترج صعتر
اکلیل الملک بابونه قیصوم سداب حاشا جمله مساوی بجوشانند و بر سر بریزند نطول تشنج یبسی را
سود و بنفشه برگ کشنیز گل نیلوفر برگ کاهو بابونه آب شیرین بپزند و بر سر تنطیل نمایند اغلب
سبات سهر را در وقتیکه علامت صفرا یا علامت بلغم بود نافع و بنفشه اصل السوس
اکلیل الملک بابونه کشنیز خشک جو شب بجوشانند و بر سر ریزند و سر بجای آن نگاه دارند و آنجا که علامت
بلغم غالب بود ورق غار سداب بیخ کرفس زوفا خشک صعتر حبه [illegible] اجزای مسطور افزایند
نطول که در اول امر که برای ... تبرید در معالجه جنون بکار آید گل بنفشه گل نیلوفر
زیت خطمی برگ بید تراشه کدو و تر تازه برگ کاهو برگ خطمی سفید از هر یک کفی برگ عنب الثعلب
برگ خبازی از هر یک دسته سپستان دو کف گل سرخ برگ خشخاش سه کف جو مقشر کف
نیمکوفته در آب بجوشانند تا مهرا شود و صاف نموده روغن بابونه روغن کدو نیم اوقیه

کافور دانق بجمیع بشراب التفاح والسکر الطبرزد فانه عجیبة هرچند درین نسخه یاقوت نیست اما چون
اضافه کرده استعمال نموده مفید زیاده افتاده درو اینجا نوشته شده یاقوتی یاقوت رمانی
لعل بدخشانی لاجورد هر یک سه ماشه مروارید ناسفته چهار ماشه لاجورد مغسول چهار نیم ماشه صندل
سفید عود قماری ورق گل سرخ هر یک یک ماشه گاوزبان بهمن سفید هر یک سه و نیم ماشه کشنیز مقشر
سنفی مغز تخم کدوی شیرین هر یک سه ماشه تخم بادرنجبویه دو و نیم ماشه طباشیر تخم خرفه مقشر مغز تخم خیار
هر یک سه و نیم ماشه ابریشم مقرض تخم کاهو مقشر هر یک سه ماشه مشک خالص یک ماشه ورق طلا دو ماشه
ورق نقره هفت ماشه قند سفید نبات سفید عسل سفید هر یک نوزده توله فصل دوم در یاقوتی
معمول یاقوتی یاقوت رمانی یاقوت زرد یاقوت کبود یاقوت سفید هر یک یکمثقال لعل بدخشی
فیروزه هر یک چهار ماشه زمرد دو ماشه عقیق یمنی یک مثقال یشب سبز چهار ماشه یشب سفید نیم مثقال
مروارید ناسفته کهربا شمعی لاجورد مغسول هر یک نیم مثقال زرنجبیک یکمثقال ابریشم مقرض
ورق قرنفل هر یک چهار ماشه پوست بیرون پسته یکمثقال آمله مقشر پوست هلیله کابلی بلیله
دو نیم مثقال گل نیلوفر صندل سفید گل سرخ قرنفل دارچینی هر یک چهار ماشه گاوزبان گیلانی نیم
مثقال عصاره زرشک سه مثقال عود قماری یکمثقال درونج عقربی گل مختوم هر یک یکمثقال
نیم مثقال طباشیر سفید ششماشه عنبر اشهب کل دارچینی هر یک نیم مثقال مشک ترکی یکنیم ماشه کافور
بیخ سرخ قاقله کبار چهار ماشه ورق طلا سنبل الطیب سازج هندی بهمن سرخ هر یک یکمثقال
بهمن سفید یکمثقال شربت سیب شربت به شیرین آب حماض اترج نیم پاو عرق بید مشک گلاب هر
نیم سیر بدستور معقر رب بسازند یاقوتی معتدل از نسخهای مجربه معمول کافور جو دانه ربع مثقال
مشک از خر نیم مثقال عنبر اشهب قاقلین ورق نقره ورق طلا گل مختوم کشنیز لاجورد مغسول
مروارید ناسفته زعفران گاوزبان مصطکی بسد دارچینی ابریشم مقرض پوست ترنج بهمن
سفید زرنباد درونج مغز تخم کدو انفقا الطیب باریس تخم خرفه فرنجمشک طباشیر مغز تخم خیار